

اسرارِ محبت و سرورِ دل

مکتوبات

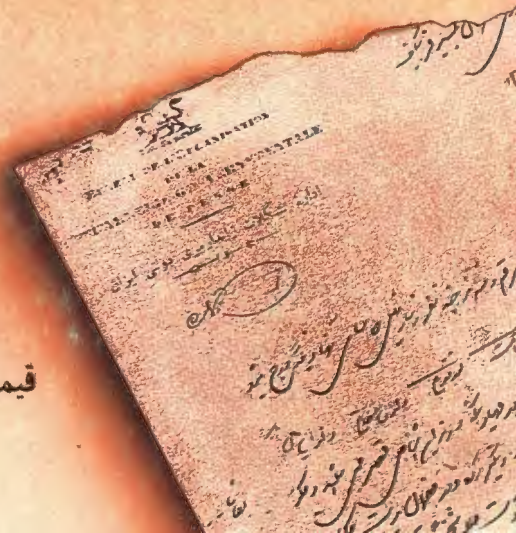
بہرِ زلفی

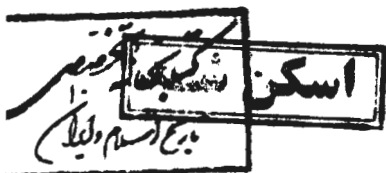






قیمت: ۱۶۰۰ ریال





اسناد جنگ اول جهانی در ایران

به کوشش
بهر روز قطبی

همراه با:
خبرهای تلگرافی جنگ پروس و فرانسه
به خط ناصرالدین شاه قاجار



نشر قرن



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اسناد جنگ اول جهانی در ایران

به کوشش: بهروز قطبی

چاپ اول: پاییز ۱۳۷۰، تعداد ۵۵۰۰ نسخه

(هرگونه برداشت از سندهای این مجموعه بدون اجازه کتبی ممنوع است)

تهران - میدان حسن آباد - خیابان استخر - ساختمان شماره ۳

تلفن: ۷۵۵۵۷۶ و ۷۶۵۰۰۱

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه ناشر
۶	پیشگفتار

بخش اول:

۱۷	اسنادی از اوضاع عمومی ایران پیش از جنگ (۳۲ - ۱۳۲۸ هـ . ق)
	نامهٔ سفارت انگلیس در خصوص مصادرهٔ اموال مستعمره چیان
۱۸	توسط تنگستانی‌ها
۱۹	شکایت وزیر مختار انگلیس از اقدامات ملاخورشید
۲۰	تلگرام‌های والی فارس به حکمران بوشهر
	برافراشتن پرچم دولت‌های بیگانه برای مصون ماندن از تعقیب
۲۲	و تعرض مأموران دولتی
۲۴	آدم‌ربائی قزاقان در رامیان
۳۱	قیام نمک در سمنان
۳۶	اطلاعیهٔ بلدیة در مورد تأمین آب مصرفی مردم تهران
۳۷	پیشنهاد اخذ مالیات از کتیرای کرمان

- قیام خدام قم ۳۹
- تعیین جایزه برای قتل و یادستگیری محمدعلی شاه و همراهان ۵۰
- تعیین تعرفه تلگراف در مجلس ۵۲
- سفر هیات علمی فرانسه به نقاط مختلف ایران ۵۴
- بیانیه کمیته اتحاد اسلام (نهضت جنگل) دربارهٔ بمباران مردم فومن توسط هواپیماهای انگلیسی ۵۶
- نمایش فیلم در مهمانخانه ایران ۵۸
- جمع آوری اعانه برای فقرا ۶۰
- نبرد دلبار و تلگرام حکمران بنادر به وزارتخارجه ۶۷
- نگرانی کنسول انگلیس از اوضاع اصفهان ۶۹
- واگذاری امتیاز پرورش کرم ابریشم به محتشم السلطنه ۷۲
- ماجرای به چاه انداختن کنسول روسیه در اصفهان ۷۸
- سوءظن عمومی نسبت به کلنل مریل آمریکایی ۸۲
- مقررات تابلوی مطب پزشکان ۸۳
- تقاضای انتشار مجدد نسیم شمال توسط سید اشرف‌الدین حسینی ۸۴
- تظلم مردم قصر شیرین از تابعیت اجباری عثمانی ۸۵

بخش دوم:

- اسناد دوران جنگ (۳۶ - ۱۳۳۲ هـ . ق) ۸۶
- اعلان بیطرفی دولت ایران در جنگ و پاسخ ولایات به آن ۸۷
- تهدید کنسول روسیه به توقیف جراید تهران ۹۱
- دعوت آلمان به صرف غذا و تکذیب بیطرفی ایران ۹۳
- اعلان جهاد علماء علیه متفقین ۹۴
- عزیمت قشون روس به نمک کور ۹۷

- ۹۸ تبعید مدیر روزنامه طوس به تقاضای کنسول روسیه در مشهد
اختلاف کنسولگری روسیه و ژاندارمری اصفهان بر سر
دستگیری افراد ایل «نفر»
- ۱۰۲
- ۱۰۸ فرار اسرای اطریشی و عثمانی از روسیه و تعقیب آن در ایران
- ۱۲۶ بدگویی حکمران بنادر از مبارزان تنگستانی
- ۱۳۹ تلگرام‌های رمز در مورد حرکت مأموران آلمانی به سوی خراسان
- ۱۴۴ نبرد کردند
- ۱۴۸ ترور نایب کنسول روسیه در اصفهان
- ۱۵۴ حمله راهزنان به درشکه مسیو پا که
- ۱۵۶ کمبود بودجه نظامیه و ژاندارمری
- ۱۵۹ تحریکات انگلیسی‌ها در فارس
- ۱۶۳ اشغال بوشهر توسط قوای انگلیس
- ۱۶۵ تقاضای آلمان برای تشکیل گارد ویژه
- ۱۶۵ آتش زدن حاصل حوالی سرپل
- ۱۶۶ ورود جهاز انگلیسی به یکی از بنادر جنوب ایران
- ۱۶۷ اعتراض روسیه به مصاحبه افسر سوئدی
- ۱۶۹ حرکت قوای روسیه به طهران
- ۱۷۲ شایعه جمع‌آوری سوار در همدان توسط کنسول آلمان
- ۱۷۳ جنگ روس و عثمانی در اطراف ملایر
- ۱۷۴ تحریکات آلمانی‌ها و حمل صندوق‌های اسلحه اطریشی‌ها به همدان
- ۱۸۴ دستگیری ۳ تن از اتباع آلمان در شاهرود
- ۱۸۵ بدرفتاری قزاقان روس با مردم شاهرود
- ۱۸۷ وحشت اهالی نردین از هجوم قوای روس
- قیام عمومی علیه روس و انگلیس و تحریکات آلمانی‌ها در یزد و کرمان

- ۱۹۹ ترور رئیس کمپانی قالی آمریکایی در کرمان
- ۲۰۰ رقابت روس، فرانسه و یونان برای تأسیس میکده در ایران
- ۲۱۳ دستور رئیس قشون روس برای خلع سلاح عمومی
- ۲۱۵ ضبط تفنگ ژاندارمری قم توسط قشون روس
- ۲۱۷ تلگرام کمیته دفاع ملی به علمای مشهد
- ۲۱۸ اقدامات کمیته دفاع ملی و رفع نگرانی انگلیس
- ۲۱۹ تأمین نیازهای ارتش روسیه در اراک
- ۲۲۰ ضمیمه شدن لیراوی به حکومت بنادر به خواست انگلیس
- ۲۲۴ تعقیب مأموران آلمانی درشاهرود و خراسان
- ۲۳۶ تبلیغات برضد بیطرفی ایران در جنگ
- ۲۳۷ شایعه ورود ۴۰ هزار قبضه تفنگ آلمانی به خراسان
- ۲۳۹ تعمیر توپ‌های میدان توپخانه
- ۲۴۲ توقیف پست فومن و شیلات انزلی
- ۲۴۳ خرید فشنگ و تفنگ برای مبارزان جنگل
- ۲۵۴ سربازگیری و نقل و انتقال قوای روس و انگلیس در ایران
- ۲۵۲ قتل و غارت روستائیان ایران توسط پلیس جنوب
- ۲۶۹ مراجعت قشون روس از ایران
- نامه شیخ احمد سیگاری و انتقاد از افراد سست عنصر و
- ۲۷۱ متزلزل نهضت جنگل
- ۲۷۳ بازداشت سلیمان میرزا توسط دولت انگلیس
- ۲۷۴ تفتیش ورود و خروج کشتی‌ها در دریای خزر
- ۲۷۵ اخراج مدیر مخابرات رشت
- ۲۷۶ سپردن مسئولیت تأمین نان و آذوقه مردم به مسیو میلتر
- ۲۷۶ داستان ساختگی پرداخت غرامت جنگی به ایران

بخش سوم:

- ۲۸۹ اسناد پس از جنگ اول جهانی (۴۰ - ۱۳۳۶ ه. ق)
- ۲۹۰ مرگ در زیر چرخ گاری قزاق‌ها
- ۲۹۱ سوء رفتار قزاقان در سلطانیه و زنجان
- ۲۹۳ ورود قشون هندی به باجگیران
- رنجنامه ۳ تن از مبارزان تنگستان در خصوص تجاوز
- ۲۹۴ قوای انگلیس به خاک ایران
- ۲۹۷ مبارزات دلیران تنگستان علیه انگلیس و دست نشاندگانش
- ۲۹۹ قتل یک سرباز به دست قزاق آتریاد اردبیل
- اختلاف کنسول فرانسه و حکمران بنادر بر سر تقدم ملاقات با یکدیگر
- ۳۰۱
- چوب زدن رئیس محمد علیخان تنگستانی و اخذ یکهزار و
- ۳۱۵ دویست تومان مالیات از او
- ۳۱۸ خبررسانی در جنگ اول جهانی
- ۳۲۲ مخالفت علمای همدان با تأسیس سینما توسط یک فرد انگلیسی
- ۳۲۳ همراهی خالو قربان با عوامل دولتی علیه انقلابیون جنگل
- ۳۲۵ تقاضای اعزام حاکم نظامی به دشتی و دشتستان
- ۳۲۸ نامه وکیل زائر خضرخان تنگستانی به وزیر داخله
- درخواست حکمران بوشهر برای اعزام قشون نظامی، سرکوب
- ۳۲۸ دلیران تنگستان و دفاع از انگلیسی‌ها
- بخش چهارم (ضمیمه کتاب):
- خبرهای تلگرافی جنگ پروس و فرانسه به خط ناصرالدین شاه قاجار
- ۳۳۱ (۱۸۷۰ میلادی - ۱۲۴۹ شمسی)
- ۳۶۸ فهرست اعلام

اسناد این مجموعه به شماره ۱ - ۲۱۰۱۵ تنظیم و
زیر شماره‌های $\frac{۱۹۸}{۳۷۴۳}$ الی $\frac{۲۰۰}{۳۷۶۶}$ در
سازمان اسناد ملی ایران آرشیو شده است.

به نام خدا

مقدمه ناشر

در قالب یکی از ساده‌ترین تعریف‌ها، کردار و حرکت اجتماعی - سیاسی انسان را با قید زمان و بر بستری جغرافیایی، «تاریخ» می‌نامند، و تاریخنگاری بر پایه همین تعریف ساده نیز فعالیتی است دقیق، ظریف، دشوار و سترگ با شناسنامه‌ای مشخص، که بر اساس حقیقت جویی، دانشی گسترده و همتی بلند می‌طلبد.

متأسفانه در میهن ما از دیرباز، و به ویژه در پنجاه، شصت سال اخیر این کار سترگ - به علت‌ها و دلایل‌های گوناگون - غالباً آلوده به شائبه‌ها، گرایش‌ها و غرض‌های خاص بوده است، و بسیاری کسان که بر این عرصه داعیه‌ها داشته‌اند در ابتلاء به تساهل، یکسونگری و شتابزدگی‌های ناگزیر، امر تاریخنگاری را از زاویه‌های تنگ و مخلوط با مقوله‌ها و اموری یکسره بیگانه با ذات تاریخ و واقعیت‌های پنهان و آشکار تاریخی نگریسته‌اند.

شاید یکی از علت‌های ناتوانی برخی تاریخنگاران معاصر کشورمان که به رغم بعضی کوشش‌ها و هدف‌های نیک، در زمینه ثبت و نگارش وقایع جامع تاریخ و رویدادهای سرنوشت‌ساز حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ملت ایران در نیم قرن ماضی ناکام مانده‌اند، دسترسی نداشتن به انبوه سندها و مدارک‌های معتبر بوده است. بی‌گمان نگارش تاریخ عمومی هر دوره از حیات سیاسی - اجتماعی یک ملت، بدون بهره‌گیری دقیق و وسیع و بی‌دغدغه از اسناد و مدارکی که معمولاً به سادگی و سهولت در دسترس تاریخنگار و تاریخ‌شناس قرار نمی‌گیرند، کاری است ناقص، نارسا و ناتمام.

در یک کلام: بی‌بهره ماندن از اسناد و مدارک متنوع در هر زمینه، نویسنده

تاریخ را گرفتار برداشت‌ها و تلقی‌های اشتباه‌آمیز می‌کند، و چه بسا که او را به چاه و چاله خطاهای فاحش می‌اندازد.

با نگاهی گذرا به مطبوعات چندین دهه گذشته ایران می‌توان سیری سطحی بر ماجراهای بزرگ و رویدادهای پیچیده و به ظاهر رازآمیز و مبهم سیاسی داشت و این پرسش را مطرح ساخت که تاریخی چنین سرشار از وقایع مهم و گره خورده با حوادث سرنوشت‌ساز جهان، چرا تاکنون به صورتی جامع و یکپارچه تدوین نشده است؟ چرا آنچه درباره تاریخ پرتلاطم معاصر تا به حال به رشته تحریر درآمده از لحاظ شکل‌بندی و طرح موضوع و پیگیری مضمون، به گونه‌ای آزار دهنده مغشوش، پراکنده و گسیخته و در برخی موارد مقهور مضحکه‌هایی غمبار از تناقض و پریشان‌گویی‌های خیالپردازانه است؟

بخش سنگین و به ظاهر رنگینی از یادداشت‌ها و کتاب‌هایی که در مورد تاریخ معاصر و رویدادهای متنوع سیاسی - اجتماعی چندین دهه گذشته میهن ما نگاشته شده، حاصل تقلای غالباً تفننی‌آمیز بعضی رجال سیاسی ایران و یا سفیران و دیپلمات‌های بیگانه‌مأور در این سرزمین است. بهترین‌های این کتاب‌ها و یادداشت‌ها که بعضاً در ساخت تنگ و محدود خاطره‌نویسی و گزارش روزانه شیرازه گرفته، به علت محدودیت دانش و اطلاعات نویسندگانشان، و نیز به دلیل بی‌خبر ماندن آنان از تمامیت وضع و ناآگاهی از کنه وقایع پشت پرده، و مهم‌تر از همه، به لحاظ مستند نبودن به اسناد و مدارک معتبر و رسمی، چندان قابل اعتماد و اطمینان نیستند. حال بگذریم از این موضوع بسیار حائز اهمیت و توجه که اکثریت قریب به اتفاق نگارندگان این کتاب‌ها و یادداشت‌ها، علاوه بر محروم بودن و ماندن از وسعت دید و بینش و استقلال در تفکر و تعلق خاطر، خواسته یا ناخواسته مجذوب گرایش‌های خاص عقیدتی و سنگگیری‌های سیاسی بوده، به جانبداری از فرد یا افراد مصدر قدرت و سیاست‌های مقطعی این یا آن کشور قدرتمند می‌پرداختند. البته ناگفته نمی‌توان گذاشت که از خلال مطالب این کتاب‌ها و یادداشت‌ها نکته‌هایی از مجموعه تاریخ معاصر کشور را می‌توان دریافت، که به رغم پاره‌ای روشنگری‌ها، به صورت مجرد ارزش‌چندانی ندارد.

به هر تقدیر، در دوران نوین پس از انقلاب اسلامی نیاز به آگاهی عمیق و

گسترده از تاریخ کشور - به ویژه تاریخ یکصد ساله گذشته - آشکارا چهره نموده است و ضرورت درک تاریخی از وقایع و رویدادهایی که در روند تکاملی حکایت از بیداری، پویایی و تحرک تاریخساز ملت ایران دارد، تاریخنگاران راستین را برای زدودن تاریکی‌ها و ابهامات به گونه‌ای جدی مطرح ساخته است.

ادراک تاریخ و درک تاریخی برای داوری درباره وقایع گذشته و شناخت رویدادهای کنونی، به مردم و خاصه به نسل نو توان می‌بخشد، و ملت را در ترسیم خطوط آینده یاری می‌دهد. بی‌اطلاع ماندن لایه‌های وسیعی از مردم کشورمان، به ویژه جوانان و نوجوانان، از وقایع و حوادث بزرگ و کوچک و به هر حال عبرت‌آموز تاریخی، تدوین تاریخ ایران را به طور عام و تاریخ معاصر را به طور خاص به عنوان یک ضرورت مبرم جلوه داده است، و برای پاسخ به این ضرورت حتمی و حیاتی تأسیس یک بنیاد، و سازمان دادن به تلاش‌های پراکنده اجتناب‌ناپذیر است.

در جهت تدوین تاریخ عمومی معاصر ایران، ضمن بهره‌گیری از همه کتاب‌ها و رساله‌های تحقیقی موجود در کتابخانه‌های ایران و جهان، امکان سود بردن از دو منبع مهم و در دسترس دیگر قویاً موجود است. این دو منبع که امروز در بیشتر کشورهای جهان برای تدوین تاریخ مورد استفاده پژوهشگران و تاریخنگاران قرار می‌گیرند عبارتند از: سندهای تاریخی مکتوب و شفاهیات افراد کهنسال که خود شاهد و ناظر رویدادهایی تاریخی بوده‌اند. در مورد اول بازیابی، بازخوانی و تنظیم اسناد و مدارک تاریخی موجود در کشور، به رغم دشواری‌ها و سنگینی و دامنه وسیع کار، به تاریخنگاران یاری‌های بسیار می‌رساند و آنان را از خطاها و تردیدها مصون نگه می‌دارد. در مورد دوم نیز می‌توان سازمان یافته، منظم و منسجم عمل کرد و کاربرد مصاحبه با کهنسالان و شاهدان زنده وقایع و رویدادهای تاریخی را در خدمت تدوین تاریخ معاصر درآورد.

در مورد گردآوری و تنظیم اسناد و مدارک تاریخی برای تدوین تاریخ معاصر، این نکته گفتنی است که خوشبختانه در هر زمینه سندهای معتبر وجود دارد و این سندها و مدارک، در صورت دسته‌بندی شدن، راه را برای تحقق تاریخی هموار می‌سازد.

اسناد ارزشمند تاریخی که در گذشته - به قول استاد باستانی پاریزی - به جای

«آرشیو»های قابل دسترسی، در «مارشیو» نگهداری می‌شدند، (چون مأموران به ظاهر معذور مانند مارهایی خفته بر سر گنج از نزدیک شدن پژوهشگران به سندها قویاً و قهراً جلوگیری می‌کردند!) در دوران نوین و در پرتو دگرگونی‌های جدید، و به لطف بر سر کار گماشته شدن اشخاص متعهد و دلسوز، در بیشتر سازمان‌هایی که اسناد و مدارک تاریخی را نگهداری می‌کنند، به سهولت در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرند. اکنون مسئولان جدید آرشیوهای اسناد تاریخی به این واقعیت واقف‌اند که اگر اسناد مورد نیاز تاریخنگاران برای مطالعه همه علاقمندان تنظیم و چاپ شوند، تدوین تاریخ عمومی معاصر با دشواری‌های کمتری مواجه خواهد شد.

ختم کلام: گردآوری و تنظیم اسنادی که در این مجموعه چاپ شده به نوبه خود کاری سخت، ولی مطبوع بوده است، و اگر یاری و همراهی دلسوزانه برادران مسئول سازمان اسناد ملی ایران در کار نمی‌بود، سندهای ارزشمندی که در این مجموعه از نظر گرامی‌تان می‌گذرد و نکاتی مهم و در خور توجه و تعمق از وقایع تاریخ معاصر کشورمان را روشن می‌کند، کماکان در آرشیوها زندانی می‌ماند و چه بسا که در غبار نسیان رنگ می‌باخت.

این اسناد مربوط به رویدادهایی از سالهای جنگ اول جهانی در ایران است، رویدادهایی مهم که در مورد آنها تاکنون کمتر مستند نوشته شده است. البته کتاب معروف «ایران در جنگ بزرگ»، تألیف مرحوم مورخ‌الدوله سپهر را، که در حد خود کتابی است خواندنی، در این میان می‌توان یک استثناء دانست، ضمن این که دسترسی نداشتن مؤلف «ایران در جنگ بزرگ» به اسناد محرمانه دولتی باعث بی‌خبر ماندن او از بسیاری رویدادها بوده است. علاوه بر این نقص، جانب‌داری آشکار مورخ‌الدوله سپهر از سیاست‌های دولت آلمان بر کتابش سایه افکنده و آن را از جهات تاریخی ملوک کرده است.

به هر حال، با عنایت به نبود کتاب‌ها و یادداشت‌های معتبر و مستند درباره برخی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی - اجتماعی ایران در دوران جنگ اول جهانی، سندهای ارائه شده در این کتاب می‌تواند روشنگر بسیاری از مسایل سیاسی و اجتماعی ایران آن زمان باشد. ویژگی بارز اسناد گردآوری شده در کتاب حاضر «دولتی و رسمی» بودن همه آنها و «محرمانه» بودن برخی از آنهاست، که اکنون به لطف

تحولات تاریخی نه «دولتی و رسمی» اند و نه «محرمانه»!
گردآوری و تنظیم این اسناد شاید گامی کوچک باشد در جهت خدمتی ناچیز
به پژوهشگران و تاریخنگارانی که می‌توانند همتی بلند به خرج دهند و تاریخ مستقل و
عمومی معاصر ایران را تدوین کنند.

پیشگفتار

در سال ۱۹۲۳ هجری شمسی - ۱۹۱۴ میلادی - و در پی بالا گرفتن رقابت نظامی، سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپا، این قاره به انبار باروتی که تنها شعله یک کبریت می‌توانست آن را منفجر کند، تبدیل شد، که سرانجام با قتل «آرشیدوک فرانسیس فردینالد» ولیعهد اتریش این کبریت کشیده شد و در مدت زمانی کوتاه شعله‌های جنگ بر خرمن زندگی اروپائیان افتاد و دامنه آن ایران را نیز فراگرفت. «صربستان» همسایه بزرگش اتریش را به بدرفتاری با «صربی»‌ها متهم می‌کرد و اتریش نیز به صربستان اعتراض داشت که قصد برپایی آشوب و سرنگون کردن پادشاهی اتریش را دارد.

در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ میلادی یک جوان صربستانی ولیعهد اتریش را با شلیک گلوله از پای درآورد و این امر بهانه خوبی به دست اتریش داد تا در صدد تنبیه صربستان برآید. از اینرو اتریش علیرغم پوزش‌خواهی صربستان، در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ به این کشور اعلام جنگ داد. این اولتیماتوم همانند آتشی بود که بر دشتی از گیاه خشک افتد: در اوت ۱۹۱۴ میلادی روسیه جانب صربستان را گرفت و آلمان به طرفداری از اتریش برخاست. فرانسه نیز که یکی از دوستان روسیه بود، به یاری این کشور شتافت.

آلمان در خاک بلژیک پیشروی کرد و با ورود به خاک فرانسه، به ساحل رودخانه «مارن» در ۳۲ کیلومتری پاریس رسید.

آلمان در «مارن» از فرانسه شکست خورد و در این هنگام انگلیس به یاری فرانسه و بلژیک شتافت. به این ترتیب دامنه جنگ به بسیاری از کشورهای جهان کشیده

شد و طرف‌های متخاصم در دو جناح «متحدین» و «متفقین» صف‌بندی کردند. در اکتبر سال ۱۹۱۷ با وقوع انقلاب در روسیه، رژیم تزاری سرنگون شد و انقلابیون سرگرم پیشبرد دامنه کار و برنامه‌هایشان شدند. در همین حال آمریکا پس از سه سال دوری از جنگ، هنگامی که با غرق شدن کشتی‌هایش به وسیله زیردریایی‌های ارتش آلمان مواجه شد، پای به میدان کارزار نهاد و در اندک زمان حدود دو میلیون سرباز به اروپا گسیل کرد و به جنگ با متحدین فرستاد.

آلمان و همپیمانانش سرانجام در دوم نوامبر ۱۹۱۸ تسلیم شدند و به این ترتیب نخستین جنگ جهانگیر تاریخ به بهای ویرانی هزاران شهر و روستا و مرگ میلیون‌ها انسان به پایان رسید. حکومت آلمان به جمهوری تبدیل شد، به جای صربستان کشور یوگسلاوی تولد یافت و امپراطوری بزرگ اطریش تجزیه شد و از مجموعه آن کشورهای مستقلی پدید آمدند.

پس از جنگ، متفقین پیروز بر روند استعمارگرانه در کشورهای کوچک و زیر سلطه خویش سرعت بخشیدند و شیوه‌های تازه‌تری را برای به بند کشیدن ملت‌های محروم جهان برگزیدند.

از سوی دیگر همزمان با رشد احساسات ملی‌گرایانه در کشورهای شکست خورده در بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا نهال آزادی و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی جوانه زد، شاخ و برگ گسترد و در مقابل سال‌ها ظلم و جور امپریالیسم قد برافراشت.

آتش جنگ در ایران

شعله‌های جنگ اول جهانی در حالی به ایران رسید که احمد شاه قاجار تازه به تخت سلطنت نشسته بود و جناح‌های مجلس سوم یعنی «دموکرات عامیون» و «اجتماعیون اعتدالیون» بر سر اتحاد با آلمان علیه روسیه و انگلستان و یا حفظ بیطرفی ایران در جنگ، منازعه و کشمکش داشتند و سفارتخانه‌ها نیز برای جذب سیاست پیشگان و روشنفکران ایران سخت فعالیت می‌کردند. دولت‌های پرنفوذ خارجی وکیل، وزیر و نخست‌وزیر عوض می‌کردند، برای تأمین امنیت سفارتخانه‌های خود افراد مسلح به خدمت می‌گماشتند و هر زمان لازم می‌دیدند، سلاح وارد کشور

می‌کردند تا در اختیار هواداران‌شان بگذارند. دلیران تنگستان به نبرد بی‌امان خود علیه قوای متجاوز انگلیس ادامه می‌دادند و در هر فرصت ضربات کاری و کشنده بر آنان وارد می‌ساختند.

انقلابیون جنگل نیز مبارزات دلیرانه خود علیه اشغالگران و حاکمان سرسپرده حکومت مرکزی را پی می‌گرفتند و خون پاک خویش را در راه اعتلای دین و میهن بر زمین می‌ریختند.

جراید صحنه درج مقاله‌های هیجان انگیز بود و صاحبان قلم له یا علیه متفقین و یا متحدین مطلب می‌نوشتند و منتشر می‌کردند.

فقر عمومی رو به تزايد بود و فحطی و گرسنگی بیداد می‌کرد. نواحی جنوب کشور عرصه تاخت و تاز نیروهای امپراطوری انگلیس بود و در شهرهای شمال قوای روسیه تزاری جولان می‌داد. شهرهای غرب کشور مورد تاخت و تاز ترکان عثمان قرار داشت و مأموران آلمانی با بهره‌گیری از احساسات ملی و ضدانگلیسی مردم ستمیده ایران، در صدد جای پای برای خود و تقویت جبهه‌های متحدین از طریق شکست روسیه و انگلیس در ایران و افغانستان بودند. احمدشاه، سلطان بی‌تجربه و بی‌کفایت ایران علیرغم احساسات ضعیف میهن‌دوستانه که در مقایسه با دیگر شاهان قاجار داشت و این تنها نکته مثبت زندگی‌اش به شمار می‌رفت، شاهد ترک‌تازی نمایندگان سیاسی دولت‌های خارجی و رجال داخلی بود و به جز امضایی که به پای سند اعلان بیطرفی ایران در جنگ جهانی می‌گذاشت، اقدام مهم دیگری از وی سر نزد.

در آغاز جنگ در سراسر ایران دو نیروی مسلح وجود داشت: بریگاد قزاق متشکل از ۸ هزار سرباز از اهالی قفقاز، مسلمانان آسیای مرکزی و ایرانیان داوطلب، که تحت نظارت افسران روسی اداره می‌شد و وظیفه‌اش حفظ نظم و اجرای سیاست‌های روسیه تزاری در ایالات شمالی ایران بود. و دیگری قوای ژاندارمری که توسط مستشاران سوئدی اداره می‌شد و به دلیل تمایل آنان به آلمان، همواره مورد تهدید روسیه و انگلیس قرار داشت.

در آن زمان ژاندارمری دولتی ایران دارای ۶ فوج ژاندارم بود که فرماندهان آنان را ۲۴ افسر سوئدی بر عهده داشتند. ستاد ژاندارمری در تهران قرار داشت و

ژنرال «یالمارسن»، مازور «نورن براندل»، مازور «کنرادهیل» و کاپیتان «اریک فریک» عضو آن بودند. علاوه بر آن مدرسه افسری با ۴۰ شاگرد و مدرسه درجه داری ژاندارمری با ۱۵۰ شاگرد در تهران تأسیس شده بود و مازور «هندل بول»، کاپیتان «نیسترم» و کاپیتان «سونسون» در آن تدریس می کردند.

□ نگاهی به مهمترین رویدادهای جهان در ایران

رویدادهای جنگ اول جهانی چه در ایران و چه جهان دارای پیش زمینه هایی بود و در پایان جنگ نیز آثاری از خود باقی گذاشت. مهمترین وقایع جنگ اول جهانی و قبل و پس از آن را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۲۰ اردیبهشت ۱۲۹۰ (۱۰ مه ۱۹۱۱): «مورگان شوستر» آمریکایی وارد ایران شد و اقدام های دامنه داری را برای اصلاح امور مالی و گمرک ایران آغاز کرد پیش از وی به دعوت حکومت مشروطه «ادلف پرنی» فرانسوی برای دادگستری، کلنل «یارلمارسون» و تعدادی از افسران سوئدی برای اصلاح امور ژاندارمری استخدام شده بودند و نظارت بر اداره های پست و گمرک نیز به عهده مستشاران بلژیکی بود.

۲۰ آبان ۱۲۹۰ (۱۱ نوامبر ۱۹۱۱): دولت روسیه تزاری که فعالیت های «شوستر» در ایران را به ضرر خود می دید، به ایران اولتیماتوم داد ظرف ۸ ساعت همه اقدام های وی را متوقف کند. در همین روز یک هزار نفر دیگر از سربازان روسی از مرز جلفا گذشته و به سوی قزوین به حرکت درآمدند.

۸ آذر ۱۲۹۰ (۲۹ نوامبر ۱۹۱۱): در پی بی اعتنائی انگلیس به درخواست کمک دولت ایران، روسیه برای اخراج «مورگان شوستر» اولتیماتوم دیگری به ایران داد و ایران به ناچار تعهد کرد بدون موافقت روسیه و انگلیس هیچ مستشاری استخدام نکند و هزینه لشکرکشی روسیه به ایران را نیز بپردازد. این تصمیم با مخالفت آزادیخواهان روبرو شد و در تهران، رشت و تبریز تظاهراتی علیه روسیه صورت گرفت.

۳ دی ۱۲۹۰ (۲۴ دسامبر ۱۹۱۱): دولت ایران اولتیماتوم روسیه را پذیرفت. مجلس شورای ملی منحل و «مورگان شوستر» از ایران اخراج شد.

۱۰ دی ۱۲۹۰ (۳۱ دسامبر ۱۹۱۱): عده ای از روحانیون و آزادیخواهان

تبریز به دستور روسیه به دار آویخته شدند.

۱۰ فروردین ۱۲۹۱ (۳۰ مارس ۱۹۱۲): مرفد مطهر امام رضا (ع) که مأمین عده‌ای از آزادیخواهان شده بود، به دستور روسیه به توپ بسته شد. از این تاریخ به بعد روسیه بر دامنۀ نفوذش در ایران افزود: حمایت از بزرگان مالکان آذربایجان و خراسان، جمع‌آوری مالیات‌های متعلق به دولت ایران و خرید روستاهای شمالی ایران به قیمت ارزان از جمله اقدام‌های روسیه برای گسترش نفوذ خود در ایران بود و همه این کارها در مقابل سکوت و خویشانداری انگلیس صورت گرفت. زیرا انگلیس نیز به نوبۀ خود در راستای گسترش و نفوذ در جنوب کشورمان گام برمی‌داشت.

۲۲ خرداد ۱۲۹۳ (۱۲ ژوئن ۱۹۱۴): احمد شاه که تازه به سن ۱۸ سالگی رسیده بود، تاجگذاری کرد.

۱۰ مرداد ۱۲۹۳ (اول اوت ۱۹۱۴): جنگ اول جهانی بین دولت‌های موسوم به اتفاق مثلث (روسیه، انگلیس و آلمان) با دولت‌های اروپای مرکزی (آلمان و اطریش) آغاز شد و به تدریج دولت‌های صربستان، بلژیک، رومانی، ژاپن، آمریکا، یونان، ایتالیا و پرتغال به دولت‌های اتفاق مثلث (متفقین) و دولت‌های عثمانی و بلغارستان به دولت‌های مرکزی (متحدین) پیوستند.

۹ مهر ۱۲۹۳ (اول اکتبر ۱۹۱۴): دولت عثمانی به بهانه اینکه وجود ۸ هزار سرباز روسی در ایران باعث نگرانش شده است، با ۶ هزار سرباز پیاده و سواره به ایران حمله کرد و نواحی قطور و مهاباد را به تصرف خود درآورد.

۱۰ آبان ۱۲۹۳ (اول نوامبر ۱۹۱۴): دورۀ سوم مجلس شورای ملی افتتاح شد و مستوفی‌الممالک که به حفظ بیطرفی ایران در جنگ معتقد بود، به نخست‌وزیری رسید. در مجلس سوم طرفداران حزب دموکرات و اعتدالیون مقابل هم ایستادند. دموکرات‌ها برای رهایی از قید استعمار روس و انگلیس به نزدیکی با آلمان اعتقاد داشتند و اعتدالیون می‌گفتند به دلیل ضعف شدید دولت ایران، حفظ سیاست بیطرفی به مصلحت کشور است. در همین حال انگلیسی‌ها یک تیپ مختلط هندی - انگلیسی وارد خوزستان کردند و مناطق نفت‌خیز را تحت کنترل درآوردند.

۸ آذر ۱۲۹۳ (۲۹ نوامبر ۱۹۱۴): دو لشکر روسیه پس از اشغال نواحی مرزی ایران، در داخل خاک عثمانی پیشروی کردند.

۲۳ دی ۱۲۹۳ (۱۳ ژانویه ۱۹۱۵): نیروهای عثمانی تبریز را که روس‌ها بدون جنگ تخلیه کرده بودند، اشغال کردند.

۱۰ بهمن ۱۲۹۳ (۳۰ ژانویه ۱۹۱۵): در نبرد «ساری قمیش» روس‌ها شکست سختی به عثمانیان دادند و توانستند تبریز را پس بگیرند.

۱۱ اردیبهشت ۱۲۹۴ (اول مه ۱۹۱۵): «هانیریش فن رویس» و «کنت لگونی» وزرای مختار آلمان و اطریش با مبالغ زیادی پول و طلا از اروپا به ایران آمدند تا به برخی از سران عشایر جنوب ایران در جنگ علیه انگلیس کمک کنند.
تیر ۱۲۹۴ (ژوئن ۱۹۱۵): شیراز توسط «واسموس» کنسول آلمان در بوشهر و همراهانش سقوط کرد و انگلیسیان و عده‌ای از طرفدارانشان دستگیر و زندانی شدند.

در همان حال قوای ژاندارمری، اصفهان را تصرف کرد. «فن کاور» کنسولیاری روسیه کشته و «گراهام» کنسول انگلیس در اصفهان زخمی شد. همه اتباع روسیه، انگلیس و هند نیز از ایالت اصفهان اخراج شدند.

آبان ۱۲۹۴ (اکتبر ۱۹۱۵): ژنرال باراتف روسی به اتفاق سربازانش وارد بندر انزلی شد. قزاق‌های روسی تا کرج پیش رفتند و اعلام داشتند که آماده ورود به تهران هستند.

وزیرمختار آلمان و عده‌ای از دموکرات‌ها با مطرح کردن تهدید روس‌ها احمد شاه را به رفتن به اصفهان تشویق کردند و در مقابل، وزرای مختار روس و انگلیس شاه را تهدید کردند چنانچه به اصفهان بروند، تاج و تخت سلطنت را از دست خواهد داد.

۲۵ دی ۱۲۹۴ (۱۵ ژانویه ۱۹۱۴): احمد شاه تحت فشار روسیه و انگلیس تصمیم گرفت در تهران بماند. مستوفی‌الممالک از نخست‌وزیری برکنار شد و شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما که مورد قبول متفقین بود، به جایش نشست.

چندی بعد قوای روسیه به طرفداران آلمان و عثمانی که به متهم مهاجرت کرده بودند حمله‌ور شد و آنان را در جاده قم - ساوه شکست داد.

مهاجرین پس از این شکست به کرمانشاه که تحت تصرف عثمانیان بود عقب‌نشینی کردند و به ریاست نظام‌السلطنه مافی والی کرمانشاه، حکومت موقت

تشکیل دادند.

بهمن ۱۲۹۴ (ژانویه ۱۹۱۶): قرارداد فرمانفرما با «فن اتر» و «مارلینگ»
وزرای مختار روسیه و انگلیس به امضاء رسید. به موجب این قرارداد قوای قزاق به ۱۱
هزار نفر افزایش یافت و انگلستان نیز تفنگدار جنوب ایران موسوم به اس - پی -
آر S.P.R یا پلیس جنوب را تشکیل داد.
متعاقب آن ژاندارمری منحل شد و افسران سوئدی و ایرانی آن که به
طرفداری از آلمان شهرت داشتند، برکنار شدند.

از این تاریخ اوضاع سیاسی ایران به نفع متفقین تغییر کرد.
فروردین ۱۲۹۵ (مارس ۱۹۱۶): فرمانفرما به دلیل اقداماتش به نفع
انگلیس با مخالفت روسیه مواجه شد و جایش را به «محمد ولیخان» سپه‌دار اعظم که
از روسیه و انگلیس به یک میزان حرف شنوی داشت، داد.
شهریور ۱۲۹۵ (سپتامبر ۱۹۱۶): با پیشروی عثمانیان تا قزوین و تهدید
تهران، دولت انگلیس «وثوق‌الدوله» را که مورد حمایتش بود به نخست‌وزیری رساند.
در بهار ۱۹۱۶ پلیس جنوب هواداران آلمان و عثمانی را در کرمان و
بلوچستان عقب راند و در سپتامبر همان سال در اصفهان به قوای ژنرال «باراتف»
روسی پیوست.

۲۰ آبان ۱۲۹۵ (۱۱ نوامبر ۱۹۱۶): ژنرال «سایکس» فرمانده پلیس
جنوب به ایالت فارس حمله برد و به اتفاق فرمانفرما والی جدید فارس وارد شیراز
شد.

اسفند ۱۲۹۶ (فوریه ۱۹۱۷): نیروهای عثمانی در مقابل حمله ژنرال
«باراتف» طاقت نیاوردند و کرمانشاه را تخلیه کردند.

اعضای حکومت موقت مهاجرین نیز همراه آنان به بین‌النهرین رفتند، اما
عثمانی‌ها در آنجا ایشان را خلع سلاح کردند و پول‌هایی را که آلمانی‌ها
برایشان فرستاده بودند، مصادره کردند. سران مهاجرین از این عمل عثمانیان سخت
آزرده خاطر شدند. عده‌ای به ایران بازگشتند و عده‌ای هم به آلمان و دیگر کشورهای
اروپایی رفتند.

۱۳ فروردین ۱۲۹۶ (۲ آوریل ۱۹۱۷): نیروهای روسیه و انگلیس در

کرمانشاه به هم پیوستند. در همین حال با انتشار خبر استعفای تزار نیکلای دوم و فراهم شدن مقدمات نابودی امپراطوری روسیه، سربازان روس علیه افسران شان شورش کردند و شیرازه ارتش آنان از هم گسیخت. ترکان عثمانی از این فرصت استفاده کردند و بار دیگر کرمانشاه، کردستان و تبریز را به اشغال خود درآوردند و تا پایان جنگ در آن نواحی ماندند.

تیر ۱۲۹۶ (ژوئن ۱۹۱۷): بلاتکلیفی سربازان روسی در نواحی تحت اشغال خود و نیز ترور طرفداران انگلیس در ایران توسط «کمیته مجازات»، استعفای وثوق‌الدوله و صدارت علاءالسلطنه را به دنبال آورد.

۳ مهر ۱۲۹۶ (۲۵ اکتبر ۱۹۱۷): با وقوع انقلاب اکتبر در شوروی، قشون روسیه در ایران از هم پاشیده شد. ستاد جبهه قفقاز دستور بازگشت سپاه روس از ایران را صادر کرد. تخلیه ایران تا آخر مارس ۱۹۱۸ به درازا انجامید و قسمت عمده نیروهای تزاری از شمال و جنوب ایران تخلیه شدند.

۱۲ اسفند ۱۲۹۶ (۱۳ مارس ۱۹۱۸): قرارداد صلح «برست لیتوفسک» بین نمایندگان دولت بلشویکی و دولت‌های آلمان، بلغارستان و عثمانی به امضاء رسید. به موجب یکی از مفاد آن خاک ایران می‌بایست از قوای روسیه و عثمانی تخلیه شود و دولت‌های یاد شده تمامیت ارضی ایران را به رسمیت بشناسند.

بهمن ۱۲۹۸ (ژانویه ۱۹۱۹): کنفرانس صلح در «ورسای» (فرانسه) تشکیل شد و دولت ایران که در نتیجه جنگ اول جهانی دچار خسارات و صدمات فراوانی شده بود، تصمیم گرفت نمایندگانی به کنفرانس اعزام کند و خواست‌های خود را مطرح سازد.

هیأت نمایندگی ایران به ریاست مشاورالممالک انصاری وزیر امور خارجه رهسپار فرانسه شد، اما دولت انگلیس به بهانه اینکه ایران در جنگ اول جهانی رسماً بی‌طرف بوده و در جنگ شرکت نداشته است، با پذیرفتن هیأت ایرانی در کنفرانس صلح ورسای مخالفت کرد.

هیأت ایرانی ناچار خواست‌های خود را در سه بخش سیاسی، اقتصادی و قضایی تدوین و در جزوهای منتشر کرد و به اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس رساند.

در بخش سیاسی ایران تقاضا داشت سرزمین‌هایی مانند مرو، خیوه، ترکستان و ۱۷ شهر قفقاز که طی جنگ‌های ایران و روس از ایران جدا شده بود، مسترد شود و مرزهای ایران به صورت ابتدای قرن نوزدهم درآید.

در بخش اقتصادی ایران تقاضا کرد خساراتی که از سوی نیروهای دولت‌های متخاصم در ایران به جا مانده بود، جبران و غرامت‌های آن پرداخته شود.

در بخش قضایی نیز الغای کاپیتولاسیون و تعطیل محاکم کارگذاری که به جرایم خارجی‌ان رسیدگی می‌کرد، تقاضا شده بود.

اما کنفرانس صلح ورسای به تقاضاهای ایران ترتیب اثر نداد. چرا که انگلیس با ناکام گذاشتن مأموران هیأت ایرانی در صدد انعقاد قرارداد ننگینی با عنصر سرسپرده‌اش «وئوق‌الدوله» نخست‌وزیر وقت بود.

پیمانی که به قرارداد «وئوق‌الدوله - کا.کس» شهرت یافت و باقراردادن کنترل و اداره کامل تشکیلات نظامی و مالی ایران به انگلیس، سند تحت‌الحماگی ایران را رسمیت می‌داد.^۱

پس از جنگ اول جهانی اوضاع ایران بیش از پیش خراب شد و دخالت‌های دولت‌های بیگانه در امور داخلی کشورمان ادامه یافت، که از جمله نتایج آن سرکوب مبارزات دلیران تنگستان، به شهادت رساندن انقلابیون جنگل و دیگر انقلابیون بود که راه را برای کودتای انگلیسی ۱۲۹۹ شمسی رضاخان‌هموار کرد و پایه‌های استعمار نو را در کشورمان مستحکم ساخت.

* * *

گردآوری و بازخوانی اسناد این مجموعه را شاید بتوان سرآغاز تلاشی در راه تدوین تاریخ پراهمیت ایران در جنگ اول جهانی خواند که با توجه به کاستی‌ها و کمبودهای موجود در این زمینه، مطالعه آن‌ها می‌تواند برای علاقه‌مندان تاریخ معاصر میهنمان مغتنم باشد.

سندهایی که متن آن‌ها را در این مجموعه می‌خوانید به ترتیب تاریخ بازخوانی و به سه بخش تقسیم شده‌اند:

بخش اول - اسنادی از اوضاع عمومی ایران پیش از جنگ (۹۲ - ۱۲۵۵

شمسی برابر با ۳۲ - ۱۳۲۵ هجری قمری).

بخش دوم - اسناد دوران جنگ (۹۶ - ۱۲۹۲ شمسی برابر با ۳۶ - ۱۳۳۲ هجری قمری).

بخش سوم - اسناد پس از جنگ (۱۳۰۰ - ۱۲۹۶ شمسی برابر با ۴۰ - ۱۳۳۶ هجری قمری).

در بازخوانی و دوباره‌نویسی سندها هیچ تغییری در انشاء و املاي آنها داده نشده است، مگر آنجا که به ضرورت و برای درک بهتر مطلب، جمله‌ها نقطه و علامت‌گذاری شده و نیز هرجا که به توضیح و تفسیری نیاز بوده، این کار در پانویس انجام شده است.

«ب - قاف»

۱ - با بهره‌گیری از کتاب‌های: تاریخ روابط خارجی ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی - تاریخ جهان برای خردسالان، و.م. هیتلر، ترجمه مصطفی مقربی - جنگ جهانی در ایران، سر کلارمونت اسکرین، ترجمه غلامحسین صالحیار - تاریخ ایران - سیاسی ایران، ملک‌الشعرای بهار - پلیس جنوب، فلوریدا سفیری، ترجمه منصوره اتحادیه (مافی) و منصوره فشارکی (رفیعی).

بخش اول

اسنادی از اوضاع عمومی ایران
پیش از جنگ

(۳۲ - ۱۳۲۸ هـ.ق)

نامهٔ سفارت انگلیس در خصوص مصادرهٔ اموال مستعمره‌چیان توسط
تنگستانی‌ها

(آرم سفارت انگلیس)

هیات نمایندگی بریتانیا در تهران^۱

۳ محرم ۱۳۲۸

بمقام منیع وزارت داخله - در خصوص اموالی که از رعایای انگلیس اهالی
تنگستان در بهار گذشته در بوشهر غارت کرده‌اند کراراً از سفارت انگلیس بوزارت
جليله امور خارجه نوشته شده و به جناب دریایی^۲ حکمران بنادر از طرف دولت علیه
برای بدست آوردن اشیاء مسروقه دستورالعمل داده شده، ولی تا بحال از طرف جناب
معزالیه اقدام مؤثری بعمل نیامده است. چنانچه پریروز شفاهاً عرض کرده‌ام و سابق
هم از طرف سفارت بوزارت جليله خارج نوشته شده، سفارت خواهشمند است بجناب
دریایی دستورالعمل داده شود که قیمت اشیاء مسروقه را که نهصد و شصت و چهار
تومان و چهار قران میباشد خودشان پرداخته و بعد از هر جایی که باید وصول نمایند و
اگر اینکار ممکن نیست مقرر فرمائید مبلغ مزبور را از حساب آصف‌الدوله که
تنگستان در حوزهٔ حکومت ایشان بوده است دریافت نمایند. اگر هیچیک از این دو
کار ممکن نیست خوب است مقرر شود از پولی که سالیانه از گمرک بجناب دریایی
میرسد این وجه را بپردازد.

مستدعی است اقدامات لازمه را در این خصوص فرموده، نتیجه را به ارادت
کیش اطلاع دهند که جناب آقای وزیرمختار را مستحضر سازم. زیاده عرض ندارد.
ایام شوکت و ابهت مستدام باد».

(۱) - این عبارات در اصل سند به انگلیسی نوشته شده است.

(۲) - احمدخان دریایی که چند بار به سمت حکمران کل بنادر خلیج فارس
منصوب شد.

شکایت وزیرمختار انگلیس از اقدامات ملاخورشید

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

مورخه جمادی الثانی ۲۹

نمره ۱۷۰۰۹ - ۱۵۳۰

وزارت جلیله داخله

از قرار اظهار شفاهی جناب وزیرمختار انگلیس، ملاخورشید^۱ در راه کمارج مشغول شرارت است و یک فقره از مالالتجاره که از آن خط عبور می کرده سرقه نموده و آدمی را هم به قتل رسانده است. بدیهی است هرچه زودتر به ایالت فارس تاکیدات تلگرافی خواهند فرمود که در قلع و قمع مشارالیه اقدامات جدید بعمل آورند» - مهر و امضای وزیر امور خارجه.

(۱) از مبارزان ناشناخته تنگستان که ظاهراً ضربات مهلکی بر قشون و سربازان و نمایندگان استعمار بریتانیا در بوشهر وارد کرده است.

تلگرام‌های والی فارس به حکمران بوشهر

□ تلگرام اول نظام‌السلطنه

حکومت بنادر و جزایر خلیج ایران - بوشهر.

سواد تلگراف آقای نظام‌السلطنه والی فارس.

مورخه بیست و ششم رجب - سی و یکم سرطان ۱۳۲۹ نمره ۳۸۹

بنده جانم به لب رسیده تا بحول الله بنادر و حوالی آن را تنظیم و ترتیبی

داده‌ام.

در این موقع که امنیت جنوب‌اولین وسیله استقلال ملت نجیب و خاک پاک ایران است بانواع وسائل متشبه شده‌ام که از این حدود خاصه دشتی و تنگستان صدائی بلند نشود. شیخ حسن^۱ و زائر عبدالله خان و سایرین خوب می‌دانند چقدر در این باب زحمت کشیدم.

حالا تلگراف حضرتعالی را بشیخ حسین دیدم که تأکید فرموده‌اید با زائر خضر^۲ بجنگند و زنده یا مرده او را بدست بیاورد. شیخ حسین را هم میشناسید که بی‌ساز مینوازد، بمجرد اینکه دست باینکارزد رشته نظم و امنیت کل این صفحات گسیخته خواهد شد. آنوقت نمیدانم مسئولیت آن راجع بکی خواهد بود. بنده بشیخ حسین نوشته‌ام این ایام کاری نکند که صدای تفنگی بلند شود. زائر خضر هم در شمشیری نیست و خیال شرارتی هم ندارد. خیلی حیف است دشتی و تنگستان که اینطور آرام^{۳۰۰} شیخ حسین مشعل شود. امروز از اهم امور حفظ نظم و امنیت این ثغور است. بدیهی است علی‌الفور بتوسط بنده بشیخ حسین تلگراف خواهید فرمود که عجالاً متعرض زائر خضر نشود و فتنه خوابیده را بیدار نکند. حزم مقتضی رعایت‌الاهم فالاهم است».

□ تلگرام دوم والی فارس

«حکومت بنادر و جزایر خلیج ایران - بوشهر

سواد تلگراف آقای نظام‌السلطنه والی فارس

مورخه ششم شعبان مطابق نهم اسد ۱۳۲۹

نمره ۶ تلگرافخانه - مجانی

حکومت جلیله بنادر زید اقباله. هیچ تصور نمیکردم با آن عالم مخالفت و آن زحمتی که در پیشرفت کار شما کشیدم، بمساعدت با زائر خضر شیراز دوستی مخلص صرف نظر ننماید. امروز از وزارت داخله تلگرافی رسیده که برحسب اطلاعات غیررسمی که به سفارت انگلیس رسیده، شیخ حسین خان در صدد حمله بزایرخضر است؟ و نتیجه این کار اغتشاش راه بوشهر خواهد بود. نمیدانم چه باعث شده که در بدو ورود خود من بخاک فارس، سه چهار هزار تفنگچی و توپ بشیراز برده، در خود خط احمدی خودم بودم، ابتدا این عنوان نمی‌شد.

همین قدر دوستانه زحمت میدهم که (صحبت یوسف به ازدراهم معدود). دوستی مخلص برای جنابعالی در هر حال و مقام از مساعدت زایر خضر انساب و انفع است - نظام السلطنه».

«سواد مطابق است با تلگراف رمز که استخراج شده».

(۱) - شیخ حسین چاه کوتاهی از دلاوران تنگستان که پس از سالها مبارزه با متجاوزان انگلیسی، در نبردی نابرابر خود و پسرانش در نخلستانی به معاصره قوای انگلیس درآمدند و کشته شدند.

(۲) - زائرخضرخان امیراسلام تنگستانی از رهبران دلیران تنگستان.

(۳) - یک کلمه ناخوانا است.

(۴) - یکی از حیل‌های انگلیس برای شکست مبارزات تنگستانی‌ها، تلاش برای ایجاد اختلاف در بین سران آنان بود، که دامن زدن به شایعه حمله شیخ حسین خان. چاکوتاهی به زائرخضرخان نیز از آن جمله است.

برافراشتن پرچم دولت‌های بیگانه برای مصون
ماندن از تعقیب و تعرض مأموران دولتی

وزارت امور خارجه

اداره روس

مورخه ۱۴ محرم ۱۳۲۸

نمره ۱۳۱۹

وزارت داخله

راجع به برداشتن بیرق روس از درب منزل حاجی حسین آقا پسر حاجی
ملک‌التجار اشعار داشته بودند، جواباً زحمت افزاست که وزارت خارجه مشغول
اقدامات بوده و اینکار را تعقیب خواهد نمود.»

مخالفت کنسولگری روسیه با برداشتن پرچم

وزارت امور خارجه

اداره روس

سواد راپورت کارگزاری خراسان

مورخه ۲۳ شهر ذی‌عقده ۱۳۲۸

نمره ۱۷۴۰

تلگراف مبارک در باب بیرق خانه حاجی حسین آقا زیارت شد. اگرچه قبل
از زیارت این تلگراف چند موقع در ضمن ملاقات و مذاکرات شفاهیه با جنرال
قونسولگری مشروحاً حرف زده، در این موقع تجدید مطلب کرده، قسمتی که اقتضاء
داشت خاطر نشان نموده، اجمالی از شرح جوابی که داده‌اند، این است: اولاً
می‌بایست وزارت خارجه با سفارت مذاکره نموده، تعلیمات اینکار از آنجا بمن برسد
مسلم است که اگر من اقدامی کرده‌ام، بدون اطلاع و اعلام سفارت نبوده. اگر بیرق
باید برداشته شود، چرا آن مدت که بیرق از خانه‌های حاجی ملک‌التجار در طهران و
شمیران نصب و افراشته شده، برنداشتند؟
ثانیاً بیرق خانه حاجی حسین آقا وقتی افراشته شده که مجاهدین و اشرار به

خانه او ریخته و او را با کمال افتضاح به انجمن برده، شلاق و تازیانه زده، خواستند او را به قتل برسانند. از آنوقت این همه تظلم کرده، در صدد تحقق و تنبیه مرتکبین برنیامدند. گفتم حالا که نسبتاً شهر امنیت حاصل کرده و مجاهدین به کنار رفته، دیگر آن احتمالات نمیرود، بهتر این است زودتر رفع این محذور بشود و تولید مشکلات و زحمات نکنند. جواب دادند که همین تازگیها باز او را تهدید به قتل کرده گذشته از این باید از سفارت به من امر قطعی برسد. آنوقت به تکلیف خود عمل کنم. اسماعیل مبین‌الملک».

(۱) - حاجی محمد کاظم تبریزی (ملک‌التجار). سید ابوالحسن علوی در کتاب رجال عصر مشروطیت از او به عنوان فردی شارلاتان، متقلب و کسی که در جمل اسناد استاد است، یاد کرده است (انتشارات اساطیر، ص ۱۱۲). یکی از شیوه‌های مذموم در دوران قاجار نصب پرچم روسیه یا انگلیس بر سر در خانه‌ها و یا پناه بردن به سفارتخانه‌های کشورهای یاد شده برای مصون ماندن از تعقیب و تعرض مأموران دولتی بود. به طوری که گفته می‌شود سفارت انگلیس همواره لااقل ۳۰۰ نفر پناهنده داشت که تعدادشان گاه به یک‌هزار نفر هم می‌رسید (اسناد مشروطه، کتابفروشی سخن، ۱۳۴۸، ص ۱۰۸).

آدم ربایی قزاقان در رامیان

□ تلگراف به حکومت استرآباد

دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۸۲۵۳/۲۵۱۰۰ کارتن ۱۵ دوسیه ۶

شعبه تحریرات شمال - ضمیمه سواد تلگراف

طهران - بتاریخ ۳۰ اسد ۱۳۲۸ اسم نویسنده عبدالوهاب صادره رقیمه

وزارت جلیله جنگ - چند روز قبل راپرتی تلگرافی از گنبد قابوس رسیده بود که علی اکبر بیگ نام قزاق عیال یارمحمد نام رامیانی را به گنبد قابوس برده است. در رسیدگی و تحقیق و استخلاص مشارالیها به حکومت استرآباد^۲ تلگراف شده بود. سواد جوابی که رسیده است لفاً از ملاحظه محترم می گذرد و در باب قزاق مزبور هر قسم که مقتضی است دستورالعمل به شاهزاده امیراعظم مقرر خواهند فرمود و رای محترم را به وزارت داخله نیز اعلام فرمائید - وزیر داخله».

□ پاسخ وزارت جنگ به وزارت داخله

وزارت جنگ

اداره سوار نظام

شعبه شمال

نمره ۳۷۰۸/۴۳۸

وزارت جلیله داخله

سواد جواب تلگراف حکومت استرآباد را در خصوص علی اکبر بیگ قزاق، عیال یارمحمد نام رامیانی را به گنبد قابوس برده و او را گرفته، تسلیم نظیمه شاهرود کرده اند، در ضمن مرقومه نمره ۸۲۵۳۱/۲۵۱۰۰ ارسال فرموده بودید رسید. از وزارت جنگ حکم لازم تلگرافاً به شوکت الممالک رئیس قشون شاهرود مخابره شد. از طرف آن وزارت جلیله هم لازم است به ریاست نظیمه آنجا حکم فرمایند قزاق را به ریاست قشون تسلیم نمایند».

□ تقاضای تحویل قزاق آدمربا

وزارت جنگ

اداره سوار نظام

نمره ۳۳۱/۴۹۹

تاریخ ۲۴ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۸

وزارت جلیله داخله

در جواب مرقومه نمره ۲۵۱۰۰/۸۲۵۳ راجع به اینکه علی اکبر قزاق عیال یارمحمد رامیانی را به گنبد قابوس برده و حکومت شاهرود او را در شاهرود گرفته، تسلیم نظمیه کرده، زحمت داده شد که به رئیس قشون شاهرود تلگراف فرمایند مشارالیه را نظمیه به ریاست قشون آنجا تسلیم کند. از رئیس قشون شاهرود اینک جواب میرسد که هنوز از طرف آن وزارت جلیله تلگرافی در جواب رئیس نظمیه شاهرود نرسیده است. چون اشخاص نظامی در غیر اداره قشونی نباید توقیف شوند و اگر تقصیری داشته باشند و مستحق مجازاتی باشند باید به قانون نظام با آنها رفتار شود. لازم است زودتر تلگراف فرمایند که علی اکبر را رئیس قشون تسلیم کند تا هر اقدامی که لازم است، بعد از رسیدگی به عمل بیاید.

□ اظهار تأسف وزارت داخله

دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۷۰۴۱/۸۷۱۱

شعبه تجربیات شمال ضمیمه سواد تلگرافی انجمن ایالتی

تهران - بتاريخ ۱۰ سنبله ۱۳۲۸

فوری است

وزارت جلیله جنگ تلگرافی از انجمن محترم ولایتی استرآباد به توسط آقای مشیرالدوله به وزارت داخله رسیده بود، سواد آن را لفاً تقدیم خدمت داشته، متمنی است توجه سریع در تحقیقات این واقعه فرموده، سریعاً قرار رفع شکایت انجمن محترم را داده، نتیجه را به وزارت داخله اعلام فرمائید که جواب انجمن را از آن قرار صادر

نمایند و حقیقتاً در صورت صدق ظهور این نوع حرکات در صاحب منصب نظامی نسبت به عرض و عصمت مردم در مقابل انظار خارج و داخل موجب کمال تأسف خواهد بود.»

□ رونوشت تلگرام اهالی رامیان

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از استرآباد به طهران

نمره ۶ عدد کلمات ۳۱۰

توسط حضرت اجل آقای مشیرالدوله

مقام محترم وزارت جلیله‌داخله - علاوه بر اینکه متوالیاً از عباسقلیخان سرهنگ قزاق مامور گنبد قابوس و تابلن^۲ او، راپورتهای نامأنوس دولت و ملت بر باد ده می‌رسد، تلگرافی از رامیان، از طرف اهالی آنجا و شوهر ضعیفه رسیده، لازم شد عین آنها ذیلاً درج و علاج فوری استدعا نماید. چنانچه این مامورین تبدیل به یک دسته ایرانی ناباب نشوند، از اهالی رامیان که به همت ایلانی و برای این اتفاقات مردن را بهتر از حیات می‌دانند و نیز حکم فوری به حرکت رئیس کمیسیون گنبد قابوس که برای نرسیدن حقوق در شهر افتاده نشود، اشکال بزرگ تولید خواهد شد.

عین تلگراف استکه عرض می‌شود: حضور مبارک اعضای انجمن محترم شیدالله ارکانه. قزاقی در چند شب قبل از طرف عباسقلی خان سرتیپ قزاق به رامیان آمده، عیال یارمحمد رامیانی را ساعت شش از شب گذشته سرفت و به قزاقخانه گنبد قابوس که محل نمایش خارجه است برده و با کمال قبح اقامت داده، شوهر آن ضعیفه هر دم درصدد بازگشت آن ضعیفه به توسط جناب آقای آقا شیخ‌عبدالحسین و سرکار آقای سرهنگ رئیس تلگرافخانه رامیان برآمده، علانیه صاحب منصب مزبور از فرستادن عیال این شخص ابا و امتناع می‌نماید، مقام عدالت امیدواریم که بذل توجهی در دعوت آن ضعیفه و مجازات این شخص بفرمائید که عبرت مرتکبین اعمال شنیعه شود.

چاکران: ملابابا ملک‌آهام - قلی حسن برادر - ملک غلام - ملک پرویز - ملک ابراهیم - ملک یعقوب - کربلایی حسین و سایر پیرمردان اهالی.

ایضاً از رامیان: انجمن محترم - چندی قبل از طرف صاحب منصب قزاق،

قزاقی می‌آید به رامیان، عیال مرا به سرقت به گنبد برده و نزد خود نگاهداشته. آقا شیخ و اهالی کاغذ نوشتند، عیال مرا نفرستاده، عدالت شما و کلا محترم سزاوار است که ناموس من به دست مردمان اجنبی گرفتار بی‌عصمتی باشد؟

یارمحمد - نمره ۴۲ - انجمن ولایتی.

به تاریخ ۲ شهر سنبله سنه ۱۳۲۸

□ دستگیری قزاق و انتقال وی به نظمیه

وزارت جنگ

اداره سوار نظام

شعبه اول

نمره ۳۴۹۱/۵۸۹

تاریخ ۲ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۸

وزارت جلیله داخله - سواد تلگراف انجمن ولایتی استرآباد در مسئله عیال یارمحمد رامیانی در ضمن مرقومه نمره ۲۷۰۱۱/۸۷۱۱۵ ارسال فرموده بودید، رسید.

سابقاً که در خصوص قزاق مرتکب، اشعاری فرموده بودید، تحقیق شد. قزاق را در شاهرود شاهزاده امیراعظم دستگیر و به نظمیه برده بودند، که در جواب به آن وزارت جلیله زحمت داده، تلگرافاً حکم فرمایند قزاق مزبور را نظمیه شاهرود به ریاست قشون آنجا بدهد. به ریاست قشون هم تلگراف شد اقدامات خود را اطلاع بدهد.

مجدداً هم تلگراف کردم که اداره نظمیه بگیرد و تحت‌الحفظ نگاهدارد، تا حکمی که لازم است در مورد او بشود. به بریگاد قزاق هم نوشتم به صاحب منصب قزاق مأمور گنبد قابوس تلگراف نماید عیال یارمحمد را اگر نزد او است و نگاهداشته، تسلیم نماید و صاحب منصب مزبور را احضار و عوض بفرستد. همینکه صاحب منصب قزاق به طهران آمد، اقداماتی که لازم است در تنبیه او که باعث عبرت سایرین باشد، خواهد شد.

□ دستور تحویل قزاق به رئیس نظمیه شاهرود

دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۸۵۸۸/۲۶۳۰۸

کارتن ۱۴ دوسیه ۶

شعبه تحریرات شمال

ارسال در ساعت یک قبل از ظهر ۸ سنبله

از طهران به شاهرود - به تاریخ ۷ سنبله ۱۳۲۸

اسم نویسنده حسن - صادره تلگراف

رئیس نظمیه شاهرود علی اکبر بیگ قزاق را که در مسئله عیال یارمحمد
رامیانی در نظمیه آنجا متوقف داشته اند، برحسب اخطار وزارت جلیله جنگ به وصول
این تلگراف تسلیم شوکت الممالک رئیس قشون آنجا نموده و اطلاع بدهید.

پاسخ وزارت جنگ به وزارت داخله

دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۸۵۸۸/۲۶۳۸۰

شعبه تحریرات شمال

ارسال در ساعت یک قبل از ظهر ۸ سنبله

طهران - به تاریخ ۷ سنبله ۱۳۲۸

اسم نویسنده حسن - صادره رقمه

وزارت جلیله جنگ - در جواب مرقومه نمره (۲۳۸۰ - ۲۷۵۸) آن
وزارت جلیله زحمت افزا هستم چنانکه اشعار فرموده بودید مستقیماً به رئیس نظمیه
شاهرود تلگرافاً تاکید کردم که علی اکبر بیگ قزاق را فوراً تسلیم شوکت الممالک
رئیس قزاق آنجا کرده، اطلاع بدهد.

استنطاق از علی اکبر قزاق

وزارت جنگ

اداره سوارنظام

شعبه اول

نمره ۳۷۹۷/۶۶۵

تاریخ ۷ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۸

وزارت جلیله داخله

مرقوم جوابیه نمره (۲۶۹۱۱/۸۸۳۸) متضمن تلگراف صادره رئیس نظمیه شاهرود در باب علی اکبر قزاق زینت وصول داد. از رئیس قشون شاهرود تلگراف رسیده است که قزاق را به اداره قشونی تسلیم کرده اند و مشغول استنطاق او هستند. بالتلیجه مخابره آن تلگراف دیگر لازم نبود، رئیس قشون تاکیدات لازمه در استنطاق و تعیین تقصیر علی اکبر شده است تا حکم لازم بشود.

پاسخ بریگاد قزاق به وزارت جنگ

وزارت جنگ

اداره سواره نظام

شعبه اول

نمره ۳۹۴۱/۶۹۶

تاریخ ۸ شهر رمضان ۱۳۲۸

وزارت جلیله داخله

از بریگاد قزاق شرحی در جواب وزارت جنگ راجع به مسئله علی اکبر قزاق که در شاهرود گرفتار شده بود و فعلاً در اداره قشونی آنجا توقیف و در تحت استنطاق است رسیده، سواد آنرا برای استحضار آن وزارت جلیله لفاً ایفاد داشته و ضمناً متذکر میشود که وزارت جنگ در اینمورد از هیچگونه اقدام مضایقه نکرده، علاوه بر تاکیدات بر بریگاد قزاق، به ریاست قشون شاهرود هم احکام موکد در استنطاق و تعیین تقصیر علی اکبر صادر شده است.

دفاع رئیس قزاق بریگاد شاهنشاهی از فرمانده قزاقخانه گنبد

وزارت جنگ

سواد مرقومه بریگاد قزاق

مورخه ۵ شهر رمضان ۱۳۲۸ نمره ۳۱۴

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد اجل اکرم افخم آقای قوام السلطنه وزیر جنگ مدظله العالی.

به عرض میرساند امر و مقرر بود از انجمن ولایتی استر آباد تلگرافی به وزارت داخله رسیده، علی اکبر قزاق عیال یار محمد رامیانی را به گنبد قابوس برده، صاحب منصب قزاق مامور آنجا مشارالیه را نگاهداشته است.

محض استحضار خاطر مبارک مراتب را به عرض میرساند: در دو هفته قبل عباسقلی خان سرتیپ رئیس قزاق‌های مأمور گنبد قابوس در خصوص حرکات زشت علی اکبر قزاق مفصلاً راپورت به اداره بریگاد داده و اخراج علی اکبر قزاق را از اینجانب خواستار شده بود.

اینجانب هم مشارالیه (را) اخراج نموده‌ام. مطابق اطلاعاتی که اینجانب دارم، عباسعلی خان سرتیپ شخصاً در این خصوص ابداً تقصیری نداشته است و حتی برای اسکات شکایت اخراج علی اکبر قزاق را از بریگاد خواسته است و نیز خود اینجانب اطلاع صحیح دارم که عباسقلی خان سرتیپ در این امر به هیچوجه تقصیری نداشته، اگر چنانچه در حضور مبارک اشتباهی شده باشد ممکن است که در ثانی از همان نقاط از اشخاص بی‌غرض صدق مسئله را تحقیق فرمائید. رئیس فرمانده بریگاد سواره قزاق اعلیحضرت قدر قدرت فربه شوکت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحفاده - پالکونیک کنار پارسکی.»

-
- (۱) - نیروی قزاق برای حراست از منافع روسیه در شمال ایران تشکیل شده بود و فرماندهی آن را نیز افسران روسی بر عهده داشتند.
 - (۲) - نام سابق گرگان.
 - (۳) - کاه دهنده. اصلاحی که در گذشته برای تحقیر کسی به کار می‌رفته است.

قیام نمک در سمنان

در سال ۱۳۲۸ هجری قمری هنگامی که فروش نمک در سمنان در انحصار دولت مرکزی بود، فروش آن توسط عده‌ای از مستأجران معادن نمک سمنان زمینه‌ساز قیام مردم آن سامان علیه حکام قاجار شد، رهبری قیام را نیز ظاهراً درویشی بر عهده داشت که سر راهش برای زیارت، مردم سمنان را به شورش علیه رژیم قاجار دعوت کرد و عاقبت خود نیز دستگیر شد و به زندان افتاد.

□ تقاضای تبدیل ارک حکومتی به اداره نمک

«تهران ۲۸ شهر شوال ۱۳۲۸

وزارت فواید عامه

اداره ابنیه

نمره ۵۶۸

وزارت جلیله داخله

سابقاً در ذیل نمره (۲۹۱) از طرف وزارت عواید شرحی به آن وزارت جلیله نوشته شد که اجازه بدهند یکی از نقاط مخروبه ارک حکومتی سمنان را که جهت اداره حکومت آنجا بیمصرف است، به اداره نمک بدهند که تعمیر کرده و اداره نمک را در آن محل دایر نمایند. تا حال جوابی از آن وزارتخانه نرسیده، و مجدداً کاغذی در این باب از اداره نمک رسیده که سواد آنرا ملاحظه خواهید فرمود. متمنی است اجازه مرحمت شود که لازم است.»

□ تلگرام مفتش اداره نمک سمنان به مرکز

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از سمنان به تهران

نمره ۲۲

عدد کلمات ۶۵

روز ۲۵ شهر حمل ۱۳۲۸

اداره جلیله مرکزی نمک - معدن سرخه توقیف در برج حمل، مقدار سیصد بار الاغی مستاجرین سابق فروخته نرخ اداره قیمت گرفته شود یا فروش خودشان. سوار سرباز اگر حرکت نکرده اند فوراً امر فرمایند حرکتشان بدهند خیلی لازم دوست تومان برای عمه جات «ایوان کیف» و خرید اسباب چادر در سمنان، اجازه می دهید حواله نمایم. حکم وزیر داخله برای همراهی حکومت لازم. مفتش اداره - کاظم»

□ فروش نمک با اجازه اداره مرکزی

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ۷۸۰۳/۲۷۶۳

شعبه تحریرات شرق

تهران - بتاریخ ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۸

اسم نویسنده ... صادره تلگراف

حکومت سمنان و دامغان - از قرار تلگرافی که به اداره مرکزی نمک رسیده، مستأجرین سابق معدن نمک سرخه سیصد بار الاغی نمک در برج حمل مصرف فروش رسانیده اند، و چون موافق قانونی که برای معادن نمک وضع شده از اول حمل باید تمام فروش معادن نمک به اختیار اداره مرکزی باشد، باید قدغن نمائید قیمت این سیصد بار را موافق قانون اداره بپردازد و نیز در سایر موارد هم کمال مساعدت و همراهی را در پیشرفت این امر با مامورین بعمل آورید که امورات آنها از هر جهت منظم باشد - ۲۷۶۳».

□ گزارش انجمن ایالتی سمنان در باره شورشیان نمک

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از سمنان به تهران

نمره ۵۸۵ دولتی

عدد کلمات ۸۶

روز دوم

ساعت ظهر - ۲۸ شهر شوال ۱۳۲۸

مقام منبع وزارت داخله دامت شوکته.

تلگراف مبارک در خصوص شورشیان نمک زبارت شد. بحمدالله از اقدامات مجدانه دنباله قطع شد و مشغول ترتیبات اصلاحیه و جبران خسارت وارده هستیم. انشاءالله به مقتضیات وقت اقدام خواهد شد. گرچه انجمن در راه مشروطیت و عدالت و مساعدت با ادارات آبی غفلت نداشته و ندارد، ولی در مقابل دسایس و امتعال نائره فساد نایبالحکومه که رئیس مالیه است، تمام زحمات بی‌اثر و کار را بجایی می‌رساند که دولت و ملت را دچار مشکلات زیاد نماید. انجمن ولایتی سمنان - محل مهر انجمن.

□ دستگیری رهبر قیام و بازجویی از وی

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۹۰۶۹/۲۹۴۱

شعبه تحریرات شرق

ارسال در ساعت یکساعت و نیم به غروب (۱۷)

تهران - بتاریخ ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸

حکومت سمنان و دامغان - شرحی که در مساله نمک و بلوای مردم نوشته و اظهار داشته بودید که «درویش» محرک را گرفته و در نظمی مشغول استنطاق هستند، مطلع شده و اقدامات شما در جلوگیری از مفسده موجب کمال رضایت گردید، و البته نتیجه را هم راپرت خواهید نمود که از تفصیل مطلع شود.»

□ گسترش قیام در شهر سمنان

«وزارت فوائد عامه

اداره نمک

تاریخ ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۸

نمره ۱۸۷

وزارت جلیله‌داخله - در جواب ۳۸/۲۸۸۴ تصدیق می‌دهد سه روز قبل هم به حضرت اشرف نایب‌السلطنه راپورت تلگرافی رسیده بود که سیدی در بازار سمنان شرارت کرده که نمک مهر حضرت صدیقه سلام‌الله علیها و جده من است.

عوام آنجا هم موقع را غنیمت شمرده، به تحریک دو سه نفر که مفتش اداره نمک، «ایوان کیف» که موقتاً به سمنان رفته، از آنها مطالبه قیمت نمک قاچاق را کرده بود، آشوبی در شهر سمنان انداخته بودند. حتی نسبت به مامور هم خلاف احترامی شده بود، حکومت یکی را زده، جلوگیری کرده بود.

علی‌ای تقدیر رئیس مجرب و پخته برای آنجا معین شده پنجشنبه بایست حرکت کند و تعلیمات به او داده شده است. ضمناً بمامور اداره نمک که در سمنان بود تلگراف شد که در امورات عجله نکند و کار معادن سمنان را به اطلاع حکومت نوقیف دارد تا رئیس آنجا وارد و رفع قیل و قال عواید را بکند. زیاده عرضی ندارد».

□ اعزام سوار برای سرکوب قیام

«وزارت جنگ

سواد تلگراف واصله از سمنان

مورخه ۴ برج عقرب ۱۳۲۸ نمره ۲

حضور مبارک حضرت اشرف آقای وزیر جنگ روحاندا.

دستخط تلگرافی زیارت حسب‌الامر مبارک هشت روز از سمنان تا به دامغان با پنجاه نفر سوار سر راهها و اطراف مشغول نظم امورات هستم، اخبارات اراجیف از اطراف به این ولایت شده است نقداً به اقبال مبارک چاکر هم کمال مواظبت را می‌نمایم. چند قبضه تفنگ سه تیره نزد صاحب منصبان فشنگ ندارد، البته آنکه قدری فشنگ سه تیره مرحمت شود اعلی اقدام است.

امر امر مبارک است. - صولت لشکر»

□ گزارش وقایع سمنان به مجلس شورای ملی

«مجلس شورای ملی

سواد راپورت علی از سمنان

نمره ۹۱۱۳

مورخه ۲۳ شوال ۱۳۲۸

راپورت سمنان. در چندی قبل راپورت حال رشیدالسلطان را عرض نمودیم اولیای امور اعتنا نفرمودند، گوش بعرایض صادقانه فدائیان ندادند. هنوز هم گرفتار زحمت و خسارات باقی هستند. حالیه را مجدد راپورت سمنان را بطور صدق و ملت دوستی بعرض می‌رساند، امیدواریم امر به اقدام بفرمایند تا رفته رفته این بلوا مثل ساری و بارفروش^۲ و جاهای دیگر نشود.

آنروز را الواط و اشرار را جناب حاجی ملاعلی و معین‌التولیه و بعضی از مفت‌خواران محرک شده دکاکین را بسته، ادارات تعطیل، نمک موجودی را تاراج نمودند، اجزاء اداره نمک را کتک زدند، قاصد بیار فروش دعوت، اسماعیل خان را به سمنان فرستادند. در این وقت و هرج و مرج ولایات و تعطیل کابینه استدعای حرکت حکومت و استعداد را داریم، مخصوصاً از یگانه دریای غیرت و فتوت سردار اسعد حاجی علی قلیخان دام اقباله تعالی رئیس‌نظمیه. بر خلاف با کمال بی‌شرفی پنهان پلیس‌ها، ملبوس‌ها را ریخته و با سرباز و اوباش مشغول چاپیدن مال رعیت بیچاره، استدعای حرکت حکمران و استعداد را داریم.

فدائیان کوتاهی از جان فشانی نداریم، با بودن پنجاه سوار زبده اسمعیل خان و رشیدالسلطان جرئت بداخل شدن شهر را ندارند».

□ دستگیری رهبر قیام و توقیف معادن نمک

«در واقعه بلوای نمک مطلب را تلگراف عرض نموده، خاطر مبارک کاملاً مستحضر است در حین بلوا درویشی آمده، به کلمات مهیجه بعضی عنوانات نموده و مزید بر علت گردیده، فرستادم درویش را دستگیر نموده و محبوس است. معلوم هم نیست اهل کجا است. معلوم شد که غریب و عازم ارض قدس است مشارالیه را به نظمیه سپرده تحت استنطاق است.

در مسئله توقیف معدن که تلگرافاً امر شده بود فوراً مباشر قریه سرخه را احضار و معدن را حسب‌الامر توقیف نموده تا بعد هر طور امر فرمایند از همان قرار مجری و معمول دارد».

(۱) - اردی‌بهشت

(۲) - آمل.

اطلاعیه بلديه در مورد تأمين آب مصرفي مردم تهران

«نمره ۲۵۱ ذیحجه ۱۳۲۹»

اداره بلديه طهران

اعلان چون امر آب در طهران امر مهمی است و همیشه اهالی این شهر از اینباب گرفتار زحمات و صدمات می باشند و اداره کردن این کار بزرگ از وظایف اداره بلديه است، لهذا به عموم صاحبان قنوات اعلام می شود که از غره^۱ ذیحجه الحرام روزهای شنبه و سه شنبه و پنجشنبه در اطاق اول خرج حاضر شده، قنوات را به آقای آفاعلی اعتمادی التجار اجازه بدهند. و همچنین اشخاصی که می خواهد آب اجاره کنند، حاضر شده اجاره نمایند که از روی ترتیبات صحیحه آب به تمام شهر برسد، و هر گاه حاضر نشوند در تابستان کسی از بی آبی و از میرابها حق تشکی^۲ به بلديه ندارد - کلاتر.»

(۱) - اول

(۲) - شکایت

پیشنهاد اخذ مالیات از کتیرای کرمان

□ عایدی برای دولت

دولت علیه ایران

اداره تلگرافی

از کرمان به طهران

نمره ۴۶ دولتی

عدد کلمات ۷۰

روز ۳۱ جوزا ۱۳۲۹

خدمت وزارت جلیله داخله. مسئله کتیرا^۱ در کرمان چیزی است بیصاحب و اگر اندک توجهی در ضبط و ربط آن بشود، بطور خوبی عایدی برای دولت خواهد داشت. چنانچه رأی مبارک فرار بگیرد، اجازه و مقرر فرمایند پیشکار^۲ مالیه حقوق معینی برای دولت دریافت دارد. و اگر اینعمل سر بگیرد شاید این عایدی کتیرا در ایران یک روز بالا گرفته، عایدی تابع برای دولت پیدا شود - حسین.

□ ارسال رونوشت تلگرام به وزارت مالیه

دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ۱۲۶۹۱/۲۷۳۳

کارتن ۳۱ دوسیه ۳

شعبه تحریرات جنوب. ضمیمه سواد.

خروج ۴ شهر سرطان.

طهران شهری بتاریخ ۳ سرطان ۱۳۲۹

صادره مکتوب

وزارت جلیله مالیه - تلگرافی از ایالت کرمان در باب عمل کتیرای آنجا

بوزارت داخله رسیده بود و سواد آنرا لفأ ارسال داشته که بهر طور مقتضی بدانند
جواب صادر فرمایند.»

-
- (۱) کتیرا، صمغ یا شیرهای است که از گیاه خارداری به نام «گون» گرفته می‌شود
و آن را با تیغ زدن ساقه‌های گیاه به دست می‌آورند و بیشتر در نساجی و
پارچه‌بافی بکار می‌رود - فرهنگ معین
- (۲) در اینجا به معنی رئیس دارایی استان (ایالت) است - فرهنگ عمید.

قیام خدام قم

□ گزارش واقعه از قول رئیس نظمیه قم^۱

«راپورت شهر قم - ۳ اسد

دیروز چند نفر پلیس حاجی حسن هندوانه فروش را به اسم اینکه کم فروخته، خواسته‌اند به نظمیه جلب نماید. چند نفر سادات و حاجی سیدحسین معروف بقطب، حاجی حسن را از دست پلیس‌ها گرفته، رها می‌نمایند. یکی دو نفر پلیس دیگر می‌رسند. نزاعی اتفاق می‌افتد. سادات با تیر تفنگ سر یک نفر پلیس را مجروح نموده، خبر به نظمیه می‌رسد. استعداد حاضر می‌نمایند که سادات را گرفته، تنبیه کنند. حکومت محض اینکه شب بوده جلوگیری کرده نمی‌گذارند فتنه به پا شود و سادات و خربوزه‌فروش هم فعلاً تحصن اختیار کرده، پلیس مجروح هم مشغول مداواست و اداره نظمیه هم به واسطه نرسیدن چهارصد تومان حقوقی که تلگراف شده و نرسیده است، تعطیل است. - امیرفتحعلی.»

□ تیراندازی به سوی سیدمرتضی

«دیروز صبح از طرف نظمیه پلیس مامور می‌شد که سیدمرتضی صراف را که از جمله خدام است جلب به نظمیه نماید. سیدمرتضی بعد از مذاکرات با پلیس می‌گوید بروم عباى خود را آورده برویم. پلیس به خیال اینکه شاید فرار نماید عقب سیدمرتضی یک تیر تفنگ خالی می‌کند. بعد از این واقعه خدام ازدحام نموده به نظمیه و خانه رئیس نظمیه رفته پلیس مرتکب کتک زیادی خورده، رئیس نظمیه هم پلیس را بیه پایه بسته شلاق زیادی می‌زند و ترضیه خاطر خدام را خواسته مراجعت می‌کند. عصر هم خدام رفته از ریاست نظمیه عذرخواهی می‌نمایند.

عجم خان بختیاری با عده سوارهای بختیاری امروز وارد و منتظر دستورالعمل

«هستند.»

□ پاسخ وزیرداخله به تلگرام رئیس نظمیه

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۷۰۷۰/۳۵۳۹

کارتن ۱۱ دوسیه ۴

شعبه تحریرات تأمینات

از طهران به قم. به تاریخ ۲۹ رجب (۳ اسد) ۱۳۲۹

اسم نویسنده کمال السلطنه. صادره تلگراف.

خیلی فوری است.

رئیس نظمیه قم. تلگراف شما مبنی به شرارت بعضی از اشرار و اقدامات آنها نسبت به پلیس ملاحظه شد و تلگرافات اکیده در دستگیری اشرار و تقویت اداره نظمیه به حکومت قم و آقای متولی باشی صادره و مخابره شد. البته شما هم با نهایت جدیت مشغول حفظ انتظامات شهر و جلوگیری از اشرار باشید و نتیجه را هم اطلاع دهید.

کمال السلطنه - وزیر داخله»

خروج ۴ شهر اسد ۱۳۲۹

□ دستور سرکوب قیام به متولی باشی قم

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۷۰۷۰/۴۵۴۱

شعبه تحریرات: تأمینات

از طهران به قم به تاریخ ۲۹ رجب (۳ اسد) ۱۳۲۹

اسم نویسنده کمال السلطنه. صادره: تلگراف.

خیلی فوری است.

آقای متولی باشی. مطابق تلگرافی که از رئیس نظمیه رسیده به واسطه بعضی اخبار مجعوله اشرار شهری سه نفر پلیس را مضروب نموده و اسباب اختلال انتظامات شهر شده‌اند. البته تجری اهالی و دیگران در این موضوع نهایت تاسف را خواهد داشت. (این قسمت در متن تلگرام خط خورده است) با بودن شخص جنابعالی در آنجا هرگز اینگونه وقایع را منتظر نیستیم. البته هر اقدامی که در دفع و رفع اشرار لازم است فوراً به عمل آورده و نتیجه را خیلی زود اعلام فرمائید. به حکومت و رئیس

نظمیه هم تعلیمات لازم داده شده است - وزیر داخله.»
خروج ۴ شهر اسد ۱۳۲۹.

□ تقاضای دستگیری و مجازات قیام کنندگان

«نمره کتاب ثبت ۱۸۰۸۰/۴۵۴۰

شعبه تحریرات تأمینات.

از طهران به قم به تاریخ ۲۹ رجب (۳ اسد) ۱۳۲۹

اسم نویسنده کمال السلطنه صادره تلگراف.

خلیی فوری است.

حکومت قم - موافق راپرتی که رسیده است (در متن سند عبارت تلگرافی که از رئیس نظمیه قم رسیده است، خط خورده) به واسطه اقدامات مفسدین و انتشار پاره‌ای اخبار مجعوله اشراش شهری حربی شده و سه نفر پلیس را مضروب نموده‌اند. وصول این تلگراف با اعتمادی که به حسن کفایت شما می‌رفت کمال به تأمین را داشت. زیرا شما که مسئول انتظامات حوزه حکومتی خود هستید چرا باید از مرتکبین جلوگیری نکرده باشید. البته به وصول این تلگراف مرتکبین شرارت را دستگیر و پس از رسیدگی به مجازات سخت رسانیده و نتیجه را خیلی زود اطلاع دهید و نیز نهایت تقویت را با رئیس نظمیه بنمائید که بتواند از عهده وظایف خود برآید. جواب فوری را منتظرم.»

خروج ۴ شهر اسد ۱۳۲۹

□ شکایت از کمبود تفنگ و فشنگ

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم به طهران

نمره ۴ دولتی عدد کلمات ۹۶ روز ۵ (اسد ۱۳۲۹)

مقام منیع وزارت جلیله داخله - تلگراف مبارک در خصوص دستگیری اشراش زیارت، مقصرین دستگیر، عجالتاً بملاحظات از تفصیر آنها گذشته، شهر در نهایت انتظام، لیکن این نکته را عرض کنم در خصوص حواله چهارصد تومان حقوق نظمیه،

مالیه سعایت کرده نمیدهد. با نداشتن تفنگ، فشنگ و ضبط ده قبضه در مالیه و این پیش آمدها مجبورم برای حفظ پنجاه هزار نفوس جداً از مالیه مطالبه نمایم و قطعاً وزارت جلیله داخله برای یک پیشکار مالیه راضی باغتشاش شهری نمیشوند. زمان خان نام که اداره نظمیۀ تلگراف کرده بود دستگیر و توقیف، تکلیفش را معین فرمائید. امیرفتح علی - نظمیۀ قم».

□ دلجویی وزیرداخله از رئیس نظمیۀ قم

آقای رئیس نظمیۀ دامت قدرته.

این اخباریکه بشما میدهند ابداً صدق نیست و اقدامات صحیح شده، انشاءالله خود محترمین خدام آمده از جنابعالی عذر می‌خواهند. یک خط شده، این همه زحمت‌فزا می‌شود. سرباز را هم میگویم بیاید. زیاده عرضی ندارم.

□ پاسخ متولی باشی به وزارت داخله

اداره تلگراف دولت علیه ایران از قم به طهران

نمره ۱ دولتی عدد کلمات ۶۰ روز ۶ (اسد ۱۳۲۹)

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت بقائه - تلگراف مبارک که مبنی بر مساعدت داعی با اداره نظمیۀ بود شرف وصول ارزانی فرمود. خدا میداند مساعدت با ادارات دولتی را بقدر مقدور از فرایض خود می‌دانم. نزاع پلیس و دست‌فروش هم اهمیتی نداشت. روز بعد مقصر را جلب به نظمیۀ نمودند و رئیس نظمیۀ او را معاف داشت. داعی - متولی باشی».

□ پاسخ حاکم قم به وزارت داخله

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم به تهران

نمره ۲ دولتی عدد کلمات ۶۴ روز ۸ (اسد ۱۳۲۹)

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکت‌العالی. تلگراف مبارک راجع با اقدامات مفسدین و مضروب شدن پلیس زیارت شد. مطلب این طورها نبوده که عرض

کرده‌اند و این عیویات ناشی از پلیس محلی است. البته وظیفه چاکر جلوگیری از بعضی شرارت‌ها است، تا به حال هم دقیقه‌ای از وظیفه خود غفلت ننموده است و این مسئله اهمیتی نداشت.

نمره ۴۹۶ - ۷ اسد آفاخان غفاری.

□ زمان خان و دلیل توقیف وی

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۴۶۷۹/۲۵۷۰۳

شعبه تحریرات تأمینات

از طهران به طهران - بتاریخ ۳ شعبان ۱۳۲۹

اسم نویسنده: خان حضور، صادره مکتوب

اداره نظمیه - از قرار تلگراف اداره نظمیه قم زمان خان نامی را بموجب اخطار آن اداره توقیف نموده است. این شخص کی است و برای چه توقیفش کرده‌اند؟ مراتب را اطلاع بدهید - کمال السلطنه.

خروج ۸ شهر اسد ۱۳۲۹

□ عرض حال زمان خان به وزیر داخله

« تصدق حضور مبارک شوم. این جان‌نثار زمانخان تویسرکانی از اول مشروطیت در جزء مجاهدین مشغول خدمت‌گذاری بدولت بوده در چندی قبل بواسطه ادعای موهوم شخصی، اداره نظمیه بنده را دستگیر و اسبم را که یکصد و پنجاه تومان قیمت داشت برده فروختند. در صورتی که حقوق راجع بعدلیه (عدلیه) است. بعد از استخلاص از نظمیه هرچه خواستم اسبم را بگیرم نظمیه گفت حکومت فروخته، حکومت گفت نظمیه. مجبوراً صرف نظر از اسب نموده، در این موقع باریک خواستم خدمت بدولت نموده باشم. لهذا خدمت حضرت آقای سردار جنگ رفته حاضر شدم چند نفر سوار از برای خدمت‌گذاری در همدان حاضر نموده که در رکاب ایشان بکردستان بروم. قبول فرمودند. فوراً با گاری پست حرکت نموده به خوانه (خانه) خود رفته، سوار را حاضر نمایم. وقتی بقم (به قم) رسیدم، فوراً در نظمیه قم ما را

مواخذه، بنده را دستگیر نموده، جهت را سؤال نمودم. تلگرافی از نظمیۀ مرکز ارائه داده که زمانخان را دستگیر نموده تحت‌الحفظ روانه طهران نمائید. بنده را مثل مقصر بسیار سخت روانه نمودند. آنجا که رسیدم معلوم شد شخص اُرمی که با بنده طرف حساب بوده شکایت نموده چهار روز است که در اینجا معطلم. چون حرف حسابی ندارند بنده را معطل نموده طرف هم جواب و سؤالی نمی‌نماید. استدعا آنکه احقاق (حق) چاکر را بفرمائید هم از بابت اسب و هم از بابت این حکم غیرقانونی و یکصد تومان خسارتی که از من عودت شده، وارد شده - زمان تویسرکانی».

□ تقاضای دستگیری قیام کنندگان قم

«نمره ۵۰۲ - ۱۸ برج اسد.

مقام منیع وزارت جلیله‌داخله - کراراً به پیشگاه مبارک چه کتباً و چه تلگرافاً عرض کرده که در همچو موقعی با یک مشت پلیس گرسنه بی‌مصرف نمیتوان این نوع اغتشاشات را جلوگیری نمود. چنانچه چند نفر افراد شخصی نبود حال قم هم مثل سایر نقاط ایران بود. از وضع این معتمدین قم که کاملاً اطلاع دارید. خاصه حضرات مستخدمین آستانه مقدسه که به اسم بست نمی‌گذارند یک مقصر از سر قبرستان باداره بیاورند و هر که مقصر میشود فوراً او را بهر وسیله بحسن می‌برند. از جمله امروز یک نفر سیدمرتضی نام بواسطه هشت تومان تقلبی که کرده بود! باداره احضار شده سید مزبور مأمور اداره را کتک زیادی زده، در عین کتک زدن یک تیر هوایی خالی میشود. با اینکه هفت تیر را بمأمور اداره دادند، بنده فوراً او را خلع سلاح نموده و در حضور معاون حکومت مجدد سه پایه بسته، تازیانه زیادی باو زدم. در بین تازیانه زدن بمأمور نظمیۀ، قریب یکصد نفر از اشرار خدام! ریختند در نظمیۀ و منزل شخصی بنده و با حضور معاون حکومت هر قدر میتوانند مأمور نظمیۀ را کتک زده به نحویکه برای یکنفر از آنها بیم هلاکت میرود، و حکومت جلیله هم با آنکه استعداد سرباز و سوار امنیۀ را دارد، ابتدا مساعدت و همراهی نفرمودند. در اینخصوص نیز مکرر عرض شده که شاهزاده رئیس تلگرافخانه تمام راپورتهای و اقداماتش برضد اداره و برخلاف نظم است، و آنچه تلگرافی که از مرکز مخابره میشود، قبلاً به نقاط دیگر ارائه و اطلاع داده، پس از آن اگر صلاح دانست باداره میرساند. و بالعکس هر تلگراف و راپورت

تلگرافی که نظمیه بمركز مینماید بطور تحقیق قبلاً نیز به نقاطی ارائه میدهد، باز هرگاه صلاح دانست مخابره مینماید و عین مطالب معروضه تلگرافاً عرض شده است. همینقدر چون بنده اجازه و حکم زدن نداشتم بسکوت کوشیده، لیک این نکته را عرض مینماید یا احضارم فرمائید و بکلی چشم از نظمیه و سایر ادارات دولتی قم پیوشید، یا آنکه آقای سردار بهادر همین دو روزه وارد قم میشوند تلگرافاً دستخط فرمائید اشرار را دستگیر و اعزام بمركز نمایند. والا با این وضع و بی‌استعدادی اداره از تفنگ و فشنگ و پلیس ابداً کار پیشرفت ندارد. نمیدانم چطور عرض نمایم. درب منزل شخص بنده را خراب کردند و ابداً وزارتخانه متبوع اهمیت بکار قم که چهار سوی عراق (اراک) است نمیدهند. دو ماه است بیست و دو فقره تلگراف از اوضاع قم و نداشتم تفنگ و فشنگ و نرسیدن حقوق مرتب بمركز و مقام منیع وزارت داخله عرض کرده، بهیچوجه اعتنا نفرمودند، تا عاقبت امر بدینجا منتهی شد. باز هم عرض میکنم با این تجری خدام ابداً مطلقاً بدون مساعدت و استعداد مرکزی زره‌ای (ذره‌ای) کار پیشرفت ندارد. محض اطلاع عرض شد. مختارید. این نوبت پنجم است که از طرف خدام نسبت باداوات دولتی اینگونه اقدامات بظهور رسیده است.

امیرفتحعلی - نظمیه قم.»

□ رئیس نظمیه قم: شلیک تیر، هوایی بوده است

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم به طهران

نمرده دولتی ۱۰ - فوری است.

عدد کلمات ۱۷۸

روز ۱۹ (اسد ۱۳۲۸ هجری)

مقام منیع وزارت داخله - از طرف نظمیه برای آوردن سیدمرتضی صراف بجهت هشت تومان تقلب ماموری روانه می‌شود. سیدمرتضی و کسانش کتک زیادی به مامور زده و در این بین یک تیر خالی می‌شود. با اینکه تیر هوایی بوده و بکسی نخورده، چون نسبت او را به مأمور نظمیه دادند بنده فوراً مأمور نظمیه را در حضور اعضای انجمن و معاون حکومت به سه پایه بسته و شلاق زیادی باو زدم. در همین حین

چند نفر خدمه با پنجاه نفر الواط در نظمیه و خانه شخصی فدوی ریخته، کتک زیادی بمأمورین نظمیه زدند و حکومت هیچ مساعدت نکرده و چند نفر سرباز روانه نفرموده که جلوگیری نمایند. اداره نظمیه هم که حکم زدن از وزارت داخله نداشته، بسکوت اختیار نمودم. حال مستدعی است یا فدوی را احضار و چشم از نظمیه و سایر ادارات بپوشید، یا سرباز و سوار قم را در تحت اطاعت نظمیه قرار بدهید، یا این که به آقای سردار بهادر که همین دو روزه بقم میایند تلگراف فرمائید اشرار را دستگیر نمایند، والا با این پلیس گرسنه و این قبیل اتفاقات کار پیشرفت ندارد. امیرفتح‌علی - نظمیه قم».

□ توصیه وزیرداخله به رئیس نظمیه

«وزارت داخله

نمره کتب ثبت ۱۷۹۵۷/۵۰۴۸

کارتن ۱۱ دوسیه ۴

شعبه تحریرات تأمینات

از طهران بقم - بتاريخ ۱۷ شهر شعبان تلگراف

فوری است.

رئیس نظمیه قم - تلگراف شما راجع بقضیه سیدمرتضی صراف ملاحظه شد. موافق راپرتی که بوزارت داخله رسیده بود گمان می‌کردم این غائله رفع شده است. حالا معلوم میشود هنوز باقی است. البته همین تلگراف را بحکومت نشان بدهید که اقدامات فوری در دستگیری و تنبیه مرتکبین بعمل بیاورد و اگر باز رفع غائله نشد بعد از ورود آقای سردار بهادر اطلاع بدهید تا بایشان تلگراف شود.»

نمره ۵۰۴۸

خروج ۲۲ اسد ۱۳۲۹

□ گزارش حکمران قم

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران.

نمره ۱۰ دولتی - عدد کلمات ۹۲

بتاریخ ۲۳ شهر اسد سنه ۱۳۲۹

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته العالی - پانزدهم شعبان.
یکنفر پلیس گلبایگانی در مسئله جزئی با سیدمرتضی نام که از سادات جزئی
و شغل صرافیه هم دارد وارد طرف شده، با تفنگ تیری بطرف سیدمرتضی انداخت.
حال سید مشوش ولی تیر نخورده کسان او اجتماع کرده بودند اداره. فوری معاون
حکومت را فرستادم جلوگیری نماید. قبل از رسیدن معاون در دالان اداره نظمیه
سادات‌ها با پلیس قدری نزاع کرده، معاون رسیدند جلوگیری کردند. بعد هم اصلاح
شد. چیز قابلی نبود. محض اطلاع جسارت نمود - آقاخان غفاری.»

□ قدردانی وزیر داخله از رئیس نظمیه قم

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۵۱۴۹/۲۶۶۹۹

کارتن ۲۱ دوسیه ۴

شعبه تحریرات تأمینات

از طهران به قم - تاریخ ۲۴ شهر شعبان (۲۹ اسد) ۱۳۲۹

اسم نویسنده خان حضور صادره مکتوب.

اداره نظمیه قم - مراسلات مورخه ۱۸ برج اسد ملاحظه و از خدمات شما در
مراقبت حفظ نظم و امنیت شهر خوشوقت شدم. با اعتمادی که وزارت داخله نسبت به
شخص شما دارد، جز این انتظار نمی‌رود. البته با کمال جدیت مشغول حفظ نظم و
جریان امور مرجوعه بوده، موجبات آسایش اهالی را فراهم ساخته و راپورت کارها را
بوزارت داخله بدهد - کمال السلطنه.»

□ اعزام کمیسر بازار قم به تهران

«مقام منیع وزارت جلیله داخله.

البته تفصیل افتضاحی که به توسط جمعی از خدام و اشرار به اداره نظمیه
شده است به عرض رسیده و به کلی سلب اختیار از اداره نظمیه و سایر ادارات شده،
لازم دانسته که آقای میرزا حسین خان کمیسر بازار قم که قولش صحیح است به وزارت
جلیله داخله روانه نموده و تفصیل را حضوراً عرض خواهد کرد. استدعا آنکه فکری

معجلاً برای استقلال این اداره بفرمائید که پیش از این افتتاح فراهم نشود -
امیرفتحعلی».

عبدالله خان پناه باشی - نظمیه قم معاون نظمیه قم - هاشم.

معاون نظمیه قم - هاشم.

«مستدعی است هرچه زودتر مقرر فرمایند مطالب دوسیه انجام داده که عاجلاً

بیاید و به کمیسری بازار رفته مشغول خدمت باشد - امیرفتحعلی».

□ تقاضای متولی باشی قم از رئیس نظمیه برای انصراف از سفر به تهران

«فدایت شوم. بعد از مراسم اتحاد عرضه می‌دارد: از خدمات جنابعالی که

مرخص شدم شرفیاب خدمت حکومت شدم. از بنده تحقیق فرمودند که رئیس نظمیه

تلگراف نموده‌اند به طهران یا خیر. و از قرار معلوم جنابعالی می‌خواهید حرکت کنید

رو به طهران. بنده عرض می‌کنم اگر تلگراف فرموده‌اید به طهران بفرمائید. اگر میل

دارید حرکت کنید آن را هم بفرمائید. باز عرض می‌کنم عجالتاً صلاح شما را

نمی‌دانم که حرکت کنید رو به طهران. اگر می‌خواهید حرکت نمائید اطلاع بدهید تا

بگویم چه طور حرکت فرمائید. ولی باز عرض می‌کنم صلاح شما را نمی‌دانم حرکت

کنید. خود دانید. صلاح مملکت خویش خسروان دانند. در هر صورت جواب زود

مرحمت بفرمائید تا بنده تکلیف خود را بدانم.

می‌خواستم خود شرفیاب شوم، چون منزل حضرت والد علاءالدوله هستم این

بود که کاغذ نوشتم. انشاءالله طرف عصری شرفیاب خواهم شد. باز در راه دوستی

و رفاقت عرض می‌کنم حرکت نفرمائید. زیاده مطلبی نیست جز حرکت نکردن

جنابعالی، جواب زود منتظرم.»

□ نامه دیگر متولی باشی به رئیس نظمیه قم

«فدایت شوم. بنده اینطور صلاح می‌دانم آقای حکمران هم صلاح اینطور

می‌داند اگر چنانچه تلگراف نشده است مقرر بفرمائید تلگراف نکنند تا بنده خودم

شرفیاب شوم و ترتیب را عرض کنم (حضوراً). باز عرض می‌کنم صلاح نیست. اجازه

بفرمائید بنده اینجا هر طوری که صلاح شما را بدانم ختم کنم. هرچند وکالت دارم از

جنابعالی، ولی باز عرض می‌کنم اگر بفرمائید بنده اصلاح کنم. اگر هم مایل نیستید

آن را هم زود بفرمائید اینطور صورت بد هم تمام خدام را بیاورم منزل جنابعالی. فوراً

اطلاع بدهید.»

□ نامه رئیس نظمیه قم به وزیر داخله

ورقه سواد اداره نظمیه قم

این اشخاص به واسطه ریختن در نظمیه نهایت ترس! را برداشته و امروز منزل شخصی آمده معذرت خواستند. دیشب هم فدوی عازم طهران بودم که بیایم مطالب را حضوراً به وزارت مطبوعه خودم عرض کنم. حکومت وعده زیادی مهمان، خانه آمده و نگذاشتند فدوی به طهران بیایم. و امروز به واسطه این حرکات وحشیانه می‌خواستند دکان‌ها و بازار را ببندند و ادارات خیال تعطیل داشته، باز فدوی جلوگیری کردم. لکن همینقدر عرض می‌کنم تا این اشخاص تنبیه نشوند هیچ کاری پیشرفت نمی‌کند و طوری جری می‌شوند که پانصد سوار جلوگیری نخواهد شد. این اشخاص همان‌ها هستند که اداره نمک را چاپیدند و اعتضادالملک و میرزا علی‌اصغر خان؟ را بیرون کردند. دولت هیچ درصدد برنیامده. مدیرالملک را مفتضح ساختند، هیچ کاری نشد. حال در نظمیه می‌ریزند و این قسم می‌کنند و بعد به عذرخواهی از ترس دولت ورقه استشهاد برای بی‌تقصیری خود تمام می‌کنند. لازم است فدوی را وزارت داخله پنج روز اجازه مرخصی داده که به طهران آمده، عرض حال بدهم، یا قوه صحیحی بفرستند اشخاص شریر دستگیر شوند. کاغذ حکومت و معاون حکومت را که دلالت بر تقصیر آنها می‌کند فرستادم ملاحظه فرمائید.

شاهزاده جلال‌الدوله هم روبروی نظمیه آمده منزل دارد.»

(۱) قیام خدام و سادات قم علیه کارگزاران ستم‌پیشه، سرسپرده و بی‌کفایت قاجار که در سال ۱۳۲۹ هجری قمری (۱۲۸۴ شمسی) به وقوع پیوست، علیرغم ظاهر ساده و کم‌اهمیتی که داشت، بزودی ابعاد گسترده‌ای یافت و دولتمردان قاجار را به ترس و وحشت انداخت و به عقب‌نشینی آنان از مقابل مردم قم منجر شد.

(۲) میرزا علی‌اصغر خان مستبد و رئیس‌الوزراء محمدعلی شاه قاجار که به دلیل مخالفتش با مشروطیت ترور شد.

تعیین جایزه برای قتل و یا دستگیری محمدعلی شاه و همراهان

□ تعیین یکصد هزار تومان جایزه

«وزارت داخله

مورخه ۴ شهر شعبان ۱۳۲۹

برحسب رأی مجلس مقدس اعلان می‌شود:

کسانیکه محمدعلی میرزا^۱ را اعدام یا دستگیر نمایند یکصد هزار تومان به آنها داده میشود.

کسانیکه شعاع السلطنه^۲ را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنجهزار تومان به آنها داده می‌شود.

کسانی که سالارالدوله^۳ را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنجهزار تومان به آنها داده می‌شود.

و نیز اخطار می‌شود اگر داوطلبان خدمت مزبوره بعد از انجام خدمت کشته شدند، مبلغهای فوق‌الذکر به همان نسبت به ورثه آنها داده خواهد شد و این مبلغ نیز در خزانه دولت موجود است و بعد از انجام خدمت نقداً به آنها پرداخت می‌شود.
رئیس‌الوزرا - نجفقلی بختیاری»

□ شایعه ورود محمدعلی میرزا از راه رشت

«وزارت داخله

اداره کابینه

دائرة رمز

مورخه ۱۳ شهر صفر ۱۳۳۰

تلگراف رمز آصف‌الدوله

حضور مبارک حضرات اقدس والا شاهزاده عین‌الدوله وزیر داخله - گویا در حقیقت رفتن سپهدار^۴ به ادوساه تا یک اندازه شبهه نبوده، چون چند روز است اینجا شهرت دارد که سپهدار محمدعلی میرزا را از راه رشت می‌آورد.

شریعتمدار هم پسر خود را تا ادوسا به استقبال فرستاده، اگر آمدن محمدعلی میرزا از رشت حقیقت داشته باشد تکلیف چاکر چه چیز است؟
نمره ۴۵۵۲ - صالح»

□ تلگراف رئیس‌الوزرا به حکومت گیلان

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۹۹۴

تهران بتاریخ صفر ۱۳۳۰

اسم نویسنده کاظم

حکومت جلیله گیلان - تلگراف رمز ۴۵۵۲ واصل شد. البته تکلیف شما در دادن اطلاعات است، ولی نه اینطور با حالت وحشت. به عقیده من تمام این خبرها بی‌مأخذ و اراجیف است و ابداً اهمیت ندهید - عین‌الدوله».

(۱) - منظور محمدعلی شاه است.

(۲) - شاهزاده ملک منصور میرزا شماع‌السلطنه پسر مظفرالدین شاه.

(۳) - سالارالدوله ابوالفتح میرزا که در حوالی سال ۱۳۲۸ در حدود مازندران به طرفداری از محمدعلی شاه قاجار شرارت می‌کرد.

(۴) - محمدولی خان سپهدار از مخالفین مشروطیت.

(۵) - از شهرهای روسیه.

تعیین تعرفه تلگراف در مجلس

«مورخه ۱۷ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۹

اعلان

راجع به اداره تلگراف

از طرف اداره تلگراف بعموم اعیان و ارکان و اشراف و تجار و سایر اشخاصی که مخابرات تلگرافی دارند، با کمال احترام اعلام میدارد مطابق ماده دوم قانون تعرفه مخابرات تلگرافی که در جلسه پنجشنبه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۹ در مجلس مقدس شورای ملی گذشته، جواب تلگرافات موقوف و قیمت مخابرات اهم از سؤال یا جواب بعهدہ تسلیم کننده صورت تلگراف است، و عین ماده دوم قانون مزبوره را بانضمام ماده سیم و چهارم که راجع بهمان ماده دوم است ذیلاً برای اطلاع قارئین محترم این اعلان مندرج و خواطر عامه اهالی را مستحضر میدارد که از ابتدای برج جدی هذه السنه تنکوزیل ترکی که مطابق با غره شهر محرم الحرام ۱۳۳۰ هجری و ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مسیحی است، اداره تلگراف مدلول مواد سه گانه را با صاحبان تلگرافات مجری میدارد و کلیه اهالی هم باید در اجوبه تلگرافات خود مطابق این سه ماده با اداره تلگراف معمول بدارند.

ماده دوم: پرداخت قیمت مخابرات تلگرافی اعم از سؤال یا جواب بعهدہ تسلیم کننده صورت تلگراف است.

ماده سیم: سؤال کننده در صورتی میتواند مطالبه جواب کند که هنگام مخابره سؤال قیمت هر عدد کلمه را که برای جواب خود کافی میداند بدفتر تلگراف تحویل نماید که اول آن ده کلمه خواهد بود. تلگرافخانه در آنصورت مکلف است عده کلماتی که وجه آن دریافت شده بمخاطب اعلام نماید.

ماده چهارم: هرگاه بعد از انقضای مدت پانزده روز جواب نرسیده باشد، اداره قیمت جواب را بسؤال کننده رد خواهد کرد و پس از آن اگر مخاطب بخواهد جواب بدهد باید از عهده قیمت برآید و در هر تلگرافی که جواب بخواهند قیمت یک

کلمه علاوه بر اصل مطلب برای اخطار بطرف مقابل دریافت خواهد شد.
(رئیس کل تلگرافخانه‌های ممالک محروسه دولت علیه ایران - اسدالله
مبشرالسلطان).^۲

(۱) - جواب‌ها.

(۲) - در جنگ اول جهانی و قبل از آن کنترل تلگراف ایران در دست انگلیس بود. در هفدهم شوال ۱۳۳۲ هجری انگلیس بطور پنهانی خط تلگرافی تهران سیستان را دایر کرد و تنها دو سال پس از آن با عقد قرارداد ظاهری به آن جنبه قانونی بخشید. در ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ انگلیس بار دیگر بدون اجازه دولت ایران در نقاطی که مورد نظرش بود سیم تلگراف کشید و این بار هم تنها پس از پایان جنگ، در هیجدهم شعبان ۱۳۳۸ با یک قرارداد تشریفاتی به آن جنبه قانونی داد (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: تاریخ پست و تلگراف و تلفن. گردآورنده ح - پژمان، کتابفروشی علی‌اکبر علمی، بهمن ۱۳۲۶ شمسی).

سفر هیأت علمی فرانسه به نقاط مختلف ایران

«وزارت امور خارجه

اداره تحریرات فرانسه

مورخه ۲۹ صفر ۱۳۳۰ نمره ۱۵۲۷/۳۳۹

وزارت جلیله داخله - سواد تلگراف آقای قوام‌الملک دایر باستعلام از موقع حرکت و تعیین نقاط مسیر هیئت علمیه فرانسه که چند روز قبل بطرف جنوب حرکت نمودند در ضمن مرقومه نمره ۷۷۲۰ وصول داد. اگرچه در جزو نقاطی که هیئت مزبوره مسافرت خواهد نمود و صورت آن بر طبق اظهار سفارت فرانسه سابقاً به آنوزارت خانه ارسال شده بود اسمی از شیراز برده نشده و فقط نقاط ذیل را معین می‌نمایند:

ساوه - قم - سلطان‌آباد - گلپایگان - اصفهان - قلمرو بختیاری - شوش - دزفول - خرمشهر، ولی در هر حال اطلاع ایالت فارس هم از مسافرت آنها بشیراز بیضرر است که هر گاه بآنحدود بروند لوازم تأمین مسافرت آنها را فراهم نمایند.»
- در زیر نامه نوشته شده است: «جنوب - بقوام‌الملک همینطور تلگراف شود که مراقب باشند اگر این هیئت بآنطرفها هم رفتند لوازم امنیت و تسهیل مسافرت ایشانرا فراهم سازند.»

سرقت از مدرسه فرانسوی‌ها در شیراز

«وزارت امور خارجه

اداره فرانسه

مورخه ۱۴ شعبان ۱۳۳۰ نمره ۱۱۰۵۷/۱۰۲۵

وزارت جلیله داخله - از مضمون سواد تلگراف آقای قوام‌الملک راجع بسرقت اشیاء متعلقه برئیس مدرسه آلیانسی در فارس بتوسط قراولان مدرسه مزبور واقع شده، در ضمن مرقومه آن وزارت جلیله بنمره ۲۵۰۰ اطلاع حاصل نمود. آقای

قوام‌الملک مینویسد (مدتی مدید این فراولان در حبس بوده، با اینکه برای قوت لایموت معطل، چگونه چیزی از آنها برخواسته^۱ میشد؟ تنبیه کامل نموده با سوار مخصوص فرستاده‌اند از شهر خارج کنند)، خاطر محترم مستحضر است که سفارت فرانسه ابداً باین جواب متقاعد نخواهد شد. زیرا سفارت مشارالیه‌ها در مراسله خود که سواد آن اخیراً بآن وزارت داخله ارسال شده است جداً استرداد اشیاء مسروقه را تقاضا نموده، در اینصورت مقتضی است که از طرف آن وزارت جلیله مجدداً باقای قوام‌الملک یا نایب‌الایاله فارس اوامر تلگرافی صادر شود که بهر نحو صلاح دانند در این خصوص رضایت خاطر رئیس مدرسه آلیانس را فراهم ساخته و نتیجه را اطلاع دهند که در جواب سفارت فرانسه نوشته شود».

بیانیه کمیته اتحاد اسلام (نهضت جنگل) دربارهٔ بمباران مردم فومن توسط هواپیماهای انگلیسی

«باز هم قتل بیگناهان

روز سه‌شنبه پانزدهم شهر رمضان ۱۳۳۰ ه. ق دوايروپلان انگلیسی ۶ ساعت قبل از ظهر بدوا در هوای فومن پیدا شده و در شهر فومن دو بمب پرتاب کرد که یکی در جوار شهر و یکی در میان مزرعه و خارج از شهر افتاد، هیچکدام منفجر نشد، یکمقداری هم با مترالیوز در شهر شلیک کرده، ولی بکسی آسیبی وارد نشد. بعد بگوراب زرمخ آمده چهار بمب در مریضخانه پرتاب کرد که یک از چهار بمب بمریضخانه اصابت کرده پنج نفر مریض مجروح شدند، و یکی دیگر از این بمبها در مزرعه منفجر شده، بیک مرد و زن و یک طفل فلاح جراحات مختصری وارد کرد. دو بمب دیگر منفجر شد ولی بکسی صدمه نرسید. بعد از سه ربع ساعت جولان و پرواز، معاودت کرده مستقیماً بسپاهرود رفته، مواقع مجاهدین را بمباردمان نموده، بدون موفقیت بشهر مراجعت کردند. این بود تعرضات دشمن روز ۱۵ رمضان که بی‌کم و زیاد نوشته شد.

اینک با زبانی ساده، توجه هموطنان عزیز را باین نکته جلب مینمائیم که تمدن و انسانیت، طرفداری از اقوام ضعیفه، نوع‌خواهی و رعایت حقوق بین‌الملل، فقط عباراتی است که برای مردمان بی‌خبر غیرمطلع استعمال میکنند. معنی تمدن امروزی خاصه تمدنی که انگلیسها مدعی دارا بودن آن هستند، تاختن به بیچارگان، غصب حقوق ضعیفان، قتل و غارت بیگناهان، پایمال کردن اقوام ضعیفه، تصاحب ممالک بیطرف مظلوم و محو نمودن ملل صغیره است. فاش می‌گویم و در این گفته خود محتاج باقامه هیچ برهان نیستم که تمدن امروزی را غیر از این معنی نیست و انگلیسهای مظلوم‌کش مصداق حقیقی این مدنیت دروغی هستند. حال ای هموطنان عزیز ای برادران غافل تن‌پرور ایرانی، زنهار فریب این مظلوم آزار را نخورید و عبارات ظاهر فریب مشعشع آنها اعتناء نکنید. انگلیس می‌خواهد مملکت شما را تصرف کند، دیانت شما را پایمال نماید، قومیت شما را نابود سازد، حقوق شما را غصب نماید، شما را

مثل هندوستانی و افریقائی و غیره بنده و اسیر خود کند. اگر انگلیسیها قصد و غرضی ندارند با مملکت ما چه کار دارند؟ چرا دولت ما را بوسیله بعضی از وطن فروشان بی دین، بازیچه و آلت دست خود قرار داده و صحنه ایران را مورد تاخت و تاز بیرحمانه خود نموده اند؟ ما که به انگلیسیها تعرضی نداشتیم. ما که تجاوزی بحقوق آنها ننموده ایم. بخانه ما آمدن و دست تعرض بجان و ناموس ما دراز کردن، غیر از مظلوم آزاری و ضعیف کشی معنی دیگری دارد؟ اکنون ما فدائیان گیلان در مقابل این دشمن حقیقی ایرانیان، برای حفظ وطن و ناموس و دیانت و همه چیز خود مقاومت کرده، دفاع میکنیم و برای بیداری شماها نیز حقیقت امر را مینویسیم، اگر شماها نیز عمل نکرده و فریب این دولت حق کش را بخورید و از ادای وظایف ملی خود اجتناب ورزید، در پیشگاه خداوند و حضرت پیغمبر خاتم (ص)، شرمسار و مورد طعن و لعن ابناء وطن و اخلاف واقع خواهید شد».

اخبار جنگ

در روز سیزدهم و چهاردهم چنانکه در بیانیه قبل اشعار شد، سکوت موفقی حاصل بود. روز پانزدهم شهر جاری در سیاهرود و امامزاده هاشم جلوگیری از تعرض دشمن شده تا مقداری از آن روز جنگ مداومت داشته، بالاخره پنج اتومبیل دشمن شکسته با مهمات بسفیدرود ریخت. عده کثیری مقتول و مجروح بقیه بسمت کهدم فرار کردند. بحمداله از توجهات باطیه حضرت حجه عصر ارواحنافداه بهیچ یک از مجاهدین دلیر آسیبی نرسید - (کمیته اتحاد اسلام گیلان)

نمایش فیلم در مهمانخانه ایران

مهمانخانه ایران - کافه لاله‌زار - طهران.

مورخه ۱۶ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۳۰

نمره اندیکاتور ۱۲۶

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

از آنجا که آگاهانیدن و تنبه نوع از وظایف حتمیه انسانی است، لذا شرکت مهمانخانه ایران و کافه لاله‌زار در خیال است که نیاتری اخلاقی و خالی از شایبه در ماه دو شب الی چهار شب غیر از ایام و لیایی متبرکه بدهد، علیهذا از آن مقام منیع متمنی چنانیم که پس از مذاقه در پروگرام نمایش، حکمی بر دائر نمودن تأثیر مرحمت فرمایند. البتدر معارف‌پروری مضائقه نخواهید فرمود. زیاده امر امر مبارک است.

- در زیر تقاضانامه نوشته شده است: «کسب تکلیف نمائید.»

دومین نامه رئیس مهمانخانه ایران به وزارت داخله

«مهمانخانه ایران - کافه لاله‌زار - طهران.

مورخه شنبه ۲۶ شهر شعبان ۱۳۳۰

نمره اندیکاتور ۲۲.

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته.

اداره شرکت مهمانخانه ایران و کافه لاله‌زار در خیال بود که از شب دوم شهر رمضان المبارک هر شبه غیر از لیالی متبرکه نمایش سینه‌ماتوگراف^۱ را بطور سابق نمایش بدهد.

در این خصوص شرحی بداره جلیله نظمیه مرکزی نوشته و استدعای اجازه نمودند، آن اداره محترم منوط و موکول به تصویب و اجازه آن وزارتخانه محترم نموده، اکنون چنان تمنا می‌شود هرگاه مقتضی باشد اجازه مرحمت شده تا نمایش فوق‌الذکر کمافی السابق داده شود. امر امر مبارک است.»

صدور اجازه نمایش فیلم در مهمانخانه ایران

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۹۰۸۴/۱۵۷۸

شعبه تحریرات: تأمینات

تاریخ ۲۶ رمضان ۱۳۳۰

صادره مکتوب

اداره نظمیه.

رئیس میهمان‌خانه ایران شرحی نوشته که شبهای رمضان در کافه نمایش
سینه‌ما توگراف بدهد. قدغن فرمائید چنانچه در نمایش مذکور خلاف شرعی واقع نشود
ممانعت نمایند.»

(۱) - نمایش مناظر و حرکات هنرپیشگان در روی پرده به وسیله برق و فیلم و
دستگاه مخصوص (فرهنگ عمید).

جمع آوری اعانه برای فقرا

(بفقراء همدان برسانند)

صورت اسامی و وجوه مرحمتی آقایان عظام برای اعانه بفقرا تا ۱۴ محرم ۱۳۳۱ که در سه ماهه زمستان به سه قسط تعهد نموده‌اند.

اسامی	قران	نان
آقای حاج آقائی	۲۰۰	—
آقای قاضی	۳۰۰	—
آقای رئیس‌الاسلام	۱۰۰	—
آقای آقامحمود	۵۰	—
آقای آقاجعفر	۱۰۰	—
آقای آقامحمد و آقای آقابوالقاسم	—	۵۰ من
آقای حاجی محمد مهدی	۱۰۰۰	—
آقای آقابحری	۳۰	—
آقای آقانصرالدولودل مرحوم حاجی مصطفی	۱۰۰۰	—
آقاجعفر سمسار	۳	—
ایضاً آقاجعفر سمسار	۱۰	—
آقا غلام و آقا غلامحسین سمسار	۳۰	—
آقایوسف جهانگیر	۵	—
آقای حاج محمود حاج‌نیا	۳۵۰	—
آقای آقامهدی	۱۰۰	—
حاج علی‌محمد حاجی حسین	۴۰۰	—
آقای آقاموسی	۱۵۰	—
آقای حاج محمدباقر	۱۰۰	—
آقای فریدالملک	۱۲۰	—
آقای میرزا اصغرخان	۱۰۰	—

	(نقل به ستون بعد ۱۴۹۸ قرآن ۵۰ من)
—	۱۰۰ آقامیرزا جوادخان
—	۶۰ آقای آقامهدی خان آقاسید
—	۳۰۰ آقای حاج میرزا حسن
—	۵۰ آقای حاج ملافتحعلی
—	۱۰۰ آقای حاج حیدر
—	۲۰۰ آقای حاج آقا حسین مرحوم حاج رضا
—	۵۰۰ آقای غایت‌الملک
—	۳۰۰ آقای رئیس نظمیه
—	۲۰۰ آقای حاج محمدسلطان
—	۹۰ آقای آقا حسین
۲۰	— آقامیرزا مهدی کدخدا
—	۲۰ آقای ناصر دیوان
—	۱۰۰ آقای حبیبی
—	۱۲۰ آقامحمدخان میرنجه
—	۵۰ آقای مکرم‌الملک
—	آقای میرزا زکی‌خان
—	۲۵۰ آقای وکیل‌الدوله و اخوان
—	۱۰ آقای آقامحمود تاجر
—	۲۰ آقای حاج حسین اصفهانی
—	۶۰ آقای ابوالقاسم مغازه
	(نقل به صفحه ۲) ۶۷۹۸ قرآن ۱۰۰ من
—	۱۲۰ آقا ابوالحسن اخوی وکیل
—	۶۰ پسر مرحوم منتصرالملک
—	۳۰ آقا حسن بلورفروش
—	۵۰ آقا علی نقی اصفهانی
—	۶۰ آقا عبدالهادی شلیله

—	۳۰	حاج سیدمهدی
۱۵۰	—	آقا آقاموسی
—	۵	حاج اسمعیل حاجی حسین دباغ
—	۱۰۰	حاجی فتحعلی دباغ
—	۳۰	آقامحمد آقای دباغ
—	۱۰۰	حاج علی دباغ
—	۲۰	آقاحسن حاجی غلامعلی دباغ
—	۳۰	آقامهدی اسداله دباغ
—	۶۰	آقا حاجی شیخ مهدی دباغ
—	۳۰	آقا مهدی اسداله دباغ
—	۶۰	آقای حاج شیخ مهدی دباغ
—	۳۰	آقامحمد آقا دباغ
—	۳۰	آقا نعمت‌الله مهدی شهباز دباغ
—	۳۰	آقا مهدی فرخ دباغ
—	۳۰	حاج مهدی فرخ دباغ
—	۳۰	حاجی محمد عبدل دباغ
—	۳۰	مهدی طالب و کربلایی سبزعلی دباغ
(نقل به ستون بعد ۷۷۰۳ قران ۲۵۰ من)		
—	۴	آقاحسن ملقب به شاطر
—	۵	آفاعلی کربلایی باقر دباغ
—	۳۰	آقامهدی نصرالله آقا شهباز
—	۳۰	حاج کاظم دباغ
—	۳۰	آقا شیرعلی حاج محمد دباغ
—	۵۰	حاجی غلامحسین صراف
—	۵۰	آقا محمدرضا
—	۲۰	آقای آقا شیخ حسن قمی تاجر
—	۱۰۰	حاجی میرزا محمد فرشچی

—	۱۵۰	حاجی محمدرضای حاج نوراله
—	۱۰۰	حاجی محمد مصری
—	۱۰	آقا فرج الله سقط فروش
—	۲۵۰	حاج سیدمحمد اصفهانی
—	۶۰	حاجی محمدعلی آقا تاجر اصفهانی
—	۳۰۰	حاج احمد حاج محمدعلی تاجر
—	۱۰۰۰	آقا مشیرالتجار
—	۱۰۰	آقامحمد صادق اصفهانی
—	۱۰۰	رحمن آقای کرده خوردي
—	۳۰	آقا تقی دزفولی
—	۳۰	آقا هادی طاقه فروش
—	۳۰۰	حاجی حسین حاج خدا کرم
۴۰	—	(نقل به صفحه بعد ۱۰۴۵۲ قران ۲۵۰ من)
—	۲۰۰	حاجی ملاحاجی خدا کرم
—	۳۰	آقا رحیم صراف
—	۱۵۰	حاج عبدالهادی نراقی
—	۵۰ من	حاج شیخ عبدالله سلطانیه
—	۲۰	آقامهدی صراف
—	۵۰۰	حاجی شریف شوشتری
—	۱۵۰	آقا حاج سیدحسن طاقه فروش
—	۳۰	حاجی آقای توتون فروش
—	(یک ثوب پالتو عبائی)	آقا سیدمحمود بلور فروش
—	۱۰۰	آقا میرعبدالرحیم دزفولی
۴۰	—	حاجی محمدعلی حاج غلام
—	۱۰	آقا نعمتاله نراقی
—	۳۰	میرزا عبدالوهاب
—	۳۰	حاجی محمدمهدی نراقی

—	۵۰	حاج شکراله
—	۲۰	آقامحمود نراقی
—	۱۵۰	آقا محمد اسمعیل دلال
—	۱۰	میرزا محمد توتونچی
—	۸۰	آقامحمد اسمعیل سقط فروش
—	۳۰	کربلایی رجب نجار
		(نقل به ستون بعد ۱۲۱۴۲ قران ۳۴۰ من)
—	۳۰	آقای حاج باقر
—	۹۰	آقای آقا حسین
—	۹۰	آقای عباسخان صدر
—	۹۰	آقا سیدمحسن دلال
—	۳۰	آقا علی اصغر مرحوم حاج فضل الله
—	۱۰۰	حاج هادی دباغ
—	۳۰۰	آقای حاج میرزا حسن
—	۳۰	آقا فرج اله عطار
—	۲۰	تقی یعقوب شاهی
۱۰ من	—	شاطر حسن خباز
—	۱۲۰	حاج عبدالحمین حاج غفار
—	۲۰	آقا محمد ربیع پراقباف
—	۲۰	آقامهدی مرحوم حاجی میرزا اسحق
—	۵۰	آقای آفازاده
—	۵	کربلایی اکبر سمسار
—	۵۰	آقا عبدالحمین زرگر
—	۲۰	کربلایی رحیم سبزی فروش
۱۰	—	آقای توکلی
		(نقل به صفحه بعد ۱۳۳۶۷ قران ۳۶۰ من)
—	۱۰	کربلایی زین العابدین

۱۱۰۰ من	—	قبض حکومت
—	۵۰	آقا علی اکبر کوره‌پز
—	۶۰	آقا میرزا هادی سرایدار
—	۵۰	آقامهدی ربیع کوره‌پز
—	۲۰۰	آقای آقارضا
—	۱۵۰	آقای آقاسیدصادق
—	۱۰۰	آقامحمد ابراهیم اصفهانی
—	۳۰	آقا علی بلور فروش
—	۳۰	حاجی محمد ابراهیم تبریزی
۱۰۰	—	تیکران خان
—	۱۰۰	حاج نصراله اسدآبادی
—	۴۰	حاج عسکر همدانی
—	۱۰۰	حاج محمد کاظم
—	۵۰	حاج حبیب‌اله توتون فروش
—	۱۰۰	کربلایی رستم مسگر
—	۲۰۰	آقای یحیی خان تفریحانی
—	۹۰	آقا حاج صادق ساعت‌ساز
—	۹۰	آقای آقامیرزا احمد نورینی
—	۱۲۰	آقای معین السلطنه
—	۱۰۰۰	آقای حاج محمدیوسف توتون فروش
		(نقل به ستون بعد ۱۷۲۰۷ قران ۴۶۰ من)
—	۵۰۰	آقای حاج محمدباقر جولایی
—	۵۰۰	آقای آقاموسی جولایی
—	۳۷	چند نفر علاف
—	۴۰	کربلایی حبیب و ابراهیم علاف
—	۲۰	کربلایی ابوالقاسم علاف
—	۲۰	کربلایی اکبر علاف

—	۳۰	شیرزاد علاف
—	۱۰۰	آقا حاج رضا قلی
—	۵۰۰	آقای حاج علی آقا
		علی الرضوی شریعتمدار
		حاج شیخ اسداله
		حاجی آقا حسین قاضی
		آقانور محمد طباطبایی
		حاج سید عبدالوهاب
		حسین الحسینی
		موید الممالک
		وکیل الرعایا
		حاجی محمد نراقی
		حاج ابوالحسن
		حاج شیخ تقی حاج عبدالباقی
		حاج محمد شفیع (موسسین ماهی چهارصد تومان در این سه ماهه زمستان تعهد نموده‌اند پردازند).
		شعبه بانک شاهنشاهی ایران که در همدان است و بعضی معلمین آمریکایی این جماعت هم داوطلب هستند که از خود کمکی نموده، بعلاوه از مملکت انگلیس و آمریکا هم استرحا می‌نمایند. داعی نمی‌داند مقامات عالی در این موضوع چه نظری دارند، آن را هم چنانچه ممکن است بفرمایند).
جمع کل	۱۲۰۰	۳۰۷۸۴ قران
		۴۶۰ من
		(بعلاوه یک ثوب پالتو عبائی).

(۱) - در مقابل کمک‌ها، میزان هر کدام از آنها به روش «سیاق» نیز ثبت می‌شده است. «سیاق» در گذشته یک روش محاسبه بود که الفبای خاص خود را داشت و معمولاً برای دقت بیشتر در محاسبه‌ها و جلوگیری از دستکاری عددها و کم و زیاد کردن آنها به کار می‌رفت و در مقابل هر عدد معادل سیاقی آن هم نوشته می‌شد.

نبرد دلبار و تلگرام حکمران بنادر به وزارتخارجه

□ «وزارت امور خارجه

شعبه تحریرات انگلیس

سواد تلگراف حکومت بنادر به وزارتخارجه

مورخه ۱۲ رجب ۱۳۳۱

نمره ۵۶

در جواب تلگراف نمره ۱۲۷ مورخ ۱۱ رجب خاطر محترم را مستحضر می‌سازد که انگلیسان چند روز است در ساحل تنگستان مشغول عملیات شده‌اند. در قریه محمد عامری که عوام مددگری می‌گویند و نزدیک دلبار^۱ و مرکز قاجاقچیان است؛ پنج نفر از ملاحان انگلیسی که نزدیک به ساحل می‌شوند از طرف تفنگچیان محمد عامری مجروح و یکی مقتول می‌شود. انگلیسان بالاخره داخل قریه می‌شوند. گویا پانزده قایق بخشی کشیده بودند که انگلیسان نتوانند آنها را تصرف کنند. چون به آب انداختن آنها اشکال داشته، ملاحان انگلیسی قایقها را می‌سوزانند. در حالیکه جهازات جنگی^۲ انگلیس مشغول کار هستند و مقتول شدن یک نفر ملاح انگلیسی و مجروحیت پنج نفر دیگر هم مبلغ غرامتی را که مطالبه می‌کنند بالاتر برده، بنده حیرت دارم اولیای دولت با کدام وسیله و اسباب می‌توانند اخذ غرامت از تنگستان بفرمایند یا مقصرین را بگیرند. علت پیشرفت دول اروپا این است که اظهارات مأمورین خودشان را قبول می‌کنند.

چنانکه وقتی قونسول جنرال انگلیس مقیم بوشهر تصویب می‌کند کشتی‌های جنگی انگلیس برای تدبیر تنگستانیان تجهیز کنند، دولت انگلیس یا حکومت هند می‌پذیرند. ولی بنده دو سال است هرچه عجز و الحاح می‌کنم که بنادر استعداد نظامی لازم دارد، هیچ وضعی بعراض بنده نمی‌گذارند. برای دو توپ «ماکسیم» چندین فقره عرض کرده‌ام، هیچ اعتنائی نشده. استدعا می‌کنم تلگرافات مرموز نمره ۴۲ مورخه ۱۷ ربیع الثانی، نمره ۴۷ مورخه ۱۰ جمادی‌الاولی به وزارت جلیله داخله، نمره ۴۸ و ۴۹ مورخه ۱۲ و ۱۷ جمادی‌الاولی بوزارت جلیله خارجه رجوع فرمایند. تلگرافاتی که در ظرف دو سال گذشته در همین موضوع عرض کردم اگر بخواهم عرض کنم موجب

تطویل است. دلبار، محمد عامری و سایر بنادر تنگستان که فعلاً انگلستان از آنها مطالبه غرامت و تسلیم سارقین را می‌نمایند از بوشهر پنج فرسخ تا پانزده فرسخ بیشتر مسافت ندارند، و از آنجا از روی دریا یا خشکی اگر استعدادی باشد به زودی ممکن است اشرار را قلع و قمع نمود. این بنادری که باقتضاء طبیعت و ترتیب جغرافیا بایستی جزو حکومت بنادر باشند در تحت ایالت فارس هستند، که اگر استعدادی هم داشته باشند نمی‌توانند پانزده روزه به آنجا برسانند.

از آنطرف قوه مجریه دولت ایران منحصر است به جهاز پرس پلیس که بالمره از کار افتاده و دیگر طاقت مسافرت ندارد، و جهاز مظفر و سه جهاز کوچک که در بنادر پراکنده‌اند و جهاز مظفر هم که بالنسبه چیزی است در خرمشهر و در تحت حکم یکنفر کماندان بلژیکی و اداره گمرک است. اگر حکومت بنادر یک جهازی بخواهد همچنانکه اگر بخواهد یکفران خرج کند باید بطهران مخاברה کند تا به‌بیند کی اجازه می‌رسد. بدیهی است با این ترتیب هیچ کاری از پیش نمی‌رود. اگر بنده اندک استعدادی داشتم هرگز کار به اینجا نمی‌کشید که انگلیسان مستقیماً مشغول اقدامات بشوند. حالا که تنگستانیان زیر فشار انگلیسان آمده‌اند اگر دولت ایران تدارک یک استعدادی برای بنادر نکند بعد از این باید بیشتر انتظار وقایع ناگوار داشت. تکلیف بنده عرض کردن است. نه فقط در ظرف این دو سال هرچه باید عرض کرده، بلکه در ظرف بیست سال گذشته کراراً و مراراً معایب و نواقص امور بنادر را برای وزارت خارجه تشریح کرده‌ام».

۱۲ رجب - نمره ۵۶ - علیمحمد.

(۱) - دلوار.

(۲) - کشتی‌های جنگی.

(۳) - فرمانده، سرکرده، سرگرد.

نگرانی کنسول انگلیس از اوضاع اصفهان

□ تلگراف رمز به وزارت امور خارجه

«وزارت امور خارجه

مورخه ۲۹ ذی قعدة ۱۳۳۱

نمره ۸۹۹

استخراج رمز اصفهان

امروز بیست و هشتم شرحی از جنرال فونسولگری انگلیس رسید که خلاصه آنرا ذیلاً بعرض میرساند: نظر بحالت انقلابی که این چند روز اخیر در شهر موجود شده، و مخصوصاً نظر به تیراندازی که دیشب در حوالی فونسولخانه و سایر محل‌های شهر شده، تکلیف خود میداند اطلاع دهد چنانچه خسارتی یا صدمه بجان و مال اتباع دولت انگلیس ساکنین این شهر وارد شود دولت معظم‌الیه دولت ایران را مسئول خواهد دانست. چون عجالتاً نایب‌الحکومه در کنار نیست فوری از طرف دولت به رئیس نظمیّه ابلاغ کردم حفاظت شود. کوشش تعیین نایب‌الحکومه از ضروریات فوری است. بیم مخاطرات میرود - ۲۸ ذی قعدة نمره ۱۷۴۱ - ۱۳۹۱ رکن‌الوزراء»^{۱۰}

ناممکن بودن حکومت بختیاری‌ها

□ «وزارت امور خارجه

مورخه ۲۹ ذیقعدة ۱۳۳۱ نمره ۹۰۰

استخراج رمز اصفهان

شرحی الان از حضرت آقای نجفی و سایر علمای اعلام کثرالله امثالهم کتباً بکارگذاری رسیده عیناً درج میشود. جواب تلگراف از تهران نرسیده باید جنابعالی مستحضر باشی. اتصالاً بلوا در شدت و از اطراف شهر پیوسته جمعیت وارد تماماً در محذور گرفتار اسکات مردم غیرممکن در اینصورت لازم است جنابعالی که امین این دولت هستید اطلاعات شخص خودتان را هم بدولت داده که حکومت احدی از بختیاری امکان ندارد.

انتظار عاجل در جواب مساعد هستم بهر طور مقرر فرمائید جواب
صحیح‌السکوتی به آقایان عظام عرض نماید - ۲۸ ذی‌قعدة - نمره ۱۷۳۹ - ۱۳۸۹ -
رکن‌الوزراء».

در خصوص مأموریت معاضه‌السلطنه

□ «وزارت امور خارجه

مورخه ۲ ذی‌حجه ۱۳۳۱

نمره ۹۰۵

استخراج رمز اصفهان

امروز غره، آقای نجفی ملاقات بنده را طلب نموده ضمناً اظهار داشتند که
شرحی حضور حضرت والا آقای وزیر داخله عرض شود.

مسلم است نظریات اولیای دولت در آسایش اهالی و حفظ مملکت مقدم به
نظریات عمومی است و از بذل هر نوع ملاطفت مضایقه نخواهند فرمود ولی نظر
بمعاهده فیما بین که هیچوقت از صلاح اندیشی تخلف نشود در اینموقع نظر به صلاح
جویی حضرت والا از طرف بنده اقدامات لازمه در اسکات اهالی و گشادن دکاکین و
رفع شور و خروش مردم بعمل آمد، لیکن در موضوع صمصام‌السلطنه^۲ سردار ظفر
سردار اشجع چون اینها امتحانات خود را داده‌اند طوری است نمیتوانند مردم را به
تقبل آنها مجبور نمود، حالا که باید اراده مبارک مورد قبول یابد و تغییر حکومت
بختیاری غیرمقدور است، باز به سردار محتشم که هنوز امتحانی نداده می‌شود امیدوار
بود با گرفتن تعهدات لازمه از ایشان در عدم اجحاف و تعدی و آسایش اهالی کوشش
نمایند و پولی را که برای امنیت طرق و شوارع میگیرند بهمان راه صرف نمایند.

معاضدالسلطنه^۳ هم اینکه ایشان بطریق آشکار برای این مأموریت بیابند با
وضع پارتی بازی امروزه سوای اینکه تحمیل تازه وارد شود و زحمت جدید تولید بشود
تبیجه دیگری ندارد. اگر منظور کشف حقیقت باشد بهتر این بود که مفتش مخفی برای
تحقیق این امور معین می‌فرمودند که در خفاء به کمال سادگی و عدم شناسایی تفتیشات
در قرا و اطراف شهر بعمل بیاورد و نتیجه را بعرض اولیاء دولت برساند. سایر علماء

نیز بنده را خواسته عینا فرمایشات آقای نجفی را اظهار داشتند.

نمره ۱۷۸۷ - ۱۳۳۷ - رکن الوزراء^۶»

(۱) - ابراهیم رکن الوزراء کارگذار وزارت امور خارجه در اصفهان.

(۲) - از خوانین بختیاری که پس از تصرف اصفهان، عازم تهران شد و در فتح این شهر توسط مشروطه خواهان شرکت کرد.

(۳) - میرزا ابوالحسن خان معاضد السلطنه که از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ ه. ق وزارت پست و تلگراف را برعهده داشت.

واگذاری امتیاز پرورش کرم ابریشم به محتشم السلطنه

□ ارسال متحد المآل به مازندران و گیلان

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت گیلان ۴۸۷۹ مازندران ۴۸۸

کارتن ۱۵ دوسیه ۲

شعبه تحریرات شمال

تهران - بتاريخ ۲۵ ذیحجه - ۳ قوس ۱۳۳۱

اسم نویسنده حسن صادره تلگراف

قیمت مخایره با حامل است

متحدالمال بحکومت مازندران و گیلان نوشته شود.

امتیاز اداره تخم نوغان^۱ سابق از طرف دولت به جناب مستطاب اجل امجد اکرم آقای حاج محتشم السلطنه^۲ دام اقباله واگذار شده است و چون این اوقات شروع بعمل خواهند نمود، لازم است قدغن فرمایند باکیان جناب معزیه نهایت مساعدت و تقویت را بعمل آورده و مراقبت و اهتمام نمایند که کسی تخم (نوغان) را بدون معاینه خریداری نکند و بموقع استمال بگذارد و مخصوصاً انتظار دارم در اینموقع نهایت مواظبت و مساعدت را بعمل آورید که موفقیت کامل برای ایشان در اینباب حاصل شود».

و در زیر تلگرام نوشته شده است: «در لف^۳ مراسله آقای محتشم السلطنه ارسال شود».

□ احداث اتاق پرورش کرم ابریشم

«دولت علیه ایران

نمره کتاب ثبت ۴۸۷۸

کارتن ۱۵ دوسیه ۲

شعبه تحریرات شمال

طهران - بتاريخ ۲۵ ذیحجه - ۳ قوس ۱۳۳۱

اسم نویسنده حسن صادره تلگراف

قیمت مخابره بر عهده حامل است

حکومت جلیله گیلان - سابق در جنب عمارت حکومتی رشت قطعه زمین مثلثی که تقریباً معادل هزار ذرع و متعلق به دولت بوده است، بداره تخم نوغان که امتیاز آن با جناب مستطاب اجل امجد اکرم آقای حاجی محتشم السلطنه دام‌اقباله است برای ساختن تلمبار^۴ واگذار شده و بعضی بناها هم در اراضی مزبور نموده‌اند، ولی اخیر در واقعات گیلان بناهای مزبوره منهدم شده است و حالا چون می‌خواهد شروع بکار تخم نوغان بکنند غدغن نمائید اراضی مزبور را کمافی‌السابق به تصرف کیان جناب معزالیه داده و کمال مساعدت را بعمل آورده که در ساختن و دستگاههای دیگر زودتر موفقیت حاصل نمایند و مانعی در کار ساختن تلمبار و غیره تولید نشود».

□ تعیین زمین برای پرورش نوغان

«۴ محرم الحرام ۱۳۳۲

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت برکاته.

رقیمه محترمه راجع بزمین رشت شرف وصول داد. اولاً سواد امتیاز نامه را لفافه فرستادم، که مطابق فصل ۱۷ آن وزارت داخله وقت بحکومت گیلان مقرر فرمودند تکه زمین بیکاری که در جنب دارالحکومه افتاده برای این خدمت بدهند. آنحکم به حکومت ابلاغ شده است و زمین در تصرف گرفته شد و تلمبار مدل که در آنجا ساخته شد در موقع انقلاب که دارالحکومه را خراب کردند آن تلمبار را هم سوزانیدند. حالا هر اداره بوظیفه خود شروع کرده بنا بر این غلامحسین (؟) ساختن تلمبار مزبور را لازم میدانند. این است که استدعا شده مقرر فرمایند همان زمین را کماکان باین اداره واگذار نمایند که برای خدمت عمومی تدارک تلمباری در آن بشود که سرمشق سایرین باشد».

□ نامه وزارت داخله به محتشم السلطنه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۴۸۷۷

کارتن ۱۵ دوسیه ۲

شعبه تحریرات شمال ضمیمه سه فقره تلگراف

تهران - بتاریخ ۲۵ ذی حجه - ۳ قوس ۱۳۳۱

اسم نویسنده حسن صادره رقیمه

فوری است

خدمت جناب مستطاب اجل امجد اکرم آقای حاج محتشم السلطنه دام اقباله. فدایت شوم. رقیه شریفه راجع به اراضی واقع در رشت که سابق محل اداره نوغان بوده و لزوم صدور تلگراف به حکومتین مازندران و گیلان زینت وصول داد و اینک تگرافات لازمه صادر و لفاً ارسال گردید. ولی چون این مسئله در وزارت داخله سابقه ندارد، خوب است سواد اسناد و فرمانی که دارید برای وزارت داخله ارسال فرمائید تا مدرک این احکام باشد».

□ متن امتیازنامه تخم نوغان

«برای حفظ حاصل نوغان از خطرات فساد تخم و غیره و رفع خسارات رعایا و ملاکین از این رهگذر و لزوم عمل آوردن این تخم در خود مملکت و رسیدگی به تخم نوغان که وارد مملکت محروسه می‌شود، چون لازم است ترتیبی داده شود که من بعد (منبعد) این حاصل از هر جهت محفوظ بماند و ترویج شود انشاءالله تعالی، لهذا بتصویب جناب مستطاب اشرف ارفع افخم عین‌الدوله اتابک اعظم امتیاز تخم نوغان در کلیه ایران موافق فصول ذیل از تاریخ امضای این امتیازنامه به جناب محتشم‌الدوله مرحمت دستور می‌شود:

فصل اول - این امتیاز از تاریخ ذیل تا پنجاه سال با مشارالیه و وارث او خواهد بود.

فصل دوم - صاحب امتیاز متکلف است که اولاً تخم نوغان در خود ایران بطور صحت بعمل آورد. ثانیاً در ترویج این حاصل در ممالک محروسه کمال اهتمام را بعمل آورده، مراقب باشد که به صحت بعمل آید.

فصل سوم - تا زمانیکه تخم نوغان در خود مملکت بقدر کفایت حاصل نمی‌شود چون لازم است تخم نوغان از خارجه وارد شود، صاحب امتیاز باید تخم نوغان صحیح وارد نموده و آنچه وارد شود با ذره‌بین کامل بترتیب علمی بتوسط ممیزین و معلمین بصیره خبره معاینه و تفتیش نماید. هرچه صحیح باشد بعد از زدن علامت صحت بموقع استعمال گذارد و هرچه ضایع و خراب باشد باطلاع اداره گمرک معروض نماید.

فصل چهارم - در موقع بدست آمدن پيله امتحان صحت و سقم آنرا علما باید بعمل آورده و کلیه اقدامات علمیه و عملیه در صحت و حسن ترتیب تخم و پيله و تلمبار از هر جهت باید معمول دارد و طبیب مطالعه کار حاضر داشته باشد.

فصل پنجم - صاحب امتیاز بدون مطالبه خرجی از دولت باید معلم و مرتب برای این حاصل و حسن مرتب و تربیت آن حاضر داشته باشد و ذره‌بین‌های کافی تدارک کند که اقدامات علمیه و عملیه این کار بدون منفعت بعمل آید.

فصل ششم - صاحب امتیاز بدون مطالبه خرجی از دولت شاگردهای عالی تربیت خواهد کرد که بتدریج رفع حاجت از معلمین فرنگی شده، اسباب ترویج این حاصل شوند.

فصل هفتم - صاحب امتیاز بدون مطالبه خرجی از دولت کتاب این علم را به فارسی ترجمه و طبع خواهد کرد.

فصل هشتم - تا یکسال از تاریخ ذیل صاحب امتیاز باید شروع به تکالیف مقرر نموده و تا هفت سال بقدر حاجت مملکت تخم نوغان بعمل آورده که رفع حاجت از تخم نوغان خارج بشود.

فصل نهم - بعد از پنج سال از تاریخ ذیل هر ساله از منفعت خالص عشر بدیوان همایون خواهد پرداخت.

فصل دهم - اداره گمرک دولت علیه کلیه تخم نوغان که وارد میشود به این اداره خواهد فرستاد که رسیدگی شده مطابق فصل سوم معمول گردد.

فصل یازدهم - صاحب امتیاز و وارث او ابتدا حق ندارند که این امتیاز را به خارجه واگذار نمایند و یا شریک از خارجه بگیرند. فقط از اسهام خرید تخم از خارج مجازند که تا یک ثلث بخارجه بفروشند، ولی در سایر فقرات این امتیاز از اسهام هم ابتدا بخارجه واگذار نمی‌شود.

فصل دوازدهم - از طرف دولت علیه قدغن و اعلان خواهد شد هیچکس حق ندارد تخم نوغان بخرد، بدون اینکه علامت تفتیش این اداره در آن باشد و هر کس خرید، مسئول و مواخذ بود.

فصل سیزدهم - اسبابی که فقط برای ترتیب این عمل لازم است از خارجه وارد نمایند گمرک معاینه کرده، معاف خواهد شد.

فصل چهاردهم - کلیه معاملاتی که رعایا و ملاکین در باب خرید و فروش نوغان می‌کنند باید با سند بوده و آن سند بامضاء و مهر این اداره برسد و دارای تمبر دولتی باشد و صاحب امتیاز باید در هر محل دفتر صحیح منتظم داشته باشد که ثبت این اسناد با نمره درشت و آن دفتر مضبوط باشد و تمبر دولتی از اداره گمرک بصاحب امتیاز تحویل شود که نصف عایدات تمبر مزبور را ششماه به ششماه بدارد گمرک پرداخت نموده، قبض دریافت خواهد کرد و نصف دیگر حق صاحب امتیاز خواهد بود برای مصارف این اداره، این فایده غیر از مالیات فصل نهم است.

فصل پانزدهم - حقوق تفتیش و نصب باندربول مطابق ترتیب مقرر دولتی است که دارای این اداره هستند و صاحب امتیاز از آنقرار تعیین و اعلان خواهد کرد.

فصل شانزدهم - اگر در خالصجات دیوانی باغات توت باشد صاحب امتیاز میتواند برای تخم نوغان اجاره نماید و هر جریانه یا اجاره‌ای که فعلاً معمول است بوزارت خالصجات می‌پردازد.

فصل هفدهم - در اراضی باثره دولت و کنار رودخانه‌ها که باثر و ملک دولت باشد صاحب امتیاز میتواند باغات توت مجاناً بنماید و حاصل نوغان را ترجیح بدهد - محل صحه همایونی».

این امتیازنامه که به صحنه مبارک همایونی ارواحفداه موشع شده است، در دفتر وزارت خارجه ثبت شده فی ۲۴ شهر شوالی ۱۳۳۳ - مشیرالدوله^۷ سلطان عبدالمجید.

-
- (۱) - نوغان: کرم ابریشم، اداره‌ای که امور مربوط به تربیت کرم ابریشم و پيله را برعهده دارد (فرهنگ دکرتمعین).
- (۲) - حاج حسن اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه - وفات ۱۳۲۳ شمسی) از رجال سیاسی دوره مشروطیت ایران، که مدتی رئیس مجلس شورای ملی بوده است (همان منبع).
- (۳) - جوار.
- (۴) - تلمبار (تلبنبار، تلنبار، تلپبار)، اطافی که بام آن گالی‌پوش است و در آن کرم ابریشم پرورش دهند.
- (۵) - عین‌الدوله (۱۲۶۱ - ۱۳۴۵ هجری قمری): از رجال قاجار که در زمان مظفرالدین شاه به وزارت داخله رسید. وی فردی مستبد و مخالف مشروطه خواهان بود و پس از ۵۰ سال زندگی سیاسی در سن ۸۴ سالگی در ۷ جمادی‌الاول ۱۳۴۵ هجری قمری در تهران درگذشت (فرهنگ دکرتمعین).
- (۶) - سهم‌ها.
- (۷) - مشیرالدوله: میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله از رجال عهد قاجار است که در ابتدای کار به وزارت امور خارجه رسید، و مشاغل سیاسی دیگری هم داشت.

ماجرای به چاه انداختن کنسول روسیه در اصفهان

□ نامه جنرال کنسول اصفهان

«وزارت امور خارجه

سواد ترجمه نامه جنرال قونسول اصفهان به کارگذاری وزارت امور خارجه

مورخه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۱ - نمره ۱۰۳

احتراماً زحمت افزا است موافق استتطافی که در حضور آنجناب جلالتاب از قمر نام زوجه میرزا نصرالله شد و سواد آن هم داده شد، داراب میرزا و نایب منصور و شکرالله باغبان سابق قونسولگری مرتکب بچاه انداختن بوغایا وینسکی قونسول سابق اصفهان شده، دوستدار خواهشمند است بزودی اقدامات لازمه را در این خصوص فرموده و مشارالیه را مقرر بحبس فرمایند و نتیجه را بقونسولگری اطلاع دهند تا استنکافات و ترتیب آن داده شود، چنانچه زحمتی ندارد.

همواره احترامات فوق العاده را تجدید و برقرار میدارد - میدورایف».

□ متن بازجویی از شاهد قتل

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۱

آنچه «قمر» در کسنولگری روسیه راجع به چگونگی قتل کنسول آن کشور در اصفهان بیان داشته و رونوشت آن در تاریخ بیست و هفتم ربیع الثانی ۱۳۳۱ برای نماینده وزارت امور خارجه در اصفهان ارسال شده، بدین شرح است:

سواد تقریرات قمرخانم در اصفهان.

با حضور آقایان محترم ذیل مذاکره و استنکاف در دفتر قونسولگری شد:

جناب قائم مقام قونسولگری، آقای امیرجنگ، آقای کارگذار، جناب رئیس بانک استقراضی.

س - اسم شما چیست؟

ج - قمر.

س - زوج کی هستی؟

ج - زوجه میرزا نصرالله.

س - منزل شما کجا هست؟

ج - جنب قونسولگری روس.

س - چند وقت است آنجا نشستهاید؟

ج - باغ بوده است، خودمان ساختیم، نمیدانم چند سال هست دائمی نشستهایم.

س - مطلب شما چیست؟

ج - روی پشت بام بودم، قونسول پشت باغ بود. در باغ باز شد، باغبان خودشان باز کردند.

س - کدام درب باز شد؟

ج - دری که تو سیئه^۲ خودمان است.

س - چطور شد که درب باز شد؟

ج - داراب میرزا و نایب منصور آمدند توی باغ و قونسول را هل دادند، افتاد توی چاه.

س - این دو نفر که قونسول را توی چاه انداختند کجا رفتند؟

ج - از همان درب برگشتند.

س - شما چه کردید؟

ج - برگشتم بخانه خودم. روز دیگر صبح دایه آنها یعنی داراب میرزا و نایب منصور را دیدم. دایه بمن گفت شنیدی قونسول افتاد توی چاه.

س - تو چه جواب دادی؟

ج - گفتم رفتند پول از معتمد خاقان گرفتند، قونسول را توی چاه انداختند، دایه گفت ما خبر نداریم. من گفتم حاشا لازم نیست. بعد از یکماه که پسر من از لنجان آمد، تفصیل را به پسر من گفتم. گفت مبادا جایی بگویی، مال و جان خودمان هم به هدر میرود. پس از سه ماه که قونسول بچاه افتاده بود، منشی باشی قونسولگری میرزا اسماعیل خان مرا بخانه خودش خواست و اظهار داشت که شنیده‌ام تو میدانی قونسول را کی بچاه انداخته...^۳

□ پاسخ کارگذار اصفهان به جنرال قونسول روسیه

«مورخه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۱ - نمره ۲۴۷

از مفاد گرامی مراسله محترمه مورخه ۲۷ این ماه نمره ۱۰۳ آنجناب دوستان

استظهاری دائر باظهارات قمر نام راجع به وفات مسیو بوغایاوینسکی جنرال قونسول سابق آن دولت بهیچ استحضار حاصل نموده، بوزارت جلیله خارجه تلگرافات راپرت داده و بطوریکه تقاضا فرموده بودند بحکومت جلیله نیز اعلام داشت اشخاصی را که مشارالیه اظهار داشتند، به دارالحکومه حاضر نمایند که با حضور دوستدار و نماینده محترم تحقیقات و رسیدگی بعمل آید. احترامات فایقه را تجدید مینماید - کارگذار خارجه».

□ گزارش کارگذار اصفهان به اداره تحریرات روس وزارت امورخارجه

مورخه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۱ - نمره ۲۷۷

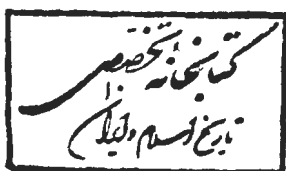
«امروز یک ساعت بظهر مانده از قونسول خانه روس تقاضا نمودند بنده برای ملاقات به آنجا بروم. در ورود به آنجا دیدم آقای امیر جنگ نایبالحکومه هم ورود نمودند. مدیر قونسول خانه تقاضا نمود برویم در دفتر مطالبی است، مذاکره شود. بعد از حضور در آنجا معلوم شد ضعیفه «قمر» نام راپرتی راجع چاه افتادن قونسول سابق تفصیل این بود که ضعیفه اظهار میداشت در آن روزی که قونسول به چاه افتاد روی بام جنب قونسولگری بودم. داراب میرزا و نایب منصور از درب باغ وارد شدند. قونسول را به چاه انداخته و برگشتند. وی گفت از معتمد خاقان پول گرفته بودند؛ که این کار را بکنند. سؤال شد چرا در این مدت مطلب را اظهار نکردی؟ جواب می‌دهد چون سرقتی در منزل داراب میرزا واقع شده بود و او نسبت سرقتی را به پسر من داده، بدین جهت نظمیه دستگیر می‌نموده، من هم خیالم بر این شد سر او را افشاء کنم. صورت اظهارات نوشته شده را بنده و آقای امیرجنگ هم امضاء نمودیم. بعد از مراجعت از قونسولگری هم مراسله رسمی نوشته، با سواد اظهارات فرستاده، تقاضا نموده بودند به حکومت اظهار شود حضرات را برای رسیدگی جلب نماید. همین قسم رفتار شد. محض استحضار خاطر مبارک عرض نمود که هر قسم دستورالعمل می‌فرمائید رفتار شود. سواد تمام مکاتبات راجع به این مسئله را با پست امروز فرستادم تا از مراجعه به اینها از کیفیت کاملاً مستحضر گردند. نمره ۲۷۷ - کارگذار خارجه».

□ تقاضای کارگذار اصفهان برای دریافت دستورالعمل از وزارت

امورخارجه

«مورخه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۱ - نمره ۲۷۹

وزارت جلیله امور خارجه - بتاريخ ۲۷ این ماه تفصیل رفتن خود را به قونسولگری روس و اظهارات قمر نام را در حضور بنده و آقای امیر جنگ رمزاً راپرت تلگرافی داده، چون این مسئله قابل کمال توجه و جالب دقت نظر و نهایت اهمیت را دارد، اینک سواد تقریرات ضعیفه را بانضمام سواد مراسلات مقاطیه بین کارگذاری و جنرال قونسولگری بحکومت جلیله اشعار کتبی نمودم که داراب میرزا و نایب منصور و باغبان سابق قونسولخانه را به دارالحکومه حاضر نموده، قبلاً بکارگذاری اعلام دارند تا با حضور خود بنده و مدیر جنرال قونسولگری رسیدگی بعمل آمده، کشف مسئله گردد، و مخصوصاً شخصاً حکومت جلیله را هم ملاقات کرده، اهمیت مطلب را گوشزد و لزوم دقت در این امر را تشریح و کاملاً خاطرنشان معزی‌الیه نمودم. اکنون هم لزوماً راپرت داده تا بهرطور از طرف آنوزارت جلیله جواب برسد عمل نماید.»



-
- (۱) - قائم مقام کنسول - کنسولیار.
 - (۲) - سیبه - مأخوذ از کلمه ترکی به معنی دیواری که سرکوچه، محله و یا باغ احداث می‌کنند و در گذشته این کار برای محافظت در مقابل حمله دشمن و با پیشگیری از سرقت ساخته می‌شده است.
 - (۳) - از بقیه سند اثری در دست نیست.
 - (۴) - شنیده شود.
 - (۵) - راز.
 - (۶) - پی در پی.

سوئظن عمومی نسبت به کلنل مریل آمریکایی
«وزارت داخله»

سواد استخراج تلگراف رمز ایالت فارس

مورخه ۱۷ جمادی الثانیه ۱۳۳۲ نمره ۱۴۲

مقام اشرف وزارت جلیله داخله دامت شوکته - از صحبت مریل^۱ چنان معلوم است که خیال آوردن چهار نفر وکیل و سرجوقه از آمریکا دارد و چون می بینم که سرخود کار میکند و پول را هم باختیار او میگذارند یک روز نشستیم که حضرات وارد میشوند. در نمره ۲۳ پریروز هم شرحی عرض کرده ام در قضیه نصرالملک^۲ هم بعضی اقدامات او اسباب نهایت سوئظن عمومی نسبت باو شده است. سابق هم گفته ام که مستقلا عزل می کند نصب میکند تغییر منصب میدهد. وزارت جلیله جنگ چه مانع دارد تلگرافی به بنده بکند که این مسائل شنیده می شود.

این اموری است که تصویب وزارت جنگ را می خواهد و امضای نیابت سلطنت را. اگر تغییری در بودجه مصوبه وزارت جنگ و درجات صاحب منصب لازم است باید بطهران پیشنهاد شود. یکی از اتفاقات سو هم این است که مریل هم آمریکایی است و یکنفر مترجمی که همراه خودش آورده است مشهور است که از دعوات بابیه است. در روزهای اول از علماء و غیره صدا بلند شد و چون خود مریل هم تصدیق داشت که سفری الیه بابی است وعده کرد او را با مادرزنش به آمریکا بفرستد. در این اوقات مادرزنش را فرستاد و آن شخص که روح اله خان باشد نفرستاد و اینهم اسباب دردسر است. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد. این فقره را خودم باو اخطار میکنم. نمره ۲۵ - مهدیقلی.»

(۱) - کلنل مریل افسر آمریکایی ژاندارمری که قبل از ورود افسران سوئدی به

ایران، در ژاندارمری خزانه ایران فعالیت داشت.

(۲) - از رجال قاجار که مدتی وزیرپست و تلگراف بود.

مقررات تابلوی مطب پزشکان

« ۱۴ رجب ۱۳۳۲ »

اعلان از طرف حکومت

در تعقیب اعلان سابق بعموم اطباء دارالخلافه اخطار می‌شود که باید عنوان لوحه مطب هر یک مطابق با ورقه اجازه‌نامه رسمی که از وزارت جلیله معاف دریافت داشته‌اند باشد. چون بموجب تفتیشی که شده، بعضی از اطباء لوحه مطبشان مطابق با اجازه‌نامه رسمی وزارت جلیله معارف نیست لهذا اگر تا مدت پانزده روز بعد از انتشار این اعلان بمدلول مواد فصل دهم قانون طبابت که عینا درج می‌شود رفتار نکنند.

(ماده دهم: هر کسی برخلاف مقررات مواد فوق بشغل طبابت مشغول شود در نوبت اول اخطار می‌شود و در نوبت دوم چهار ماه محبوس و در نوبت سوم یک سال محبوس خواهد بود)

بتوسط اداره محترم نظیمه مفاد ماده مزبور را درباره طبائی که تخلف از این اعلان ورزیده باشند بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

حکومت دارالخلافه طهران.

مطبعة دولتی. رئیس - مجید عبدالله قاجار.

تقاضای انتشار مجدد نسیم شمال

توسط سید اشرف‌الدین حسینی

«مقام رفیع مقدس وزارت علوم و معارف.

روزنامه مقدسه نسیم شمال که در رشت سابقاً به مدیریت این جانب طبع و نشر می‌شد، یک چند تعطیل بود. اینک خیال آن دارم که همان روزنامه را در دارالخلافت طبع و نشر نمایم. مستدعی آنکه مرحمتی فرموده اجازه دهید که در مطابق طهران نیز کمافی السابق طبع و نشر شود.

البته از همم^۱ عالی و توسعه معارف مضایقه نخواهد فرمود. محض اطلاع عرض شد. اشرف‌الدین الحسینی»^۲

در بالای تقاضانامه سید اشرف‌الدین حسینی برای انتشار مجدد روزنامه نسیم شمال، تاریخ و شماره ثبت آن در وزارت علوم و معارف بدین شرح شده است: ورود به دفتر کل ۲۱ شهر جوزا ۱۳۳۲، نمره ۸۵۲۵.

(۱) - تهران.

(۲) - جمع همت.

(۳) - روزنامه نسیم شمال که در مبارزه با استبداد قاجار فعال بود، به هنگام استبداد صغیر تعطیل شد و پس از فتح تهران دوباره انتشار یافت. تقاضای انتشار مجدد نسیم شمال به خط سید اشرف‌الدین حسینی مدیر و ناشر آن است.

بخش دوم

اسناد دوران جنگ

(۳۶ - ۱۳۳۲ هـ.ق)

تظلم مردم قصرشیرین از تابعیت اجباری عثمانی

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قصر به تهران

نمره ۱۸ عدد کلمات ۲۴۱

بتاریخ ۱۹ سرطان شهر بارسئیل ۱۳۳۲

مقام نیابت سلطنت - کپیه وزارت خارجه - کپیه وزارت داخله - کپیه جریده
بیطرف. تا کی و تا چند باید در فشار عثمانیان بوده، ژاندارم بخانمان^۱ ریخته، بقوه
جبریه ما را بخانقین^۲ آورده میخواستند عنفاً تذکره تبعیت بماها بدهند و ماها را
بعسکری^۳ بگیرند.

دادرس نداریم. سفارت اسلامبول و بغداد تلگرافات نمودیم، علاج نکردند.
نمیدانیم کجا پناه ببریم. چه قدر پول تلگراف بدهیم. خاک ایران هم امنیت ندارد.
دست عیال اطفال مانرا گرفته از اینجا فرار نمائیم. شماها هم ابداً بفکر ما یک مشت
فلک زده متواری بواسطه شاید خاک ایران نیستند. زمام امور مملکت بدبخت ایران در
ید تصرف شماها است. مگر ما مسلمان و تبعه ایران نیستیم، از ملت یهود ضعیف تر و
ذلیل تر هستیم. محضاً توجهی بحال ماها بفرمائید کاربردازی خانقین و حکومت
عثمانی سه روز برای ماها مهلت گرفته اند در تلگرافخانه قصر متحصن، زن و بچه خود
را در زیر شکنجه مأمورین عثمانی جا گذارده ایم. علاج عاجل نموده، تمام را اجباراً
عسکر نموده، تذکر تبعیت میدهند. اگر صرف نظر از ماها فرموده و مجال دادرس
ندارید بدولت دیگر ملتجی شویم. علاج عاجل و جواب فوری بفرمائید. عموم ایرانیان
بدبخت خانقین: کداخدا حسن، کدخدا حسین، کدخدا زینل، کدخدا شاه حسین،
کدخدا فتاح.

(۱) - خانه مان.

(۲) - از شهرهای عراق.

(۳) - خدمت نظام.

اعلان بیطرفی دولت ایران در جنگ و پاسخ ولایات به آن

□ بیانه بیطرفی ایران

«نظر باینکه در این اوقات متاسفانه بین دولت اروپا^۱ نایره جنگ مشتمل است و ممکن است این محاربه بحدود ممالک ما نزدیک شود و نظر باینکه روابط و دادیه^۲ ما بحمدالله با دول متخاصمه برقرار است، برای اینکه عموم اهالی از نیات مقدسه ما در حفظ و صیانت این روابط حسنه نسبت به دول متخاصمه مطلع باشند امر و مقرر می‌فرمائیم که جناب مستطاب اجل اشرف افخم اکرم میهن دستور معظم مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء وزیرداخله فرمان ملوکانه را به فرمانفرمایان و حکام و مامورین دولت ابلاغ دارند که دولت ما در این موقع مسلک بی‌طرفی را اتخاذ و روابط دوستانه خود را با دول متخاصمه کماکان حفظ و صیانت می‌نماید و بدین لحاظ مامورین دولت را باید متوجه نمایند که نباید وجهاً من‌الوجه برآ و بحرأ کمک بهمراهی و یا ضدیت هر یک از دول متخاصمه نموده یا اسلحه و ادوات حربیه برای یکی از طرفین تدارک یا حمل کنند و باید از طرفداری با هر یک از دول متحاربه پرهیز و احتراز نموده، مسلک بی‌طرفی دولت متبوعه خود را کاملاً رعایت نمایند و در تکمیل حفظ بی‌طرفی و صیانت روابط حسنه باز آنچه هیئت دولت ما مصلحت داند و بعرض برسد در اجرای مقررات آن امر ملوکانه شرف صدور خواهد یافت - ۱۲ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۳۲».

□ متحدالمال مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء

به فرمانفرمایان ایالات و حکام ولایات

«از طرف قرین الشرف اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه فرمانی شرف صدور یافته است. از زیارت این فرمان و تلقی مدلول آن البته بخوبی ملتفت خواهند شد که نظر آفتاب اثر ملوکانه ارواحنا فداه در این موقع جنگ عمومی بکلی بسوی بیطرفی متوجه است و هیئت دولت نیز تا حال مساعی خود را به پیشرفت همین نظر صرف نمودند و اینک حسب‌الامر اقدس اعلی مقرر است که مدلول این فرمان مبارک را بعموم اهالی اعلام و اخطار نموده و مراقب باشند که مأمورین دولت علیه اوامر

مقدسه ملوکانه را کاملاً بموقع اجراء گذاشته و طبقات اهالی نیز مسلک بی طرف دولت متبوعه خود را پیروی نموده و در حفظ روابط حسنه بین دولت علیه و دول متحاربه ساعی باشند.»

□ پاسخ مفاخرالدوله حکمران گیلان

«از رشت به طهران

نمره قبض ۱۵۲۵۹ نمره تلگراف ۲۶۵

عدد کلمات ۸۶ تاریخ اصل ۱۳

دولتی - تاریخ وصول ۱۴ عقرب اسم گیرنده عباسعلی.

مقام منبع ریاست وزراء دامت عظمه.

تلگراف مبارک که حاوی فرمان جهانمطاع همایونی بود زیارت نموده، نیت مقدسه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی اروحنافداه را در بی طرف بودن در این جنگ، ادب و حفظ روابط حسنه گوشتزد عموم اهالی نموده توسط کارگزاری مهام خارجه نیز مفاد آنرا بقونسولگریهای دول متحاربه اعلام داشت. امید است که همه مأمورین و اهالی مسلک بیطرفی را حسب الامر اختیار نموده در استحکام روابط و دادیه دول بکوشند. نمره ۳۵۸ - مفاخرالدوله».

□ تلگراف حکمران آذربایجان

«از تبریز به طهران.

نمره قبض ۱۶۶۴۸ نمره تلگراف ۲۱۴

عدد کلمات ۵۹ تاریخ اصل ۱۳

دولتی - تاریخ وصول ۱۴ عقرب - اسم گیرنده علی.

حضور مبارک حضرت اشرف ارفع اعظم آقای رئیس الوزراء مدظله العالی. دستخط نمره ۱۲۵۱ تلگرامی متحدالمال زیارت، مدلول حکم تلگرافی متحدالمال ۱۵ ذی حجه که مدلول فرمان جهانمطاع مبارک درج بود برای اطلاع عموم طبع و توزیع شده و عموم اهالی از مدلول فرمان جهانمطاع مبارک مطلع گردیده اند. ۱۶ - ذی حجه - نمره ۳۰۲۸ - نقی».

□ تلگراف رکن الدوله حکمران بارفروش

«از بارفروش^۳ به طهران

نمره قبض ۲۸۶۳ نمره تلگراف ۶۹ تاریخ اصل ۱۳ دولتی است - تاریخ

وصول ۱۴ عقرب

اسم گیرنده عین الدوله.

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته. تلگراف متحدالمال مبارک که متضمن فرمان مهرلمعان^۴ اعلیحضرت اقدس همایونی خلدالله ملکه و سلطانہ راجع به بیطرفی دولت علیه ایران در این موقع جنگ بین دول اورپ بود زیارت، فوراً مدلول تلگراف مبارک را به مأمورین جزو حوزه حکومتی خود اخطار و اعلان نموده تا عموم اهالی این صفات از نیات مقدسه اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحافاده مستحضر شوند.

۱۶ - ذیالحجه نمره ۱۸۹ - رکن الدوله».

□ نامه‌ی حکمران قزوین

«حکومت قزوین.

نمره ۲۲۹۰

مورخه ۱۶ برج عقرب ۱۳۳۲

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته.

مرقومه مطاعه نمره (۴۵۱۲) متضمن ده نسخه از سواد فرمان جهان مطاع مبارک در باب بیطرفی دولت با دول متحاربه زیارت گردیده، قبل از وصول مرقومه مطالعه مفاد تلگراف مطاع متحدالمال نمره (۷۱) تلگرافی آنمقام منیع را نسخ کثیره طبع و برای استحضار و اطلاع عموم اهالی و رؤسای ایلات و نواب بلوکات در شهر و اطراف منتشر نموده، اطاعت فرمان قضانشان مبارک را فریضه ذمه چاکرانه میدانم - معتمدالسلطنه».

□ نامه والی آذربایجان

«ایالت آذربایجان

بتاریخ ۲۶ شهر ذیحجه ۱۳۳۲

نمره ۲۶۶۷

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته.

دستخط مبارک نمره ۴۵۰۳ در باب بیطرفی دولت قویشوکت علیه در این موقع جنگ دول بانضمام سی و پنج نسخه از سواد فرمان مهرلمقان مبارک زیارت و جواباً عرض می‌نمایم چند روز قبل دستخط مبارک تلگرافی که متضمن فرمان قضا جریان همایونی بوده، زیارت و یکهزار ورق طبع و بولایات فرستاده شده است که یک نسخه از آن لفاً از لحاظ مبارک می‌گذرد و اینک نیز برحسب امر مبارک سوادهای فرمان جهانمطاع بولایات جزو آذربایجان ارسال و در اجراء و انتشار مدلول آن تأکیدات لازمه بعمل آمد. زیاد عرضی نیست».

□ تلگراف حکمران استرآباد

«از استرآباد به طهران

نمره قبض ۱۴۷۱ نمره تلگراف ۶۷ تاریخ اصل ۲۵

دولتی - تاریخ وصول ۲۶ عقرب اسم گیرنده غلامحسین

مقام منیع وزارت جلیله داخله. تلگراف مطاع حضرت اشرف ریاست الوزراء عظام و مرقومه مبارکه انضمام چهارده طغرا سواد فرمان قضا جریان مبارک متضمن نمره ۴۵۰۸ زیارت گردید. این تگلراف و فرمان مبارک را سواداً به تمام نقاط و اطراف خصوصاً بین ایلات و طوایف تراکمه انتشار داده و نهایت جدیت را در حفظ مناسبات بی‌طرفی و تکمیل روابط حسنه و اجرای مدلول و مقررات آن دارم. ۲۵ عقرب نمره ۵۷۰ - سردار افخم».

(۱) - اروپا.

(۲) - دوستانه.

(۳) - شعله و ذره آفتاب.

(۴) - نام سابق بابل.

(۵) - نام سابق گرگان.

تهدید کنسول روسیه به توقیف جراید طهران

□ نامه جنرال کنسول روسیه

وزارت پست و تلگراف

سواد مراسله جنرال قونسولگری به ایالت محترم عظمی

بتاریخ ۲۰ شهر محرم الحرام ۳۳ نمره ۲۳۰۹

حضرت مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهار مشفق معظم - محترماً، از قراری که به جنرال قونسولگری معین شده، پاره اوراق مضره و جراید فاسده از طهران بوسیله پست تبریز میرسد که مندرجات آنها مخل آسایش حالیه و برخلاف امنیت حاضره است. بنابراین لازم است اطلاع داده و با نهایت توقیر و احترام خواهشمندم قدغن فرمائید به ریاست پستخانه اخطار شود سریعاً اقدامات لازمه از طرف پستخانه در سد انتشار این قبیل جراید مضره وارده از طهران بعمل آمده و منبع هرگاه بوسیله پستخانه وارد شود، اعاده دهند. والا در صورت تاخیر در اجرای این ترتیب نظامیان روس پستخانه را توقیف خواهند کرد.

موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقه را تکرار می‌نماید. زیاده زحمت است (محل امضاء جنرال قونسولگری).

□ درخواست مذاکره با کنسول روسیه وزارت پست و تلگراف

مورخه ۵ جدی ۳۳

نمره ۳۹۹۱

وزارت جلیله داخله - سواد راپرت نمره ۲۳۲۷۵ اداره پست به ضمیمه سواد مرسله جنرال قونسولگری روس مقیم تبریز راجع به توقیف جرایدی که از تهران بوسیله پست دولتی به آنجا ارسال می‌شود، به نایب‌الایاله آذربایجان نوشته و اداره پست را که نفع آن عمومی است تهدید نموده است، لفاً ایفاد شد. مخصوصاً از آن وزارت جلیله متمنی هستیم که در رفع این اظهارات حق شکنانه با مواقع لازم مذاکرات مؤثره اساسی فرموده و در استحصال نتیجه مطلوبه توجه خاص مبذول فرمایند.

□ پاسخ وزارت داخله

«وزارت داخله

طهران به تاریخ ۱۱ صفر ۷ جدی ۱۳۳۳

وزارت جلیله پست و تلگراف و فوائد عامه - رفیمه شریفه در ذیل نمره ۳۹۹۱ راجع به توقیف جراید طهران در پستخانه تبریز زینت وصول داد. اگرچه این تقاضا را اساساً باید از وزارت جلیله امور خارجه بفرمایند که رفع این اشکالات را بکنند، مع هذا شرح لازمه به وزارت خارجه نوشته و رفع این مخدورات خواسته شد.

مکاتبه با وزارت امور خارجه

«وزارت داخله

طهران بتاریخ ۱۱ صفر ۷ جدی ۱۳۳۳

صادره مکتوب

وزارت جلیله امور خارجه.

از وزارت جلیله پست و تلگراف شرحی راجع به توقیف جراید طهران در پستخانه تبریز بوسیله اقدامات فنسولگری روس نوشته و سواد راپرت اداره پست و مراسله فنسولگری را ارسال داشته‌اند، و اینک سواد هر سه لفافاً ارسال می‌شود که اقدام متقاضی فرموده، نتیجه را اطلاع بدهند..

دعوت آلمان‌ها به صرف غذا و تکذیب بیطرفی ژاندارمری ایران

۱۸ مارس ۱۹۱۵ - از شیراز بپهران

نمره ۳۱۰۹

کاپیتان هیرتا^۱

حیرت و تعجب رئیس با تحیر خود من قابل مقایسه نیست. حکم مراعات بی‌طرفی مدلل و جدی کاملاً مجری و ملحوظ است. لیکن برای آنکه درست بشما حالی نماید که اینقبیل هیجانات برحسب چه نوع اظهارات و نمایشات مختلفه میگردد این مطلب را عرض می‌نمایم که چند نفر تبعه آلمانی نزد من به مختصر غذایی دعوت داشته و عده‌ای از انگلیسی‌ها این مطلب را برخلاف بی‌طرفی می‌پندارند. اطلاعات مبسوطه را انتظار دارم. اس - پراویتز^۲.

-
- (۱) - کاپیتان هیرتا افسر سوئدی مامور خدمت در ژاندارمری دولتی ایران، که در ۲۰ اوت ۱۹۱۵ در نبرد با سواران شورشی ظفر نظام رئیس ایل اینانلو در «ماشگین» واقع در هفت فرسخی جنوب قزوین، همراه با ۲۴ ژاندارم دیگر کشته شد. در این نبرد ۱۹ تن از افراد «هیرتا» نیز مجروح شدند.
- (۲) - مازور پراویتز فرمانده سوئدی ژاندارمری فارس.

اعلان جهاد علماء علیه متفقین

استفتاء از آیت الله العظمی شیرازی

حضور شریف حضرات علماء اعلام حجج اسلام آیات الله فی الانام ادام الله برکات وجودهم العالی .

محترماً عرض میشود چه می فرمائید درباره اشخاصی که با دعوی مسلمانی در این ایام تقابل کفر و اسلام، در مقام معاونت دول کافره معارفه برآمده سرایا علناً، ملاً یا حیاتاً، جاناً یا لساناً، فکراً یا خیالاً، رایاً یا اظهاراً، قلماً یا قدماً علی کل الاحوال در سراء و ضراء بکفار حربی خدمت و بمقاصدشان اعانت مینمایند و درباره کسانی که بذریع اعمال و اقوال یا بوسایل پاره نشریات معموله و انتشارات مضره بمرام و منویات اعلاء دین مبین و دشمنان اسلام و مسلمین مانند انگلیس و روس و فرانس و ایتالایی و هر یک از کفار حربی که با اسلام و مسلمین طرف مخاصمه و محاربه واقعند و امروز در مقابل مسلمانان بعداوت مشهور و بجنگ و خونریزی مشغولند، آنانرا ترویج میکنند و بدول کافره محاربه ظاهراً و باطناً مساعدت مینمایند چه حکم دارند و تکلیف مسلمانان با اینگونه اشخاص چیست؟ مستدعی است بجهت تکلیف مسلمین نسبت باین نوع مردمان حکم الله را در صدور و حواشی و صفحه مقابل مرقوم و با مهار و خواتیم شریف مهور و مختوم فرمائید که عندالحاجه حجت باشد. ان الله لایضیع اجر من عملاً».

□ فتوای آیت الله العظمی شیرازی

مطالبه الحقوق واجبه علی العراقین و يستحب علیهم فی ضمن مطالباتهم رعایه السلم والامن و يجوز لهم التوسل بالقوه الدفاعیه اذا امتنع الانگلیز عن قبول مطالبهم الاحقر محمدتقی الحائری الشیرازی».

(مطالبه حقوق بر عراقیها واجب است و مستحب است که ضمن مطالبات خود صلح و امنیت را رعایت کنند و چنانچه انگلیسیها از پذیرفتن مطالب آنان امتناع کردند، مجازند برای دفاع از خود به زور متوسل شوند.)

□ دعوت مردم سیستان و قائنات به مساعدت دولت عثمانی

«وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

مورخه ۲۲ شعبان ۱۳۳۳

نمره ۷۷۷۳/۹۲۶

فوری است.

وزارت جلیله داخله - از قرار اطلاع واصله بتوسط کارگذاری سیستان، لوایح چاپی از علمای اعلام نجف از طهران برای ملامحمد مجتهد فرستاده شد. که اهالی را بمساعدت با دولت عثمانی و جهاد دعوت کرده‌اند. اگرچه لوایح را مستور داشته‌اند، متمنی است تعلیمات لازمه در جلوگیری از این تشبثات در سیستان بحکومت آنجا بدهند».

و در زیر نامه نوشته شده است: «اداره شرق - فوراً بحکومت تلگراف شود».

□ دستور جلوگیری از انتشار لوایح

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

شعبه تحریرات شرق

نمره ۴۶

طهران - بیرجند بتاريخ ۲۵ شعبان ۱۳۳۳ صادره تلگراف

فوری است - رمز شود.

حکومت سیستان و قائنات - از وزارت جلیله خارجه بر طبق اطلاعات واصله از کارگذاری سیستان اظهار نموده‌اند که برای مساعدت اهالی آنحدود با دولت عثمانی و دعوت بجهاد لوایحی علمای اعلام نجف چاپ کرده و در طهران نزد ملامحمد مهدی مجتهد آنجا فرستاده‌اند. اگرچه لوایح مزبور را در آنجا مستور داشته، لکن در صورت صحت لازم است از این اقدام فوراً و جداً جلوگیری نموده نتیجه را اطلاع بدهید».

و در زیر نامه این عبارات اضافه شده است:

«مطابق اطلاعاتی که بوزارت خارجه رسیده است بعضی لوایح چاپی از طرف

علمای نجف به توسط ملامحمد مهدی مجتهد بآنجا فرستاده شده و مبنی بر دعوت اهالی بجهاد است. عجب است که اگر چنین چیزی هست چرا حاکم بوزارت داخله اطلاعی نداده؟ البته در صدد تحقیق برآمده، کیفیت را معلوم داشته و از بعضی مقاصد و اقداماتی که برخلاف رویه بیطرفی است جلوگیری نمائید و مراتب را اطلاع بدهید».

□ ضوابط فتاوی علمای به دستور حکمران بیرجند

«نمره کتاب ۱۳

از بیرجند به طهران

نمره قبض ۶۲۶ نمره تلگراف ۴۶ عدد کلمات ۱۸۳ تاریخ اصل ۲۴ دولتی - تاریخ وصول ۲۵ شعبان اسم گیرنده ساعد.

مقام منیع وزارت جلیله داخله روحی فداه - در جواب نمره ۴۶ جسارت میورزد در اواخر زمستان وقتی که هنوز چاکر در سیستان بودم بعضی لواایحجاتی از طهران نزد غلام جمعفرخان نوکر حسامالدوله فرستاده شده بود، لیکن همان وقت که انتشار یافت چاکر فرستادم تمام را آوردند و ضبط نمودم. به منتشر کننده هم قدغن اکید شد چنانچه بعدها از این نوشتجات به او رسید ابداً حق ندارد منتشر کند.

با این ترتیب حرف بکلی خاتمه یافت. یک ماه قبل از این مجدداً بعموم علمای سیستان از این لواایح رسیده، لیکن آقای نایبالحکومه فوراً اقدامات قابل تمجیدی نموده‌اند. علماء را از خیال انتشار دادن بازداشته، بعضی از لواایح را هم گرفته نزد چاکر فرستاده‌اند. بقیه را هم خود علمای سیستان مستقیماً فرستاده‌اند پیش چاکر. بهرحال حالا در سیستان بحمدالله تعالی هیچ خبری نیست، تا مطلبی نباشد چاکر جسارت میداند اوقات مبارک را که خیلی ذیقمت است با این جزئیات مشغول سازد، ولی حتی‌الامکان در خدمات راجعه غفلت نمیورزد. دویم رمضان نمره ۳۴ چاکر جان نثار - محمد ابراهیم».

(۱) - بعضی از دیگر علمای آن عهد مانند مرحوم آیت‌الله آقا سید مصطفی مجتهد کاشانی (پدر آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی) نیز برای جهاد با متفقین که به کشورهای اسلامی حمله کرده بودند، اعلان جهاد دادند. (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به ایران در جنگ بزرگ، مورخ‌الدوله سپهر).

عزیمت قشون روس به نمک کور

«نمره کتاب ۴۳

از عراق^۱ به طهران

نمره قبض ۵۶۶۷ نمره تلگراف ۴۸ عدد کلمات ۵۰ تاریخ اصل ۱۴

دولتی - تاریخ وصول ۱۴ دلو ۱۳۳۳

مقام رفیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته - امروز صبح رئیس قشون دولت
بهمیه روس تقریباً با ششصد نفر از عده خود با توپ و غیره بطرف نمک کور^۲ حرکت
نموده، از قرار مذکور قصد عزیمت بروجرد را داشته‌اند.
اطلاعاً جسارت بعرض نمود. نمره ۱۵۹ فدوی - مهدی».

(۱) - عراق عجم - نام سابق اراک.

(۲) - از روستاهای اراک.

تبعید مدیر روزنامه طوس به تقاضای کنسولگری روسیه در مشهد

□ تلگراف نیرالدوله حاکم خراسان به وزارت داخله

«نمره کتاب ۲۰۵

از مشهد به طهران

نمره قبض ۱۲۹۹ نمره تلگراف ۳۹۷

عدد کلمات ۲۴۵ تاریخ اصل ۲۴ - دولتی

وزارت جلیله داخله - سابقاً شرحی بنمره ۳۵ و نمره ۵۲ راجع به رفتار فسادآمیز و اقدامات مخالف با شرایط بی طرفی میرزا هاشم خان مدیر جریده طوس^۱ که نالیه جریده وطن شده است، رمزاً عرض و خاطر مبارک را از تحریکات و سوء نتایج این کار مستحضر، تاکنون عطف توجهی به این مطلب نفرموده و اقدامات او نیز ممکن است رفته رفته تولید مشکلات نماید. چنانچه برادرش پاشا خان که باتفاق رکن الاسلام با اسناد صحیحی در جنرال قونسولگری کاریز^۲ و افغانستان دستگیر و بعضی نوشتجات به دست آورده اند و امروز جنرال قونسولگری صریحاً پیغام داده است که چنانچه این آدم را تبعید نکنید خودمان بوسیله اقدامات مستقیم او را تبعید و به عشق آباد خواهیم فرستاد. این همه زحمات کشیده شده است، اگر این اقدامات جدید بشود مسلم است چه سوء اثرات در انتظار حاصل نمود. خصوصاً چنانچه نوشتجاتی را که بدست آورده بفرستد نزد قونسولگری و اسامی آنها از اهالی شهر هم باشد که همراهی با آنها داشته است، چه سوء اثرات ناگوار دیگری خواهد بخشید و چه تولید زحمتی فراهم خواهد شد.

آنچه را که به نظر بنده می آید به فوریت این آدم را احضار به طهران بفرمائید یا قسم دیگر که صلاح میدانید چندی از شهر خارج و نباشد. والا یقین دارم که خودشان تبعید خواهند کرد و مشکلات دیگر هم پیش خواهد آمد. تکلیف را فوراً اعلام فرمائید. ۲۸ شهر جمادی الاول نمره ۵ - نیرالدوله».

□ تلگرام نمره ۶ نیرالدوله

«نمره کتاب ۲۴۲

از مشهد به طهران

نمره قبض ۱۳۷۸ نمره تلگراف ۴۱۵

تاریخ اصل ۲۵ - دولتی

وزارت جلیله داخله در تعقیب تلگراف‌های نمره ۳۵، نمره ۵۲ و نمره ۵ دو ساعت به غروب مانده روز چهارشنبه منشی قونسول روس نوشتجاتی را که از پاشا خان رسید خلیل رکن‌الاسلام گرفته بود آورد. ارائه داد. چند فقره نوشتجات بود که حسین ناده معروف به تبریز وزیر دست خان درجری به امیر افغانستان و حاکم هرات نوشته با شرح مفصل و دو پاکت از سفارت عثمانی به امیر افغانستان که قرار شد سواد آنها را داده، با پست، ولی در کمال سختی و خشونت که حتماً باید مدیر جریده طوس با این دو نفر که دستگیر شده‌اند با چند نفر دیگر که همدست هستند با آنها تبعید کرده به کلات (۳) بفرستید و تا اتمام جنگ آنجا باشند، والا خودمان اقدامات خواهیم کرد الحق که جناب جنرال قونسول برخلاف مأمورین سابق در هر موقع کمال همراهی را کرده و میکند. چنانچه به فوریت تکلیف را معلوم ننمائید مسلماً دچار مشکلات سخت خواهد شد. لیل ۲۹ شهر ج ۱ نمره ۶ نیرالدوله»

□ دخالت قونسولگری روسیه در تبعید میرزا هاشم خان

«نمره کتاب ۲۳۲

از مشهد به طهران

نمره قبض ۳۴۵۲ نمره تلگراف ۴۵۷ عدد کلمات ۱۲۹ تاریخ اصل ۲۳ دولتی

تاریخ وصول ۲۴

وزارت جلیله داخله در تلگراف رمز نمره ۱۳ در باب احضار مدیر جریده طوس شرحی عرض که این آدم مبلغی مغروض، برای حرکت طهران ممکن نیست که به دویست سیصد تومان کمتر که از دولت مرحمت شود بتواند حرکت نماید. از طرف قونسولگری هم همه روزه تقاضای حرکت او را مینمایند و صریح پیغام داده‌اند که چنانچه اهمال در این باب بشود منتظر نتایج وخیم‌تر هم باید بود. از این بنده عرض کردن است، الا برای نرسیدن هیچیک از مطالب و پیشنهادی که عرض شده است سلب مسئولیت را از خود کردم و ایرادی در هیچ موقع برای بنده نخواهد بود. ۲۸ شهر ج

□ رونوشت تلگرام نیرالدوله به وزارت داخله

«وزارت داخله

سواد استخراج تلگراف رمز ایالت خراسان

مورخه دویم رجب ۱۳۳۳

نمره ۲۴۱

وزارت جلیله داخله - در تلگراف رمز نمره ۱۳ در باب احضار مدیر جریده طوس شرحی عرض شد که این آدم مبلغی مغروض، برای حرکت طهران ممکن نیست که بدویست سیصد تومان کمتر از دولت مرحمت شود بتواند حرکت نماید.

از طرف فونسولگری هم همه روزه تقاضای حرکت او را مینماید و صریح پیغام داده‌اند که چنانچه حرکت ندهید قهراً دستگیر، به عشق آباد خواه فرستاد. چنانچه اهمال در اینباب بشود منتظر خیلی نتایج وخیم‌تر هم باید بود. از این بنده عرض کردن است، والا برای نرسیدن جواب هیچ یک از مطالب و پیشنهادی که عرض شده است سلب مسئولیت را از خود کرده‌ام و ایرادی در هیچ موقع برای بنده نخواهد بود.

۲۸ جمادی‌الثانی نمره ۱۹ نیرالدوله».

و در زیر تلگراف رمز ایالت خراسان، پاسخی به این شرح نوشته شده است: «بطوریکه سابقاً جواب داده شده است، باز جواب داده شود که دولت فقط یکصد تومان میدهد که قدری از آن برای خرج کسان خود گذاشته و قدری هم صرف مسافرت خود نماید. این مبلغ را بپردازید و فوراً او را حرکت بدهید».

□ پاسخ وزارت داخله به نیرالدوله

«نمره ۲۴۱

وزارت داخله

شعبه تحریرات شمال

طهران تحریرات شمال

طهران - مشهد بتاريخ ۴ رجب ۱۳۳۳ رمز - فوری است.

ایالت جلیله خراسان - تلگراف رمز نمرة ۱۹ ملاحظه شد. چنانکه در نمرة ۲۴۳ زحمت دادهام دولت فقط یکصد تومان برای مخارج مدیر طوس میدهد که قدری از آن را برای کسان خود گذاشته و قدری را هم صرف مسافرت نماید. لازم است این مبلغ را بپردازید و فوراً او را حرکت بدهید. بعداً به حکومت اطلاع بدهید حواله صد تومان فرستاده خواهد شد - ۲۹ ثور».

(۱) - میرزا هاشم خان محیط قزوینی مدیر جریده طوس از نویسندگان چیره‌دست و خدمتگزاران فرهنگ ایران بود که به دلیل مخالفت‌ها و مبارزاتش با قوای روسیه تزاری در خراسان، متحمل صدمات زیادی شد. وی اولین شماره جریده طوس را در ششم ذی‌عقده ۱۳۲۷ هجری منتشر کرد که پس از ۵۸ شماره انتشار به دستور شاهزاده نیرالدوله حکمران خراسان توقیف شد. جریده طوس بار دیگر در سال ۱۳۳۴ بر اثر اعمال نفوذ روسیه به محاق توقیف افتاد. (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به تاریخ جراید و مطبوعات ایران، محمد صدرهاشمی، جلد سوم، ص ۱۶۷ - ۱۶۴).

(۲) - نام دهی از دهستان با خرز، بخش طبیات شهرستان مشهد (فرهنگ معین).

(۳) - از بخش‌های دره گز خراسان دارای هوای سرد و کوهستانی (همان منبع).

اختلاف کنسولگری روسیه و ژاندارمری اصفهان

بر سر دستگیری افراد ایل «نفر»

□ تلگراف رؤسای هنگ‌های سوم و ششم ژاندارمری

«وزارت داخله

اداره مرکزی تشکیلات ژاندارمری دولتی ایران

نمره ۳۵۵۲

تهران ۲۱ مارس ۱۹۱۵ - ۳۰ حوت ۱۳۳۳

حضور حضرت اشرف آقای وزیر داخله.

در نهایت توقیر سواد دو فقره تلگرافی که از رئیس رژیمان سوم و رئیس رژیمان ششم رسیده است لفاً ارسال حضور مبارک نمود. قبول احترامات فائقه را مستدعی است. ادوال - قائم مقام رئیس تعلیمات ژاندارمری».

□ ارسال تلگراف‌ها به وزارت امور خارجه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۵۴/۱۳۸

شعبه تحریرات تأمینات عمومی

تهران - شهری بتاریخ ۱۰ حمل ۱۳۳۴ صادره مکتوب

وزارت جلیله امور خارجه.

از اداره ژاندارمری دولتی دو فقره راپورت تلگرافی رئیس رژیمان سوم و رئیس رژیمان ششم را فرستاده‌اند و برای استحضار آن وزارت جلیله سوادى از آن لفاً ابفاد می‌شود که بطور مقتضی در این باب اقدامات لازمه را بنمایند تا همه روزه دولت دچار این گونه مشکلات نشود».

□ تقاضای کنسولگری روسیه برای تحویل افراد دستگیر شده

توسط ژاندارمری اصفهان

«تلگراف از اصفهان به طهران - نمره ۲۸۳

ماژور ادوال - برای اطلاع خاطر شما تلگراف را مخابره می‌نمایم. چند نفر از ایل نفر را که در جنگ قصر شام (چم) دستگیر کردیم در سربازخانه ژاندارمری در فرح‌آباد تحت توقیف می‌باشند. فونسولگری روس آنها را به عنوان اینکه تبعه او هستند مطالبه و می‌گوید یا آنکه در فونسولگری ایشان را در حضور یک نفر نماینده ژاندارمری محاکمه نمایند. به مشارالیه جواب داده شده است که این اشخاص اتباع ایران هستند و سواد اسنادی که دلالت بر این می‌نماید نزد وی فرستاده شده است و سواد اسناد مزبور با پست هم برای شما ارسال می‌شود - گلرپ».

□ ترجمه نامه اعتراضیه کنسولگری روسیه

به ژاندارمری ایران

«از کنسولگری سلطنتی

به ژاندارمری دولتی ایران - اصفهان

بتاریخ مارس ۱۹۱۵

آقای رئیس - به موجب اطلاعاتی که کسب کرده‌ام، افراد شما پس از اینکه یک دهقان را در قصر چم (ایل نفری) متعلق به صدراعظم - تبعه روسیه - کشتند و یک تن دیگر را نیز مجروح کردند (که وی نیز اکنون در گذشته است) ۷ دهقان دیگر که آنها نیز رعیت یک شخص تبعه روسیه هستند بنامهای: بهمن، فرامرز، نعمت‌الله، محمد، حسن، میرحاج و هیبت‌الله را بازداشت کردند. این دهقانان به فرح‌آباد فرستاده شده و در حال حاضر زندانی می‌باشند.

در صورتی که ژاندارمری دولتی دهقانان مذکور را مجرم می‌داند، از شما درخواست می‌کنم لطف کرده و با عنایت به آنچه در زمان اقامت سرهنگ فولک مقرر شد و ژاندارمری دولتی نیز به آن پایبند است، یعنی اعزام دهقانان که گفته می‌شود رعیت یک شخص تبعه روسیه هستند، به کنسولگری سلطنتی همراه با توضیحی کامل و مکتوب از جرمی که به آنها نسبت داده شده است تا آنها با حضور یکی از نمایندگان ژاندارمری دولتی، محاکمه شوند.

چنانچه ژاندارمری دولتی آنها را مجرم ندانسته است، کنسولگری سلطنتی

خواهشمند است که بدون فوت وقت آزادی به اشخاص فوق بازگردانده شود.

لازم می‌دانم توجه شما را به این موضوع جلب کنم که بازداشت درازمدت دهقانان که رعیت اتباع روسیه هستند، بدون بررسی شرایطی که لازمه چنین اقدامی است، پایمال کردن حقوق اتباع روسیه به حساب می‌آید. خواهشمند است پاسخ خود را در کمترین زمان ممکنه ارسال نمایید. در اینجا موقعیت را مغتنم شمرده و مراتب احترامات خود را ابراز می‌دارم - س. هیلد برانت».

□ پاسخ فرمانده ژاندارمری اصفهان به کنسول روسیه

آقای قونسول ژنرال روسیه در اصفهان

در پاسخ به نامه شماره ۱۸۲ شما در رابطه با دستگیری چند تن از افراد ایل نفر قصر چم، مفتخرم به اطلاعاتان برسانم که در آغاز کار من آنچه را که بین شما و سرهنگ فولک مقرر شده بود دنبال کردم و مطابق با درخواستان مایل بودم نماینده شما نیز در دادگاهی که می‌بایست در این زمینه تشکیل می‌شد شرکت کند. از سوی دیگر، اینجانب نماینده‌ای را به قمیسه گسیل داشتم تا اطلاعات لازم در مورد حادثه روی داده را جمع‌آوری کند.

به دنبال اطلاعاتی که شخص اخیر و دیگر افسرانم کسب کردند، متوجه شدم که قصر چم ملکی است که به چند تبعه ایرانی تعلق دارد و به موجب دستورالعمل شماره ۳۱۳۹ وزارت کشور و نامه شماره ۱۸۴ آقای قره بگف (که رونوشت آنها همراه این نامه ارسال می‌شود)، کاملاً روشن است که افراد ایل نفر که در قصر چم زندگی می‌کنند رعیت صدراعظم نیستند و بهمن، رئیس مفسدین و یارانش که اکنون توسط ژاندارمری بازداشت شده‌اند اتباع ایرانی می‌باشند و اقدامات ژاندارم‌های من مخالف با قانون نبوده است.

قبل از اینکه نامه‌ام را به پایان برم، اجازه می‌خواهم دستورالعمل شماره ۳۲۷ مورخ ۹ مارس ژاندارمری دولتی را (که) توسط وزارت کشور نیز به تأیید رسیده به اطلاع جنابعالی برسانم. به موجب این دستورالعمل، ژاندارمری نمی‌تواند با مأمورین خارجی مستقیماً در رابطه بوده و یا مکاتبه نماید.

آقای قونسول ژنرال. خواهشمند است مراتب احترامات و احساسات بی‌شائبه

اینجانب را بپذیرید.

رئیس رژیمان ۶ اصفهان - ژاندارمری دولتی».

□ دستور وزارت داخله به حکومت اصفهان در مورد اوضاع قصرچم

«اداره تشکیلات ژاندارمری دولتی ایران

سواد حکم وزارت جلیله داخله به حکومت اصفهان

۲۵ سنبله - ۱۵ شوال ۱۳۳۳ اداره جنوب

سه‌شنبه ۳۱ اوت

حکومت جلیله اصفهان و مضافات - کراراً بر طبق شکایات واصله از قیّمشه و اصفهان دایر بر شرارت و هرزگی ایل نفر و مهیار که رفته در خانهای^۲ رعایات قصرچم نشسته و مبلغ کلی رعایای آنجا و سایر دهات حوالی قیّمشه را دچار خرابی و خسارات نموده و نسبت بقریه و اهالی آنجا بدرفتاری کرده‌اند، تلگرافاً زحمت داده و اقدامات حکومت جلیله را در جلوگیری آنها گوشزد کرده‌ام، ولی از قرار معلوم هنوز اقدامی در جلوگیری آنان نشده و اهمال و غفلت کارگزاران حکومت باعث تجری آنها شده و بر شرارت و هرزگی خودشان افزوده‌اند. به طوری که هیچکس در آن صفحات مالک مال و جان خود نیست. لذا مجدداً زحمت‌افزا شده و خاطر محترم را به اهمیت این مسئله متوجه داشته و متذکر می‌شوم که با کمال این تجری و حرکات آنها تولید مشکلات فوق‌العاده برای حکومت و اولیای دولت خواهد نمود. البته در جلوگیری و رفع شرارت آنها اقدام مفید موثری به عمل آورده، نگذارند بیش از این تجری آنها باعث ضرر و زحمت اهالی شود و نتیجه اقدامات را هم در این باب زود اطلاع دهید - مهر وزارت داخله».

□ دستور دستگیری ۶ نفر به اتهامات سرقت در مهیار

«اداره تشکیلات ژاندارمری دولتی ایران

سواد مراسله کارگذاری اصفهان به مسیو فرایکف

۲۷ محرم ۱۳۳۳

از قراری که حکومت جلیله مرقوم داشته‌اند چند نفر از سارقین که اسامی

آنها ذیلاً درج می‌شود:

پنجه‌علی - بهمن - همت و نورز علی و ولدان سلطانعلی و ولدان علی اموال زیادی از مردم سرقت کرده و در مهیار سکنی دارند. این اشخاص قصر جمی هستند و حکومت جلیله تقاضا دارد که هرگاه ممکن شود خود جنابعالی اشخاص مذکور را دستگیر کرده و در اصفهان بدست حکومت جلیله بسپارند و هرگاه برای جنابعالی مقدور نباشد مرقوم دارند که حکومت جلیله شخصاً به آنجا سوار اعزام فرموده، در دستگیری آنها اقدام نمایند و جنابعالی هم بکدخدای مهیار قدغن فرمائید مطلع باشند» - بدیعه نگار (سواد مطابق سواد واصله به دفتر مرکزی است).

□ پاسخ مسیو فرایکوف به کارگذاری اصفهان

«اداره تشکیلات ژاندارمری دولتی ایران

سواد مراسله جوابیه مسیو فرایکوف بکارگذاری اصفهان

۲۸ محرم ۱۳۳۳ نمره ۱۸۴

مرقوم شریفه بتاريخ بیست و ششم شهر حال زینت وصول ارزانی داد. در باب چند نفر حضرات قصر جمی که مرقوم شده بود اموال زیادی سرقت کرده و در مهیار سکنی دارند توضیحاً خاطر شریف را مزاحمت می‌دهد از قرار تحقیقات این حضرات از طایفه نفرند و این نفر عدثمان زیاد است. سابقاً در حوالی مهیار ساکن بوده و سالی پانصد تومان هم مالیات می‌دادند. در سه سال قبل که سارقین کوهکیلوئی مهیار را غارت نموده، آنها را هم غارت کرده و حضرات به کلی متواری شدند. در این چند سال هم که مالیات آنها نرسیده در ۳۰۰ فقط قریب بیست نفر از آنها در کرم افشار که در دو فرسخی مهیار است سکنی نموده و مالیات جزیی هم می‌دهند و آن اسامی که مرقوم شده بود جز آن بیست نفر نیستند و گویا در همان قصر جم بوده باشند. چنانچه مرتکب خلافی شده‌اند حکومت جلیله در زمینه آنها اقدام و ربطی به مهیار و رعایای مهیار ندارند. زیاده عرضی نیست - فرایکف».

□ رد اتهام سرقت افراد ایل نفر

«سواد مراسله جوابیه کارگذاری اصفهان به ژاندارمری

۱۴ جمادی‌الاولی ۱۳۳۳ نمره ۵

ادارهٔ محترمانه زاندارمری دولتی

مراسله محترمه مورخه ۹ برج حمل نمره ۱۲۲ دائر به استفسار از نفرهای قصر جمی زینت وصول یافت. حسبالتقاضای آن ادارهٔ محترمه تحقیقاتی به عمل آورده، همچو معلوم شد که راجع به امر این حضرات سابقه از مذاکرات فی‌مابین کارگذاری و مسیو فرایکف است. پس از رجوع به آن موافق دو طغری سوادى که جوفاً ملاحظه می‌فرمائید معین شد حضرات از ایل نفر نبوده‌اند، که سابقاً در حوالی مهباری آمده و بعد در قصر جم متوقف شده، از قراری که مسیو فرایکف در مراسلهٔ خود قید کرده که حضرات از رعایای مهبیار نیستند و ربطی به آنجا ندارند - منوچهر».

(۱) - فوج، هنگ.

(۲) - خانه‌های.

(۳) - یک کلمه ناخوانا است.

فرار اسرای اطریشی و عثمانی از روسیه و تعقیب آنان در ایران

□ گزارش والی بجنورد در مورد ورود اسرای اطریشی به بجنورد

«نمره کتاب ۳۵

از بجنورد - طهران

نمره قبض ۵۰ نمره تلگراف ۱۸ عدد کلمات ۲۲ تاریخ اصل ۸ دولتی -

تاریخ وصول شب ۱۱ حمل ۱۳۳۳ اسم گیرنده محمدمهدی.

مقام منیع وزارت جلیله داخله مدظله - راپورت ورود و خروج چند نفر

اسرای اطریشی در نمره ۴۴۱ (چهارصد و چهل و یک) عرض کرده بودم مجدداً چند

نفر عبور کرده‌اند، برای آینده لازم است تعلیمات بفرمائید. ۷ حمل نمره ۴ عزیزالله.

□ ادامهٔ ورود اسرای اطریشی

«نمره کتاب ۱۱۸

از بجنورد به طهران

نمره قبض ۶۴۰ نمره تلگراف ۱۰ عدد کلمات ۶۰ تاریخ اصل ۱۹ دولتی

- تاریخ وصول ۲۱ عقرب ۱۳۳۴ اسم گیرنده امین.

مقام منیع وزارت جلیله داخله مدظله - نظر به امر تلگرافی صادر نمره ۶

بیست و هفت مورخه هفده حمل تاکنون هر قدر اسیر اطریشی وارد شده، تسهیلات عبور

را فراهم داشته، چون دنباله آنها مقطع نشده و غالباً یک دو نفر وارد و خارج می‌شوند

برای استحضار آن وزارتخانه محترم بعرض راپورت جسارت ورزیده. منتظر

دستورالعمل مجدد است. نمره ۸۷ - عزیزالله».

□ انتقال اسرای اطریشی و عثمانی به شاهرود

«وزارت داخله

سواد استخراج تلگراف رمز حکومت بجنورد

مورخه ۸ ربیع‌الاولی ۳۶

مقام منیع وزارت جلیله داخله مدظله - دو نفر اسرای عثمانی و پنج نفر اسرای اطریشی را پنجاه و یک تومان و شش هزار و پانصد دینار مخارج توقف و راه و کرایه مال داده، روانه داشت تا تسلیم گماشتگان حکومت شاهرود نمایند. راجع به مخارج کلیه اسرا مستدعی است قرار صحیح مرحمت فرمائید. نمره ۲۳۲ عزیزالله».

در زیر رونوشت تلگراف چنین نوشته شده است:

«فوری است - اداره شرق. صورت مخارج را قبول نموده و می‌دهند. سواد بفرستید تلگراف فوری هم بحکومت شاهرود مخابره نمائید هر وقت وارد شدند سالمأ و محترماً بطهران بفرستند و خیلی مراقبت در آسایش آنها بنمایند».

□ دستور خوشرفتاری با اسراء

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۰۱

طهران - شاهرود بتاريخ دوم جدی (ج ۱) ۱۳۳۶ صادره تلگراف رمز حکومت شاهرود - سردار معزز تلگرافاً اطلاع داده که دو نفر از اسرای عثمانی و پنج نفر از اسرای اطریشی را مخارج داده روانه نموده که در شاهرود تسلیم شما بدهند. لزوماً بآنها نوشته شود که بورود آنها را محترماً روانه طهران کرده مخصوصاً تاکید نمائید که مراقبت در حفاظت آنها کرده، با احترام آنها را وارد کنند».

□ ورود اسرای اطریشی به شاهرود

«نمره کتاب ۱۲۸

از شاهرود به طهران

نمره قبض ۱۶۶

نمره تلگراف ۴۲

عدد کلمات ۵۲ تاریخ اصل ۱۷

دولتی است ۱۷ حمل ۱۳۳۳ اسم گیرنده عزیزالله.

مقام محترم وزارت داخله. از قراری که اعلان فرستاده مخصوصاً سردار معزز اظهار نموده باز هیچده نفر از اسرای اطریشی به شاهرود خواهند رسید. استدعا دارم تکلیف فدوی معلوم فرمائید که اگر باید مثل سابق آنها را فرستاد به طهران، بفرستم. ۱۶ برج حمل نمره ۱۳۴ - امیراعظم».

□ خارج شدن صولت آباد از حکومت بیرجند

«نمره کتاب ۵۶

از بجنورد به طهران

نمره قبض ۱۵۷ نمره تلگراف ۲۰

تاریخ اصل ۲۳

دولتی ۲۴ ثور اسم گیرنده غلامحسین.

طهران - مقام مقدس ریاست‌الوزراء عظام روحیفاده (با رمز وزارت جلیله داخله) از قرار مذکور عمال خراسان دراهم^۲ معدود را بر خدمات چاکر ترجیح داده، امیدواری‌های فراوان را به یاس کامل تبدیل نموده، در صدد برآمده‌اند که باید صولت‌آباد را از حوزه حکومت چاکر خارج و به دیگری تفویض بنمایند. اغتشاش و اتفاقات چند سال قبل و نفس شرارت آن حدود را فراموش کرده، در حقیقت زحمات چاکر نسبت به شاهزاده است. گویا نظم ولایت، راحت رعیت و وضع مالیات مخالف اراده‌شان است. یقین دارم خاطر مبارک راضی به یاس چاکر که شبانه روز مشغول خدمتگزاری هستم نخواهد شد. امیدوارم که با صدور دستخط مرحمت‌آمیز چاکر را آسوده فرمایند. منتظر جوابم ۲۳ ثوره نمره ۲۴ - عزیزالله».

□ تسلیم فراریان به حکومت شاهرود

«دولت علیه ایران

نمره کتاب ثبت ۲۷

شعبه تحریرات شرق

طهران - بجنورد - بتاريخ ۲۰ جمادی‌الاولی ۱۳۳۳ صادره تلگراف فوری

حکومت بجنورد - در جواب نمره ۲۴، مینویسیم که از این قبیل اشرار هر وقت وارد شدند آنها را بدون اذیت سالما تحت الحفظ بحکومت شاهرود تسلیم نمایند که بطهران روانه شوند - ۲۶ حمل».

و در زیر تلگراف نوشته شده است: «حسب الامر باید رمز شود».

□ فرار اسرای اطریشی از روسیه

«نمره کتاب ۱۶۳

از بجنورد به طهران

نمره قبض ۱۶۰ نمره تلگراف ۲۱

عدد کلمات ۱۱۷ تاریخ اصل ۲۴ ثور

دولتی ۲۶ ثور اسم گیرنده ابوالقاسم

مقام منبع وزارت جلیله داخله مدظله - از چندی باین طرف قریب هشتاد نفر اسراء اطریشی که از خاک روس فرار کرده، بتدریج به این حدود وارد شدند. بنابر تلگراف نمره ۲۷ سالماً رهسپار طهران شدند. دو روز قبل یکی از فراریها اظهار داشت پنجهزار نفر از این اسرا در عشق آباد مستحفظ قلیل دارند. این جمع کثیر با مستحفظ قلیل درافتاده، عنان خود را کشیده و به خاک ایران داخل خواهند شد. در این صورت ممکن است که اولیای امور روسیه در قفای آنها قشون اعزام نموده در خاک ایران زد و خورد نمایند. در این خصوص لازم است قبلاً تعلیمات بفرمائید ۲۴ ثور نمره ۲۵ - عزیزالله».

□ تلاش برای رفع غائله اطریشیها

«وزارت داخله

نمره ۲۵۱ مورخه ۳ شهر رجب ۱۳۳۳

خیلی فوری

بشاهزاده امیراعظم رمز شود.

تلگراف نمره ۱۴۹ در باب اطریشیها و آمدن میرزا جعفرخان منشی قونسولگری^۲ رسید. اولاً باید ملتفت باشید که این قبیل مطالب بهتر این است رمز و غیر تلگراف باشد.

ثانیاً در اینموضوع در هیئت وزراء عظام مذاکره و خاطر محترم حضرت اقدس والاشاهزاده رئیس‌الوزراء دامت شوکته کاملاً مستحضر است و اینک با نظریات هیئت دولت زحمت می‌دهم که لازم است اولاً بمیرزا جعفرخان و مامورین روس حالی بفرمائید که باین اقدامات سخت حاجت نیست و بهتر این است که از این خیال خود منصرف گردیده و تعرضی نداشته باشند، و بآنها اطمینان بدهید که خود حضرات والا این شخص اطربشی را مراجعت خواهد داد. از طرف دیگر هم با شخص اطربشی مذاکره فرموده و باو بفهمانید که صلاح خود او هم در ماندن آنجا نیست و بهتر این است که بیش از این آنجا نمانده و مراجعت نماید. مخصوصاً هیئت دولت از حضرت والا انتظار دارند که با بیانات کافی و شافی خود و طرز کاردانی و فعالیتی که دارید طرفین را طوری متقاعد و از بعضی خیالات منصرف فرمائید که هیچیک رنجشی حاصل نکرده و این عائله بخوبی رفع شود. نتیجه اقدامات را هم سریعاً اطلاع بدهید».

□ تفتیش حال و محل اقامت اسرای اطربشی

«وزارت جلیله داخله

حکومت استرآباد

نمره ۳۰۹۲ مورخه ۴ برج رجب ۱۳۳۳

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته.

مرقومه مطاعه نمره ۲۵۴۲ راجع به تفتیش حال و محل اقامت اسرای اطربشی زیارت گردید. حسب‌الامر، مفاد مرقومه مبارک را بموقع اجرای گذارده و بنایب‌الحکومه بندر خز و اداره نظمیه مرکزی استرآباد قذغن شد که تحقیقات و تفحصات لازمه را بعمل آورند.

اینک جوابی عرض کرده‌اند که سواد هر دو مراسله آنها را لفاً تقدیم می‌دارد

- امیراعظم».

متن جوابیه نایب‌الحکومه و رئیس نظمیه بندر خز به شرح زیر است:

□ حکومت استرآباد

مراسله حکومت بندر خز

مورخه ۳ دلو نمره ۴۴۱

مقام منبع ایالت جلیله استرآباد دامت شوکته - دستخط نمره ۲۹۴۳ زیارت، در موضوع اسرای اطریشی آنچه در بندر خز تحقیق و تفتیش نموده تا بحال اسرای اطریشی در بندر خز وارد نشدند و نیستند. هرگاه بعد از این وارد شوند اطلاع خواهم کرد. چاکر - آقا بزرگ نایب الحکومه بند خزر».

□ «حکومت استرآباد

سواد مرسله اداره نظمیه

مورخه ۱۵ دلو نمره ۵۵۱

مقام محترم ایالت جلیله استرآباد دامت شوکت العالی.

برحسب دستخط مبارک نمره ۲۹۲۹ تفتیشات کامل نموده، از اسرای اطریشی فعلاً در استرآباد کسی نیست. به مفتشین اداره سپرده شد هر موقع که آنها را در استرآباد دیدند راپورت داده، بعرض مبارک خواهد رسانید. رئیس نظمیه - سعیدالسلطان».

□ تقاضای رئیس الوزراء از امیراعظم

«وزارت داخله

مورخه ۴ شهر رجب ۱۳۳۳

بامیر اعظم رمز شود.

تلگراف حضرت والا بمقام محترم ریاست وزراء و وزارت داخله رسید و در هیئت وزراء قرائت شد و اینک با نظریات هیئت زحمت میدهم که نه تسلیم شخص اطریشی به روسها مقتضی و مناسب است و نه روسها از این خیال خود بآسانی دست برمیدارند.

حضرت والا خوب است بتدابیر عملی خودتان اینمسئله را تا هفت هشت روز دیگر بحالت حالیه نگاهدارید که نه اطریشی تسلیم شود و نه روسها اشکالی فراهم نمایند، تا با اقداماتی که در دست است ترتیب اینکار بنحو خوبی داده شود و این محذور مرتفع گردد.

هیئت دولت و مخصوصاً حضرت والا سرکار رئیس الوزراء انجام اینکار را از

حسن کفایت و کاردانی حضرت والا خواهش دارند».

□ پاسخ امیراعظم به تلگراف وزارت داخله

«نمره کتاب ۲۳۴

از شاهرود به طهران

نمره قبض ۷۵۷ نمره تلگراف ۳۹۳۹۶ تاریخ اصل ۳۰

دولتی - ۳۰ ثور - اسم گیرنده غلامحسین

طهران - مقام مقدس وزارت جلیله داخله. تلگراف رمز ۲۵۱ زیارت شد. این که فرمودید این قبیل مطالب بهتر این است رمز شود چون اصلاً مسئله خیلی فوری بود و ثانیاً ورود قشون روس هنگ شهری و یک اظهار و اقدام رسماً نه چیزی نبود که موجب کشف باشد عرض کردم. ولی بعد از آنکه شکل مسئله و جان کلام را مکرر عرض کرده‌ام این که بعد از سه روز این مسئله را به هیجانات شافی و کافی و فرط فعالیت شخصی فدوی راجع فرموده‌اید، موجب بسی حیرت است. گویا هیئت محترم دولت تصور فرموده‌اند که فدوی خود در این وقت قدری مضایقه می‌کنیم یا نمی‌فهمیم که باید مقدماً در این جا اقدامی بکنیم و بعد مراجعه به مرکز بکنم.

شخصی اتریشی با کمال میل حاضر به مراجعت است، ایالتی‌ها نمی‌گذارند او مراجعت کند، و تا امروز هم که به امرار وقت گذشته نظر به تلاش و قدرت فدوی بوده، والا آتش اینها با ژاندارم‌ها درمی‌گرفت.

دیروز حاجی افخم‌الدوله را به شهر فرستادم و بهرطور بود میرزا جعفرخان را باسم مهمانی به امیریه جلب کرده تا یک جواب کافی از مرکز بیاید، و حالا می‌فرمائید این امر موکول را به یک شکل راضی کنند که بدون رنجش هر دو مراجعت کنند.

میرزا جعفرخان از خود که اختیار ندارد. یا باید مأموریتش انجام شود، یا باید به او بگویند که مراجعت کند، و امروز هم که از امیریه می‌رود به خاطر این است که امروز صبح اقدام به کار بکنند. یعنی این شخص را که در منزل محتشم‌الدوله سرکرده سوار نصرت‌الدوله است ببرد، و این مسئله هم که با حالت فدوی و عرق دولتخواهی منافات کلی دارد. خوب است زودتر از راه سفارت چاره بفرمائید که این

مأمور را بخواهند، والا یک خلاف انتظاری قهراً پیش خواهد آمد. زیرا که یا باید او را ببرید یا فدوی باید مراجعه و دعوا کنم و در هر دو صورت نتیجه معلوم است. این را هم لازم است عرض کنم که بیشتر این سختی‌ها برای این شخص به خصوص است که از طرف سفارت خود با دستورالعمل‌های زیاد و اوراق مأمور تبلیغ شده، مسافرت می‌کند. والا سایر فراری‌ها که از آن طرف می‌آیند سختگیری ندارند. چهارم شهر رجب نمره ۱۵۵ امیراعظم».

□ فرار روزنامه‌نویس اطریشی از عشق آباد

«نمره کتاب ۲۳۴

از شاهرود به طهران

نمره قبض ۷۵۸ نمره تلگراف ۹۷

عدد کلمات ۸۹ تاریخ اصل ۳۰

دولتی - تاریخ وصول ۳۰ ثور اسم گیرنده غلام‌حسین.

طهران - مقام مقدس وزارت جلیله داخله تلگراف نمره ۴۰۷ زیارت شد. اسم شخص اتریشی برناروی است و یک روزنامه‌نویس است. مجهز با اسلحه رفته، در جنگ گلوله خورده، جزو اشرار از عشق آباد فرار کرده، به طهران آمده و از طرف سفارت اطریش به سرحد مراجعت می‌نماید، بامور تقسیم بعضی اوراق و ترتیبات دیگر سرحد توجه دارد. یکنفر ارمنی مترجم و یکنفر نوکرش همراه او هست. یک پنج تیر، یک طپانچه و یک مقدار پول هم دارد.

چهارم رجب نمره ۱۵۴ - امیراعظم».

□ دستور انتقال امیر فراری اطریشی به طهران

«نمره ۲۶۵ - ۵ شهر رجب ۱۳۳۳ - فوری

بشاهزاده امیراعظم رمز شود.

تلگراف نمره ۱۵۴ در باب برناروی اطریشی رسید و با حضور حضرت اقدس والا سرکار رئیس الوزراء دامت شوکته در هیئت وزراء عظام مذاکره و اینطور مقرر گردید که چون مشارالیه از فراریان بوده و بعضی تعلیمات داشته و دست بیارهای

اقدامات زده است، او را با چند نفر مأمور صحیح محفوظاً روانه طهران نمایند که آورده بمأمورین ژاندارمری تسلیم کنند. اشیاء و اموال او را هم هرچه هست بدون عیب و نقص با او بفرستید».

□ اشغال «رامیان» توسط قشون روسیه

«نمره کتاب ۲۳۷

از شاهرود به طهران

نمره قبض ۷۸۸ نمره تلگراف ۲۰۷

عدد کلمات ۲۴۴ تاریخ اصل ۳۱

دولتی - اول جوزا - اسم گیرنده احمد.

مقام مقدس وزارت جلیله داخله. تلگراف مرموز نمره ۲۶۰ زیارت شد. از ساعتی که این حضرات وارد شدند خدا شاهد است آنی قرار و آرام ندارم. نمی‌خواهم اظهار بکنم، ولی همین قدر عرض می‌کنم اگر اندک غفلت میشد یا خطایی در کار می‌رفت، یک زحمت بزرگی تولید شده بود. مسئله میرخان را بهرطور بود گذراندم و توانستم راضی بشوم که در حال استخدام دولت باو تعرض کنند خیلی بد بود. این مسئله را هم تا بحال با یک ظاهر خیلی آبرومندی نگاه داشته‌ام، بطوری که حشمت دولت محفوظ و اسباب تعجب عامه شده است و تا هر قدر هم که ممکن باشد و پیش رفت کند البته مضایقه نخواهد شد. ولی استدعا دارم زودتر از طریق سفارت اسباب احضار مأمورین را فراهم کنند، که بعلاوه این که از یک محذور بزرگی خلاص می‌شوم طوری اسباب کار را بنده فراهم کرده‌ام که اگر آنها مراجعت کنند، یک نمایش بسیار بزرگ خواهد داشت. ولی از قرار راپورت امروز در استرآباد، از رامیان بعد از جنگ که نتوانسته‌اند تصرف کنند، بسرکردگی و راهنمایی صاحبمنصبان استرآبادی به تمهید تصرف کرده و رؤسای آنجا را مغلوباً به داشلی فرستاده‌اند و این فقره اسباب تزلزل عموم مردم سرحدنشین و این صفحات شده است. منتظر مرحمت عاجل در این خصوص هستم و تا رگی از غلام میجنبید در ادای بوظایف خود غفلی نخواهد نمود.

ششم شهر رجب نمره ۱۵۷ - امیراعظم».

□ پنهان کردن اسیر اطریشی در شاهرود

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۴۲ - از شاهرود به طهران

نمره قبض ۸۱۵ نمره تلگراف ۵ عدد کلمات ۲۵۲ تاریخ اصل ۳

دولتی - تاریخ وصول ۳ جوزا (۱۳۳۳ هجری قمری) اسم گیرنده هاشم.

مقام مقدس وزارت جلیله داخله، تلگراف مرموز نمره ۲۶۵ زیارت شد. از ابتدا عرض کردهام مامور روس فقط به دو شکل قانع است یا احضار از مرکز خودش یا بردن اطریشی، و در این شکل که امر شده است بر او تعلیمات قوی رسیده و به هیچوجه حاضر نمی‌شود و اگر امر باین سهولت بود لازم نبود سی نفر قزاق همراه خود بیاورد، و فدوی آنچه لازمه تلاش در این خصوص بوده کرده و می‌کنم و آنها را تا حال به یک صورتی نگاه داشته‌ام که هیچ کس آنها را ندیده و نمایش نداده‌ام که اسباب تعجب مردم است. حالا بدون اینکه از خودشان امر سکوت و مراجعت داشته باشند امکان ندارد متقاعد بشوند، و در موقع حرکت دادن معترض او خواهند شد و فدوی مجبور عملیات میشود. حالا یا باید صریحاً اجازه به فدوی بدهند که اگر در حرکت دادن اطریشی مامورین روس تعرض کردند آنها را بجای خود بنشانم، یا باید از طریق سفارت و قونسولگری خودشان به آنها امر تسلیم و سکوت برسد، والا تصور بفرمایند امر بر یک همچو مقدماتی را برای یک نتیجه فراهم کرده‌اند و بدون اینکه یک کلاه برقصانند چطور راضی می‌شوند. تعیین این امر راه و دستورالعمل جز آنچه عرض شد ندارد. با آنان به هر ترتیب صحبت کرده‌ام نتیجه نداد و منتظرم که یا ترتیب سکوت آنها را در موقع حرکت این شخص تمهید فرمائید، یا امر صریح و تعیین تکلیف فدوی را در تلگراف فوری بفرمائید. هشتم رجب نمر، ۱۶۱ - امیراعظم».

□ پرس و جوی سالدات‌های روسی

«نمره کتاب ۱۲۵

از شاهرود به طهران

نمره قبض ۸۴۵ نمره تلگراف ۱۳

دولتی است ۵ جوزا اسم گیرنده غلام‌حسین.

تهران - مقام مقدس وزارت جلیله داخله. از قرار خبری که جاسوس تعاقب حضرات و نظارت اعمال آنها آورد و عابری و مترددین و چاروا دارها هم به تواتر اظهار رویت کرده‌اند، یک صد و بیست نفر سالدات سواره هم در واژنو که بین راه استرآباد است بوده‌اند و به منشی‌باشی ملحق شده، مراجعت کرده‌اند و در این چند روزه توقف شاهرود هم اسامی بعضی از اشخاص به اصطلاح اشار شاهرود و مکان و خانه‌های آنها را می‌پرسیده‌اند. یازدهم رجب نمره ۱۴۶ - امیراعظم».

□ مذاکره با رئیس قشون روس

«نمره کتاب ۶۲»

از شاهرود به تهران

نمره قبض ۱۹۸۷ نمره تلگراف ۳۲ عدد کلمات ۹۱ تاریخ اصل ۱۱ دولتی ۱۱ اسد اسم گیرنده حیدر

تهران - مقام مقدس وزارت جلیله داخله، الان که شش ساعت از شب بیست و یکم می‌گذرد از امیریه این تلگراف را عرض میکنم.

از یک ساعت به غروب الی یک ساعت قبل با رئیس قشون روس در مذاکرات بودیم و خوشبختانه موفق شدم به اینکه فردا صبح آنها به طرف استرآباد مراجعت کنند. حالا چه مقدماتی تمهید کرده و چه مذاکرات بنده کرده‌ام، بعد عرض خواهد شد. مفتخراً خاطر مبارک اولیای دولت را از این جهت تأمین میکنم. شب بیست و یکم رمضان نمره ۲۲۱ - امیراعظم».

□ خرید ملک استرآباد از روسیه!

«نمره کتاب ۱۶۲»

از شاهرود به تهران

نمره قبض ۲۲۱۵ نمره تلگراف ۷۴ عدد کلمات ۵۶ تاریخ اصل ۲۷

دولتی است ۲۷ اسد اسم گیرنده اسدالله

مقام مقدس وزارت جلیله داخله. برحسب پیشنهاد وزارت امور خارجه و امر وزارت جلیله داخله ملک استرآباد قونسول روس را بالاخره به شصت هزار منات^۶ خریداری

کرده و املاک و دهات شاهرود فدوی هم در مقابل این استقراض به گروی بانک روس رفت. اطلاعاً جسارت شد. ۲۶ اسد نمره ۲۲۸ - امیراعظم».

□ تکذیب شایعه خریدهای قوای روس

«نمره کتاب ۸۸

از دامغان به طهران

نمره قبض ۷۲۰ نمره تلگراف ۶۲ عدد کلمات ۱۰ تاریخ اصل ۲۶

دولتی ۲۶ سنبله اسم گیرنده محمود.

مقام مقدس وزارت جلیله داخله - تلگراف مرموز ۶۶۴ زیارت شد. اخیراً روسها سرب مس و برنج هرچه ممکن باشد در همه جا می‌خرند و حمل میکنند. اما در شاهرود از این قبیل اشیاء مقدار معتناهی نیست و در تمام بازار شاهرود دو خروار سرب یافت نمیشود و غله هم حمل نمیکند و خلاف عرض شده، زیرا که غله عمده این ولایت از خود فدوی است و هنوز جنس پارسال در انبار باقی است و هر وقت در این خصوصیات اقدام مهمی کردند بعرض می‌رسانم.

۲۶ سنبله نمره ۲۴۰ - امیراعظم».

□ دستگیری یکی از اتباع عثمانی در بجنورد

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ۶۵ شعبه تحریرات شرق

طهران - بجنورد - بتاريخ ۴ ذی‌حجه (۳۱ سنبله) ۱۳۳۵ حکومت بجنورد - تلگراف نمره ۱۴۳ راجع به الیاس تبعه عثمانی رسید، لازم است معین کنید مشارالیه را بتوسط کی فرستاده و بکجا برده و تحویل کسی دادهاوند، ثانیاً مخارج او را هم از بجنورد تا هر کجا بوده و تحویل دادهاوند معلوم کرده، صورت بدهید».

□ □ □

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۶۷

طهران - شاهرود بتاريخ ۱ ذی حجه (۷ میزان) ۱۳۳۵. حکومت شاهرود و سمنان - حکومت بجنورد مینویسد که الیاس تبعه عثمانی را چندی قبل بشاهرود فرستاده و مامورین حکومت او را تحویل نگرفته‌اند، تفصیل را فوراً بنویسد که علت چه بوده است».

□ □ □

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۷۴

طهران - شاهرود بتاريخ ۲۲ ذی حجه (۱۸ میزان) ۱۳۳۵. حکومت شاهرود و سمنان- تلگراف رمز نمره ۱۱۰۳ رسید. در باب الیاس اگرچه همانطور که نوشته بودید بحکومت بجنورد تلگراف کرده و توضیح خواسته شد، ولی شما در موضوع سه نفر اطریشی خیلی غفلت کردید، زیرا که مسلماً اگر بی‌جهت آنها را معطل نمیکردید حضرات مطلع نشده، آنطور پیش نمی‌آمد».

□ □ □

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۷۵

طهران - بجنورد بتاريخ ۲۲ ذی حجه (۱۸ میزان) ۱۳۳۵. حکومت بجنورد - در باب الیاس تبعه عثمانی که در ضمن بشاهرود فرستاده‌اید، مامورین حکومتی آنجا مشارالیه را تحویل نگرفته، سوار مامور او را از شاهرود خارج و مراجعت نموده است، خیلی اسباب تعجب شد، زیرا اولاً از حکومت سؤال شد بکلی این اظهار شما را تکذیب نموده و ثانیاً چنین خبری میبایست همانوقت که حکومت استنکاف از قبول الیاس میکرد فوراً بوزارت داخله تلگراف کنید، بهرحال لازم است در اینباب توضیح بدهید».

□ دستور انتقال اسرای عثمانی به طهران

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۷۷

تهران - شاهرود - بتاريخ ۲۳ ذیحجه (۱۹ میزان) ۱۳۳۵.

حکومت شاهرود و سمنان - حکومت بجنورد مینویسد سه نفر از اسرای عثمانی جدیداً به بجنورد وارد، مخارج و کرایه آنها را تا شاهرود داده و آنها را نزد شما فرستاده، لازم است بورود فوراً بدون معطلی آنها را روانه مرکز نمائید».

□ □ □

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۴۳

تهران - بتاريخ ۲۶ شعبان (۲۷ حوت) ۱۳۳۵.

حکومت سمنان و شاهرود - حکومت بجنورد اظهار نموده که سه نفر از اسرای فراری عثمانی و اطریشی را که به بجنورد رفته بودند، از طریق شاهرود روانه تهران نموده است. قدغن کنید مراقبت کرده، طوری آنها را بخاک شاهرود و روانه تهران نمائید که گرفتار و دچار زحمتی نشده، سالمأ بطهران برسند».

□ □ □

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۶۰ - فوری.

تهران - بتاريخ ۲۸ ذی قعده ۱۳۳۵ صادره تلگراف.

حکومت شاهرود و سمنان - تلگراف نمره ۱۰۱ راجع به سه نفر اطریشی رسید. علاوه بر اینکه در اینگونه موارد مکرر دستور قطعی داده شده، بکرات هم از فراریهای اطریشی بآنجاها آمده و از مرکز تکلیف شما معین شده، در این مورد بخصوص هم گفته شد که بدون معطلی این سه نفر را بمرکز اعزام دارند تا بهیچ گونه عایقی^۷ وارد بشوند».

□ □ □

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۹۷

تهران - شاهرود

بتاریخ ۱۰ سفر (۴ قوس) ۱۳۳۶ - صادره تلگراف رمز

حکومت شاهرود و سمنان - سردار معزز تلگراف نمود که دو نفر اسرای عثمانی به اسامی هاشم و عزیز وارد بجنورد شده، با اطلاع کارگذاری مخارج و کرایه مال تا شاهرود بآنها داده، آنها را روانه شاهرود نموده لازم است بورود آنها اقدامات عاجل در فرستادن آنها بمرکز با ملاحظه اطراف بعمل آورده، پس از اعزام آنها رمزاً وزارت داخله را مطلع کنید».

□ □ □

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۰۱

تهران - شاهرود بتاریخ ۹ جمادی‌الاولی (۲ جدی) ۱۳۳۶ حکومت شاهرود و بسطام - حکومت بجنورد (سردار معزز) تلگرافاً اطلاع داده که دو نفر از اسرای عثمانی و پنج نفر از اسرای اطریشی را مخارج داده، روانه نموده که در شاهرود تسلیم حکومت نمایند و لزوماً نوشته میشود که بورود آنها را محترماً روانه تهران کرده، مخصوصاً تاکید نمائید که مراقبت در آسایش کرده در آسایش کرده آنها را سالمأ وارد کنند».

□ □ □

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۰۴

تهران - بجنورد بتاریخ ۲۲ ج ۱ (۱۵ جدی) ۱۳۳۶ صادره

تلگراف رمز.

حکومت بجنورد - تلگراف رمز شما راجع باعزام اسرای عثمانی و اطریشی رسید و دستور لازم بحکومت شاهرود داده شد. در باب مخارج اسراء هم بوزارت خارجه مراجعه شد، جواب داده‌اند که باید فقره فقره بصورت آن را بفرستید تا پس از

ختم جنگ بوسایل مقتضیه از دول متبوعه آنها مطالبه شود».

□ اسرای اطریشی پس از پایان جنگ

«وزارت داخله

سواد مراسله وزارت امور خارجه

مورخه ۱۵ ج ۴۰/۱ - ۲۳ جدی ۱۳۰۰ (۱۴ ژانویه ۱۹۲۲ میلادی) از قونسولگری
نروژ حافظ منافع اتباع اطریش در ایران مراسله‌ای بوزارت امور خارجه رسیده و اشعار
میدارند مطابق اطلاعی که از وین رسیده است هنوز قریب ششصد نفر از اسرای اطریش
در ایران اقامت دارند و تقاضا نموده‌اند تحقیقات کافیه بعمل آمده و اقامتگاه آنها
معلوم گردد، تا ترتیب معاودت آنها بوطن خودشان داده شود. لهذا وزارت امور خارجه
از اولیای آن وزارتخانه جلیله خواهشمند است که اوامر موکده به ایالات آذربایجان،
خراسان، غرب، بنادر، فارس و گیلان صادر فرمایند که تفحصات کامله را در کشف
احوال اسرای اطریشی بعمل آورده و معلوم دارند در نقاط مزبور چه عده از اسرای
اطریشی اقامت دارند و بچه وضعیت زندگانی می‌کنند، و اسامی آنها را با اطلاعات
صحیح به توسط آن وزارت جلیله بوزارت امور خارجه اعلام دارند تا اقدامات مقتضیه
بعمل آید - محل مهر امور خارجه».

□ □ □

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

کارتن ۹ دوسیه ۱۷

شعبه تحریرات شمال

طهران - به تاریخ ۲۶ جدی ۱۳۰۰ صادر مکتوب

ایالت جلیله آذربایجان و حکام گیلان و مازنداران و استرآباد - از
قونسولگری نروژ بوزارت امور خارجه اشعار شده است که هنوز جمعی از اسرای
اطریشی در ایران اقامت دارند و تقاضا نموده‌اند تحقیقات لازمه بعمل آمده و محل
اقامت آنها معلوم گردد تا ترتیب معاودت آنها بوطن خودشان داده شود. قدغن
فرمائید بوسایل لازمه تفحصات کامله در کشف احوال و محل اقامت آنها نموده و

معلوم دارند چه عده از اسرای مزبوره در آن حدود اقامت دارند و اسامی آنها چیست و به چه وسیله امرار معیشت می نمایند. اطلاعات جامع الاطراف تحصیل و اعلام دارند. ایالت آذربایجان نمره ۴۵۳۹ - حکومت گیلان نمره ۴۵۴۰ - حکومت مازندران نمره ۴۵۴۱ - حکومت استرآباد نمره ۴۵۴۲.»

□ □ □

حکومت گیلان و طوالش

نمره ۳۶۰۵ - مورخه ۱۹ برج دلو ۱۳۰۰

وزارت جلیله داخله دامت شوکته - مرقومه مبارکه نمره ۴۵۴۰ راجع باسرای اطریشی زیارت، برحسب تحقیقات اداره نظمیه فقط یک نفر اطریشی موسوم به (ایوان ولادیداروکولار) با عیالیش الکساندر که جزو متجاسرین بوده که اخیراً بگیلان آمده، فعلاً باتفاق نظامیان برای کشف مهمات و اسحله بجنگل اعزام شده است. ساعدالدوله.»

□ □ □

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۷۸۱۱/۵۰۱۷

کارتن ۹ دوسیه ۲۷

شعبه تحریرات شمال

پهران - بتاریخ ۲۶ دلو ۱۳۰۰ اسم نویسنده مدبرالدوله. وزارت جلیله امورخارجی - بر طبق مرقومه نمره ۸۰۰۱/۷۸۲ راجع به تفتیش احوال اشخاص اطریشی که تا بحال به اوطان^۱ خود مراجعت ننموده اند متحدالمالی بحکام ولایات صادر شده بود. اینک از حکومت گیلان جوابی رسیده است و سوادش برای اطلاع خاطر محترم لفاً ارسال میشود.»

□ □ □

«وزارت داخله

حکومت طبرستان^۱

نمره ۶۸۰۸

بتاریخ ۱۶ برج دلو ۱۳۰۰

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته - دستخط مبارک نمره ۵۴۱، در تحقیق حال اسرای اطریشی زیارت و بحکام جزو ابلاغ گردید که تحقیقات نموده و در صورت وجود این قبیل اشخاص بعرض برسانند».

-
- (۱) - روسیه در جنگ اول جهانی عده‌ای از اسرای آلمانی، اطریشی و عثمانی را به بازداشتگاهی در عشق‌آباد - شهری در نزدیکی مرز ایران و شوروی که در قدیم جزء خراسان بود - می‌فرستاد، که اسرای یاد شده گاهی با توجه به کثرت تعدادشان و نیز کمی تعداد نگهبانان و سهل‌انگاری آنان موفق به فرار می‌شدند و سعی می‌کردند باورود به خاک ایالات خراسان و شاهرود، خود را به مقامات سیاسی آلمان در ایران برسانند و از اسارت رهایی یابند.
 - (۲) - درهم‌های کم - منظور پول کم و ناچیز است.
 - (۳) - منشی کنسولگری روسیه در مشهد.
 - (۴) - بندر گز.
 - (۵) - نام سابق گرگان.
 - (۶) - پول رایج روسیه تزاری معادل صد کوپک.
 - (۷) - مشکل و مانع.
 - (۸) - جمع وطن و میهن.
 - (۹) - نام سابق طبرستان.

بدگویی حکمران بنادر از مبارزان تنگستان

□ تلگرام حکمران بنادر به وزارت داخله

«وزارت امور خارجه

شعبه تحریرات انگلیس

سواد تلگراف رمز بوشهر بوزارت داخله

مورخه ۲۵ حمل ۱۳۳۳

نمره ۱۰۴

از ابتدای تشکیل این کابینه عرایض بنده اگر بشرف اجابت مقرون نمیشود لافل عزصفا مییابد. مأموریت بنده به بنادر بدو بتصویب حضرت مستطابعالی بود و خدا را شاکرم که با فقدان وسایل و اسباب از مال و رجال این حسن انتخاب تاکنون تکذیب نشده و بقدر مقدور منویات خاطر محترم را بمنصه ظهور آورده‌ام. استدعا میکنم در این عرض که میکنم مساعدت فوری بفرمائید که مسئله جنگ واقع شد، یکسر لشکر ایران در هرات بود و یکسرش در بوشهر. دولت علیه یکعهده قشون جنگی و مردمان جنگ دیده کاری داشت، دچار عسرت مالی هم نبود، انگلیس هم دارای استعداد و نفوذ امروزی نبود، مقدمه بلوای هند هم در همان سال بود. از اینطرف افواج قشقایی و عرب و چریک دشتی و دشتستان هم در این حدود حاضر برای جنگ بودند، با وصف این تفصیل نتیجه جنگ معلوم است که چه شد. امروز همه میدانند که دولت آن وسایل را ندارد. انگلیس طوری غرق کار و کارزار است که دیگر بعضی ملاحظات را نخواهد کرد و با یک فوج سرباز هندی میتواند تمام بنادر را اشغال کند و منتظر بهانه است. مردم امروز دشتی و دشتستان یکعهده خائن و بی‌دینند! مثل حیدرخان و برادرانش و اسمعیل خان شبانکاره و غیرهم. یکعهده دیگر هم که اجابت نمیکنند، ضعف دولت را می‌بینند مالیات نمیدهند و با شارلاتانی میخواهند و جاهت ملی حاصل کنند و اسباب اغفال دولت و استقلال خودشان را فراهم بیاورند. با کمال تأسف یک قسمت عمده از مردم بواسط اعتیاد و به خمر و افیون ترک دین و دنیا گفته‌اند! در این میان بعضی خائنین هستند که میخواهند بمقاصد خودشان نایل شوند و

اتصالاً در صدد تحریک اشرار و سفها هستند و از ارتکاب هیچ رذالتی در راه تقرب اجانب^۱ مضایقه ندارند. بنده بحول الله تعالی اظهار عجز نمیکم، ولی دارای کرامات و خارق عادات نیستم. الی الله آن تجری لامور الالباسیها^۲ صحرای ریشهر^۳ که متصل به تنگستان است طوری وسیع و دارای طرف عدیده است که حفظ نظم و امنیت آن یک فوج سرباز کار آزموده لازم دارد. بنده چون ضیق مالیه دولت را میدانم تکلیف فوق العاده نمیکم. حالا که ممکن نیست ژاندارم یا سرباز برای ساخولی بوشهر فرستاد استدعا دارم بفوریت اجازه فرمایند پنجاه نفر تفنگچی از قرار نفری ماهی هفت تومان و یک سر تفنگچی ب ماهی چهل تومان و دیگری برای معاونت او به بیست تومان بگیرم و ب اداره مالیه هم حکم شود شش برج^۴ مختصر در نقاطی که بنده تعیین میکنم و به هزار و دویست تومان تخمین مخارجش شده است بسازد که راههای تنگستان و دشتستان را این عده تنفگیان در برج محافظت نمایند. والا میترسم بعد از این مدت نیکنامی اسباب افتضاحی فراهم کنند که اسباب خسارت دولت شود و ندامت از غفلت سودی نداشته باشد. با کمال تضرع استدعا اجابت این عرض مختصر را دارم. مادامیکه جنگ اروپا برقرار است محرکین هم بانواع وسایل هر یک به انحایی درصدد ایجاد فسادند. لازم است این اقدام احتیاطی بعمل آید. تکلیف بنده عرض کردن و اداء وظیفه نمودن است» ۲۵ حمل نمره ۱۰۴.

سواد مطابق اصل است - محمد شفیع.

□ تلگرام حکمران بنادر به وزارت امور خارجه

«وزارت امور خارجه

اداره تحریرات انگلیس

سواد راپورت بوشهر

مورخه ۲۳ شعبان ۱۴ سرطان (۱۳۳۳ قمری)

نمره ۳۶۰

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه - مرقومه نمره ۵۸۲/۶۶۶۷ مورخه ۲۲ رجب بکارگذاری راجع به علنی تنگکی و اشرار تنگستانی با نهایت حیرت و استعجاب زیارت گردید. مرقوم شده بود که دولت هنوز نفهمیده است که بنده برای استمداد از

قوه انگلیس چه محملی قرار می‌دهد و اصرار دولت در پس کشیدن قوای انگلیس از بوشهر با این استمداد یک حاکم رسمی دولت ایران چه صورتی پیدا نموده و اظهار تأسف فرموده بودند. تأسف این بنده صد چندان است. از اینکه در ظرف چهار سال و چند ماه گذشته که بنده سمت حکومت بنادر را داشته، در مقام دولتخواهی و وطن‌دوستی و اداء وظایف آنچه از روی تجارب و اطلاعات سابقه و لاحق باحوال و اوضاع این ساحات صلاح دانسته و صواب دیدم بعرض اولیای امور رسانیدم، و کل معروضاتم کشفاً و رمزاً که اینک یک کتابی حجیم شده، راجع باین سنه بود که صیانت نظم و امنیت داخلی سیصد فرسخ بنادر خلیج که مطمع و مطرح انظار خارجه است و سد تجاوزات و دخالات اجانت جز بتهیه قوه و استعداد نظامی ممکن نیست، و با عده قلیلی تفنگچی بومی این کار میسر نخواهد شد، و اگر تجهیز یک قوه نظامی برای بنادر نشود بیم آن است که حوادثی غیر منتظره و وقایعی ناگوار رخ داده، حالت بنادر کسب عاقبتی وخیم نماید. ولی هزار افسوس که اینهمه فریاد و فغان بنده اولیای امور را از رقده غفلت بیدار نکرد و اگر بعرایض بنده اعتماد نبود، لافل اینقدر هم اقدام نکردند که از مجاری دیگر درصدد تحقیق برآمده و معلوم کنند که این مطالبی را که معروض داشتام برای حفظ ثغور مملکت و بر وفق مصالح دولت است، یا غرضی دیگر در کار است. الحق هر یک از وزراء عظام و اولیای دولت بیک دهکده شخصی اینطور سلب توجه و بی‌اعتنایی نمیکنند که باین ثغر بزرگ مملکت مینمایند. در رجب ۱۳۳۱ راجع به اقدامات مستقیمه انگلیسیان در سواحل تنگستان در جواب وزارت جلیله امور خارجه بنمره ۵۶ مورخه ۱۲ رجب رمزاً تلگرافی عرض کرده‌ام و سواد کشف آنرا برای تذکار خاطر محترم لفاً تقدیم میکنم، کراراً و مراراً اینگونه واقعات را پیش‌بینی و تجهیز قوه و استعداد و نظامی را پیشنهاد کرده‌ام. ولی بدبختانه بعضی اوقات جوابها غیرنافع رسیده و غالباً هم معروضاتم در سیه‌چال دوسیه‌های وزارتخانه‌ها کان لم یکن شیئاً مذکوراً^۶ مانده و مورد توجه و اعتنا واقع نشده یا مصادف با بحرانهای پی در پی کابینه وزراء شده و اینهمه تحقیقات و تدقیقاتی^۷ که بعقیده خود د رعالم صلاح اندیشی و خیرخواهی دولت کرده‌ام به هدر رفته است. حالا باید دید که در استعانت از قوه انگلیس در واقعه «تنگک» گناه از بنده بوده یا مسئولیت راجع بزمامداران امور مملکت و این کار ناچار نتیجه تعافل و بی‌توجهی

اولیاء دولت بوده است. در صورتیکه علی تنگکی بتمطیع غارت اثاث جنرال فونسولگری و اسلحه ذخیره صاحبمنصبان انگلیس و خزانه بانک عده بسیاری از اشار تنگستان را با خود همدست کرده و بی‌شبهه اگر پیشرفت کرده بودند بجان و مال یکنفر از مامورین و اتباع انگلیس و روس ابقا نمیکردند. با این چند نفر سوار و پلیس در حالیکه عده ژاندارمری هم بحمايت خواسته بودم، فرار کردند و بر جرئت و جسارت اشارافزودند. اگر استمداد از گارد جنرال فونسولگری نمیکردم چه صورت پیدا میکرد، و اگر مقاصدیکه اشار داشته انجام میداند سرانجام این مملکت بکجا میکشید و حالا بنده را بدون هیچ تفصیر مورد اینگونه حملات انصاف شکنانه فرار میدهند در آن حال چه میگفتند. اگر مختصر پیشنهادیکه در تلگراف مرموز نمره ۱۰۴ مورخه ۲۵ حمل کردم پذیرفته شده بود امروز که واسموس خوانین تنگستان و دالکی و چاه کوتاه را بهجوم بر انگلیسان تحریک کرده، طرق غیرمعتاده تنگستان را انگلیسان مستقیماً حفاظت نمیکردند و نمیکفتند هر وقت دولت ایران استعدادی تهیه کند که بتواند این راهها را مصون و اتباع انگلیس را از حمله تنگستانیان مامون دارد، ما پست‌های خودمانرا بر میداریم. مختصر اگر اولیای امور از این ثغور بیشتر از این غفلت فرموده و مسئولیت را به این بنده وارد کنند ناچار برائت نامه خود را، کل تلگرافات مکشوفه و مرموزه و مکاتبی که راجع بلزوم تجهیز قوه در این مدت باولیاء دولت عرض نموده و پیشنهادهایی که کرده‌ام برای اطلاع عموم بطبع رسانیده و منتشر می‌سازم.»

□ متهم کردن واسموس آلمانی به همدستی با تنگستانی‌ها

«وزارت امور خارجه

اداره تحریرات انگلیس

سواد تلگراف رمز از حکومت بوشهر

مورخه ۲۴ شهر شعبان ۱۳۳۳

نمره ۱۳۱

از حکومت بوشهر

رمز نمره ۳۸۱ زیارت شد. الان هم بنده تلگراف رمز نمره ۱۲۳ خودم را

کلمه به کلمه تکرار می‌نمایم که آنچه عرض شده عین حقیقت بوده است و انگلیس‌ها به هیچوجه من‌الوجه مداخله در امر قوافل نمی‌کردند و نمی‌کنند. ولی در صورتیکه واسموس آلمانی وقتی از بوشهر دور باشد هشت فرسخ است و وقتی که نزدیکتر می‌شود مثل دیشب که در «کورک» چهار فرسخی بوشهر بوده است و پول و اسلحه به اشرار! تنگستان داده و آنها را اتصالاً بر ضدانگلیسیها تحریک می‌نماید، بنده ناچارم فقط محض نظم و امنیت قوافل را تفتیش کنم. در تمام دنیای متمدن قول مأمور رسمی دولت سندیت دارد. اما در این مملکت مشروطه ما، قول بنده که سی سال است امتحان صحت عمل در خدمت داده‌ام مسموغ نیست. راپورت یک بچه هیجده ساله که با مفسدین همراه است معنا به و معتمد است. چنانکه در تلگراف نمره ۱۳۳ عرض کردم انگلیسی‌ها تمام راه دشتستان و تنگستان را بستانند فقط شاهراه قوافل در دست بنده است. به تمام قوافل قدغن شده است که شب هنگام وارد نشوند. این یکنفر مکاری بواسطه شدت طوفان گویا راه را گم کرده، به سنگریکه در آخرین نقطه دریا... است می‌رود. هرچه به او می‌زنند جواب نداده، سپاه انگلیسی بزعم اینکه دشمن است او را می‌زنند گلوله به ماهیچه پای او گرفته مجروح می‌شود. بنده خبردار شدم او را به مریم‌خانه فرستادم. این مساله چه منافاتی با معروضات بنده در تلگراف نمره ۱۲۳ دارد که بنده راپورت آنرا برخلاف واقعه عمل کرده باشم.

انقلابی که در دشتی و دشتستان بواسطه اقدامات و اسموس و سایر رفقای آلمانی او و اشرار ایرانی برپا است، هر منصفی تصدیق می‌کند تیر خوردن یکنفر مکاری نسبت به اوضاع حاضر هیچ اهمیتی ندارد و اگر نظری به حدود مجاور باروس و عثمانی بفرمائید خود حضرتعالی زودتر از همه تصدیق خواهید فرمود که زحمات و خدمات بنده در این حدود خاصه در این ایام شایان تمجید است. به مورد این قبیل تنبیه در میان وزراء عظام هیچکس بنده را بهتر از حضرتعالی نمی‌شناسد. با وجود این تعجب دارد که در عرایض صادقانه بنده تشکیک فرمایند».

علی‌محمد - سواد مطابق اصل است.

□ نامه وزارت داخله در مورد جلب واسموس به شیراز

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۴۴۰

کارتن ۲۲ دوسیه ۵

شعبه تحریرات جنوب

ارسال در ساعت ۲۱

طهران - شیراز بتاريخ ۲۰ سرطان ۱۳۳۳ صادره تلگراف
فوری است.

ایالت جلیله فارس - مجدداً تلگرافاتی از حکومت بنادر رسیده که زایر خضر تنگستانی و شیخ حسین چاه کوتاهی اعلانی به بوشهر فرستاده و اهالی را دچار وحشت و اضطراب نموده‌اند، و برای جلوگیری از حوادث غیرمنتظره خواسته است که به وسیله ژاندارمری برازجان از مشارالیه‌ها جلوگیری و واسموس هم زودتر جلب شیراز شود و این اختلافات که ناشی از تحریکات واسموس است خاتمه پیدا کند. در اینجا شرح لازم به اداره ژاندارمری و وزارت خارجه نوشته و به زائر خضر و شیخ حسینخان تلگرافات لازم مخابره شد، ولی بذل اهتمام و جدیت مقتضی از طرف ایالت با اطلاعاتی که داشتند اثر دیگر خواهد داشت و لازم است که تعلیمات لازمه به ژاندارمری برازجان داده و در جلب واسموس هم به شیراز بطوری که سابقاً زحمت داده‌ام اهتمام فرموده و قانع به جوابهای او نشود که بیش از این تولید اختلاف و مشکلات فراهم ننماید».

□ تحریکات واسموس در بوشهر

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۴۳۱

کارتن ۲۱ دوسیه ۵

شعبه تحریرات جنوب ضمیمه سواد

ارسال در ساعت ۲۱

طهران - شهری بتاريخ ۲۰ سرطان ۱۳۳۳ - ۲۹ شعبان توشقان‌نیل

وزارت جلیله امور خارجه - تلگراف دیگری از حکومت بنادر رسیده دایره به
اعلانی که از طرف زائر خضر تنگستانی و شیخ حسین چاه کوتاهی به تحریک واسموس
در بوشهر منتشر و باعث اضطراب اهالی شده است. اگرچه تلگرافات فوری در
جلوگیری از خیالات آنها به ایالت فارس مخابره و به خودشان هم مستقیماً تلگراف شده
که از این خیالات فاسده منصرف شده و به اداره ژاندارمری هم گفته شد که مطابق
تعلیمات ایالت از حالات آنها جلوگیری کرده و مراقب باشند که سوءتفاهمی به ظهور
نرسد، ولی بطوریکه اطلاع دارید تمام این اختلالات ناشی از تحریکات واسموس است
و به هیچ اقدامی راضی و متقاعد نمی‌شود که مراجعت به شیراز کند. علیهذا اقدام
فوری از طرف آن وزارت جلیله لازم است. ثانیاً مذاکره و قرازی در ترتیب مراجعت
او بدهند. سواد تلگراف حکومت بنادر هم مزید اطلاع آن وزارت جلیله لفاً ارسال
می‌شود.»

□ نامه وزارت داخله به ژاندارمری دولتی

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۳۳۳

کارتن ۲۲ دوسیه ۵

شعبه تحریرات جنوب

تهران - شهری به تاریخ ۲۰ سرطان ۱۳۳۳ - ۲۶ شعبان توشقان‌نیل.

صادره مکتوب

فوری است.

اداره ژاندارمری دولتی.

مطابق تلگرافی که از حکومت بنادر رسیده است زائر خضر تنگستانی و شیخ
حسین چاه کوتاهی به پاره‌ای تحریکات، جمعیتی فراهم کرده و اعلانی به بوشهر
فرستاده و باعث وحشت و اضطراب اهالی شده‌اند. از این باب به ولایت فارس
تلگراف شد که به وسیله ژاندارمری برازجان از خیالات فاسده آنها جلوگیری کرده و
نگذارند اغتشاش در آن صفحات تولید شود. لازم است از اداره مرکزی هم به رئیس
ژاندارمری برازجان تلگراف بشود که مطابق تعلیمات ایالت رفتار کرده و از خیالات

فاسده حضرات جلوگیری و مراقبت نماید که سوء اتفاقی به ظهور نرسد».

□ رفع توقیف قوافل و ترمیم سیم تلگراف

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۱۷۰

از شیراز به طهران نمره قبض ۷۱۸۵ نمره تلگراف ۱۲۱ دولتی عدد کلمات ۱۷۰

تاریخ اصل ۱۴ - تاریخ وصول ۱۴ اسد (۱۳۳۳ هجری قمری)

مقام وزارت جلیله داخله - در رفع توقیف قوافل و پست و ترمیم سیم تلگراف بخوانین تلگرافات لازمه ذکر کرده بودم. مطابق راپرتی که رسیده قوافل و پست حرکت کرده و سیم هم ترمیم شده است، ولی جوابی از شیخ حسین کلانتر چاه کوهی رسیده که عین آنرا برای استحضار خاطر وزارت جلیله ذیلاً عرض مینمایم:

مقام مقدس حضرت اشرف ریاست کبری مدظله - تلگراف مبارک زیارت، اساساً بحضرت اشرف معروض میدارم که هر اقدامی از طرف این خادم و جانب زائرخان و اتباعمان شود دایر بر مقاصد نوعی و شرف خواهی است بی جهت سوء تعبیر نشود نمی توان قناعت نمود. عجلالتا حسب الامر صرف نظر از اقدامات نموده متوجه وعده حضرت اشرف هستم. فدوی - حسین چاه کوهی».

نمره ۲۴ رمضان - نمره ۲۰۸۱ - مهدیقی.

□ تدارک قوای انگلیس برای حمله به تنگستانی ها

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران تاریخ وصول ۱۵ اسد ۱۳۳۳

راپورت بوشهر

بواسطه نزاع فیما بین اسماعیل خان شبکانکاره و آقاخان شبانکاره که حیدرخان بندر ریگی، جمعی تفنگچی به حمایت اسماعیل خان و غضنفرالسلطنه برازجانی نیز عده ای تفنگچی بحمايت آقاخان اعزام بشبانکاره نموده بودند و جمعی از طرفین تاکنون مقتول و هنوز این مشاجره باقی است غضنفرالسلطنه و نورمحمد دالکی باشاوه غضنفرالسلطنه محض اهمیت دادن باین نزاع پست و قوافل را در راه بوشهر بشیراز توقیف کرده، سیم تلگراف را فیما بین برازجان و بوشهر در روز دویم اسد

پاره کردند. انگلیسی‌ها هم خبردار شده غلام برای اصلاح فرستاده‌اند، ولی غلام‌ها را تفنگچی‌ها تهدید کرده و مانع از ترمیم سیم شده‌اند، دوازده روز قوافل توقیف و سیم پاره ماند. در این چند روزه انگلیسی‌ها چند عراده توپ کوهستانی و صحرایی و آلات حربی و مقداری آذوقه و چندین راس قاطر و عرابه‌های بارکش وارد کرده و روز ۲۲ رمضان هم دو جهاز جنگی با یک فوج سپاهی هندی در ریشهر دو فرسخی شهر مقابل قونسولخانه به لنگر انداخته و مشغول پیاده کردن سپاهی‌ها هستند. از قرار مذکور مقصودشان حمله به تنگستانی‌ها و توپ بستن بآن قراء است. این مسئله موجب وحشت اهالی بوشهر و تنگستانی‌ها و سایرین گردیده تمام مردم مترصد واقعات ناگوارند». و در زیر تلگرام دستور داده شده است: «فوری بوزارت امور خارجه فرستاده شود».

□ ارسال رونوشت گزارش بوشهر به وزارت خارجه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۳۸۹

کارت ۲۲ دوسیه ۵

شعبه تحریرات جنوب ضمیمه سواد

تهران - شهری بتاریخ ۱۶ سرطان ۱۳۳۳ - ۲۵ رمضان توشقان‌نیل

وزارت جلیله امور خارجه - سواد راپورت تلگرافی بوشهر و بنادر ملاحظه و

جالب دقت است. محض اطلاع آن وزارت جلیله لفاً ارسال می‌شود».

□ تقاضای حل اختلاف در دستستان و برازجان

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۸۷۸

شعبه تحریرات تأمینات

ایالت جلیله فارس - لازم است بفوریت اقدامات لازمه را راجع به اصلاح

فی‌مابین دشتی و دستستان و اهالی برازجان بنمایند که اختلافات برداشته از این موقع

موجبات اشکالات برای دولت فراهم نیاید».

و در زیر نامه، نوشته شده است:

«بموجب تقاضای ژاندارمری است بتوسط آقای فهیم السلطان».

□ دستور وزارت داخله به ایالت فارس

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۳۲۵

کارتن ۲۲ دوسیه ۵

ارسال در ساعت ۱۴

تهران - شیراز بتاريخ ۱۳ سرطان ۱۳۳۳ (۲۲ شعبان سیچقان نیل)

ایالت جلیله فارس - چنانکه در تلگراف نمره ۳۳۱۷ زحمت داده‌ام راجع به اصلاح مابین خوانین دشتی و دشتستان و اهالی برازجان و غیره که مستقیماً از مرکز به آنها تلگراف شده است، اقدام مفید فوری از طرف ایالت جلیله لازم است که مناقشات و اختلاف مابین آنها مرتفع گردد و در این موقع مهم مشکلاتی فراهم و اسباب زحمت ایالت و اولیای دولت فراهم نگردد و نتیجه اقدامات را اطلاع دهید».

□ تلگرام به حکومت بنادر

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۴۴۷

کارتن ۲۲ دوسیه ۵

شعبه تحریرات جنوب

تهران - شیراز بتاريخ ۱۶ اسد ۱۳۳۳ (۲۶ رمضان سیچقان نیل)

ایالت جلیله فارس.

راجع به مسئله دشتی و دشتستان بطوری که در نمره (۱۸) اشعار فرموده بودید بحکومت بنادر هم تلگراف لازم مخابره شده است».

□ حرکت پست و توقف جنگ

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۶۴۵

کارتن ۲۲ دوسیه ۵

شعبه تحریرات جنوب

ضمیمه سواد.

تهران - شهری بتاریخ ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ (۱۶ اسد سیچقانئیل)

صادره مکتوب

وزارت جلیله امور داخله - تلگرافی از ایالت فارس دایر بر ترمیم سیم
تلگراف خط بوشهر بشیراز و حرکت پست و قوافل و توقیف جنگ و نزاع مابین
خوانین تنگستان و اظهارات شیخ حسینخان ملکشاهی چاه کوتاهی رسیده که قابل
ملاحظه آنوزارت جلیله است و سواد آنرا لفأ ارسال داشته که بهر طور مقتضی بدانند
جواب داده شود».

□ مکتوب زائر خضرخان

«وزارت داخله

سواد: استخراج تلگراف رمز

ایالت فارس (شیراز)

مورخه ۸ رمضان ۱۳۳۳

نمره ۴۸۸

وزارت جلیله داخله - در اطفاء نایره^۱ مشتمله در تنگستان و بوشهر و منع
خوانین از عملیات، از اقدامات و تلگرافات لازمه دقیقه‌ای فروگذار نشده است، و
برای اینکه خاطر وزارت جلیله از احساسات آنها کاملاً مسبوق شده باشد، عین کاغذی
را که زایر خضر به غضنفرالسلطنه نوشته و مشارالیه با پست به اینجانب فرستاده است،
ذیلاً عرض مینماید که بنظر مبارک ریاست وزراء دامت شوکته و وزارت خارجه
برساند. تلگرافی هم در نمره ۱۲۲ بوزارت خارجه عرض شده است ملاحظه خواهید

فرمود.

مکتوب زایر خضر، بعد عنوان تلگراف ایالت: (حکایت واسموس سرکار مخابره شده. دیوان اگر ایالت مال‌بینی دارد، خوب است جلوگیری از اقدام انگلیسی‌ها کند و که هر روز مردم را آغوی^۱ میکنند و یکطرف قره^۲ میدهند و بمردم اذیت میرسانند. گناه حاجی علی مظلوم چه بوده به سبب حفظ ناموس خانه‌اش گذاشت که انگلیسی‌ها سنگر کنند با موقرال‌دوله^۳ او را ساختند.

بیست خانوار یتیم و گرسنه و برهنه که هر یکی ده نفر جیره‌خور داشته، زیر لگد‌هندی‌ها الامان‌الامان کنان بامامزاده، مقتول و مجروح (و) خسته (و) غارت رفته ریختند. باز هم موقر(الدوله) بتقویت قونسول‌گری انگلیس تفنگچی و سوار دور امامزاده (را) محکم گرفته که کس آب و نان بمضروبین بیچاره نمیدهند. ماها تمام مرتب در خط‌ریم امروز بسر ماها بریزند یا فردا. باری، فعلا ماها حساب میکنیم واسموس^۴ یکنفر تفنگچی یعنی تو^۵ و اهالی بفریاد ماها میرسید. منتها خیلی حرکت نمیکنید، جواب میدهد صبر کنید. چطور دولت بهتر از انتظامات طایفه‌گری است. دولت اقدام بمکافات^۶ حاجی مظلوم کرده که ماها امیدوار باشیم (و) آسوده شویم؟ و یکرور آقای غلام‌حسین میفرمایند جناب موقرال‌دوله، انصاف بکن، دولت قبول ندارد که تو فشار بمردم بدهید که زیر فرمان انگلیس شوند. کشف کلام^۷ جواب میدهد شما دولت ندارید، دولت شما قریب مرگ است، من فقط نوکر انگلیس هستم تا هستم.

آقای غضنفرالسلطنه! بقول موقرال‌دوله دولت نیست، گمرک بوشهر ده‌شاهی موجب زاندارم نمیدهد، همه روزه پول به توابعات انگلیس میدهد. سرکار خوب است این جواب بانگلیس عرض کنید که خوانین این جواب را بمن میدهند. دیگر میگویند اقدامی بحیدرخان حاجی علی کردند که ماها نیز ترسیدیم. ماها بی‌تقصیری حاجی علی دیده‌ایم که چه به سرش آوردند. سالی یک‌هزار تومان جنس بکربلا میفرستاد. حالا او میگوید این اهل و عیال و اطفال. میگویند این گرسنه مردم، اگر نه انگلیس بگوید ماها از ترس ناموس به سگی سجده میکنیم (تا) فردا ناموسمان مثل ناموس حاجی (نشود). معلوم کردند خیلی خوب جواب میدهند. میگویند اقدامات لازم می‌شود.

فعلاً انتقام حاجی علی بگیرند، مالیه او بردارند، موقرال‌دوله را مثل او بی‌ناموس کنند که ما بدانیم صاحبی داریم یا نه. باز هم دست و پا میزنیم. بقول

موقرالذوله مرده (مرگ) خدا میدهد یا نه.

بواسموس تلگراف میکنند برگردد. بیچاره واسموس دو ماه است در شیراز عارضی است. چه برایش کردند. یعنی اسباب و مالیه او نه در خاک ایران غارت کردند نه ایرانیها بردند نه حیدرخان برد. یعنی جبران کردند. واسموس هم برگردد یا کشته شود. ماها هم از ترس ناموس با او برمیگردیم و روز موقرالذوله حکم توپ بحمايت حیدرخان کرده، دو پای ناموس ایران را بدست اجنبی داد - خضر).
این است مکتوب مشارالیه که اطلاعاً عرض شد. شب ۷ رمضان نمره ۶۶ مهدیقلی».

- (۱) - منظور نزدیکی به دولت آلمان است که حکومت ایران می‌کوشید مبارزات دلیران تنگستان را به آلمان‌ها نسبت دهد.
- (۲) - امور به سوی خدا جریان می‌یابد و او فراهم آورنده اسباب کارهاست.
- (۳) - از مناطق قدیمی اطراف بندر بوشهر که در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی مرکز عمده تجارت خلیج فارس بوده است.
- (۴) - کوشک، قلعه، بنای بلند که در کنار قلعه یا جای دیگر برای دیده‌بانی و یا محافظت و نگهبانی می‌سازند (فرهنگ عمید).
- (۵) - خوابیدن، خفتن.
- (۶) - مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.
- (۷) - دقت و باریک‌بینی کردن
- (۸) - شعله آتش.
- (۹) - اغوا - فریب دادن.
- (۱۰) - اشاره به فریب دادن مردم است.
- (۱۱) - به امر موقرالذوله او را کشتند.
- (۱۲) - کنسول سابق آلمان در بوشهر.
- (۱۳) - احتمالاً منظور حکمران بوشهر است.
- (۱۴) - کیفر و مجازات.
- (۱۵) - سخن صریح و بدون پرده.

تلگرام‌های رمز در مورد حرکت مأموران آلمانی به سوی خراسان

□ تلگرام حکمران خراسان به وزارت داخله^۱

«نمره کتاب ۹۶

از مشهد به طهران

نمره قبض ۷۲۸۴ نمره تلگراف ۲۲۳ تاریخ اصل ۱۱ - دولتی. وزارت
جليله داخله - تلگراف رمز نمره ۴۳۳ زیارت شد. در این باب مخصوصاً تلگرافی رمزاً
بنمره ۳۰ مورخه ۱۰ شهر شعبان عرض و در تلگرافخانه حضوری تکذیب میفرمودید.
مورخه ۱۶ شهر شعبان هم تلگرافی رمزاً بتوسط کارگذاری از وزارت امور خارجه رسید
و شرح مفصلی به نمره ۳۳ جواب عرض شد. مخصوصاً تلگراف مزبور را بخواهید و
ملاحظه فرموده و فکر صحیح زودی در این باب شده و دستورالعملی کافی به فوریت
داده شود. طبس و گن‌آباد تلگراف ندارد، بتوسط تربت به طبس و گن‌آباد و بر حدوت
دیگر که می‌دانستم تلگراف کرده‌ام. به هر نقطه که می‌رسید فوراً مخابره تلگراف
می‌نماید. تاکنون که خبری نرسیده، اگر رسید فوری اطلاع می‌دهد. قافله که از یزد و
کرمان می‌آید، مستقیماً نمی‌آید. اول از رباط خان خاک طبس و خراسان عبور می‌نماید
و وارد طبس و گن‌آباد و بیرجند و از آنجا هم ممکن است به سبزوار و مزینان از راه
دیگر می‌رود. تلگرافی بنمره ۳۱ رمز استخراج بمفتاح وزارت جلیله داخله بمقام
ریاست وزراء مخابره شده بود، البته ملاحظه فرموده‌اند. ۱۹ شهر شعبان نمره ۳۴ -
نیرالدوله».

□ تعقیب مسافران راه یزد

«نمره کتاب ۱۷۶

از مشهد به طهران

نمره قبض ۱۸۳۲۱ نمره تلگراف ۴۸۶ عدد کلمات ۲۷۷ تاریخ اصل ۲۳ دولتی.
وزارت جلیله داخله - مکرر بر مکرر رمزاً و کشفاً تعقیب مسافران راه یزد را عرض
کرده‌ام که این سوار مسلح که قریب پنجاه نفر است استعداد کاملی لازم دارد. بعد از

چندین تلگراف به وزارت خارجه جواب مرقوم فرموده‌اند که چون امیراعظم علی خان سیاه‌کوهی را با یک نفر آلمانی که در شاهرود بوده است دستگیر و به کلات فرستاده‌اند، برای ایالت خراسان اهمیتی ندارد شما هم عده سواری بفرستید. چنانچه خودشان خلع اسلحه شدند بسیار خوب، والا خلع اسلحه، دکتر یوزن با آلمانی روانه نمایند. دیشب تلگرافی رمزاً نمره ۳۷ بوزارت امورخارجه عرض شده، لازم است ملاحظه فرمائید. امروز هم نایب قونسول آمده اظهار می‌دارد که از قراری که به ما خبر رسیده مسافری راه یزد از آلمانی و اطریشی مانع از پنجاه نفر شده‌اند. در بین راه هم جمعی از ایرانی به آنها متفق شده‌اند و معلوم است هرچه نزدیک‌تر شوند بر جمعیت آنها افزوده و کار مهم‌تر میشود. می‌بایست رسماً بنویسید که دستگیری این اشرار که می‌آیند برعهده من است یا اینکه بگوئید از من برنمی‌آید. جواب داده شده به اولیای امور عرض جواب هرچه رسیده اطلاع میدهم. در تلگراف رمز دیشب وزارت خارجه عرض کرده‌ام که سی نفر سوار با یک صاحبمنصب امروز رفته، ولی باز هم برحسب لزوم عرض میکنم این بنده با این همه عرایض با نداشتن استعداد و لوازم کار سلب مسئولیت را از خود کرده‌ام. حالا این سی نفر سوار در مقابل آنها حالاتش چه بشود، بعد معلوم خواهد گردید. جواب زودتر مرقوم فرمائید. لیل ۳ شهر رمضان نمره ۳۸ - نیرالدوله».

□ گفتگوی نایب کنسول روس با حکمران خراسان

«نمره ۷۹»

از مشهد به طهران نمره قبض ۸۴۲۳ نمره تلگراف ۵۱۰ عدد کلمات ۲۵۰ تاریخ اصل ۲۵ - دولتی ۲۵ سرطان.

وزارت جلیله داخله - جواب تلگرافات رمز نمره ۳۸ و نمره ۴۰ سه شب قبل تاکنون نرسیده است. امروز جمعه یک ساعت بعدازظهر نایب قونسول روس آمده که حالیه رئیس قشون شده است، که مسافری راه یزد به طبس وارد شده‌اند، و میگویند بمن حکمی شده است که برای دستگیری آنها استعدادی بفرستم و نمی‌توانم تمرد کنم و خواهم فرستاد. سفارشنامه برای عرض راه خودت. جواب دادم که اقدامی که مقتضی بوده شده، شما هم بهتر این است اظهارات خودتان را رسماً به کارگذاری بنویسید تا

جواب لازم داده شود. مجدداً قونسول به بنده نوشته و صریحاً اظهار داشته که چون شما برای جلوگیری حضرات استعداد کافی نداشتید باید به کمک اداره قشون ما از آنها جلوگیری شود و رئیس قشون ما موافق دستورالعملی که دارد به سمت طیس و تا جائی که لازم است عزیمت نماید و سفارتخانه به عنوان مأمورین و احکام عرض راه برای او خواسته بود. اگر چه بر طبق مذاکرات شفاهی کتباً هم جواب دادم که اقدام لازم برحسب امر اولیای دولت در این باب شده و مداخله و اقدام مستقیم مأمورین نظام شما را که منافی شرایط بی طرفی است نمیتوانم اجازه بدهم، روز قبل از ارسال این جواب خبر رسید حضرات یک صد نفر قزاق با دو عراده توپ اول غروب حرکت داده‌اند، با این حال مستدعی است عاجلاً دستورالعملی لازم است در این خصوص بدهند که زحمتی تولید نمایند. لیلہ ۴ شهر رمضان نمره ۴۲ نیرالدوله».

ورود قوای آلمان به طیس

«نمره کتاب ۴۰»

از مشهد به طهران نمره قبض ۸۵۵۴ نمره تلگراف ۵۵۹ عدد کلمات ۲۰۶ تاریخ اصل ۲۶ توضیحات: دولتی (برحسب تقاضای ایالت خراسان که از ریاست تلگراف مشهد نموده‌اند مستقیماً بوزارت جلیله داخله ارسال شود).

طهران - با مفتاح^۲ وزارت جلیله داخله کشف شود.

جناب آقای سردار معظم نماینده محترم خراسان^۳ - بیست و شش روز است چندین تلگراف رمز فوری فوتی بمقام وزارت جلیله داخله و خارجه شده است، تاکنون جواب نرسیده. بر فرض بحران کابینه...^۴ مطالب مهمه فوری را که یک روزش تولید هزار گونه مشکلات مینماید بیست و شش روز لاجواب نمایند. این همه استعداد سوار و تفنگ و فشنگ است که برای دولت میسر نمی‌شود که امورات سرحدی باید به تکلیف و لاجواب چند روز بماند. البته از مسافرین راه یزد مسبوق شده‌اند نود و چهار نفر مسلح از بختیاری و غیره با دو عراده توپ و یک صد بار شتر مهمات و لوازمات حرب به طیس وارد شده، یک صد و پنجاه نفر قزاق روس با دو عراده توپ و رئیس قشون و نایب قونسول را ۳ روز قبل برای دستگیری به سمت طیس از مشهد مقدس روانه کردند. عده سواری را که هیچکس هیچ اسلحه کافی نداشته، هفت روز قبل با

دستورالعملی که از وزارت امور خارجه داده بودند فرستاده شده است، ولی هیچ مفید فایده نخواهد بود. اگر در خاک ایران توقف نمایند عقیده من این است که جمعیت زیادی دور آنها جمع خواهند شد.

۴ شهر رمضان نمره ۴۴ - نیرالدوله».

□ جلسات مخفیانه در مشهد

«نمره کتاب ۸۷

از مشهد به طهران

نمره قبض ۱۳۳۸۲ نمره تلگراف ۳۹۰ عدد کلمات ۳۹۷

تاریخ اصل شب ۱۵ - دولتی فوری - تاریخ وصول ۱۵ سنبله اسم گیرنده

حمید.

مقام منیع حضرت اشرف ریاست‌الوزراء دامت‌شوکتہ- از وقت ورود آلمانی‌ها به طبس از طرف هر دو قونسولگری اتصالاً در صدد اشغال بعضی کارها و بهانه‌جویی هستند. به فضل خداوند نتوانستند بهانه بدست بیاورند، تا اینکه به تحریک بعضی اشخاص که در حمایت مالکین کل که زارعین آنها تمام بربری هستند، مفسده بربری و تیموری را برپا کرده‌اند به فوریت جلوگیری و نزدیک به آنها دیدند مقصودی حاصل و نزدیک است خاتمه یابد، باز بدستیاری همین اشخاص و چند نفر دیگر که همه یک مقصودی دارند و اشاراتی که از طهران و حاکم شاهرود به آنها میشود چند روز است که در شهر اجلاس و مجلس مخفیانه دارند که شبانه بواسطه و همراهی پنجهزار نفر ترک قفقازی اتباع خارجه شبانه حریقی نمایند و اغتشاش در شهر فراهم، به طوایف برای هم خبر داده‌اند. اطراف شهر برای اغتشاش به شهر آمده، با داد و فریاد دکا کین بسته که اموال ما را تیموری غارت کرده و امنیت نداریم. در صورتیکه بربری دارای هیچ نبوده، تاکنون نتیجه معلوم شده قریب یک صد هزار اموال تیموری را به غارت برده و پنجاه نفر مقتول کرده‌اند و از طرفی هم جنرال قونسول انگلیس دویست نفر سوار بربری گرفته و میگویند که بربری در حمایت دولت انگلیس است. مسلم است که مقصود چیست، به بهانه عدم امنیت و اشغال شهر است تاکنون بهر قسمی که بوده است با مواظبت رئیس نظمیه جلوگیری کرده است. دویست نفر پلیس در مقابل

پنجهزار نفر ترک قفقازی و تبعه خارجه چه خواهند کرد؟ خاطر مبارک مسبوق است که این بنده یک سال است استعفای از این خدمت را دادم. بدبختانه موفق نشدم و هرچه هم عیویات کار را عرض کردم جوابی نشنیدم. این است نتایج بی‌استعداد و بی‌تکلیف، و اینک خاطر مبارک را مستحضر و مستدعی است به فوریت دستورالعملیات مرحمت شود که از همان قرار معمول بدارد و بدانند که در شهر به جز یکصد نفر سرباز بی‌تفنگ استعدادی حاضر نیست.

۱۴ سنبله - نمره ۵۸۵ - نیرالدوله».

(۱) - یک گروه از آلمانی‌ها که از اصفهان به خراسان می‌رفتند تا برای جلب همکاری افغانستان عازم آن کشور شوند، در ۱۸ رمضان ۱۳۳۳ توسط قوای روس که از «گن‌آباد» به سمت باجگیران می‌رفتند و از قبل در تعقیب ایشان بودند، شناسایی و دستگیر شدند، که تلگرام‌های حکمران خراسان در این زمینه است.

(۲) - کلید رمز تلگراف.

(۳) - منظور سردار معظم نماینده ایالت خراسان در مجلس شورای ملی بوده است.

(۴) - چند کلمه ناخوانا است.

(۵) - طوایف بربری و تیموری پس از درگیری‌های خونینی که به تحریک قوای اجانب صورت می‌گرفت، در ذیقعه ۱۳۳۳ ه.ق در روستای محمودآباد جم پیمان صلح بستند و به این ترتیب به یکی از نزاع‌های محلی خراسان که بهانه‌ای برای مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران بود، پایان داده شد.

نبرد کردند^۱

□ تقاضای فرمانده ژاندارمری کرمانشاه از فرمانده ژاندارمری کل کشور

«از کرمانشاه - ۳۱ ثور ۱۳۳۳ (۲۱ مه ۱۹۱۵)

ماژور ادوال - در عقب اردوی ترک گردنه‌ای است که در ابتدا خود اتراک مستحکم و آنرا اشغال داشته و علی‌الحال آنجا را ترک نموده‌اند. چون تصور نمیکنم که باید (بتوان) ترک‌ها را مجبور به عقب‌نشینی نمود، تقاضا میکنم فوراً یک اسکادران سوار از بروجرد بکمک بخواهیم که در گردنه مذکور در عقب قشرن ترک قرار دهیم - سونسون».

□ ارسال رونوشت گزارش کلنل سونسون به وزارت خارجه

وزارت داخله

سواد گزارش کلنل سونسون به ماژور ادوال

شماره ۱۷۶۰ - ۷۴۰۰

«تلگراف از هارون آباد - اول ژوئیه

ماژور ادوال - طهران

در کردند فقط بین عثمانی‌ها و طایفه کردندی دعوا بوده و کردنها مغلوب شده و عده زیادی از زن و مرد و بچه تلف شده‌اند. سایر ایلات مداخله در جنگ نکرده‌اند. فردا که سه‌شنبه است با «کنت کانتر» آتاشه میلتر^۲ سفارت آلمان عازم کردند هستیم. امضاء سونسون».

□ مخالف با ملاقت صمصام‌الممالک و رئوف بیگ

«تلگراف کرمانشاه - هشتم ژوئن

ماژور ادوال - بدبختانه همچو متصور است که امکان تسویه مسئله عثمانی را بکلی تلگراف وزارت جلیله داخله به سردار جلال نایب‌الحکومت مبنی بر اینکه مایل نیستند صمصام‌الممالک نزد رئوف بیگ رفته، متزلزل نموده است. چون مشارالیه

آخرین شرطش این است که امور او با سنجابی‌ها بایستی تسویه شود. نتیجه اسفناک و محتمل این مسئله قریب‌الوقوع است، چونکه سنجابی‌ها خیلی مایلند به ترک‌ها حمله نمایند. امضاء - سونسون».

□ اتحاد ایل‌های سنجابی و کلهر علیه رئوف بیگ

«تلگراف کرمانشاه - ۹ ژوئن

انگلیسی‌ها به اینطرف فرات پیش می‌آیند و فعلاً در آلمارا بین بغداد و کوفه جمعند. شاید این مسئله رئوف بیگ را مجبور به مراجعت نماید. امروز سنجابی‌ها این جانب را مخبر ساختند که فعلاً با کلهرها دوست شده‌اند و این باعث اختلال امور رئوف بیگ خواهد شد. تلگراف وزارت جلیله داخله که در تلگراف اخیر خود ذکر از آن نموده است، بی‌اندازه به حیثیت اینجانب و اداره ژاندارمری نظمیه وارد آورده است. امضاء - سونسون».

□ تلگرام بعدی کلنل سونسون به ماژور ادوال

«تلگراف کرمانشاه - ۱۰ ژوئن

دیروز سنجابی‌ها و کلهرها صلح نموده‌اند. سوار و پیاده طوایف کشکولی و کاکاوند دیروز پست ژاندارمری را که در اینطرف تنگه بید سرخ است احاطه نموده، ژاندارم‌ها دو نفر از آنها را کشته‌اند و فعلاً آنها بطرف تنگه برای حمله به پست (دولت) بهیه روس گرد می‌آیند. یک دسته پیاده برای تقویت پست مزبور حرکت نموده است. اگر اوضاع اینجا آرام بماند این جانب با سوارهای خود حرکت خواهد نمود. امضاء - سونسون».

□ تقاضای دریافت مالیات از تریاک!

«تلگراف کرمانشاه - ۱۰ ژوئن

«هنگام ورود اینجانب به کرمانشاه تریاک را باندربول میزدند و حالیه هم در کنگاور این کار را می‌کنند. چنانچه مسئله مرتب بود مبلغ ۱۵۰۰۰۰ تومان در سال عایدی این مسئله خواهد بود. علاوه بر این بعضی عواید دیگر دولت مطلقاً بحال اخلاص است. امضاء - سونسون».

□ قیام ایل کردند علیه عثمانی‌ها

«تلگراف کرمانشاه - ۱۹ ژوئن ساعت هشت - فوری

ماژور ادوال - طهران.

رئوف خیلی مایل بود از ایل کردند که خود را ایرانی خوانده، اخذ افراد نماید و بدین جهت اثبات و مدلل نموده که سکناى این ایل در قلمرو عثمانی و بنابراین ایل مزبور ترک است. رئوف سه نفر از رسول‌ها^۲ را تیرباران نموده است، آنوقت ایل کردند به وی شوریده و سایر ایلات نیز تأسی نمودند. ایلات تیکه‌هایی را که در عقب رئوف است اشغال و محتمل است فقط عده قلیلی از عثمانیان زنده به ترکیه مراجعت نمایند. زیرا هیجان به اندازه‌ای است که حتی کسبه شهر هم بر ضد آنها سرباز گسیل می‌دارند. آنچه که اینجانب میتوانم بعمل آورد این است که قونسول عثمانی قبول نماید یک کار فوری بر عهده کارگذاری عثمانی گذارده تا در نقاطی که قشون دولتی ایران است، کسی مشغول دخالت از رجال عثمانی که دارای عنوان رسمی باشند نگردد. امضاء - سونسون».

□ تیرباران روحانیون سرشناس کردند توسط قوای عثمانی

«تلگراف کرمانشاه - ۱۹ مه - ساعت ۳

تمام صبح در کنسولخانه با کارگزاران مذاکره گردید و تصمیم گرفته شد در هارون‌آباد برای موافق کردن رئوف با پیامبران (فرستادگان رئوف‌بیگ) مذاکره نمایم، هرچند که محتمل است که دیر شده باشد. قونسول آلمان میگوید که طایفه به رئوف تسلیم شده‌اند، ولی اینجانب باور نمیکنم. رئوف دو نفر ملای مهم^۳ کردند را تیرباران کرده است. شهبندره عثمانی گارد ژاندارمری را نخواسته است. امضاء سونسون».

□ تشریح صحنه‌هایی از جنگ و تلاش آلمان‌ها برای برقراری صلح

«تلگراف کرمانشاه - ۲۵ ژوئن

در شب ۲۱ الی ۲۲ طوایف سنجابی و کلخانی، رئوف بیگ را محاصره و حمله کرده و تا خیام پیش آمدند. عثمانی بمددتوپهای مسلسل خود موفق به پس نشاندن

آنها گردیدند. سنجابی‌ها تمام روز در یک‌هزار و پانصد متری کردند مواقیف محکمه را نگاهداشته، شلیک توپ تا هارون‌آباد و پنج فرسخی دورتر شنیده می‌شد. رثوف باید صد یا دویست خمپاره انداخته باشد. قونسول آلمان نزد سنجابی رفته، اینجانب با دن کاوتیز نزد رثوف بیگ رفتیم برای اینکه جنگ را متارکه نماید.

گل‌وله‌ها با وجودیکه با بیرق رسالت^۷ داشتیم از دور ما می‌گذشت. ترک‌ها مخصوصاً زیاد شلیک نمودند. در ساعت سه و سه دقیقه بعدازظهر رثوف حکم آتش بس داده، ولی ترک‌ها تا غروب شلیک مینمودند. از آنجا نزد سنجابی‌ها که دیسیپلین^۸ بهتری داشته و شلیک را زودتر موقوف نمودند رهسپار شدیم. یکنفر صاحب منصب عثمانی با خود آورده بودیم که به ترک‌ها نوشت شلیک را موقوف نمایند. مراسلات را با یکنفر مرجوفه فرستاد که با داشتن پرچم رسالت انجام داده و بدون آسیب مراجعت نمود. شرایط متارکه جنگی آنست که طوایف تا وقتی که مذاکرات در میان است حمله نمایند. ضایعات را مشکل است بررسی و تخمین کرد، ولی کلخانیها قریب صد نفر و سنجابیها قریب چهل نفر و ترک‌ها نزدیک به پنجاه نفر تلفات و سی نفر زخمی داده‌اند.

امروز که بیست و چهارم است در خسروآباد به مذاکره مشغول میشوند. اینجانب کاملاً اطمینان دارم که با وجود وضع فعلی خودمان و همکاری آلمانها و عثمانی‌ها برای تسویه عمل نمی‌توانیم رثوف بیگ را مجبور به تفتیش بکنیم، مگر اینکه قوای عالیتر از مال وی آماده نمائیم. فعلاً داشتن قوا لازم و اینجانب مصمم که کاویتتر را تا خانقین همراهی نمایم - امضاً - سونسون».

(۱) - در اواسط سال ۱۳۳۳ هـ. ق قوای عثمانی برای از صحنه خارج کردن رقیب -

روسیه - و نیز شکست طوایف و عشایر کرمانشاهان که علیه منافعش قیام کرده بودند، بخشی از لشکریان مجهز خود را به منطقه «کرند» گسیل داشت و گردنه «بید. سرخ» نبرد سختی بین آنان روی داد که منجر به شکست و عقب‌نشینی عثمانیان شد. در این نبرد نابرابر قوای عثمانی به فرماندهی ژنرال رثوف بیگ زنان و کودکان کردند را به طرز فجیعی به قتل رساندند، ولی

ترور نایب کنسول روسیه در اصفهان

□ گزارش ترور نایب کنسول روسیه^۱ به کفیل ژاندارمری دولتی ایران

«اصفهان - ۱۹ مه ۱۹۱۵»

(تلگرافی که در ساعت شش و نیم صبح فرستاده و در ساعت شش عصر دریافت گردیده است).

ماژور ادوال - طهران - فوری

بین شب هیجدهم و ۱۹ شهر^۲ جاری دن کاورویس قونسول روس هنگامی که

عاقبت از عشایر غیور ایرانی شکست خوردند و از خاک کرمانشاه خارج شدند. روزنامه عصر جدید در شماره شانزدهم جمادی الاول ۱۳۳۴ هـ.ق با مرور حوادث یکسال گذشته ایران، درباره نبرد کردند نوشت: عثمانی‌ها در اوایل سال گذشته یک عده قشون در تحت ریاست حسین رئوف بیگ که تاریخ اسمش را با بدبختی ایران توأم خواهد نمود وارد ایران کردند... ابتدا ایلات کرمانشاهان قویاً درصدد مخالفت و جلوگیری برآمده و مخصوصاً سنجابی‌ها ابراز کمال رشادت و وطن‌پرستی نمودند، تا آنکه بالاخره در کرد جنگی واقع شد و قشون عثمانی شکست خورد و مطابق برات‌القولی که بین نمایندگان دولت ایران و نماینده عثمانی و قونسول آلمان امضاء شد، عثمانی‌ها متقبل شدند که علاوه بر تخلیه خاک ایران، از عهده خسارت اهالی کردند نیز برآیند (ایران در جنگ بزرگ، مورخ‌الدوله سپهر، ص ۳۳۹).

(۲) - وابسته نظامی.

(۳) - منظور فرستادگان ایل کردند است.

(۴) - مقصود «سونسون» دو نفر از روحانیون منطقه بوده که به دستور رئوف بیگ تیرباران شدند.

(۵) - کنسولگری.

(۶) - مواضع مستحکم.

(۷) - میانجیگری.

(۸) - انضباط.

همراه مسیو پا که از منزل خود بقونسولگری مراجعت میکرد، بضرب گلوله مقتول گردیده است. هنوز معلوم نیست که این سوؤقصد نسبت بقنصول بود یا نسبت به مسیوپا که. نظر به این واقعه موقتاً اداره مالیه بسته است. پا که فوراً بطرف طهران عازم و محتمل است که مراجعت نماید. اداره ژاندرمری با موافقت حکومت نظمیه باطلرهای ژاندارم^۲ شهر را زیاد نموده، متمنی است پیشنهادات اینجانب را که در باب تشکیل نظمیه اصفهان است، بوقت مراجعه و رسیدگی فرمائید. امضاء - گلوپ».

□ دومین گزارش کلنل گلوپ به ماژور ادوال

«مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته - کوبیه؟ ماژور ادوال رئیس محترم ژاندارمری.

دیشب در ساعت نصف شب که واقعه تأسف آمیز رخ داد، فوراً اطلاع حاصل نموده و در همان ساعت به قونسولگری روس رفتم، مرا نپذیرفتند و گفتند وقت نداریم. از آنجا برگشته، نزد رئیس مالیه رفتم و تا صبح در نزد او بودم، و شبانه فرستادم عده سوار و پیاده ژاندارم را از فرح آباد حاضر کرده، قبل از آفتاب تمام آنها را با توپ بطرف شهر حرکت دادم، و مطابق دستوری که بآنها دادم، در اطراف تمام قونسولخانه قسمت شدند و جمعی را هم بمعاونت نظمیه مأمور کردم و به قونسولها نوشتم، از قرار اشعار یک هفته قبل که رسماً نوشته بودم اکنون هم ژاندارمری از برای محافظت شماها حاضر است و فعلاً شهر در کمال امنیت و اطمینان ژاندارمها با کمال نظم و مراقبت مشغول محافظت هستند و ابداً مخاطره برای قونسولگریها و غیره هم نیست. پلیس مخفی از طرف ژاندارمری و نظمیه با کمال جدیت مشغول تفتیش و در صدد دستگیری مرتکب هستند و آنچه معلوم شود بعدها عرض خواهد شد. تعجب دارم در صورتی که دو راپورت فرانسه و سوئدی صبح فرستاده‌ام، چگونه تا حال نرسیده است - گلوپ».

□ نامه گلوپ به کنسولگری روسیه یک هفته قبل از واقعه ترور

۱۵ مه ۱۹۱۵ جناب قونسول ژنرال دولت بهیه روسیه در اصفهان محترماً
خاطر عالی را مسبوق میدارم که از قرار حکمی که از طهران به من رسیده است، در

هر موقع که یک اغتشاش باشد، کمک و مساعدت را با قونسولخانه‌های خارجه یا مهاجرین اروپایی بنمایم. احترامات و مقامات فائقه را مستدعی است - گلوپ».

□ سومین تلگرام گلوپ به ادوال

۳۰ ثور (۲۰ مه ۱۹۱۵) از اصفهان - وصول لیلہ شنبه غره جوزاه ماژور ادوال - تلگراف غره ۶۶۱/۲۷۲/۲۷۶ واصل، جواباً بعرض میرساند که اولین شخصی هستم که راجع بکار (دن کاور) تلگراف فوری فرستادم. در تلگراف که یکی به زبان سوئدی و دیگری رسمی هم بوده، به زبان فرانسه در ساعت ۶ صبح به تلگرافخانه داده و این نیز از روی قبض اداره تلگراف ثبت می‌باشد. تمام روز را مشغول و در بعدازظهر از طرف تلگرافخانه ایرانی خبر دادند که راپورت‌های این جانب به طهران نرسیده، چون استنباط میکنم که از کار غیر شما را می‌بیند لیکن تصور میکنم که باید به وقت تمام راپورت‌های سایر مبادی امور را ملاحظه نموده، حکومت بنده کلیتاً موافق مشارالیه کمال رضایت را از اقدامات اداره ژاندارمری دارد.

شاهد این مدعا راپورت مشارالیه می‌باشد. چنانچه از بعضی نقاط اظهار عدم رضایت شود بکلی بی‌اساس خواهد بود.

مسیو پا که به همراهی ۲۰ نفر ژاندارم امروز حرکت کرد، در ورود بطهران میتوانند تفصیل را مفصلاً بشما اطلاع دهد. عجلتاً ژاندارمری نظمیه را در تحت نظر و اداره خود دارد. گارد ژاندارم به بانک و تلگرافخانه و قشون خانه داده شد. قبل در یک هفته قبل نیز به تمام قنسول خانه‌های خارجه اطلاع دادم که با نهایت میل و رضایت چنانچه گاردی بخواهند برای حفاظت خواهم داد. لیکن به این عرضه داشت جوابی داده نشده، قتلہ هنوز دستگیر نشده، لیکن با تمام قوای خود مشغول تعقیب و تجسس آنها هستم. راجع به تلگراف بی‌سیم چطور ژاندارمری باید اقدام نمایند، هنوز در این باب جواب نداده‌اند. این قبیل کارها با تحلیل و تحریف تمام دیروز دقت شد. امروز رسماً قونسول روس تشکرات خود را به اینجانب اظهار داشت، ولی تخمین راپورت‌هاییکه بطهران داده است معلوم نمی‌باشد - گلوپ».

□ تلاش برای کسب رضایت و اطمینان کنسول انگلیس

اصفهان - ۱۹ ماه مه ۱۹۱۵

جناب قونسول ژنرال دولت فخمه انگلیس در اصفهان
خاطر عالی را مستحضر میدارم که ژاندارم‌های رژیمان^۶ من در هر گونه
خدمات جنابعالی در موقع لزوم حاضرند. راجع به اتفاقی که دیشب رخ داده است،
بنده گشتی‌های لازمه در شهر فرستادم برای حفظ امنیت عمومی. احترامات و مقامات
فائقه را مستدعی است. کفیل ریاست رژیمان ۶ اصفهان ژاندارمری دولتی^۷.

□ گزارش گلرپ از اوضاع نابسامان اصفهان

«تلگراف اصفهان - فوری

اوضاع بد اندر بدتر می‌شود. منتظر شلوقیم. قوه و استعداد من بسیار قلیل،
تنها نمی‌توانم مقاومت کنم. اقدامات جدی دولتی جهت تسویه امور بین عامه و
حکومت لازم، منتظر حکم، باید چه کرد؟ امضاء گلرپ».

□ نامهٔ مازور ادوال به وزارت داخله

«شماره ۸۳۸

تهران - ۲۰ مه ۱۹۱۵

وزارت جلیله داخله - چون دولت جلیله دیروز اینجانب را مخبر^۷ ساخت که
قونسولگری روس در اصفهان بتوسط سفارتخانه طهران ژاندارمری آنجا را متهم داشته بر
اینکه در مسئله قتل نایب قونسول روس بقدر کفایت دقت ننموده و کلیتاً جدیت کامل
در جستجوی مقصرین مرعی نداشته است، اینجانب قویاً برضد همچو عمده پرتست^۸
نموده و چنانچه از رفتارات عادی قونسولگری روس اصفهان ما را تجربه‌ای بدست
نمی‌بود، هر آینه این تهمت مایه حیرت کامل می‌گشت، و فعلاً اینجانب قابل تقدیر
میداند که همچو اسنادی باید جداً تحت مذاقه و رسیدگی درآمده و باترتیبات ذیل
مقایسه گردد:

۱ - به سه فقره راپورت تلگرافی رئیس ژاندارمری اصفهان که بوسیله مراسله
نمره ۸۲۵ تقدیم آتوزارت جلیله گردیده است.

۲ - با اظهاراتی که آقای وزیر مختار بلژیک پس از وصول یک فقره مکتوب
مسیو پا که باینجانب نموده‌اند.

۳ - با راپورت‌های ایالتی اصفهان و کارگذاری آنجا - ادوال».

□ تقاضای توقیف گماشته کنسول ایالتی آلمان

« ۱۰ ژوئن

«ماژور ادوال - طهران

عبدالله خان مأمور نظمیه که برای تجسس قاتل رئیس بانک روسی به اصفهان فرستاده شده، بنابه اظهار خودش تحقیقات خود را انجام داده و به سمت طهران حرکت نموده است. قونسول روس از این مسئله خیلی ناراضی و ... ۹ است از اینکه مشارالیه از ترس فرار کرده است. مأمور نظمیه مدعی است که اسامی قاتلین را میداند و اکیداً از حکومت اصفهان تقاضا نموده است که حسن آقا نام گماشته قونسول آلمان را توقیف نماید، اما معلوم می‌شود که حکومت کار نمی‌کند. خواسته است از طهران حکم توقیف گماشته مذکور را صادر فرماید. امضاء - گلرپ».

□ سؤ تفاهم در مورد گماشته کنسول آلمان

« ۲۵ ژوئن ۱۹۱۵

حسن آقا (قاتل دن‌کاور) در اصفهان نیست. محققاً سؤ تفاهمی رخ داده و مشارالیه را با حسن خان نام گماشته قونسول آلمان مقیم اصفهان اشتباه کرده‌اند. حسن آقای مقصود بر عکس باید در قونسولگری آلمان که بین راه کرمان واقع است باشد. تلگرافاً حکم توقیف او را داده و جلبش را به اصفهان خواستام. از وزارت جلیله داخله بخواهید بفوریت به حکومت یزد تلگراف فرمایند تا با صاحب منصب ما که فعلاً در یزد مشغول این کار است معاضدت نماید. عجالتاً در قونسولخانه آلمان مقیم اصفهان چهارده نفر سوار ماشاءالله خان موجود، لیکن معلوم نیست باز هم خواهند آمد یا خیر، چون کلاه سوارهای مزبور علامت قونسولخانه آلمان را داراست و خود آنها هم در قونسولخانه هستند خوب است معین فرمایند که حکم خلع اسلحه را در مورد آنها

ولو به جبر باید مجری داشت یا خیر. امضاء گلروپ»^{۱۰}

(۱) - مورخ الدوله سپهر درباره قتل «دن کاور» نایب کنسول روسیه در اصفهان و زخم برداشتن مسیو «پاکه» رئیس بلژیکی مالیه اصفهان که همراه وی بود، در یادداشت‌های شخصی خود چنین می‌نویسد: در اصفهان نیمه شب صدای شش تیر رولور بدون فاصله از اوایل خیابان چهار باغ شنیده شد. رئیس بانک استقراضی موسوم به دن کاور که ضمناً سمت ویس قونسولی روس را نیز داشته، باتفاق مسیو پاکه بلژیکی رئیس مالیه با درشکه می‌رفتند، نزدیک عمارت اسداله خان در سی قدمی بدرشکه آنها شلیک کرد (شد). رئیس مالیه خود را از درشکه پرت نمود و در میان گندم پنهان شد. چهار تیر به رئیس بانک استقراضی اصابت و فوراً جان داد. مسیو پاکه زنده ماند و فقط زخم برداشت (ایران در جنگ بزرگ، ص ۱۷۶).

(۲) - ماه

(۳) - واژه فرانسوی به معنای کشتی.

(۴) - کپه، رونوشت.

(۵) - اول ماه جوزا.

(۶) - هنگ ژاندارمری.

(۷) - باخیر.

(۸) - پروتست، اعتراض.

(۹) یک کلمه ناخوانا است.

(۱۰) - برای آنکه ماجرای ترور نایب کنسول روسیه در اصفهان ابعاد وسیعتری نگیرد، وزیر امور خارجه ایران به سفارت روسیه رفت و از واقعه ترور اظهار تأسف و معذرت خواهی کرد. مورخ الدوله سپهر در این مورد می‌نویسد: صبح روز چهارشنبه ۱۹ مه ۱۹۱۵ محتشم السلطنه وزیر امور خارجه به سفارت روس رفته، از واقعه اصفهان اظهار تأسف کرد (ایران در جنگ بزرگ، ص ۱۷۷).

حمله راهزنان به درشکه مسیو پا که

□ دریافت نامه مسیو پا که

«از اصفهان - غره جوزا^۱

ماژور ادوال - کاغذ از مسیو پا که^۲ رسید که در راه نزدیک طرق بتوسط اشرار حمله ور شده خود او فراراً به ژاندارمری طرق پناهنده شده، ژاندارمری با اشرار طرف شده، ولی هنوز نتیجه جنگ معین نیست. عده ژاندارم به کمک فرستاده که قهراً اشرار را دستگیری، به محض وصول نتیجه راپورت مفصل خواهم فرستاد. یک گاری پست را غارت نموده اند - گلوپ».

□ تقاضای کنل گلوپ برای تقویت ژاندارمری اصفهان

«از اصفهان - غره جوزا

ماژور ادوال - بملاحظه موقع کریکتی اینجا و بواسطه اینکه با این قوای حاضر نمی توان هم شهر را حفظ نمود و هم با این عده ژاندارم طرق این ناحیه بزرگ را محافظت کرد، و بعلاوه بواسطه تراکم سایر امور تقاضا می نمایم که یک گروهان ژاندارم از طهران روانه دارید. تقریباً کلیه ژاندارم هاییکه در سربازخانه هستند برای حفظ شهر و مسئولیت کار نظمیه استفاده شده اند، زیرا ابداً اعتمادی به نظمیه اینجا نمیتوان کرد - گلوپ».

□ چگونگی حمله به درشکه مسیو پا که

«نمره ۵۷۵ - غره جوزا

طهران - ماژور ادوال

بموجب راپورت خود مسیو پا که که امروز از طرق رسیده است، قریب شصت نفر دزد در رباط سنگی دو فرسخی طرق در خاک کاشان به درشکه مسیو پا که و مسافرین حمله مینمایند. مسافرین بطرف طرق حرکت میکنند. ژاندارمهای پست طرق که همراه کالسکه مسیو پا که بودند، مشغول دفاع میشوند و بعد مسیو پا که را بسلامت بطرق عودت میدهند. اینجانب ۲۵ نفر سوار و یک نفر صاحب منصب مأمور بطرق

نمودم که مسیو پاکه را به کاشان رسانده، تحویل کنند. مسیو پاکه از بنده خواهش نموده است که واقعه را بوزارت جلیله داخله راپرت بدهم. مستدعی هستم که خود شما واقعه را بوزارت داخله راپورت کنید - گلروپ».

(۱) - اول جوزا ۱۳۳۳ هـ. ق مطابق با ۲۱ مه ۱۹۱۵ میلادی.

(۲) - مسیو پاکه رئیس بلژیکی مالیه اصفهان که در جریان ترور نایب کنسول روسیه در اصفهان زخمی شد.

کمبود بودجه نظمیه و ژاندارمری

□ تلگرام رئیس نظمیه اصفهان به طهران

« ۷ ژوئن ۱۹۱۵ »

ماژور ادوال - طهران.

مستدعی است بودجه نظمیه اینجا را مرتب نمایند. بودجه کنونی برای یکصد و بیست و هشت آزان، بیست کمیساریا و سیزده نفر صاحب منصب یکهزار و هفتصد و هفتاد تومان میباشد. رئیس قشون برای یکصد و پنجاه سرباز ماهی چهار هزار تومان میگرفت، اداره عدلیه وجه جرایم مآخوژی نظمیه را مطالبه میکند. مستدعی است موافق ترجمان اداره نظمیه مرکز ترتیب این قوه را بدهد که محبس لازم داریم. اداره قوافل اجازه طهران را میخواهد که برای ساختن محابس پول بپردازد و حکومت میخواهد خودش اشخاص را که نظمیه توقیف کرده، استنطاق نماید. مستدعی است برای اینگونه بی‌رویه‌گی‌ها اقدامات نماید. برای سلطان محمودخان معلم پلیس تقاضای انعام می‌نمایم. یک نفر پلیس فرانسه برای نظمیه لازم است. مستدعی است یک نسخه این نمونه را برای دفتر پلیس ارسال نمایند - وستاهل».

□ تلاش فرمانده ژاندارمری اصفهان برای جلوگیری از قاچاق تمبریه

«تلگراف اصفهان - نمره ۷۱۸ - فوری».

ماژور ادوال - طهران

مرکز پلیس، تمبریه اصفهان را تلگراف نموده از آنها خواست‌اند که اجازه حاصل نمایند تمبریه را تفتیش نموده یا ارزش تمبریه مستقیماً عایدات را دریافت نمایم، ولی هیچگونه جواب و تصمیمی اتخاذ نشده. چهار ماه است ابداً چیزی بمانده‌اند. اینجانب شروع به اقدامات سخت نموده که از قاچاق و تفتیش که نسبت به تمبریه بشود جلوگیری نمایم. نتیجه این همه زحمات چه شده. قاسم خان مفتش هم مداخله مستقیم را نمی‌پذیرد و بدون اینکه ما را اجازه تفتیش دهد، اقدامات سخت ما را نمی‌پذیرد و بدون اینکه ما را اجازه تفتیش دهد، اقدامات سخت ما را غنیمت می‌شمارد. به عقیده اینجانب هرگاه از طرف ما تفتیش نشود هیچگونه امید نباید داشت.

این مسئله چندان اشکال در ضمن ندارد. مستدعی است یکدفعه عمل را قطع فرمائید. تصمیم سرکار عالی را بفوریت هرچه تمامتر خواهان است. امضاء - گلروپ».

□ گزارش روزانه عایدات تمبریه

«طهران - مازور ادوال».

در تتمیم تلگراف نمره (۷۱۸) اظهار می‌دارد که رئیس تمبریه واجب میدانند یکنفر صاحب منصب ژاندارمری به شعبه تمبریه حاضر شده، جلوی تقلبات را بگیرد و راپورت عایدی یومیه را بدهد. مالیه در این پیشنهاد عقیده خود را بطور وضوح اظهار می‌دارد جرائم ماخوذی از قاچاق و تقلب لازم است مستقیماً به ژاندارمری داده شود. چنانچه عایدی این شعبه منظم شود، نتیجه‌اش بسیار خواهد بود. مستدعی است با وزارت مالیه مذاکره کرده، تصمیمی اتخاذ نمائید. امضاء - گلروپ».

□ ارسال رونوشت تلگرام ژاندارمری به وزارت مالیه

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۷۱۵۶/۱۸۱۵

کارتن ب دوسیه ۶

شعبه تأمینات

طهران - بتاریخ ۱۶ شوال ۱۳۳۳

وزارت جلیله مالیه - یکفقره راپورت اداره ژاندارمری دولتی راجع به تلگراف واصله از اصفهان در خصوص تقاضای تفتیش تمبریه رسیده است که سواد آن برای اطلاع آن وزارت جلیله لفاً تقدیم داشته و ممکن است در این خصوص تعلیقات اکیدا فوری به اداره مالیه اصفهان صادر و از نتیجه آن وزارت داخله را مستحضر فرمایند - ادوال».

□ پاسخ وزارت داخله به مازور ادوال

در مورد تأمین هزینه لباس ژاندارمها

«تأمینات - جواب بنویسید کاغذ نمره ۱۰۷۸ رسید و سواد چند فقره

تلگراف در جوف آن ملاحظه شد. در مساله قیمت لباس ترتیب آن با خودتان است که در بودجه ژاندارمری به طوری که صلاح می‌دانید منظور بدارید و به اطلاع وزارت داخله اعتبار آنرا تحصیل نمایند. عواید نظمی هم لازم است درست توضیح بدهد که عواید از چه بابت بوده و به چه ترتیب دریافت می‌شده و به مصرف می‌رسیده است، شرح جامع‌الاطراف بنویسید تا اقداماتی که لازم است بشود».

□ هزینه لباس ژاندارم‌ها در بودجه ژاندارمری

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۵۷۵۵/۱۳۳۱

کارتن دوسیه ۶

تهران - شهری - بتاريخ ۱۷ رجب ۱۳۳۱ - صادره مکتوب.

اداره ژاندارمری دولتی - مراسله نمره ۱۰۷۸ به ضمیمه سواد تلگرافهای شیراز و اصفهان ملاحظه، در مساله پول لباس ژاندارمری اصفهان ترتیب آن با ادوال است که در بودجه ژاندارمری طوری که لازم می‌داند اقدامات مقتضی از روی بصیرت به عمل آید».

(۱) - تمبریه، یکی از بخش‌های اداره مالیه بود که در آنجا مالیات مواد خوراکی و غذایی و نیز باندرول آن‌ها تعیین و دریافت می‌شد.

تحریکات انگلیسی‌ها در فارس

□ تصفیه اختلاف با کشکولی‌ها

«۲۶ مه ۱۹۱۵»

کلنل ادوال - تلگرافات به نورمحمد خان دالکی و حسین بیک کنار تخته و معز دیوان کمارجی مخابره شد، ایشانرا به ترک خصومت و تسویه مسایل بطریق صلح و مسالمت دعوت کنند، بنده اختلاف با کشکولی‌ها را تصفیه نموده و فعلاً آرامش برقرار است، سرفت پست در شمال آباده کار کشکولی‌ها بوده، چنانچه وزیر داخله به رؤسای ایلات آنجا تلگراف نمایند که مسئولیت هرگونه سرفت و غارتی که از طرف کسان ایشان بعمل آید برعهده آنها خواهد بود، خیلی مناسب و بموقع است. امضاء - پست»^{۱۰}

□ اختلاف رؤسای ایلات فارس با مسئولان محلی

«تلگراف از شیراز - دهم ژوئن

صولت‌الدوله و ایالت بالا^۲ خوب نیستند، و جهت این است که صولت‌الدوله^۳ بتطاول پست و قراء را غارت مینماید. از (به) حضرت والا شاهزاده عین‌الدوله بنویسد تلگراف سختی به عنوان صولت‌الدوله صادر فرمایند که حرکات ناشایسته خود را موقوف متروک کند. امضاء - پست».

□ جنگ آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها در فارس

«شیراز - مورخ ۱۹ ژوئن

این کاغذی است که قونسولگری آلمان این جا منتشر نموده و عکس مراسله‌ای است که مدعی این مسئله ویس قونسول جدید انگلیس که یکنفر ایرانی است^۱ به یکی از رؤسای کشکولی‌ها نوشته است. اینجانب نمی‌تواند وثوق نوشته را ضمانت نموده، ولی در هر حال این نوشته میرساند چه نوع جدالی اینجا در جریان است. این قسم کاغذها میلیون میلیون این جا منتشر می‌کنند و انگلیسی‌ها و آلمانها مانند سگ و گربه با یکدیگر می‌جنگند. امضاء - پست».

□ رونوشت نامه غلامعلی خان نواب کنسولیاری انگلیس در شیراز

«سواد مکتوب غلامعلی خان ویس قونسول انگلیس که عکس برداشته‌اند - ۱۸ رجب

۱۳۳۳

حضور مهرظهور حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای هزبر عشائر

مدظله‌العالی.

قربان خاکپای مبارکت شوم. رافع حضرت اجل آمد از سلامتی و وجود محترم خوش وقت شدم و از بنده خواهش فشنگ و تفنگ کرده بود، اطاعت میکنم. در صورتی که چندین نفر از سوارهای شما وارد شهر بشوند به جهت اطمینان قونسول و براتی که حوال فرموده بودند اطاعت شد، و نقشه هم که مرقوم فرموده بودید که سه روز دیگر تمام میشود هنوز عمه کار میکند. در عصر هیجدهم شهر حال پلاس حضرتعالی چمن داشتم و آقایان شهر یک یک همه حاضر بودند. محض خاطر اطمینان که مردم شورش نکنند اعلان زدیم که نایب قونسول غرض بکسی ندارند و بابت مسئله اصفهان هم خواطر جمع بوده باشید، و هر چه زودتر سوار حاضر نمایند بهتر است. زیاد عرض بخاکپای مبارک ندارم».

در زیر نامه نوشته شده است:

«این ضمیمه بمراسله نمره ۱۶۵۶ این اداره (ژاندارمری دولتی ایران) مورخه

امروز ۱۲/۵/۱۳۳۳ الحاق شود».

از طرفی در پشت رونوشت نامه «غلامعلی خان نواب» از وی به دلیل همکاریش با دولت انگلیس به عنوان فردی مفسد و دشمن ایران نام برده و چنین نوشته شده است:

«عین مکتوبی است که غلامعلیخان نواب ویس قونسول انگلیس به هزبر عشائر

نوشته، ایرانیان بخوانند و دشمنان و مفسدین ایران را بشناسند.

عین مهر غلامعلیخان نواب

محل مهر غلامعلیخان».

□ ممانعت رئیس تلگرافخانه کازرون از ارتباط کلنل پوست با کلانتر کمارج

«تلگراف شیراز - مورخه ۱۹ ژوئن

طهران - مازور ادوال.

رئیس تلگرافخانه کازرون بواسطه دوستی قدیمی که با کلانتر سابق گمارج^۶ دارد مانع است که یک قرار کاری با کلانتر شود. کلانتر شصت نفر از اشرار را دور خود جمع نموده و مشغول غارت است. چند روز قبل به یک قافله که مرکب از شصت رأس قاطر بوده، حمله برده و قسمتی از آنرا زده است. در این کار شش نفر مقتول و چهار نفر مجروح شده‌اند. امضاء - پوست».

□ زد و خورد در اطراف برازجان

«شیراز - بتاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۱۵

کلنل ادوال - طهران

اطراف برازجان بواسطه زد و خوردهایی که بین اشخاص مخصوص است، مغشوش و بدین علت گمان میکند که خطر از بوشهر گذشته است. یکدسته متحاربین عبارت از اسمعیل خان سپاهار^۷ و حیدرخان بندر ریگی و دسته دیگر از آقاخان شاهانهار^۸ و غضنفرالسلطنه که فعلاً نظر به تلگرافی که رسیده مایل است با اولی همراهی و کمک نماید، محتمل است اهالی دهات دالکی و احمدی با غضنفرالسلطنه همراهی کنند - پوست».

□ تکذیب مداخله انگلیس در امور فارس

«وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

مورخه ۱۲ رمضان ۱۳۳۳ (۲۵ ژوئیه ۱۹۱۵)

نمره ۷۵۰۷/۸۵۷

وزارت جلیله داخله - مرقومه نمره ۱۵۱۵ حاوی مواد راپرت تلگرافی

ژاندارمری شیراز واصل گردید. جواباً متذکر می‌گردد چنانکه در ضمن رقعۀ نمره ۷۴۷۵/۸۵۱ زحمت اظهار داده شده است سفارت انگلیس رسماً نوشته شما را تکذیب کردند. بحکومت بنادر تلگراف رمز شد، او هم مداخله انگلیسیها را تکذیب می‌نماید. در اینصورت مستمکی که موقع رسمیت داشته باشد در دست نیست. اگر

چنانچه به تکذیب حکومت بنادر و اقدامات او وقعی نمی‌گذارید باید از طرف آن وزارت جلیله تعلیمات مقتضیه به حکومت مشارالیه صادر شود - علیقلی».

□ نامه وزارت داخله به ژاندارمری دولتی

«وزارت داخله دولت علیه ایران

تهران - بتاريخ ۱۸ رمضان ۱۳۳۳ - صادره مکتوب.

نمره کتاب ثبت ۹۲۸۰/۲۱۹۶

کارتن ب دوسیه ۶

ذکر نمره‌های قبل ۱۴۳۹

اداره ژاندارمری دولتی - بر طبق مراسله نمره ۱۰۷۸ حاوی سواد راپورت تلگرافی رژیم شیراز شرح مفصل بوزارت جلیله خارجه نوشته شده، اینک جوابی رسیده است که سفارت انگلیس آنها را تکذیب نموده است. برای کسب اطلاع بحکومت بنادر تلگراف رمز شده، او هم مداخلات انگلیس را تکذیب می‌نماید. در این صورت مستدعی و لازم است که در مقابل این استنکافات، استنکاف نموده یا اقدام مقتضی بشود».

(۱) - کلنل پوست کفیل سوئدی ژاندارمری فارس که به دلیل اختلافاتش با دولت مرکزی، در چهارم ژانویه ۱۹۱۶ از ایران اخراج شد.

(۲) - منظور حکمران فارس است.

(۳) - صولت‌الدوله پس از آنکه برادرش سردار احتشام با حمایت مقامات انگلیس و کمک قوام‌الملک رئیس ایل خمسه و والی فارس جایش را گرفت و به ریاست ایل قشقایی انتخاب شد، از انگلیس کینه شدیدی به دل گرفت، و این امر باعث شد هنگامی که «واسموس» آلمانی توانست خود را به ایل قشقایی برساند مورد استقبال صولت‌الدوله قرار گیرد، صولت‌الدوله چندی بعد دوباره توانست قدرت به دست آورد و ریاست بر ایل قشقایی را از آن خود سازد.

(۴) - شاهزاده عین‌الدوله (سلطان عبدالحمید میرزا) در روز شنبه ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ مطابق با اول ماه مه ۱۹۱۵ میلادی به نخست‌وزیری رسید و در کاخ

اشغال بوشهر توسط قوای انگلیس

□ تخلیه پست‌های ژاندارمری در بوشهر

«شیراز - ۸ اوت ۱۹۱۵

ترجمه - فوری

کلنل ادوال - طهران

موافق راپورت انگلیسی‌ها بوشهر را متصرف شده و تمام ادارات را در دست خود گرفته‌اند. به پست‌های ژاندارمری التیماتوم و آنها را مجبور نمودند که پست را خالی نمودند. من نمیدانم کدام پست‌ها را، ولی یحتمل که پست بوشهر و... باشد. قونسول انگلیس این فقره را ابلاغ کرده است. امضاء - ارتگرن»^۱

□ اشغال و سنگربندی شهر توسط انگلیسی‌ها

«ژاندارمری دولتی ایران

نمره ۲۵/۲۲۵۴ مورخه ۱۶ اوت ۱۹۱۵ (۴ شوال ۱۳۳۳)

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته.

در جواب مرقومه نمره ۲۱۹۶ مورخ سلخ^۲ رمضان که خواست‌اند جهت مدلل داشتن رفتار انگلیسی‌ها در بوشهر پاره‌ای مستندات و دلایل اقامه نمایند^۳ محترماً متذکر می‌شود که تصور میکنم اشغال و سنگربندی این شهر بهترین براهینی است که به اکتفا آن دولت میتواند اقدامات نموده، صرف نظر از مسئله اینکه مشارالیه به قوافل قدغن

— فرح‌آباد تهران به حضور احمد شاه قاجار رسید.

(۵) - غلامعلی خان نواب کنسولیار انگلیس در شیراز که توسط مخالفان سیاست‌های

انگلیس در ایران ترور شد.

(۶) - شیر عشایر.

(۷) - از مناطق کوهستانی اطراف کازرون معروف به کتل کمارج.

کرده در شب مسافرت و عبور و مرور ننمایند. زیاد قبول مراتب احترامات فائقه را مستدعی است.

ادوال - کفیل ریاست تعلیمات ژاندارمری دولتی».

(۱) - از افسران سوئدی ژاندارمری.

(۲) - آخر رمضان.

(۳) - علیرغم اشغال بوشهر توسط انگلیس، مقامات حکومت مرکزی که طرفدار انگلیس بودند، سعی در کتمان حقیقت داشتند و برای اثبات واقعه اشغال بوشهر، کفیل ژاندارمری دولتی دلیل و مدرک می‌خواستند.

تقاضای آلمان برای تشکیل گارد ویژه

«تلگراف از اصفهان - مورخه ۲۶ ژوئن ۱۹۱۵

کلنل ادوال - قنصل آلمان کتبا حق می‌طلبد که به همان عنوانیکه قونسول خانمهای انگلیس و روس هر یکی گاردی مرکب از هندی و قزاق جهت خود تشکیل داده‌اند مشارالیه هم از اتباع آلمان و اتریش برای خود تهیه گارد نماید - امضاء - گلوپ».

آتش زدن حاصل حوالی سرپل

«اداره تشکیلات دولتی ایران.

کرمانشاه - ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۵ از کرد رسید

ترجمه: (کلنل ادوال تهران - از تنگه باطاق چنانچه بخوبی میتوان مشاهده نمود که بچه طریق حاصل حوالی سرپل^۱ را آتش می‌زنند - سونسون».

(۱) - منظور آتش زدن محصولات کشاورزی حوالی سرپل ذهاب توسط قوای مهاجم عثمانی است.

ورود جهاز انگلیسی به یکی از بنادر جنوب ایران

□ تلگراف حکومت بنادر به وزارت داخله

«وزارت داخله

سواد استخراج تلگراف رمز حکومت بنادر

مورخه ۱۴ رمضان ۱۳۳۳ نمره ۵۰۵

مقام منبع وزارت جلیله داخله - در اثر تلگراف نمره ۱۳۴ مورخه دیروز عرض کردم وارد می‌شوند، صد و پنجاه نفر سوار هندی، چهار نفر صاحب‌منصب انگلیسی و دو توپ کوهستانی است که از عثمانیها در بصره گرفته‌اند و عده مذکور هم از بصره آمده‌اند.

۳۱ رمضان نمره ۱۳۵ - علی محمد».

□ گزارش به وزارت امور خارجه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۵۶۸

کارتن ۲۲ دوسیه ۹

شعبه تحریرات جنوب ضمیمه دو سواد

تهران - شهری بتاريخ ۱۵ اسد (۱۵ رمضان) سیچقان‌نیل ۱۳۳۳

صادره مکتوب

وزارت جلیله امور داخله - راجع بورود یکصد و پنجاه نفر قشون انگلیس، چهار نفر صاحب‌منصب و دو توپ کوهستانی تلگرافاتی رمزاً از حکومت بنادر رسیده است که سواد آنها را برای اطلاع آنوزارت جلیله لفاً ارسال داشت».

□ حرکت کشتی بخاری برای پیاده کردن نیرو

«حکومت بنادر.

مقام منبع وزارت جلیله داخله - امروز صبح یک جهاز جنگی انگلیس وارد

شد. خیلی دور از لنگرگاه که یک فرسخی منات دارد لنگر انداخته است. میگویند عده قشون دارد که میخواهد پیاده کند. جهاز بخاری جنرال فونسول انگلیس و جهازهای بادی کری پال و کمپانی الباعه برای پیاده کردن آنها حرکت کرده، از فونسول انگلیس هرچه میپرسم چه عده است و برای چیست، میگویند نمیدانیم و هنوز خبری به خودمان نرسیده است. مجدداً نتیجه تحقیقاتی را عرض خواهم کرد. ۳۰ سرطان نمره ۱۲۴ علی محمد».

اعتراض روسیه به مصاحبه افسر سوئدی

□ تلگرام کنل ادوال به وزارت داخله

« ۴ ژوئن ۱۹۱۵ »

وزارت جلیله داخله - با نهایت احترام ترجمه تلگراف از اصفهان که در تاریخ ژوئیه رسیده، برای اطلاع آنمقام منیع ذیلاً نقل مینماید:

اصفهان - مورخه ۳ ژوئیه

مسئله فونسولگری آلمان فعلاً مرتب و کسب و کار زاندارم امروز در آنجا برقرار خواهد شد. علاوه بر این فونسول آلمان کانتروی برای تلگراف بی سیم که در خارج شهر و در قریب سربازخانه ما است تقاضا مینماید. فونسولگری آلمان این جا خطاری طبع و توزیع نموده که نظر بر مطالب یاد شده اشعار می دارد که المارسون^۱ در جریده آفتوت بلاد اولیای امور روس را به رفتار بی مروتانه نسبت به محبوسین آلمانی و اطریشی متهم ساخته، فونسول روس نزد اولیاء امور ایران پروتست^۲ نموده اولاً بواسطه اینکه بنظر وی این راپورت کذب است، و ثانیاً بواسطه اینکه در اخطار فوق الذکر او^۱ باسم رئیس زاندارمری ایران میخوانند فونسول انگلیس این پروتست را تأیید و تقاضا می نماید اینجانب تکذیب نامه ای انتشار دهد که حقیقت و معنی این امر چیست؟ امضاء - چیلندر».

□ تکذیب اتهامات سفارت روسیه توسط ژنرال آلمارسون

«کنل ادوال - چون اینجانب تقریباً یقین دارم که این تهمت بی اساس موضوع

مکاتبه رسمی به دولت روس گشته و در جراید محلی آنها طبع و پس از آن در سایر جراید منتشر خواهد گشت و این فقره ژاندارمری را بی‌وقر^۳ و تمایلات و رغبت را^۴ میرساند، لذا مستدعی است سریعاً با نمایندگان خارجه مقیم دربار ایران، و مخصوصاً با دولت سوئد در استکھلم مذاکره فرموده تا بی‌اساس بودن تهمتی را که فونسولگری و سفارتخانه دولت بهیه روس نسبت داده‌اند، مسلم و کشف حقیقت فرمایند. خاتماً قبول مراتب احترامات فائقه را مستدعی است - آلمارسن».

(۱) - ژنرال آلمارسن افسر سوئدی که مدتی فرمانده ژاندارمری ایران بود و سرانجام در هفتم محرم ۱۳۴۴ هـ.ق برابر با پانزدهم نوامبر ۱۹۱۵ بر اثر فشار روسیه از کار برکنار شد.

(۲) - اعتراض.

(۳) بی‌آبرو.

(۴) - نسبت به آلمان.

حرکت قشون روسیه به طهران

□ ترجمه گزارش فرمانده ژاندارمری قزوین به کلنل ادوال

«ماژور ادوال - در ۲۹ ثور تقریباً ۸۰ قزاق روسی بطرف همدان حرکت کرده، فی مابین آنها یک نفر امنیه مسلح هم بود. مطابق راپورت مسیولوندنبرگ تقریباً ۲۰۰ نفر از قشون روس در رشت و انزلی می‌باشند. یک ثلث پول بانک ژاندارمری را خرج نموده و الحال هم پول برای مراجعت ژاندارم ندارم. ضمناً تغییر مسیو استپلا رعیت ایتالیا^۱ امین مالیه قزوین لازم می‌باشد. مشارالیه در مدت شش ماه تقریباً ۵ هزار تومان پول و مواعید فشنگ داده است. در صورتیکه امین مالیه سابق میرزا احمد خان در هر دو ماه ۱۸ هزار تومان می‌توانست بدهد اقدام نمائید که استپلا احضار و چنانچه ممکن باشد میرزا احمدخان را به اینجا بفرستید. هرگاه میرزا احمدخان ممکن نشود، یک نفر ایرانی دیگر را که به او بتوان بیش از امین مالیه کنونی اعتماد نمود، بفرستید. تصور میکنم چنانچه دولت طرز سلوک و رفتار مسیو استپلا را بداند بهتر چشم‌ها را باز می‌نماید. خوشبختانه ارتباط کافی و خوبی با آقای امیر افشار دارم - چلسترم».

□ ورود قزاقان روس به قزوین

«تلگرام از قزوین

۲۶ مه ۱۹۱۵

ماژور ادوال - ۶۴۳ نفر قزاق روس با چهار توپ و پنج بار مهمات به اینجا

وارد شدند - چلسترم».

□ بازگشت قشون روس از نیمه راه طهران

«طهران - هفتم اوت ۱۹۱۵

ساعت سه - فوری

ترجمه کلنل ادوال - طهران

نمره ۲۶۱ - موافق اطلاع خصوصی روز پنجشنبه سه بعدازظهر تمام قشون

روس را قونسول که میگفتند از طهران به وی امر شده است، حکم نمود بطرف طهران حرکت نمایند. در ساعت شش بعدازظهر حرکت نمودند. فقط قریب هزار نفر حرکت کردند. آنها از کُرندج مراجعت کرده و دیشب اینجا وارد شدند. باقی قشون ابداء حرکتی نکردند. موافق کلیه راپورتهایی که به اینجانب واصل شده، فعلاً در راه هیچ نیست. در باب مسئله گاری یک گستاخی بی نظیری شده است - چلسترم».

□ گزارش میرزا احمدخان امین مالیه سابق

به فرمانده ژاندرمری قزوین

«قزوین - ۷ اوت ۱۹۱۵

آقای رئیس رژیمان نمره ۵

راپورتاً عرض مینماید که روز پنجشنبه پنجم شهر جاری در ساعت پنج بعدازظهر باینجانب راپورت دادند که قشون روس بطهران اعزام میشود، چون از این خبر متحیر گشتم، نزد حاکم رفته تا در این باب از وی توضیح بخواهم. حاکم که همراه کارگذار از تلگرافخانه برمیگشت، مرا بین راه ملاقات کرده، مسئله را بدو گفته و بمن جواب داد که مطلقاً از این امر خبری ندارم و فقط گفت بر وفق اطلاعاتی که دارم در ساعت دو بعدازظهر یک تلگراف رمز از طهران جهت قونسول یا رئیس قشون رسیده و در ساعت سه بعدازظهر جواب نیز رمزاً فرستاده و شروع کردند که جهت حرکت بطهران خود را حاضر و مهیا نمایند.

بنابه راپورتهایی که از منابع دیگر بدست آورده، به آنها حکم شده بود سریعاً ۲۴ ساعته بطهران بروند. پیاده نظام و سوار نظام با توپخانه که مهبای حرکت شده بودند، قریب دو هزار نفر بوده و برای پیاده نظام تمام گاریهای بار شده و نشده مالالتجاره شهر را گرفته بودند.

سواره نظام در ساعت پنج و نیم از قزوین حرکت کرده، ولی طوری سریع میرفت که غیرممکن بود اینجانب آنها را بشمارم. نه فقط در شهر، بلکه در تمام راه تا کاوندج (کُرندج) که شب را آنجا ماندند به حالت تاخت و یورتمه میرفتند. توپخانه عقب سوار نظام حرکت می کرد. هشت عراده توپ و هشت عراده مهمات و دو عراده مخصوصاً پر از بمب بود. مریضخانه در عقب توپخانه بود.

ظرف ساعت هفت بعدازظهر هنگام مراجعت به ژاندارمری یکنفر صاحب منصب و تخمیناً سی نفر سالدات روس را ملاقات کرده که در جلو درب بزرگ ژاندارمری با صاحب منصب کشیک در مناقشه بودند. غرض آن بود که گاری که ژاندارمری کرایه کرده و قبلاً بار کرده که به گروهان سوم رشت حمل نمایند، بگیرند. اینجانب با صاحب منصب شروع بمذاکرات کرده، بیان کردم گاری را ژاندارمری کرایه کرده و حتی بار کرده است و شما بهتر است از این گاری که فعلاً در راه است صرف نظر کرده و از گاریهای دیگر که تجملی در شهر یافت شود بگیرید. صاحب منصب مزبور (سلطان) در جواب مستحفظ گاری را تشر زده، حتی او را بیرون کرده و به سالدات‌های خود حکم نمود آنرا خالی نمودند، و بمن گفت که وقت تنگ است و ما باید بطهران برویم و بمن حکم شده هر گاری که در شهر بینم، چه مال ژاندارمری و چه دیگر را بگیرم، چنانچه شما نگذارید من به زور گاری را خواهم گرفت. چون دانستم که نصایحم نتیجه نداده و شاید که به ما نیز تیر بیندازند، گاری را گذاشتم بگیرند. ولی تلگرافاً راپورت دادم که اقدامات جدی نموده، صاحب منصب مزبور را که نسبت به ژاندارمری اینگونه بدرفتاری کرده، سیاست نمایند. بنا به تحقیقاتی که بعمل آمده، پیاده نظام بایستی ساعت دوازده همان شب عازم طهران شود. ولی فردای آنروز تمام گاری‌ها را ول کرده و این خود نشان میدهد که حکم دیگری ناقض این به آنها رسیده و نیز به اینجانب راپورت دادند قشونی که رفته و در طهران بوده، به قزوین مراجعت مینمایند.

در ساعت سه بعدازظهر جمعه، پیش قراول مرکب از صد نفر مراجعت به شهر کرده و باقی قشون نیز در مدت شب برگشتند. امضاء - احمد»^۲.

(۱) - تبعه ایتالیا.

(۲) - روز ۲۳ رمضان ۱۳۳۳ (پنجم اوت ۱۹۱۵) خبر رسید متجاوز از یکهزار سالدات روسی برای تهدید دولت مرکزی ایران، از قزوین به سوی طهران حرکت کرده‌اند، که پس از دلجویی و مذاکره با سفارتخانه‌های روسیه و انگلیس به قشون روس که تا روستای «کرنج» واقع در یک کیلومتری قزوین جلو آمده بودند، به قزوین بازگشتند (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب ایران در جنگ بزرگ، مورخ‌الدوله سپهر).

شایعه جمع آوری سوار در همدان توسط کنسول آلمان

«وزارت داخله

سواد استخراج تلگراف رمز حکومت همدان

مورخه ۳ ذی قعدة ۱۳۳۳

نمره ۶۵۳

مقام منیع وزارت داخله مدظله - اگرچه هنوز ظاهراً از طرف قونسول آلمان سواری گرفته نمی‌شود و نمایی داده نشده است، ولیکن این مطلبی است که فوق‌العاده بشیوع رسیده و نیز بعضی خوانین کوچک عده سواری را که دارند خبر کرده‌اند. از قرار راپورت یکی دو نفر بطرف تاج‌آباد رفته به بعضی‌ها عنوان کرده‌اند که جز سوار بشوند و این انتشار و این گفتگوها فوق‌العاده اذهان را مشوش و موقعی بدست اشار می‌دهد که در خارج بدزدی و شرارت مشغول شوند. محض اطلاع عرض، به تدابیر عملی هم موقعیت را خبر می‌دهد ولیکن دستور آتوزارت جلیله متبوعه را همیشه انتظار داشته و نیز مستدعی است تعلیمات لازمه به اداره ژاندارمری قطعاً صادر شود.

۳ ذی قعدة نمره ۴۱ - عباس سالار لشکر».

جنگ روس و عثمانی در اطراف ملایر

«اخبار داخله»

۱۶ جدی

ملایر: امروز از صبح زود قشون امپراطوری^۱ در خارج شهر با قشون عثمانی که بالغ بر سه هزار نفر بود مشغول جنگ و... عثمانی‌ها شکست خورده، قشون روس وارد شهر شده آنها را تعاقب کرده در زیر شهر تا غروب با عثمانی‌ها مشغول جنگ و... عثمانی را بکلی دفع کردند. در این موقع عموم کسبه و اهالی بی‌اندازه در وحشت بودند که شنیدند سردار اجلال^۲ بملایر خواهد آمد. از این خبر و مزده مردم جانی گرفته، عموماً باستقبال رفتند. دو ساعت بغروب سردار وارد شهر و بعموم اهالی اطمینان کامل دادند و مخصوصاً برای آسایش مردم کمیسیون از تجار و ملاکین تشکیل دادند که در خصوص آذوقه برای قشون امپراطوری مذاکرات نموده قرار صحیحی بدهند که هم قشون و هم کسبه راحت باشند و به تجار و کسبه امر اکید نموده، دکاکین خود را باز کرده مشغول کار خود باشند. دستگاه تلگراف را هم عثمانی‌ها در موقع عقب‌نشینی بردند و قوه‌ها را هم شکسته صنایع نمودند - عبدالحسین».

(۱) - امپراطوری روسیه.

(۲) - معاون حکومت کرمانشاه.

تحریکات آلمانی‌ها و حمل صندوق‌های اسلحه اتریشی‌ها به همدان

□ تلگرام کارگذار همدان به وزارت امور خارجه

«وزارت امور داخله

سواد نگراف کارگذاری همدان

مورخه ۸ ذیقعه ۱۳۳۳

موقع همدان خیلی خطرناک، از اطراف متصل سوار میگیرند. استعداد کافی در شهر نیست. از وزارت داخله بحکومت تعلیمات نرسیده است.» ۱۰

□ تحریکات آلمانی‌ها در همدان

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۱۹۷۳/۱۹۲۱

کارتن ۲۷ دوسیه ۹

طهران بتاريخ ۸ ذیقعه ۱۳۳۳ صادره مکتوب

اداره ژاندارمری دولتی. چندیست که وضع شهر همدان بواسطه پاره‌ای هیجانها که از طرف آلمان میشود خوب نیست و از قرار راپورت حکومت احتمال بروز فتنه در آنجا میرود. لهذا مینویسیم که بمأمورین ژاندارمری آنجا تعلیمات فوری صادر نمائید تا مراقب حفظ نظم شهر بوده، نگذارند خلاف انتظاری روی دهد - وزیرداخله».

□ نامه‌های سفارت انگلیس به وزارت خارجه

«وزارت امورخارجه

اداره انگلیس

مورخه ۵ ذیقعه ۱۳۳۳ نمره ۹۲۷۱/۱۴۴۱۵

ضمیمه ۲ سواد

فوری است

وزارت جلیله داخله - در این چند روز دو فقره مراسله از سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه رسیده که سواد آنها را تلواً برای اطلاع خاطر محترم ارسال میدارد. چنانکه ملاحظه می‌فرمایند، از وضع همدان و عدم امنیت قونسولگری خود و تقویت ژاندارمری در اقدامات نماینده آلمان اظهار وحشت و شکایت کرده، مسئولیت هر اتفاقی را بمعده دولت متوجه ساخته‌اند. متمنی است بفوریت بحکومت و اداره ژاندارمری که نظمیه و بلدیه آنجا در تحت اداره آنها است تأکیدات تلگرافی فرمائید که در جلوگیری این مفاسد کوشش و نزع^۲ سلاح اهالی که احتمال شر و فساد از رفتار آنها ممکن است حاصل شود اقدام و این سوءظن را از خود دور بدارند و نتیجه را سریعاً اطلاع بدهد که باید زودتر بسفارت انگلیس اعلام شود - علیقلی».

□ سفیر انگلیس: پادشاه انگستان، دولت ایران را مسئول می‌داند

«وزارت امورخارجه

ذیعده ۱۳۳۳

جناب مستطاب اجل اکرم افخم.

شرم دارم خاطر جناب مستطابعالی را مستحضر سازم از اینکه از قرار راپرتیکه از ویس قونسولگری مقیم همدان رسیده، ویس قونسول آلمان در آنجا مثل وکیل آلمان در کرمانشاهان میگوید خیال دارد حملهای به مأمورین قونسولگریهای انگلیس و روس برده و آنها را مجبور کند از محل مأموریت خود بروند و جمعی معتابه از اشرار را تهیه و مسلح نموده که این تهدید را بموقع اجرا گذارد. یقین دارم که دولت علیه ایران ملتفت مسئولیت خود در حفاظت مؤثر کامله مأمورین قونسولگری دول متحاربه میباشد. معهذا فریضه خود میدانم جناب مستطابعالی را مستحضر سازم از اینکه هرگاه صدمه بویس قونسول انگلیس یا رعایای انگلیس در همدان وارد آید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان شخصی دولت ایران را مسئول خواهند دانست. در این موقع احترامات فایقه را تجدید مینماید».

□ عاقبت وخیم تحریکات خارجیها

«وزارت امورخارجه

اداره روس مورخه ۱۰ شهر ذیعده ۱۳۳۳ نمره ۵۳۳۲/۹۴۱۴

وزارت جلیله داخله - از سفارت روس دو فقره مراسله راجع به تحریکات و اقدامات آلمانها در همدان و حدود افغانستان رسیده است که سواد هر دو برای استحضار خاطر محترم اولیای آنوزارت جلیله لفاً ارسال گردید. خواهشمند است پس از تحقیق به وظیفه‌ای که در حفظ انتظام داخله دارند احکام لازم در جلوگیری و رفع تحریکات و اقدامات خارجیها که عاقبت وخیمی تولید نموده، اولیای امور را دچار مشکلات خواهند نمود بحکام و مامورین داخله صادر و از نتیجه وزارت امور خارجه را نیز قرین استحضار فرمائید».

و در زیر نامه نوشته شده است:

- «تلگراف رمزی در این باب بحکومت همدان نوشته شود».

- «آقای رئیس‌الوزراء مستقیماً بحکومت همدان مخابره فرموده و این تلگراف

لازم نیست. ضبط شود».

□ رونوشت نامه سفارت روسیه

«وزارت امور خارجه

اداره روس.

مورخه ذی‌قعدة ۱۳۳۳

دوستدار در تکمیل مراسله مورخه ۱۶ شهر حال نمره ۱۷۴ خود با نهایت توقیر و احترام تصدیق میدهد که از قرار اخبار واصله از همدان فساد اوضاع آنجا روزافزون و اگر بهمین قرار بماند اشکالات زیادتیر خواهد شد. مفسدین با جدیت تمام مشغول کار و به آقای شریعتمدار که او را مقصر به روس خیلی قرار داده‌اند تکلیف نموده‌اند که یا در عرض یک هفته علناً بمسلک آنها داخل شود و یا در صورتی که نخواهد در منزل خود منزوی بوده قطع مراودت پلتیکی نماید و باید بکلی همدان را ترک کرده هجرت نماید. بناً علیه^۲ دوستدار مراتب را باستحضار خاطر مودت مظاهر جناب مستطاب اجل عالی رسانده، مخصوصاً خاطرنشان مینماید که اگر اولیای دولت علیه واقعاً قصد دارند که رفع فساد در همدان شده مشکلات مرتفع گردد باید مزیدالدوله و ظهیر دفتر و جلال‌الممالک و رضاخان برهان‌المتکلمین و احسان‌الله خان از آنجا تبعید شوند تا اوضاع مساعد شود».

□ ورود اطریشی‌ها با صندوق‌های اسلحه

«وزارت امور خارجه

اداره روس مورخه ۲۶ ذیقعه ۱۳۳۳

نمره ۹۸۰/۵۶۳۷

فوری است.

وزارت جلیله داخله - از سفارت روس راجع باوضع همدان یادداشتی
بوزارت امور خارجه رسیده است که سواد آنرا لفاً ارسال میدارد. چنانکه از مدلول آن
استنباط خواهند فرمود شکایت از تحریکات اطریشی‌هایی که با چند صندوق اسلحه
تازه وارد آنجا شده‌اند، شده است. خواهشمند است در اینباب بفوریت اقدام فرموده،
اکیداً بحکومت همدان تلگراف لازم صادر فرمائید که از رفتار مخالف بیطرفی اهالی و
محرکین فساد جلوگیری شود، تا فتنه و فساد تولید نگردیده و زحمتی برای اولیای
دولت فراهم نیاید. نتیجه را مرقوم خواهند فرمود تا از تفصیل استحضار حاصل شود».

□ شکایت روسیه از تحریکات اطریشی‌ها و قتل یکی از اتباع لهستان

«وزارت امور خارجه

سواد یادداشت سفارت روس

۱۱ ذیقعه ۳۳

از قرار اطلاعات واصله از همدان چند روز قبل باز سه نفر اطریشی که یک
نفر از طهران و دو نفر از کرمانشاهان آمده بودند، وارد آنجا شده و چند صندوق
اسلحه نیز همراه آورده و مشغول بامتداد و اطاله دسایس خود میباشند. چند شب قبل
در قریه مشیره که در یکی از خانه‌های اربابی مسیو چرکاسف ساکن است یکنفر
لهستانی را بقتل رسانیده‌اند. با اینکه قاتل معین، ولی مشخص شده مغرضین و عمال
معلول الحال شهرت داده‌اند که مرتکب قتل قزاقان ایرانی میباشند. پس از ازدحام و
متینگ بزرگی، تلگرافی هم بطهران نموده و تقاضا کرده‌اند که قونسولها و قزاقان
ایرانی را از همدان خارج نمایند. محض استحضار خاطر دوستی بمظاهر و اتخاذ
اقدامات لازمه مبادرت ورزیده احترامات فائقه را هم تجدید مینماید».

□ وحشت کنسول‌های روسیه و انگلیس

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۱۸۷۱/۲۰۴۸

تهران - شهری بتاريخ ۲۱ ذیقعدہ ۱۳۳۳

وزارت جلیله امور خارجه - رقیمه شریفه ۹۲۷۱/۱۴۴۱۵ متضمن سواد دو فقره راپورت راجع بو وحشت قونسولهای دولتین انگلیس و روس و اصل، شرح مقتضی بحکومت همدان داده و در باب کارهای نظمیه آنجا هم اطلاعات زحمت میدهد که چندی قبل بحکومت تلگراف و تعلیمات لازمه داده شده است و فعلاً آنجا تحت مسئولیت مستقیم خود حکم است».

□ نامه سفارت روسیه به وزارت خارجه

«وزارت امور خارجه

اداره روس

سواد مراسله سفارت روس بوزارت خارجه

۲۱ ذیقعدہ ۱۳۳۳

نمره ۱۶

از قرار اخبار واصله از همدان روز ۲۷ همین ماه شوال گذشته دسته‌ای از علمای آنجا که متصل با (وبر) و دموکراتها محشور میباشند تلگراف مشروحی حضور اعلیحضرت اقدس همایونی دامسلطانه عرض نموده و کویه آنها هم برای جناب آقای صدراالعلماء مجتهد طهران فرستاده‌اند مشعر بر اینکه قونسولهای روس و انگلیس جمع‌آوری اشخاص بر ضد آلمانها مینمایند، و ضمناً اشاره نموده‌اند که اگر باین اقدامات خاتمه داده نشود خود مسلمانان مجبور بجلوگیری از متصدیان انتریک خواهند بود. دوستدار با نهایت احترام مراتب را باستحضار خاطر محترم جناب مستطاب اجل عالی رسانده و ضمناً خاطرنشان مینماید که این اسناد برای آن است که آنها بهانه نمایند تا (وبر) و دموکراتها علناً بتوانند بعنوان حفاظت خود جمع‌آوری قوا نموده، آدم بگیرند. در این موقع احترامات فائقه را تجدید مینمایند - محل امضای مسیو اتر».

□ خیال حمله آلمانی‌ها به کنسول‌های روس و انگلیس

«وزارت امور خارجه

سفارت انگلیس

ذیقعه ۱۳۳۳

جناب مستطاب اجل اکرم افخم

چند روز است خبر بسیار وحشت‌آمیز از همدان میرسد و در آنجا وکیل آلمان با مساعدت دو صاحب‌منصب عالی که تازه معین شده است مشغول جمع‌آوری مردان مسلح می‌باشند و علناً گفته میشود خیال دارد بقنسول‌های انگلیس و روس حمله ببرد. شاهزاده حکمران اگرچه مایلند بطوریکه مأمورین قنسولگری دول متفق به حق انتظار دارند از آنها محافظت نمایند، ولی ممکنشان نیست. چرا که نظمیه را اواخر از ایشان گرفته و بصاحمنصب ژاندارمری که علانیه در تحت نفوذ آلمان است برده‌اند. یقین دارم زاید خواهد بود که بخوادم خاطر اولیای دولت علیه را متذکر شوم که چقدر اوضاع حالیه وخامت پیدا خواهد کرد اگر یکدفعه دیگر از طرف وکلای خارجه حمله بیکی از قنسول‌های انگلیس برده شود، ولی باید از جناب مستطاب عالی بخوادم که قبل از آنکه وضع همدان تحمل‌ناپذیر گردد اقدامات لازمه فوریه برای جلوگیری بعمل آید - سفارت انگلیس».

□ تلگرام وزارت داخله به حکومت همدان

«تهران - همدان بتاريخ ۲۱ ذیقعه ۱۳۳۳ صادره تلگراف

حکومت جلیله همدان - از وزارت امور خارجه بر طبق اشعار سفارت انگلیس مینویسد پاره‌ای از اشتهاارات از طرف قونسول آلمان و بعضی اشخاص در آنجا اسباب وحشت نمایندگان انگلیس و روس شده و احتمال سوءتفافی در آنجا میرود. اگرچه اخیراً تعلیمات لازمه در حفظ نظم شهر و جلوگیری از پاره‌ای ترتیبات که به واحد داده شده است، اینک نیز تأکیداً مینویسم که باید در این مسئله مراقبت کامل بعمل آورده و از هر جهت اسباب آسایش و آسودگی قونسول‌های اجانب را در آنجا فراهم نمایند که جای هیچگونه تزلزل و نگرانی برای آنها باقی نماند».

□ پاسخ حاکم همدان به وزارت داخله

«وزارت داخله

حکومت همدان

مقام منیع وزارت جلیله داخله مدظله.

برحسب وظیفه لازم دید خاطر مبارک را از وضع شهر مطلع و قبلاً توجهات لازمه آن وزارت جلیله را معطوف بمراتب ذیل بنماید. احساسات عمومی در هیجان و از طرف قونسولهای روس و انگلیس اظهار نگرانی فوق العاده میشود و هیجان اهالی هم ممکن است منجر بمسلح شدن عده بشود. لهذا مستدعی است فوراً بآداره ژاندارم تعلیمات لازم داده شود، والا دور نیست اغتشاش بزرگی روی دهد. غره ذیقعه نمره ۴۰ - عباس».

در زیر نامه‌ی حاکم همدان چنین نوشته شده است:

«آداره غرب - شرح لازم برای ژاندارمری در مراقبت حفظ نظم نوشته شود».

□ قرارداد کنسولهای آلمان و روسیه

«وزارت داخله

سواد استخراج تلگراف رمز حکومت همدان

مورد ۲۱ ذیقعه ۱۳۳۳

نمره ۷۲۱

مقام منیع ریاست وزراء و وزارت جلیله داخله مدظلهها. با توجهات الهی شهر و اطراف از هر حیث منظم و اهالی در کمال راحت و آسایش میباشند. ترتیبی هم فعلاً بخواست خداوندی در بین است که بعد از انجام و یافتن خاتمه، مجدداً بعرض خواهد رسانید. بر طبق قرارداد رسمی بلکه قونسول روس سی نفر سوار روس را که چندی قبل وارد نموده مرخص کند و قونسول آلمان هم از عزم گرفتن سوار منصرف بشود. بقونسول روس همین ترتیب را نوشته‌ام، قبول نموده و به آقای شریعت مدار که واسطه مذاکرات هستند پیغام نموده است اینک که در تعقیب و تکمیل این قرارداد غفلت، تا انشاءالله انجام یابد. اگر هم از طرف وزارت امور خارجه بسفارتین آلمان و روس همین گفتگو در مرکز تأیید شود که سی نفر قزاق روس بروند و آلمانها هم سوار نگیرند، بلکه نتیجه زودتر حاصل بشود. اگر مقتضی است این مذاکره را تعقیب بفرمایند که رفع نگرانی بشود. ۱۰ ذیقعه نمره ۴۶ - عباس».

□ دستورالعمل به خوانین همدان

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۲۷۳۹

تهران - همدان بتاريخ ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۳ صادره تلگراف.

جناب مستطاب اجل آقای امیرافخم و آقایان بهاء‌الملک و ضیاء‌الملک و سایر خوانین محترم. مطابق راپورتهای عدیده‌ای که رسیده است اخیراً عدّه‌ای از رعایا و بستگان جنابعالی به تحریک بعضی‌ها مستخدم اجانب شده و اسباب اغتشاش محل را فراهم کرده‌اند.

البته بااطلاعاتی که آقایان محترم دارند میدانند که در این موقع باید نهایت مساعدت را با حکومت داشته، نگذارید اسباب هرج و مرج در محل پیدا شده و دولت را دچار مشکلات نمایند. در اینصورت لازم است جداً از بستگان و رعایای خودتان جلوگیری کرده و آنها را از ورود در بعضی اجتماعات که مخالف مصالح است ممانعت نمایید که تولید زحمتی ننمایند (نگذارند بخلاف اداره دولت وارد این قبیل اجتماعات شده تولید زحمتی نمایند، و هر کس همچو اقدامی کرده باشد تنبیه و مجازات نماید که عبرت سایرین شده، مرتکب اینگونه اعمال نشوند - این عبارات در متن سند خورده است) و بدیهی است که در اجرای این منظور و حفظ مصالح دولت از هیچگونه مراقبت مضایقه ننموده و اشخاصی را که سمت بستگی بجنابعالی دارند و برخلاف امر دولت داخل در مجلس اجتماعات میشوند مجازات خواهیم نمود که اسباب عبرت سایرین بشود - وزیر داخله».

□ تنبیه رعایای متخلف

«وزارت داخله.

فوری

اداره غرب - تلگرافی بخوانین همدان از قبیل آقای امیرافخم و ضیاء‌الملک و غیره و نامه راپورتهای عدیده رسیده است که رعایای شما مدتی است به تحریک

بعضی‌ها می‌روند، مستخدم اجانب شده و مشغول اغتشاش محل میشوند. البته در این موقع که باید رعایت مساعدت را با حکومت داشته نگذارید اسباب هرج و مرج در محل پیدا شده و دولت را دچار مشکلات نمایند، در اینصورت لازم است جداً از بستگان و رعایای خودتان جلوگیری کرده، نگذارید بخلاف اراده دولت داخل این قبیل اغتشاشات شده و تولید زحمتی بنمایند، و هر کس این چنین اقدامی کرده باشد تنبیه و مجازات نمایند که عبرت سایرین شده، مرتکب اینگونه اعمال نشوند. در کابینه حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء حکمی صادر شده است که حکومت همدان چند نفر سوار بگیرد و از قرار نفری هشت تومان در ماه حقوق بدهد، و حکم را از کابینه سواد بخواهید و بوزارت نامه بنویسید که مبسوق باشند».

□ اوضاع ناگوار همدان

«وزارت امور خارجه

اداره روس

مورخه ۳ دیحجه ۱۳۳۳ نمره ۹۹۴۸/۵۷۹۰

فوری است

وزارت جلیله داخله - راجع باوضاع همدان و تحریکات مفسدین مراسله از سفارت روس رسیده که سوادى از آن لفاً برای استحضار خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله ارسال داشته، خواهشمند است هرچه زودتر اقدامات در جلوگیری از اوضاع ناگوار آن سازمان فرموده نتیجه را نیز بوزارت امور خارجه ابلاغ فرمایند که بر طبق آن جواب مراسله سفارت روس داده شود».

□ ارسال رونوشت تلگراف‌های مربوط به همدان

«وزارت داخله

اداره غرب نمره ۱۳۵۶۱/۲۲۰۱

مورخه ۶ شهر ذیحجه ۱۳۳۳ ضمیمه سواد تلگرافات

وزارت جلیله امور خارجه - رقیمة محترمة نمره ۹۹۴۸/۵۷۹۰ متضمن سواد

مراسله سفارت روس راجع باوضاع همدان واصل شد و اینک سواد تلگرافاتی که کشفاً و رمزاً در این دو روزه بحکومت همدان مخابره شده است برای اطلاعات آن وزارت جلیله لفاً فرستادم - وزیرداخه».

(۱) - روز پنجشنبه ۱۴ شوال ۱۳۳۳ هـ ق نبرد مسلحانه‌ای بین آلمان از یک سو و روسیه و انگلیس از سوی دیگر در حوالی کنگاور روی داد که سرانجام با پادرمیانی حاکم شهر، نبرد سه ساعته آنان پایان رفت. کنسول‌های روسیه و انگلیس عازم همدان شدند و کنسول آلمان به کرمانشاه رفت. سه روز بعد سفارت آلمان خبر زیر پا گذاشتن بیطرفی ایران توسط مسیو شونمان کنسول آلمان در کرمانشاه و حمله سواران وی به کنسول‌های روس و انگلیس در آن شهر را تکذیب کرد و اعلام داشت که ابتدا کنسول‌های روس و انگلیس شونمان را که روی تپه‌ای و زیر پرچم آلمان ایستاده بوده است، با دوربین دیده‌اند و سپس هفتاد قزاق روسی و سی سرباز ایرانی به سمت سواران او شلیک کرده‌اند، که وی نیز به دلیل پادرمیانی علمای کنگاور و حکمران و اهالی این شهر راه را برای خروج کنسول‌های روس و انگلیس از کنگاور و حرکتشان به سمت همدان باز کرده است (ایران در جنگ بزرگ، مورخ الدوله سپهر).

(۲) - خلع سلاح.

(۳) - بنابراین.

(۴) - بارن چرکاسف کنسول روسیه در کرمانشاه.

(۵) - بطور علنی.

دستگیری ۳ تن از اتباع آلمان در شاهرود

«نمره کتاب ۲۷

از شاهرود به طهران

نمره قبض ۳۸۷۱ نمره تلگراف ۲۹ عدد کلمات تاریخ اصل ۲۷ دولتی

- تاریخ وصول ۲۷ عقرب ۱۳۳۴ اسم گیرنده علی.

مقام مقدس وزارت جلیله داخله - دیروز غروب یازدهم محرم سه نفر مسافر تبعه آلمان با گاری پست از طرف طهران وارد شاهرود شده چون هر کدام یک قبضه تفنگ ده تیر آلمانی در دست داشته، طرف سوطن اکنت^۱ فونسولگری شده، گاری را توقیف نموده، حکومت مطلع گردید و مسافر را بدارالحکومه آورده، با حضور اکنت فونسولگری از آنها استنطاق شد. اسامی آنان سیداحمد، قاضی خان و خلیلخان، استنطاق مختصر بوده، ورقه اجازه حمل اسلحه از دولت عثمانی داشتند که در آن تعیین میکند دارنده این ورقه مترال یوزچی، از اداره ژاندارمری ایران خط جواز برای حمل اسلحه داشتند، صورت استنطاق آنها را با سواد خط جواز حمل اسلحه ایشان از عثمانی و ایران اکنت کنسولگری کوپیه کرده به فونسول استرآباد اطلاع داد. اسباب آنها را هم موافق صورت به امضای اکنت، حکومت گرفته، در اداره بانک توقیف و خود آن سه نفر در اداره حکومت حبس هستند تا جواب از فونسولگری استرآباد برسد. چون لباس آنان تماماً عثمانی است در این صورت مسلم است که تا دو روز دیگر این سه نفر را قزاق روس به رقیات^۲ یا به زور خواهد برد. مستدعی است تلگرافی مخابره شود که آنها با اسبابشان روانه طهران شوند. در صورت تاخیر جواب و تعیین تکلیف، چنانچه قشون روس آنها را ببرند فدوی مسئول نخواهد بود. ۲۷ برج عقرب نمره ۱۱۴ اعزازالسلطنه.»^۳

(۱) - معاون.

(۲) - افسون.

(۳) - کامران اعزازالسلطنه والی خراسان.

بدرفتاری قزاقان روسی با مردم شاهرود

«نمره ۳۲»

از شاهرود به طهران - نمره قبض ۳۹۷۶ نمره تلگراف ۱۴ عدد کلمات ۶ دولتی است ۶ قوس اسم گیرنده غلامحسین.

طهران - مقام مقدس وزارت جلیله داخله دامت شوکته. رویه و رفتار قزاق‌های روس و اکنت شاهرود بکلی از رعایت روابط حسنه خارج است. بدون هیچ اعلام و اطلاعی به هر کجا میروند و می‌آیند و در معاملات به طور غیرمستقیم با کسبه رفتار مینمایند و پیدا است که پی بهانه می‌گردند و یک خیالاتی دارند. بملاحظه اینکه این قزاق‌ها زبان فارسی نمیدانند از اکنت تمنا کرده یکنفر از طرف خود معرفی کنند و یکنفر را هم حکومت معین و مامور کند، که به توسط این دو نفر کلیه ملزومات قزاق‌ها را خریده و داده شود و خودشان مباشر معاملات با اهل بازار نشوند که تولید زحمتی بشود، قبول نکرد و نپذیرفت و امروز بدون هیچ اطلاعی ۲۶ نفر از این عده قزاقی که در شاهرود داشتند بطرف دامغان فرستادند، به چه خیالی نمیدانم. از این رفتار آنها بوی خوشی نمی‌آید و وقوع یک حادثه است. حتی‌الامکان با زبان خوش و اظهار دوستی سعی می‌شود که جلوگیری بشود، ولی گمان نمی‌کنم نتیجه داشته باشد. با این حال بهره‌تکلیف است امر بفرمائید. پنجم قوس نمره ۱۴۷ اعزازالسلطنه.»

دستگیری افراد به اتهام کمک به اسرای اطریشی و آلمانی

«از شاهرود به طهران - نمره قبض ۴۸۶۶ نمره تلگراف ۲۷ عدد کلمات ۳۱ تاریخ اصل شب ۹ تاریخ وصول ۹ دلو ۱۳۳۴ اسم گیرنده ذبیح‌الله

مقام مقدس وزارت جلیله داخه - امروز هشتم دلو رئیس قزاق روس مأمور شاهرود باتفاق اکنت روس بدارالحکومه آمد و ورقه از رئیس قشون روس مقیم استرآباد که خطاب بآنها رسیده بود ارائه و اخطار نمودند که ما به موجب این حکم مأموریت داریم در شاهرود اشخاص ایرانی که مضمون به مساعدت و همراهی با اسیرهای اطریشی و آلمانی و فرار آنها هستند و بر ضد منافع ما اقدام دارند راساً و

مستقیماً دستگیر نمائیم. جواب داده شد که بایستی شما سواد این حکم را به ضمیمه مراسله رسمی بداره حکومتی بفرستید که هم رسماً بشما جواب و هم راپورت آن بمقام وزارت داخله داده، کسب تکلیف شود. گفتند مأمور هستیم که این اخطار را شفاهاً به حکومت رسانیده و ضمناً تذکر بدهیم چنانچه حمایت از این اشخاص بهرطور بشود کار به استعمال اسلحه خواهد کشید. این است که لزوماً راپورت این مسئله عرض و ضمناً جسارت میشود چنانچه خاطر مبارک مسبوق است از بد و رجوع این خدمت به فدوی‌الاکنون با این انقلابات و اختلافاتی که در تمام نقاط ایران بوده و هست و با اینکه همه روزه مکتوبات و تلگرافات صحیح از اطراف باین حوزه رسیده، مع هذا فدوی به مقتضای وظایف نوکری خود همه قسم فداکاری و جدیت نموده و نگذاشته است تا حال از این دولت محلی صدایی بلند بشود. اما با این اقدامات و دستگیری یک عده که معلوم نیست چه اشخاص باشند و چه خواهند شد، چون دولت این فدوی را عهده‌دار مسئولیت این ولایات قرار داده این است که عرضه میدارم با این ترتیبات مسئولیت نظم این حدود را نمیتواند عهده‌دار باشد و بموجب این عریضه تلگرافی استعفای خود را به مقام مقدس وزارت داخله تقدیم و بکلی از کار کناره‌گیری کرده، انتظار جواب قبولی استعفای خود را دارم.

هشتم دلو نمره ۲۴۰، فدوی - محشتم الدوله، ۱۰.

وحشت اهالی نردین از هجوم قوای روس

□ وصول تلگراف از نردین

«نمره کتاب ۳۵۵

از مشهد به طهران

نمره قبض ۳۸۴۰۸ نمره تلگراف ۸۹۹ تاریخ اصل ۲۵ دولتی - تاریخ
وصول شب ۲۷ دلو اسم گیرنده غلامعلی
وزارت جلیله داخله - تلگرافی از نردین^۱ رسیده است که لازم شد عیناً برای
استحضار خاطر شریف مخابره میشود.

جناب اجل آقای منصورالممالک نردینی تخمین هزار سوار نظامی دولت بهیه
تا نجر^۲ وارد، خیال آمدن نردین دارند. عموم اهالی وحشت (زده)، در صدد متواری
شدن هستند. آستان مبارک روحی فداه، چاره فوری فرمائید این سوار (به) نردین
نیابند. دو سوار جهت اسلحه آمده، سخت گیری دارند. مستدعی آنکه جهت هر دو
مطلب اقدام فوری فرمائید تا بنده و اهالی آسوده شده، منتظر تکلیف فوری -
مسهودالممالک، خود منصورالممالک هم در نهایت اضطراب و پریشانی خیال است.
منتظر جواب تکلیف است.
۲۴ دلو نمره ۹۱۱۸ - کامران».

□ ملاقات با وزیرمختار روس

«وزارت امور خارجه

اداره روس

مورخه ۲۵ ربیع الثانی ۳۵

راپورت ملاقات جناب وزیرمختار روس.

حسب الامر در باب خلع سلاح سواران قزاق و جلوگیری از اقدامات نظامیان
روسی در این باب بر طبق تلگراف حضرات از اقدامات نظامیان روسی در این باب بر
طبق تلگراف حضرت والا کامران میرزا بعمل آمده با جناب وزیرمختار مذاکره و
مخصوصاً اهمیت این امر را عطفاً بمذاکراتی که سابقاً در این باب تلگراف رمز

کارگذار خراسان کرده بود خاطرنشان و جلوگیری کار آنرا تقاضا نمود. جناب وزیرمختار یادداشت فرمودند که فوراً بمامورین نظامی خود در استرآباد و حدود خراسان تلگراف کنند که از این اقدام صرف‌نظر نمایند. از این فراز هم بکارگذار خراسان رمزاً تلگراف شد قدغن و امر خواهند فرستاد که از وزارت داخله هم همینطور جواب بدهند - فدوی».

در زیر نامه نوشته شده است:

«اداره شرق - همینطور جواب ایالت خراسان نوشته شود - ۴ حوت ۳۵».

□ ارسال رونوشت تلگراف حکومت شاهرود به وزارت خارجه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره ۸۱۴

تهران - بتاریخ ۲۲ محرم ۱۳۳۴

وزارت جلیله امورخارجه

سواد استخراج تلگراف رمز حکومت شاهرود اینک لفاً ارسال میشود. البته مقرر خواهید فرمود سوادیکه در هیئت وزراء نظام مطرح شده با سفارت دولت بهیه روس مذاکرات لازمه بعمل آورده، نتیجه را باین وزارت خانه اطلاع دهند».

(۱) - نارین از شهرهای افغانستان که زمانی جز خاک ایران بود.

(۲) - از روستاهای مرزی خراسان.

قیام عمومی علیه روس و انگلیس و تحریکات آلمانی‌ها در یزد و کرمان

□ تلگرام حکمران یزد درباره نگرانی انگلیسی‌ها از ورود
آلمانی‌ها به این شهر

«وزارت داخله

سواد استخراج تلگراف رمز حکومت یزد

مورخه ۲۷ محرم ۱۳۳۴

نمره ۸۱۴

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته - سابقاً یکی دو تلگراف رمز در خصوص آلمانها عرض کردم. تاکنون جواب قطعی از طرف وزارت جلیله زیارت نشده، اینک هم تجدید عرض مینماید مدتی است تدریجاً آلمانها از اطراف وارد یزد میشوند و چند تن خانه برای خودشان کرایه نموده، گاهی بعضی از آنها بعنوان مختلف از یزد خارج میشوند. معلوم نیست کجا میروند و کلیه خیالات آنها مستور است. اخیراً چند روزی است شروع کرده‌اند سوار میگیرند و بهر سواری بیست و یک تومان در ماه حقوق میدهند. تا حال عده‌ای هم رفت‌اند نزد آنها مستخدم شده‌اند. از فراری که دو روز است شهرت کرده زیلر نام قونسول آلمان در اصفهان است، برای یزد حرکت کرده و انتظار ورود او را دارند. انگلیسها هم مضطرب‌اند. اگرچه خیال آلمانها هیچ معلوم نیست، ولی ظاهراً چنین مستفاد می‌شود که این استعداد برای اقدام در یزد باشد. اگر شروع عملیات کنند تکلیف چیست، مستدعی است دستورالعمل قطعی مرحمت شود.

۲۴ محرم نمره ۳۵۳۷ - حکومت یزد».

□ متن تلگرام دیگر حاکم یزد به وزارت داخله

«وزارت داخله

مورخه ۲۸ محرم ۱۳۳۴.

نمره ۸۱۷

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته.

سه روز قبل رمزاً از ترتیبات آلمانها خاطر مبارک را سابقه داده‌ام، اینک هم مجدداً عرض مینماید سه روز قبل زیلر نام که میگویند قونسول اصفهان بوده با قریب هفتاد نفر آلمانی و ایرانی، با قریب شصت بار که محتمل است اسلحه هم در ضمن آن باشد وارد یزد شده‌اند. دیروز دو دستگاه تلگراف بی‌سیم فرستاده‌اند در باغ دولت‌آباد که در اول شهر واقع است، مشغول نصب آن هستند. امروز هم شهرت دارد که پنجاه شصت نفر دیگر از اصفهان وارد خواهند شد. عده فعلی آنها در یزد قریب یکصد و چهل نفر میشود. اگر عده‌ای که امروز میگویند وارد شوند علاوه خواهد شد. حرکت و سکون آنها هیچ معلوم نیست. محرمانه با اهالی شهر مذاکرات دارند، لکن قطعاً معلوم نیست چه خیال دارند.

۱۴ قوس نمرة ۲۵۴۳ - حکومت یزد».

□ تحریکات آلمان‌ها در کرمان

«وزارت داخله

سواد استخراج رمز ایالت کرمان

مورخه ۲۶ محرم ۱۳۳۴

نمره ۸۱۲

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته. موانع و محذوراتی که در پیشرفت امور ایالت بوده و کراراً بمقام منیع ریاست الوزراء عظام عرض و استدعا کرده بود هرگاه مستدعیاتم اجابت نمی‌شود امکان پیشرفتی در امور نیست و در آخر صفر حرکت خواهم کرد در این کفالت امور کرمان، دیگری را معرفی و روانه فرموده و رمزاً اعلام فرمائید تا سوار و کسانیکه در بلوکات دارم احضار و روانه شوم. از آنجا که با بحران مرکز تصادف کرد تاکنون اجرای مواد عرایضم بعهده تأخیر مانده و چون بمیعاد استعفایم چندان وقتی باقی نیست، تذکار مینمایم که علاوه بر تهیه استعداد و انتریکات^۱ آلمانها در انقلاب این ایالت برای موافقت خودشان در اضمحلال سایر اتباع خارجه. داخله هم معدودی هستند که بموافقت آنها بدون رعایت از مراتب بی‌طرفی وظیفه خودشان جداً بر ضد ایالت کوشیده، دایم بدستورالعمل آنها مشغول

تولید انقلاب و مفاسد و هیجان مردم هستند که بعضی از آنها را فعلاً معرفی نمیکنم، جز دو نفر: یکی محمدخان رئیس ژاندارمری که علناً خود را طرفدار آنها کرده، بهر طرف میل آنها میرود. یکمده ژاندارم هم همراهشان نموده و از هیچگونه اقدامی که برخلاف مصلحت است اغماض ندارند. حتی برجهای سر در دروازه باغ ناصریه را که حضرت اشرف والا بشخصه رؤیت فرمودند و مسبوق هستند مشرف بر باغ ناصریه اقامتگاه ایالت است، بعنوان اینکه جز عمارت متصرفی ژاندارمری است تصرف کرده، مستعد ظرفیت است. چند روز قبل هم یکمده ژاندارم همراه یکمده از آنها به یزد برای آوردن آلمانها و اطریشی‌ها که در یزد بوده‌اند تخمیناً شصت نفر هستند فرستاده و از قرار مذکور همین چند روز با چند بار اسلحه وارد کرمان می‌شوند و معلوم است تهیه این قوه و اسلحه برای اهالی ایران و طرفیت با قونسولگری خواهد بود. فعلاً هم در خود کرمان تخمیناً دوست و پنجاه سوار مسلح دارند. و دیگری مهم‌الملک کارگذار است که چون قونسولگری‌ها بواسطه سلب اعتماد او را رسمیت نمیدهند و کار خود را به او رجوع نمی‌کنند، به آلمانها تکیه داده علناً پول میگیرد و با اشرار و مفسدین شهر متفقند. با تعلیمات آلمانها بر ضد بیطرفی قیام و در صدد انقلاب و هیجان است. اشرار بلوچ هم چون مسبوق شده‌اند ایالت قوه خود را بواسطه اهمیت انقلاب شهر نمی‌تواند مصرف اطراف کند، عده کثیری از آنها که میگویند دو هزار نفر است اطراف کرمان پراکنده شده، یکی از دهات جیرفت رودبار را غارت و تا چند فرسخی شهر موسوم بکهایپه آمده، مشغول غارت و چپاولند و با اینکه غیرممکن است ایالت بتواند سوار خود را بجلوگیری اعزام دارد و یکمده بکهایپه و یکمده بمساعدت قراسوران‌های^۱ بین یزد و کرمان مامور نموده، غفلت نکرده‌ام. با نایب‌الحکومه جیرفت و رودبار هم مساعدت نموده، نوشته‌ام از بم^۲ توپ و سوار و استعداد بملک آنها برود. اگر بخواهم شرح محذورات و زحماتی را که این مدت در جلوگیری از این واقعیات متحمل شده‌ام، مخصوصاً این ایام بحران اخیر مرکز را عرض کنم مایه تصدیع است. با اینحال یا باید سریعاً محذورات ایالات را رفع کنید که بتوان بانتظامات خارج پرداخت و زیست کرد، یا بطوریکه عرض کرده‌ام دیگری را معلوم و اعلام فرمایند که اواخر صفر حرکت کنم. چرا که این محذورات پیشرفت ایالت را سلب کرده و توقف بنده جز افتضاح ثمره دیگری ندارد، و عجالتاً مطلبی را که اقدامش لازم و فوری

(است) احضار مهم‌الملک و محمدخان و حکم اکید در تخلیه برجها و معرفی دیگری بجای مهم‌الملک (است) تا بعد که اساساً تکلیف قطعی بنده را معلوم فرمایند. هرگاه بزودی آنها را احضار نفرمایند چون تولید مشکلات خواهند کرد، ایالت مجبور است آنها را از شهر خارج نماید. بودن ژاندارم در کرمان هرگاه برای حفظ اتباع آنها است ده نفر کافی است. چنانچه محض مقصود دیگر است ایالت باقوه موجود خود میتواند از عهده برآید، و البته تصدیق خواهند فرمود که حرکت آنها با بیطرفی منافی و تحمل‌ناپذیر است، تبعه خارجه نیستند که محل ملاحظه باشد. چون حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء دامت شوکه کاملاً مسبوق از کلیه محذورات هستند مستدعی است این عریضه را هم بحضرت معظم ارائه فرمایند که اگر واقعاً مایل بتوقف بنده هستند، رفع موانع را بفرمایند. دو روز قبل هر فرقه دموکرات در یکی از مساجد متینگ دادند و با اینکه احتمال فساد داشت و تمام طبقات متزلزل بودند، بحمدالله بخوبی خاتمه داده، جلوگیری شد. یکی از واقعیات غیرمقتضیه گذشته روز قبل رخ داد و آدمهای مسیو سوکمایر؟ نسبت بمستخدم قونسولگری انگلیس سوء حرکت نموده‌اند. کشفاً خاطر مبارک را مستحضر داشتام. نمره ۳۴۱۵ - خسرو بختیاری».

□ تلگرام والی کرمان در مورد دخالت آلمان در امور حکومتی

«وزارت داخله

مورخه ۳ صفر ۱۳۳۴

نمره ۸۲۳

مقام منیع وزارت جلیله دامت عظمت. این دو سه روزه مسیو سوگمایر بواسطه پول زیاد جمعی از مفسدین را محرک شده که تلگرافات نسبت بلزوم توقف ژاندارمری بمقام اولیای عظام دولت مخابره کنند. مقتضی است بطور مشددی باین مفسدین جواب بدهند که شما حق دخالت در سیاست و امور دولت ندارید، و نیز بخود ژاندارمها تلگرافاً امر فرمائید دست از بارهای حرکات بردارید. امروز بر اولیای امور فرض است در اینگونه موارد تلگرافات مشدد مخابره فرمایند. در خصوصی سایر عرایض وسیله تکثیر بودجه سوار هم چند روز است در ترقیمه جواب و تعیین تکلیف بنده تاخیر فرموده‌اند. میترسیم یکصد و پنجاه سواری هم که از بختیاری خواستام از

اصفهان بگذرد و سه چهار هزار تومان دیگر هم بابت مخارجات آنها مزید قرض بشود، آنوقت حرکت کنم. مستدعی است راضی نشوید و بفوریت یا به اصلاح آن مطمئن نمائید یا احضار، که تا املاک خود را نفروخته‌ام زودتر از این محذورات آسوده شوم. ۱۷ - قوس - نمره ۳۴۲ - خسرو بختیاری».

□ قیام مردم کرمان علیه روس و انگلیس

«وزارت داخله

مورخه ۴ صفر ۱۳۳۴

نمره ۸۲۷

«مقامات ریاست وزرا عظام و وزارت جلیله داخله دامت شوکتها.

چنانکه بکرات عرض کرده‌ام عموم اهالی این شهر از هر طرف درصدد تحصیل شورش بودند تا بلوا و هیجانی نمایند و شهر در حالت انقلاب بوده، لیکن وسیله به دست نیاورده بودند، تا این موقع که ژاندارمها احضار شدند برای جلوگیری از حرکت آنها. از دیروز عصر تاکنون جماعتی از علما و غیره در اداره ژاندارمری رحل اقامت انداخته و فعلا دو عنوان دارد: اولاً ممانعت از حرکت ژاندارمها، ثانیاً اخراج اتباع انگلیس و روس، و تمام مردم نسبت به اخراج آنها مدتها طوری مصمم هستند (که) یا باید آنها را قلع و قمع نمود، یا واقعا خارجی‌ها بروند. عنقریب به تلگرافخانه هم خواهند ریخت. با اینحال کمال حیرت حاصل است و اگرچه حتی‌المقدور از خارجیها محافظت خواهم کرد که دچار مخاطرات نشود، لیکن تکلیف و دستورا العمل لازمه بنده را فوراً معلوم فرمایند که در علاج این قضیه چه باید کرد.

عرایض سابقام بی‌اثر ماند و جلوگیری نشد، تا عاقبت کار بوخامت کشید و در مسئله تکثیر بودجه هم اگر مقتضی است زودتر معلوم فرمائید تا تکلیف بنده یکسر معلوم شود.

۱۸ - قوس نمره ۳۴۸۷ - خسرو بختیاری».

□ امتناع از پذیرش رئیس مالیه

«وزارت داخله

مورخه ۱۹ صفر ۱۳۳۴

مقام منبع ریاست وزرا عظام دامت عظمته.

از ماموریت میرزا اسداله خان کردستانی به ریاست مالیه کرمان عامه متوحش و متفوق القول از ورود و پذیرفتن او امتناع دارند و در صددند او را جلوگیری کنند، و بدیهی است جلوگیری از مشارالیه توهین دولت و ایالت را مشتمل خواهد بود. در این صورت عقیده بنده این است یا رجوع ماموریت دیگری بمشارالیه بفرمائید یا امر شود چندی در یزد متوقف باشد تا شاید رفع التهاب مردم شود. با یک ترتیبات در حرکت مصمم بودم، ولی چون هرگاه حرکت می‌کردم رشته نظم گسیخته، جمعی اتباع خارجه مضمحل و پای مال (پایمال) و تولید مشکلاتی عظیم‌تر میشد، در آن وقت منصرف، عجلالتا هم منتظر مراجعت مامورین بندرعباس هستم که بمجرد ورود آنها حرکت نمایم و مستدعی است تکلیف بنده را در هر صورت معلوم و در جواب امر فرمائید که بوضوح آتیه خود آگاه باشم.

۲ جدی - نمره ۳۵۳۰ - خسرو بختیاری».

□ نوشته علمای کرمان مبنی بر اخراج اتباع خارجه

«وزارت داخله

مورخه ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۴

نمره رمز ۹۱۱

حضور مبارک حضرت اشرف والا آقای رئیس‌الوزراء دامت شوکتہ

تلگراف مرموز^۲ تعجب‌آمیز مبارک زیارت (شد). اگرچه استدعا کرده‌ام تشریف فرمای تلگرافخانه بشوند که راجع بهمین مطالب مذاکرات شده خاطر مبارک مستحضر شود، اکنون در جواب عرض مینمایم اینکه می‌فرمایند با داشتن چهار صد نفر سوار بختیاری در مقابل چهار نفر مفسد شهری و سی چهل نفر زاندارم نباید بروز این واقعه شود، مثل این است (که) خاطر مبارک از اوضاع مستحضر نبوده، والا اعتراض نمی‌فرمودید این است با وجود معروض داشتن شصت هفتاد نمره تلگراف در این مواضع باز هم تکرار میکنید که در این رولسیون^۷ منحصر بچهار نفر مفسد شهری یا

سی چهل نفر ژاندارم نبوده، بلکه پنجاه هزار نفر از این مملکت دفعتاً هم صدا شده، در صدد اخراج و اضمحلال اتباع خارجه برآمدند که نوشته‌جات مهور علماء حاضر است.

علاوه بر آن قریب سیصد نفر جمعیت مسیو سوگلمایر که از ایلات حاضر کرده بودند، در تحت سلاح بموافقت ژاندارم و غیره تمام نقاط مرتفعه شهر حتی برجهای باغ ناصریه را گرفته و از طرفی مسیو زیلر با یکعده جمعیت و مقدار زیاد اسلحه در چهار منزلی کرمان بود که خود انگلیسی‌ها مکرر گفته و می‌نوشتند که این شخص با توپ‌ها گذشته از این مسایل از چهار صد سوار بختیاری که دوست نفر در شهر حاضر داشتیم و بقیه در بلوکات بود، زیرا بلوکات را که نمی‌توانستم خالی از سوار گذاشته، مشکلات را مزید کنند. قطع نظر از این مطالب در چهار پنج ماه حالت امروز را پیش‌بینی نموده و عرض کردم و تکلیف می‌خواستم، ابدا جوابی مرحمت نشد. سوای تلگراف نمره ۴۴۸۶ خود حضرت والا که آنهم پس از ختم واقعه رسیده و موقع کسب نتیجه نبود. با این حال در چه صورت میتوانستم دوست نفر سوار بدون فشنگ را با مردم یک مملکت و چهار صد پانصد نفر جمعیت اتباع آلمانها و دموکرات که تمام نقاط مرتفع را کلیتاً گرفته بودند، طرف کنم. اینکه میفرمائید بصیرت کامل در حق اهالی کرمان دارید تصدیق میکنم، ولی طرف آنها نبودند، بلکه مامورین دولت آلمان بوده و هستند که باین ترتیبات تصور می‌کردم اقدامات بنده نسبت به اتباع خارجه بدون ضرر جانی و مالی در چنین موقعی جالب تحسین و تمجید اولیای دولت خواهد بود. گویا واقعیات شیراز و یزد و اصفهان و غیره را که چه اقداماتیکه نسبت به اتباع خارجه کردند و با قوام‌الملک با داشتن قدرت و جمعیت چه حرکات نمودند پوشیده میفرمائید.

اینکه فرموده‌اید رئیس بانک را محفوظ و متمرّدین را از ژاندارم و غیره خلع سلاح و تنبیه نمایم بطوریکه عرض کرده‌ام منحصر به ژاندارم و چهار نفر شهری نیست، استعداد آنها از مسیو سوگلمایر و دموکرات و ژاندارم و غیره فعلاً قریب هزار نفر میشد و کماکان نقاط مرتفعه را متصرف‌اند. باز هم مشغول تجهیزات از طرف بهارلو و غیره هستند که هرگاه شروع به این اقدامات شود اقلاً چهارصد نفر تلف و عاقبت هم نتیجه کار مطلوب نخواهد داشت. منتها علماء و اهل شهر را در این باب با خود همراه

نموده‌ام. مسیو زایلر هم که بعزم سیستان و آن صفحات رفته و خبیص^۸ را مرکزیت داده بود، در اقطاع به پیش فراول انگلیسیها برخورد، چند نفر را تلف داده شخصا بکرمان مراجعت نموده استعدادش هنوز در خبیص است. اینکه عرض کردم یکعده قزاق ایرانی و توپ فرستاده شود، برای دست آویز بود که باعث وحشت آنها شده، کار سهولت بدون قتل نفس انجام شود. جدیت بنده در مساعدت انگلیسیها که روابط و داد^۹ حسنه دولت هستند فوق تصور است. افسوس که در بادی امر اولیای دولت با آنهمه فرستاده‌ها مساعدت نفرمودند که کاملاً بحفظ آنها موفقیت کامل نمایم، و بهمین مناسبت است که ترک توقف را اصلح دانسته، سوار و اتباع خود را احضار و تصمیم حرکت داشتم و اهالی شهر عموماً ممانعت نموده، فعلاً ناچار بتوقفم کرده‌اند که برای خیر عامه و حفظ نظم عجالتاً مانده، تکلیف خواستم و عقیده و نظریات بنده این است یا یکی از خوانین بختیاری را اعم از آنکه سردار جنگ باشد یا سردار بهادر، با دوپست نفر نظام، دو عراده توپ و یکعده بختیاری روانه فرمائید که تا قبل از عید یا بعد رسیده، تجدید مسلک و با این قوه مزیده^{۱۰} شروع بعملیات نمایم. تا آنموقع هم محض سکوت عامه و آسایش مردم و ابقای انظامات خود هم مانده یا اینکه پانصد نفر جمازه سوار انگلیسی که نه بنه^{۱۱} هستند بعزم خبیص حرکت کرده، به بم وارد شوند که اسباب رعب آنها فراهم، ارکانشان سست و بدون مقدمه فرا خواهند کرد و اجرای مقاصد خواهد شد. در هنگام فرار هم حتماً آنها را دستگیر می‌کنم. یا چندی دیگر تأمل بفرمائید که طبعاً سست و قوه آنها تحلیل خواهد رفت، آنوقت شروع شده و لیکن شق اول اولی است.

ضمناً هم از طرف رئیس کل ژاندارم به محمدخان سلطان با کمال سختی تلگرافاً احضار فرمائید و چون رؤسای دوایر باعث مفاسد بوده‌اند خصوصاً کارگذار و سید مصطفی خان رئیس معارف احضار فرمائید آنها از طرف وزارت خاها (خانه‌ها) به سختی مخابره شود، کمتر تصور اشکال میشود و در خصوص رئیس بانک حتی‌المقدور و مساعدت مسیو سوکلمایر خواستند حمله برده غارت نمایند. با هزار زحمت بیست هزار تومان تحویل مالیه نمودند. دو هزار و چهار صد تومان هم عوض اسکناس‌های مردم دادند. بیست و هفت هزار و چهارصد تومان هم سر مهر^{۱۲} در اداره ژاندارمری گذاشتند و با این شرایطی که عرض کردم امیدوارم شاید آنهم تفریط نشود.

تلگرافی هم مشعر بر بیم و امید بعنوان محمدخان سلطان در این باب لازم است که هر گاه دیناری تفریط شود در معرض تلف‌خواهی بود، و در صورتیکه محفوظ داشتی شاید وسیله عفو در شما فراهم شود. تلگراف کشف تهدید نیستم^{۱۳} راجع به تسویه اوضاع آن حدود و مجازات متمردين لازم است که ضمناً هم اشعار شود هر گاه متمردين کرمان را دستگیر نکردی قشون کافی از مرکز روانه میکند. این ترتیب امور و نظریات بنده و دیگر مختارید، و در خاتمه باز هم عرض میکنم که بسر مبارک قسم است این بنده برای جبران گذشته و انجام مقصود دولت و مساعدت بانگلیسی‌ها که طرف روابط حسنه هستند خودداری ندارم، ولی با محذورات حاضره و بودن آلمانها بدون تکیه‌گاه امکان ندارد، و میگویند خیال رفتن طرف بلوچستان دارند. اینکار مشکل است و اهم شقوق^{۱۴} ۱۰ برج دلو نمرة ۳۶۶۷ - خسرو بختیاری».

□ همراهی با آلمانی‌ها در اصفهان

«وزارت داخله

مورخه ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۴

تلگرام رمز

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته.

دو طغرا^{۱۵} تلگراف مطاع نمرة ۹۰۴ و نمرة ۹۰۵ مرموزاً زیارت شد، در فقره ژاندارم ساکنین فرح‌آباد، مجاهدین چنانچه در تلگراف مرموز عرض شد در مقابل آنها قوه کافی از سوار و پیاده بختیاری لازم است و بنده هم با کمال جدیت جمعیتی خواستام، مقدمه آنها هم رسیده و هر روز متدرجاً وارد میشوند. ولی معلوم است تا این قوه تکمیل نشود، اقدام باینکار صلاح نیست. زیرا که با این استعدادی که عجالتاً دارند و اتصالاً قونسول آلمان مشغول پول دادن و جمعیت زیاد کردن هستند و بعضی از اهالی هم که خاطر مبارک مسبوق است با آنها همراهی دارند، شاید منجر باستعمال اسلحه و جنگ بشود. باید اطمینان کامل از قوه ظاهر هم حاصل باشد و هم از طرف دولت همه قسم مساعدت بشود.

پیشنهاد نسبت حقوق سوار و پیاده بختیاری نموده‌ام، با اینکه فقط محض دولخواه مختصر تحمیلی برای دولت است و جلوگیری از هر نوع مفاسد میکند، هیچ

جوابی مرحمت نمی‌کنند. عجالتاً تلگرافی از طرف نیسترم رئیس ژاندارم برئیس ژاندارم اصفهان توسط فدوی مخابره نماید که باید شما در تحت اطاعت حکومت باشد و در صورتیکه رضامندی حکومتی را جلب کنید بمراحم دولت بهره‌مند و همه قسم بشما مرحمت میشود. محتمل است همچو تلگرافی که رسید، رئیس‌شان را راضی کنم فرح‌آباد را تسلیم کرده، در شهر منزل بگیرند. آنوقت خلع اسلحه و غیره ممکن است. جواب یکی از تلگرافات معروض فوق هم کشفاً عرض شد. نمره ۳۷۱۸ - ۱۱
برج دلو - سلطان محمد».

(۱) - تحریکات.

(۲) - سوار نگهبان راه یا مستحفظ قافله - سابقاً سوار امنیه را می‌گفتند

(فرهنگ عمید).

(۳) - از شهرهای کرمان.

(۴) - کنسول آلمان در کرمان.

(۵) - خط نوشتن - رقم زدن.

(۶) - تلگراف رمز.

(۷) - دگرگونی، انقلاب.

(۸) - از نواحی کویری مابین کرمان و یزد.

(۹) - دوستی و محبت.

(۱۰) - اضافه.

(۱۱) - بار و اسباب سفر.

(۱۲) - سربسته - دست نخورده.

(۱۳) - فرمانده ژاندارمری دولتی ایران.

(۱۴) - راه‌ها.

(۱۵) - نامه - نوشته.

ترور رئیس کمپانی قالی آمریکایی در بازار کرمان

□ حمایت آمریکا از رئیس کمپانی قالی

«وزارت امور خارجه

اداره تحریرات دول غیرمجاوره

سواد ترجمه مراسلات سفارت آمریکا

مورخه ۳ دسامبر ۱۹۱۵

نمره ۱۱۰۳

احتراماً خاطر مبارک را مستحضر میدارد که مشهدی حسین آقا یوفورئیس ایرانی کمپانی شرکت قالی آمریکایی را در بازار کرمان بضرب گلوله مجروح کردند که کمپانی مزبور برای حفاظت اموال و منابع کارخانجات خود و سلامتی شخصی در کرمان نگران است. لهذا موجب خوشوقتی دوستدار خواهد گردید که آنجناب اوامر تلگرافی به مقامات کرمان مخابره فرمائید که مشهدی حسین آقا یوفورئیس تجارتخانه فوق‌الذکر آمریکا بوده و رئیس آن از حمایت آمریکا بهره‌مند و حق برافراشتن بیرق را دارند.

کمپانی مشترک قالی آمریکایی عمال جزّ در جوپار و رفسنجان نزدیکی کرمان نیز دارا است. مراتب احترامات - کالدول».

□ نامه سفارت آمریکا به وزارت خارجه

«وزارت امور خارجه

اداره دول غیرمجاور

سواد مراسله سفارت آمریکا

مورخه ۴ ژانویه ۱۹۱۶

نمره ۷۰۳

با نهایت احترام خاطر محترم را مستحضر میدارد که از کرمان به دوستدار خبر رسیده است که مشهدی حسین آقا یوف مدیر کمپانی قالی آمریکایی را چند روز قبل در بازار مجروح ساخته‌اند و بمنزل مشارالیه حمله نموده و اثاثیه او را که پنج

هزار تومان قیمت داشته است سرقت، دوستدار خیلی خوشوقت خواهد شد که در این موضوع تحقیقات لازمه فرموده و از طرف وزارت امور خارجه اقدامات سریعه در این خصوص بعمل آید - کالدول».

□ تقاضای وزارت امور خارجه برای حفاظت از جان رؤسای شرکت

«وزارت امور خارجه

اداره دولت غیرمجاوره

مورخه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۴

نمره ۱۲۰۴/۳۶۷۱

وزارت جلیله داخله - سواد مراسلات سفارت آمریکا راجع به جراحی که مینوسد به مشهدی حسین آقابوف رئیس کمپانی شرکت قالی آمریکایی در بازار کرمان بضرب گلوله رسیده است لفاً از ملاحظه آنوزارت جلیله گذشته، مقرر خواهند فرمود بفوریت اوامر مؤکد تلگرافی در ترمیم امر و جلوگیری از نظائر این وقایع ناگوار که وسیله شکایت سفارتخانهها میشود صادر و مقرر فرمائید بالخصوص در حفاظت و تأمین اموال و سایر کارخانجات کمپانی مزبور و حفظ جان رؤسای آن اقدامات سریعه بعمل آورند و نتیجه را زودتر بوزارت خارجه اطلاع دهند که در جواب مراسلات سفارت آمریکا نوشته شود».

رقابت روس، فرانسه و یونان برای تأسیس میکده در ایران

□ حرکات ناشایست سالداتهای روسی

«اداره نظمیه رشت

بتاریخ ۱۰ ربیع الاول ۱۳۳۴

نمره ۴۳۸۰

جناب مستطاب اجل آقای مسیو افسینکو جنرال قونسول محترم دولت بهیه روس در گیلان.

با کمال احترام خاطر شریف را مستحضر می‌دارد چون این شبهای اخیر

بعضی حرکات از صاحب منصبان و سالدات‌های دولت بهیه روس نافع شده (از قبیل مستی و کتک زدن و مزاحم شدن آنها به صاحب منصبان و آژان‌های نظمیه و مردم متفرقه)، چنانچه راپورت‌های یومیه آنها خدمت حضرت عالی ارسال شده، لذا برای اینکه این حرکات امتداد نیافته و نظائر پیدا نکند، خیلی مقتضی است که دکاکین و خانه‌های مشروب فروشی بسته شود، و آنچه مشروب فروشها داخله هستند، مشروبات آنها مستقیماً جلب و به نظمیه شده و توقیف شود، و آنچه اتباع دولت بهیه روس هستند، مشروبات آنها با حضور نماینده حضرت عالی بوسیله نظمیه جلب به قونسولگری محترم شده، ضبط گردد. و ابداء مشروبات در دکاکین و خانه‌ها نباشد، تا آنها بمیل خود یا بالاجبار بمصرف فروش نرسانند و تولید زحمت ننمایند.

در این باب به ایالت جلیله گیلان پیشنهادی داده شده و در این باب به مشروب فروشهای داخله حکم داده‌اند که اقدام شود. اینکه به این وسیله خاطر مبارک را نیز مطلع نموده، محترماً تقاضا مینماید که نماینده‌ای معین و معرفی فرمائید به نظمیه آمده، با مامورین این اداره رفته، دکاکین و خانه‌های مشروب فروشهای تابعه دولت بهیه را بسته و مشروبات آنها را جلب به قونسولگری محترم نمایند. هکذا در باب مهماخانه‌هایی که مشروبات می‌فروشند لازم است ترتیب مجری شده، مشروبات آنها جلب و توقیف گردد. مستدعی است در این باب جواب فوری مرقوم فرمایند که زودتر اقدام شود.

احترامات فائقه را بدینوسیله تجدید مینماید - نایب نظمیه رشت».

□ اعتراض کنسولگری فرانسه به نظمیه رشت

«وزارت امور خارجه

سواد پروتست قونسولگری فرانسه

بتاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۴

کارگذاری محترم مهم خارجه گیلان - نظمیه رشت وانمود میکند که از تمام عهودی که حمایت و قوانین جاریه مملکت راجع به اتباع خارجه است بی‌اطلاع است. چنانچه مکرر مرتکب بعضی نقض عهد گردیده، دیروز یکنفر صاحب منصب نظمیه بمنزل برادران استرامبولی داخل شده، مشروبات مخزن متعلق به اتباع یونان را که

حمایت شده این قونسولگری میباشد، مهر و موم نموده، دوستدار به هیچوجه برای موافقت کردن در این اقدامیکه اجرا کرده، مشاور نداشت. بقسمی که به تبعه دوستدار خسارت وارد گردید. اگر به دوستدار اطلاع داده بودند ایشان را ملتفت میساختم که در یک انبار نمی‌توان الکل و شراب را در یک جا ضبط نمود و مهر و موم کرد. شراب مواظبت مخصوص لازم دارد. اگر توجه و مواظبت نگردد فاسد خواهد شد. مثل آن باشد که استعمال میشود. در اینصورت با کمال احترام خاطر محترم را مستحضر میدارد مهر و مومی که اداره نظمیة کرده، کشیده، زیرا که این مهر و موم هیچ بوده و نسبت به یک تبعه خارجه هیچ است. فقط مهر و مومی که اعتبار خواهد داشت و برادران استرامبولی باید آنرا محترم بشمارند، مهر و موم انگار گذاری^۱ محترم و این قونسولگری است، که به اتفاق خواهد انجام گردید. آنهم در صورتی است که بدوستدار ثابت گردد که لازم است. در آنوقت خود دوستدار با آنجناب دوستان استظهاری^۲ و یا نماینده آنجناب رفته، با یکدیگر مجری خواهیم داشت، و گذشته، دوستدار مطلقاً دریغ دارد که مراوده مستقیم با اداره نظمیة نماید. شخص آنجناب دوستان استظهاری فقط مأمور و نماینده اعلیحضرت شاهنشاه برای مامورین خارجه میباشد و اتباع خارجه برای حمایت خود باید به این جانب دوستان استظهاری مراجعه نماید. بدین جهت با کمال توقیر^۳ این پروتست را نگاشته که برای برداشتن مهر و موم مذکور که خود دوستدار شکسته که پرده و زبال^۴ بکار برده شود. احترامات فائقه را تجدید مینماید. امضای کنسول فرانسه در رشت».

□ نامه کارگزار وزارت خارجه به اداره نظمیة

«اداره نظمیة رشت

بتاریخ ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۴

نمره ۲۵۱۰

اداره جلیله نظمیة گیلان - سواد مراسله مورخه ۱۳ شهر جاری قونسولگری محترم دولت فخمیه فرانسه برای اطلاع آن اداره جلیله لفا ارسال گردید. اگر در موضوع لزوم بستن و مهر و موم کردن شرابخانه کتباً باین کارگزاری اعلام نمودید، از طرف کارگزاری فوراً، کتباً و شفاهاً بجاهای لازم اطلاع و مطلب را می‌قبولانیدید، جلوگیری از چنین حرکت و پروتست نیز میشد - کارگزار گیلان».

□ دستور مهر و موم مشروبفروشی‌ها

«نظمیه رشت

بتاریخ ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۴

نمره ۴۴۳۱

اداره محترم کارگذاری مهام خارجه گیلان - در جواب مراسله نمره ۲۵۱۰
محتوی سواد پروتست و یسقونسولگریه محترم دولت فخمیه فرانسه اظهار میدارد که
روز دوشنبه ۲۶ برج جاری به توسط لیوتنان^۲ عبدالله خان سیف بوسیله تلفون به شخص
محترم آقای کارگزار که پشت تلفون بودند اطلاع داده شد که نظر به اهمیت موقع و
جلوگیری از بعضی پیش آمدهای ناگوار، از طرف ایالت جلیله تصویب شده که
دکاکین و خانه‌ها و مهمانخانه‌های مشروب فروشی کلیتاً مهر و موم شود. لهذا مقتضی
است از طرف کارگزاری اطلاع به قونسولگریها داده شود. جناب عالی هم در جواب
اظهار موافقت نمودید و گفتید خوب است به قونسولگری روس هم اطلاع بدهد و ما
نیز قبول کردیم (خود این اطلاع دادن من به شخص آقای کارگزار بطور دوستانه و
محض همراهی بوده). بعد از اینکه قبول پیشنهاد من در این باب از قونسولگری محترم
دولت بهیه روس رسید، روز سه‌شنبه سه دفعه و روز چهارشنبه دو مرتبه به آن اداره
محترم تلفون کرده، تقاضا نمودم که نماینده‌های معین فرموده به نظمیه اعزام دارید، تا
به همراهی نمایندگان ایالت جلیله و قونسولگری دولت بهیه روس شروع به اقدامات
لازمه نمایند. ولی هیچ قسم جوابی از اداره شما به اداره نظمیه داده نشده، نمایندگان
ایالت جلیله و قونسولگری بهیه روسیه حاضر بودند و خیلی منتظر شدند، لهذا مقتضی
دانستم که مطابق مدلول^۲ حکم ایالت جلیله اقدامات سریع را بعمل آورم. البته
میدانید تکلیف من همان بود که حکم ایالت جلیله را مجری دارم، و بدیهی است که
اطلاع کتبی رسمی هم به اداره کارگزاری از وظیفه من خارج بود. حال بعد از اینکه
اقدامات بعمل آمده مراسله آن اداره با سواد پروتست و یسقونسولگری فرانسه میرسد،
هر گاه آن کارگزار به تلفون من واقعی نمیگذاشت، خوب بود همان روز علناً عدم قبول
تقاضای مرا اظهار میداشت، تا این اداره تکلیف خود را می‌فهمید. چنانکه تصور میکنم
اطلاع دادن در این موضوع به قونسولگری‌های مقیم رشت، وظیفه کارگزاری است.
با وجود این فقط برای مساعدت و همراهی با آن اداره خودم مذاکرات لازم

را با قونسولگری محترم روس نموده و نماینده قونسولگری مشارالیه را در این اداره حاضر کردم، شاید همین کار هم برای اداره کارگذاری ممکن نبود. باید اداره مهم امور خارجه گیلان بخوبی بداند که من ناچارم برای نگاهداری و حفظ انتظامات داخله شهر اقدامات لازمه را بعمل آورده، نگذارم رشته جریان امور از هم بگسلد، و تمامی ادارات محترمه نیز چنانکه وظیفه آنها مقتضی است، باید حتی الامکان کمال همراهی و مساعدت را با من بنمایند. نه اینکه بواسطه عدم اقدامات لازمه این اداره را دچار پروتست‌های پی در پی کنند. و چنانچه معلوم میشود باعث تولید همین اشکال و ظهور همین پروتست ویس قونسولگری دولت فخریه فرانسه همانا عدم همراهی و مساعدت اداره کارگذاری مهم خارجه گیلان بوده و بس، و من بعد از این فهمیدم که چه باید کرد.

در خاتمه نگارش اظهار میدارم که اگر درست ملاحظه و دقت فرمائید، خواهید ملتفت شد که سواد ویس قونسولگری فرانسه را نمی‌بایستی به این اداره بفرستید. چرا که اقدامات من در خصوص منع فروش مشروبات و مهر و موم کردن دکاکین و خانه‌ها و مهمانخانه‌های مشروب فروشی بموجب حکم کتبی و تصویب ایالت جلیله گیلان بوده است - اداره نظمیہ رشت».

□ گزارش نظمیه رشت به ماژور استولبرک

«اداره نظمیه رشت

سواد راپورت نمره ۳۴۰۹ نظمیه رشت

بتاریخ ۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۵

بتوسط جناب آقای لیوتان عبدالله خان.

بخدمت آقای ماژور استولبرک^۸ رئیس و تشکیل کننده نظمیه رشت و انزلی برای ملاقات جناب قونسول بلوم^۹ خدمت ایشان شرفیاب شده، جناب ایشان اظهاراتی فرمودند که دقت حضرتعالی را به آنان مجلوب^{۱۰} می‌دارد:

۱ - میگوید اداره نظمیه در باب جنگلی‌هایی که به شهر ورود می‌کنند و خرید تفنگ و فشنگ می‌نمایند، یعنی مجالس تشکیل می‌دهند و فضولی‌های زیاد می‌کنند، به هیچوجه اقدامی نمی‌کند. چطور می‌شود با داشتن اداره نظمیه جلوگیری از

این قبیل کارها نشود؟

از این قبیل ایرادات خیلی کرده میگوید چرا اداره نظمیه اشخاصی را که میشناسد به جنگی‌ها مربوط هستند توقیف نمیکند و از آنها انتظامات بعمل نمیآورد. اداره نظمیه و خود شما (یعنی بنده) از این مراتب بخوبی مستحضر بوده‌اید، ولی مخصوصاً آنها را دستگیر نمیکنید.

۲ - میگوید که من در این اواخر از اداره نظمیه هیچ نفهمیده‌ام، زیرا تکلیف پلیس است در این موضوعات، تحقیقات و تفتیشات لازمه بعمل آورده و مراتب را بحکومت یا بخود قونسول راپورت کند و حکم گرفته، اقدام بعملیات نمایند. می‌پرسد که تا کنون از جنگلی‌ها توقیف کرده‌اید و کدام مجلس آنها را کشف نموده‌اید، الی آخر. از این مذاکرات زیاد نمود.

تا اکنون مکرر به نزدش رفته و راجع به مشروب بی‌اجازه فروختن و قماربازی کردن اتباع روس مذاکره نمودم، ولی هیچ قسم جواب مساعد نداده، میگوید اول باید اداره نظمیه از مشروب فروختن اتباع یونان و فرانسه جلوگیری نماید و بعد به اتباع روس بپردازد، نه اینکه همیشه یقه اتباع روس را بچسبند.

در این تازه‌گی پالکونیک^{۱۱} از فزاق‌های ایرانی شروع به اسم نویسی کرده و فزاق میگردد. دیروز فهمیدم که عده‌ای که از آنها پیش رضا فلیخان رفته و او ایشان را به پالکونیک معرفی نموده و بدون مقدمه شروع کرده‌اند به نوشتن اسامی آنها. در صورتیکه آنها همه با خودم بوده‌اند. امروز از قونسول خواهش کردم به پالکونیک بگویند اینکار را نکنند، زیرا این بکلی خارج از قانون و مخالف با مناسبات ادارات دولتی است. با کمال بی‌میلی اظهار داشتند که اقدام میکنم. ولی به هیچوجه از روز حرکت حضرتعالی تاکنون مساعدتی از طرف قونسول نسبت به این بنده نشده و گمان می‌کنم مقصودش این است که ما در خصوص اشخاص مظنون به رابطه داشتن با جنگلی‌ها اقدام کرده و آنها را گرفته، استنطاق نمائیم و حبس کنیم.

خود حضرتعالی میدانید آنوقت که در رشت تشریف داشتید، هر روز راپورت‌های مختلفه میرسید و بنده بحضرتعالی ترجمه میکردم. حال هم به همین منوال است، نه اینکه تصور بفرمائید تغییری در اوضاع نظمیه حاصل شده باشد. نه خیر، اقدامات بنده به همان ترتیبی است که خود حضرتعالی تشریف داشتید و دارید. ولی

اگر بنابراین باشد که ما در خصوص کشف اعمال اشخاصی که رابطه با جنگلی‌ها دارند اقدام نکنیم، روزی باید اقلای نفر از دهاتی‌هایی را که از اطراف وارد شهر میشوند توقیف کرده، در تحت استنطاق بیاوریم تا بتوانیم قونسول را از خود راضی نماییم.

به این ترتیب ممکن نمی‌شود مگر با داشتن مفتشین صحیح و جدی و با جرات. البته با سه یا چهار نفر مفتشین تازه به هیچوجه ممکن نیست به مقصودی نایل شد. بنده عرض نمی‌کنم امکان ندارد اینکارها را کشف کرد، و همینطوری نمی‌خواهم تصور بفرمائید که می‌ترسم یا ملاحظه دارم. من پلیس هستم و مطیع رئیس خود هستم، و میدانید فعلاً مسئولیت تمام کارهای راجعه به اداره نظمیه رشت و انزلی با بنده است. فشار زیاد به من وارد میشود و زحماتم خیلی زیاد است. بکلی تنها هستم، باز هم اظهار خستگی نمی‌کنم. بنده آنقدر عرض می‌کنم اگر اجازه بدهید ده نفر مفتش صحیح در شهر پیدا کرده، بلکه به توسط آنها کشف اعمال بعضی از مربوطین با جنگلی‌ها را نموده، اقدامات لازمه را بکنم، تا بتوانم موفق گردم و این را بدانید که من ناچارم در این خصوص اقدام نمایم. والا حمل بر بی‌کفایتی من خواهد شد. این است تمامی تفصیلی که معروض گردید.

چنین حس می‌کنم که لازم است خیلی پلتیک^{۱۲} اداره نظمیه را تغییر بدهیم. والا بعد از این دوچار اشکالات سخت خواهیم گردید. البته هر چه زودتر جواب در این باب بدهید که به فوریت عده‌ای مفتش تهیه کرده، از اقدامات آنها نتیجه بدست آورده، بتوانم اداره را در انظار اهمیت دهم.

مقصود قونسول فقط این است که اداره پلیس مسئول کشف این اوضاع است، والا کارها بکلی بهم می‌خورد. بنده هم عرض کردم که کشف این مراتب هم وسایل لازم دارد، که باید دولت برای ما در فراهم آوردن وسایل مزبور مساعدت نماید، و آنهم بسته به توسعه دادن اداره تأمینات است. جواب ندادند، گفتند شما مسئولید و باید اقدام بکنید و بعد از اینکه من دیدم اقدامات خوب می‌کنند، آنوقت من هم به سفارت مینویسم. والا... هیچ نمی‌توانم اظهار کنم. حال برای استحضار خاطر مبارک عرض می‌کنم اولاً بنده مجبور بعضی اقدامات که جالب دقت قونسولگری بشود بنمایم، والا با ما ضد خواهد شد.

حال هرگاه از من شکایتی به وزارت جلیله داخله در باب این اقدامات برسد، اهمیت ندهید، و در ثانی منتظرم حضرتعالی هرچه زودتر تشریف بیاورید، و هرگاه آمدن حضرتعالی به تعویق خواهد افتاد، به بنده اجازه دهید قبلاً شش نفر هم مفتش خوب تهیه بکنم، تا بلکه بتوانم تا اندازهای کارها را از ورطه خرابی خلاص نمایم - کاپیتن عبدالله سیف».

□ انتقاد از پیشکار مالیه گیلان

«وزارت داخله - نظمیه رشت

مورخه ۱۴ جدی (۹ ربیع الاول) ۱۳۳۵

نمره ۹

ضمیمه سواد راپورت نظمیه رشت و انزلی

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته‌العالی.

اینک با کمال احترام سواد راپورت قائم مقام خود را که از رشت رسیده است برای استحضار خاطر مبارک لفاً ایفاء میدارد.

در خصوص اعتراضاتی که جناب جلالتماب قونسول بلون قونسول دولت امپراطوری مقیم گیلان نموده، این بنده هیچ جوابی ندارد. زیرا که مسلم است جلوگیری و تفتیش از کارهایی که در رشت میشود از وظایف پلیس است، که همواره بواسطه وجود مفتش لایق و کافی کشف و جلوگیری نماید.

زهی افسوس که بواسطه عدم مساعدت پیشکار مالیه گیلان در پرداخت بودجه اداره نظمیه رشت و انزلی، در خصوص کشف این قبیل امورات محروم مینماید. چرا که پیشکار مالیه مرتباً بودجه مسلمه مصوبه را هر ماهه نمیرساند و معادل یکهزار و پانصد تومان هم هر ماهه کسر مینماید و همیشه اوقات اداره نظمیه در تضیق ۱۳ است، و بدین علت اجزاء کافی برای این قبیل نکات نمیتواند داشته باشد.

و اما راجع بفروش مشروبات و دایر کردن قمارخانه اتباع روس آنهم مطابق اظهارات جناب قونسول دولت بهیه در صورتیکه اتباع یونان و فرانسه در فروش مشروبات و دایر کردن قمارخانه مجاز باشند، جناب ایشان هم از اتباع خود البته ممانعت نمیتواند بنماید، و علاوه بر اتباع ایران هم جری شده و اداره نظمیه هم در

جلوگیری از آنها دچار مشکلات میشود. البته وظیفه این جانب همانا راپورت به وزارت متبوع بوده که حسب وظیفه راپورت داده و تقاضای کسب تکلیف و اقدام جدی در منع آنها نموده است.

از آنجا که به شرح معروضه و دلایل فوق از طرف دولت به پیشنهادات دولخواهانه این بنده هیچگونه اثری داده نشده و به هیچوجه طرف توجه واقع نگردیده، این است که از اداره نظمیة رشت و انزلی دچار اعتراضات حق قونسول کبری دولت امپراطوری گردیده است - احترامات فایقه را تقدیم میدارد».

□ مذاکره با سفارت فرانسه

«وزارت داخله.

نمره کتاب ثبت ۱۵۹۲۷/۴۱۲۴

کارتن ۱۰ دوسیه ۶

شعبه تحریرات: شمال

طهران - بتاريخ ۲۰ جدی (۱۵ ربیع الاول) ۱۳۳۵

رئیس تشکیلات نظمیة گیلان.

در ضمن مراسله ۹ سواد راپورت قائم مقام نظمیة را راجع به شکایت قنسول رشت از مشروب فروشی و قماربازی و غیره که جلوگیری از آن از وظایف نظمیة و اتباع فرانسه دانست و باعث تجری دیگران شده‌اند فرستاده بود، البته اجرای این قبیل احکام استثناپذیر نیست و کلیه اتباع داخله و خارجه باید مطیع یک حکم باشند و مخصوصاً به وزارت خارجه نوشته شد با سفارت فرانسه مذاکره نمایند و اتباع خود را به مراعات احکام و اجرائیات نظمیة مجبور و اداره نظمیة به جلوگیری و ممانعت از منہیات^{۱۴} قادر و توانا باشد».

□ مستثنی بودن اتباع فرانسه و تجری اتباع روس

«وزارت داخله.

نمره کتاب ثبت ۱۵۹۲۷/۴۱۴۵

طهران - شهری - به تاریخ ۲۰ جدی (۱۵ ربیع الاول) ۱۳۳۵ - صانزه مکتوب

وزارت جلیله امور خارجه - سابقاً بر طبق راپورت نظمیه رشت راجع به قمارخانه و مشروب فروشی اتباع فرانسه مخصوصاً موسیو شامیه فرانسوی شرحی به وزارت جلیله نوشته و جوابی که رسیده مذاکره با سفارت مرقوم داده، مراسله سفارت را فرستاده بوده، نتیجه و مفاد آن به ریاست نظمیه گیلان اعلام شد و اینک موافق راپورتی که از کفیل نظمیه گیلان رسیده و سوادش را لفاً تقدیم داشته و خود موسیو استولبرک رئیس نظمیه نیز حضوراً گزارش داده، مستثنی بودن اتباع فرانسه از حکم کلی باعث تجری اتباع روس و غیره گردیده و اقدامات نظمیه را در جلوگیری از این امور عقیم گذاشته است و لازم است نکات مسئله از طرف آن وزارت جلیله به سفارت فرانسه تذکر داده شده و حالی نمائید، و مسلماً مستثنی بودن اتباع فرانسه در مشروب فروشی ناقض حکم کلی دولتی و باعث تجری دیگران است و خوب است نظر به حکم کلی دولتی که مستلزم حفظ انتظامات محلی است، اتباع خودشان را به اطاعت احکام دولتی مجبور و این اشکال مرتفع گردیده و اداره نظمیه در جلوگیری قمارخانه و مشروب فروشی نسبت به کلیه اتباع دول خارجه و داخله قادر و توانا و دیگر معذوری نداشته باشد.»

□ فعالیت قمارخانه موسیو شامیه فرانسوی

«وزارت داخله

حکومت گیلان و طوالش

مورخه ۲۲ ربیع الاول ۱۳۳۵

نمره ۳۹۶۲

مقام منیع وزارت جلیله داخله - خاطر مبارک کاملاً مطلع است از اینکه از طرف مامورین دولت روس چقدر جدیت در جلوگیری از قمارخانه‌های عمومی و فروش مشروبات بطور علنی شده و میشود. این اواخر بر حسب راپورت اداره نظمیه در جلوگیری از بعضی یونانی‌ها که تحت حمایت فرانسه هستند، بقونسولگری فرانسه از طرف کارگذاری نوشته شد، و اینان اظهار موافقت کردند. لکن چیزی که اسباب اشکال شده، بنا به راپورت نظمیه، مجلس قمار موسیو شامیه فرانسوی است که مشارالیه به اسم کلوپ (که در واقع کلوپ نیست، بلکه یک مجمع قمار عمومی است)

قمارخانه مفصلی دارد. و بملاحظه او جلوگیری از سایرین، از یونانی‌ها و غیره خیلی اسباب زحمت شده و صریحاً میگویند در صورتیکه این حکم عمومی است شامیه چرا باید آزاد باشد، و اگر عمومی نیست. ماها چرا باید ممنوع باشیم؟

لکن قونسولگری فرانسه ابداً حاضر برای مساعدت و موافقت در مورد مسیو شامیه نیست. عقیده قونسولگری روس این است که باید کاملاً جلوگیری کرد، و از اتباع خودشان هم حاضر به همه قسم ممانعت و جلوگیری هستند.

حالا اگر باید این حکم بطور عموم مجری باشد و از بعضی مفساد جلوگیری شود، باید از طرف وزارت جلیله امور خارجه با سفارت دولت فخریه فرانسه مذاکره و از آنجا بقونسولگری فرانسه مقیم رشت حکم اکید صادر شود که در این باب با حکومت و کارگذاری و نظمیۀ مخالفت ننمایند تا اداره نظمیۀ بتواند به اجرای اعلان خود و مفساد منصور و موفق شود - کفیل امور حکومتی گیلان و طوالتش».

در زیر گزارش، از سوی وزارت داخله چنین نوشته شده است: «اداره شمال. در این موضوع بوزارت امور خارجه نوشته شده است. در تعقیب مراسلات قبل مواد این مشروح را ارسال و نظریات حکومت را بوزارت مشارالیه متذکر شوید - ۲۶ ربیع الاول».

□ سفارت فرانسه و فعالیت قمارخانه مسیو شامیه

«وزارت داخله

مورخه ۲۶ ربیع الاول ۱۳۳۵

نمره ۱۴۸۸/۳۶۵

وزارت جلیله داخله - پس از وصول مرقومه مورخه ۱۵ شهر بیع الاول نمره ۵۹۲۷/۴۱۴۵ متضمن راپورت اداره نظمیۀ رشت راجع بقمارخانه و مشروب فروشی کلوپ مسیو شامیه مذاکراتی با سفارت فرانسه بعمل آمده، سفارت مزبور بالمره منکر این مسئله است.

به این معنی که میگوید در این کلوپ مثل سایر کلوبها فقط اشخاص معدود و معینی آمد و شد مینمایند و قمار و مشروب فروشی که موجب شکایت نظمیۀ باشد وجود ندارد، و آنچه استنباط میشود نظریات شخصی در بین است. با این حال

وزارتخانه چنین صلاح دانست که کم و کیف مسئله را از کارگذار خارجه آنجا تحقیق نموده و پس از وصول جواب و اطلاع از صدق و کذب مطلب اقدامی که مقتضی است بنماید. محض استحضار آنوزارت جلیله در مقام زحمت برآمد - نصرالدوله» ۱۵.

□ تذکر وزارت داخله به وزارت امورخارجه

«وزارتخانه داخله

مورخه ۳ دلو (۲۷ ربیع الاول) ۱۳۳۵

نمره ۱۶۷۱۷/۴۳۶۷

وزارت جلیله امور خارجه - کراراً خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله را بر طبق راپورتهای واصله از رشت راجع به معایب و مضرات قمارخانه و مشروب فروشی علنی متوجه داشته و مساعدت آن وزارت جلیله را در جلوگیری از شیوع آن که فونسولگری روس نیز نهایت مساعدت را در آن داشته، جلب نموده است و اینک نیز مشروحهای از کفیل حکومت گیلان در تعقیب این مسأله رسیده است که سواد آنهم لفاً ملاحظه و قدغن خواهید فرمود که بدی و معایب این کار را که کلوب مسیو شامیه آن همه ساعی و مصر و باعث تجری دیگران شده است، به سفارت فرانسه حالی و نتیجه مطبوع اتخاذ و به وزارت داخله اعلام داشته که بر طبق آن بحکومت گیلان تعلیمات تکافیه داده شود.»

□ تسلیم کسنولگریها در مقابل خواست مردم مبنی بر تعطیل

مشروبفروشیها

«وزارت امورخارجه

حکومت گیلان و طوالش

مورخه ۱۴ محرم ۱۳۳۶

نمره ۲۵۲۸

مقام منیع وزارت جلیله داخله - چندی بود که بواسطه دائر شدن قمارخانههای عمومی در رشت و پاره‌های حرکات مردم در آنجا، حکومت در نظر داشت با موافقت فونسولگریها جلوگیری نماید.

این اوقات که شکایت اهالی هم متواتراً از تشکیل قمارخانه‌ها که در واقع تجاهر^{۱۶} به فسق بود ضمانت گردید، برای اینکه سؤنایجی حاصل نگردد، بوسیله آقای معتمدالسلطنه^{۱۷} کارگذار که الحق در پیشرفت امور و انتظامات محلی در هر موقع نهایت صمیمیت و جدیت را دارند و از حسن نیت و عقیده‌شان موجبات رضایت خاطر اهالی و اطمینان کارکنان حکومت فراهم است، قنسولگریها را موافق و اعلانی طبع و نشر نموده، بحمدالله به جلوگیری این امر مهم کاملاً موفق گردیده، عموم اهالی را از این اقدام خوشنود گردانید برای استحضار خاطر مبارک یک نسخه از اعلام را لفاً تقدیم داشت - حکومت گیلان و طوالش».

- (۱) - اداره انگارگذاری، اداره مهرگذاری.
- (۲) - استظهار: یاری خواستن، پشت گرمی داشتن.
- (۳) - تعظیم و احترام
- (۴) - پردسه: پردیس، باغ و بستان، زبال: چیز اندک و کوچک. پردسه زبال:
- باغ کوچک (فرهنگ عمید).
- (۵) - نایب کنسول کنسولیاری.
- (۶) - ستوان عبدالله خان سیف. لیوتان: ستوان، از درجات نظامی در زبان فرانسه.
- (۷) - راهنمایی و دلالت.
- (۸) - مسیو استوبرگ (شوبرگ) سوئدی، رئیس و تشکیل دهنده نظمی.
- (۹) - مسیو بلوم، کنسول فرانسه در رشت.
- (۱۰) - جلب می‌کند.
- (۱۱) - درجه نظامی قزاقان روسی که بیشتر به افسران اطلاق می‌شده است.
- (۱۲) - سیاست.
- (۱۳) - در مضیقه و کمبود است.
- (۱۴) - جمع نهی، مسایل نهی شده.
- (۱۵) - نصرالدوله، ملقب به سپهدار: پس از فراهم آوردن قوایی در گیلان به همراه قوای بختیاری در اول رجب ۱۳۲۷ هجری قمری تهران را فتح کرد و در

دستور رئیس قشون روس برای خلع سلاح عمومی

□ مهلت سه روزه برای تحویل اسلحه به اداره حکومتی

«وزارت جلیله داخله

حکومت عراق^۱

سواد اعلان جمع آوری اسلحه.

تاریخ ۲۱ شهر ربیع الاول ۱۳۳۴

چون راجع بجمع آوری اسلحه مراسله‌ای از طرف رئیس قشون دولت فخمیه روس باداره حکومتی رسیده است لهذا بعموم اهالی که دارای اسلحه میباشند بنا به اشعار ریاست قشون اعلان می‌نماید که از این تاریخ تا سه روز دیگر هر کس اسلحه از سابق یا در این اوقات خریداری نموده دارد، باداره حکومتی آورده تسلیم نماید، که پس از انقضای مدت نزد هر کس پیدا شود اسباب مسئولیت برای او فراهم نماید، و برای اطلاع عموم عین مشروحیه ریاست قشون را نیز ذیلاً درج نمود - کفیل حکومت».

□ مشروحیه رئیس قشون روسیه

«حکومت جلیله عراق - بموجب راپورتی که بمن رسیده در شهر عده ژاندارم میباشند با اسلحه لباس عوض کرده‌اند و در شهر نهان میباشند. غیر از این بعضی اشخاص معروف که ثبت آنها نزد من است در این اغتشاش آخرین داخل و با پول آلمانها تقریباً دو هزار قبضه تفنگ اسلحه خریده‌اند. چون هجوم بی‌طرف و سالم که تحت آسایش قشون امپراطوری روس و محتاج با اسلحه نیستند از این جهت خواهشمندم که اقدامات سخت فرمائید و فوری از اندک زمانی اسلحه مزبور را تسلیم نمایند و هر کس بر ضد این اقدام رفتار نماید و اسلحه را تحویل ندهد از یاغی‌ها محسوب خواهد شد.

— سقوط محمد علی شاه و به سلطنت رسیدن ولیعهد خردسالش احمد شاه نقش

مهمی ایفا کرد، و بعدها در دوران وی به وزارت امور خارجه رسید.

(۱۶) - تظاهر به کار کردن، آشکار و بی‌پروا مرتکب عملی شدن.

(۱۷) - فرخ معتمد السلطنه نماینده و کارگذار وزارت امور خارجه در گیلان.

رئیس قشون امپراطوری - توسجانشکی».

- سواد مطابق با اصل است که در کابینه حکومتی است.

□ موافقت وزارت داخله با خلع سلاح ژاندارمها

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

شماره کتاب ثبت ۱۷۹۰

کارتن ۴ دوسیه ۶

شعبه تحریرات غرب

تهران - عراق بتاريخ ۴ ربیع الثانی (۱۹ دلو) ۱۳۳۴ صادره مکتوب.

نیابت حکومت عراق - مراسله نمره ۱۴۹۲ شما راجع باظهار رئیس قشون

روس در باب جمع آوری اسلحه متضمن سواد تلگرافی که در اینباب کرده اند ملاحظه

شد. نظر باینکه این اقدام آنها در خصوص خلع اسلحه متضمن آسایش عموم است

ضرر ندارد بطوریکه تقاضا نموده اند شما هم اقدام نمائید و نتیجه را راپورت بدهید».

ضبط تفنگ ژاندارمری قم توسط قشون روس

□ مذاکرات با وزیرمختار روس

«وزارت امور داخله

اداره روس

مورخه ۲۱ ربیع الاول ۱۳۳۴

نمره ۱۱۷۱۹/۲۵۱

وزارت جلیله داخله - مرقومه محترمه مورخه ۲۴ شهر صفر نمره ۳۹۶۷ در باب یک میلیون و شصت هزار عدد فشنگ تفنگ و سه هزار عدد گلوله توپ متعلقه بژاندارمری که قشون روس در قم ضبط کرده‌اند شرف وصول بخشید. مراتب با جناب وزیر مختار روس مذاکره و نتیجه آن بعرض حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء دامت شوکت رسیده است. محض استحضار خاطر محترم کارگذاران آنوزارت جلیله جواباً بمقام سرآمد - علیقلی».

□ اشغال قورخانه قم و ضبط چهل هزار قبضه تفنگ

«۱۷ صفر ۳۴

نمره ۸۶۲

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکت.

قورخانه‌ای که در اوایل انتشار خبر موکب اعلیحضرت همیونی^۱ به قم از طهران، ژاندارمری به قم حمل نموده بودند در انبار اداره بود. موقع حرکت سلطان محمدحسین میرزا با عده خودش بساوه لابد یکمقداری حمل نموده بودند، فدوی نمیداند و در وقتی که خبر اشغال ساوه از طرف قشون روس رسید و کميته بکارشان رفتند و آمدن قشون به قم حتمی‌الوقوع شد، مازپوست در دو روزه اخیر هر قدر توانست از آن قورخانه حمل نمود که میزان آنرا هم فدوی نمیداند. ورود قشون روس بمنظریه و زد و خورد با ژاندارم چند نفر ژاندارم مستحفظ قورخانه هم از اداره فرار نمود و قورخانه مانده بود که فدوی ناچار فرستادم نظمیّه درب انبار را مهر نمود و پلیس مستحفظ گذاشت، و این اتفاق صبح همان روزی شد که عصر قشون وارد شد.

بالاخره از طرف پالکونیک دیروز مأموران قزاق رفتند و آنچه بود از اداره حمل به اردوی خودشان نمودند و اداره را هم با بعضی اسباب از قبیل زیلو و میز و صندلی اشغال نمودند. از قرار تحقیقی که شد قریب چهل قبضه تفنگ سیستم‌های مختلفه که اداره از مردم گرفته و تقریباً سیصد هزار فشنگ در جعبه‌های بسته بوده، اقدامات از مجاری خود بسته به رأی هیئت دولت علیه است. قورخانه دولتی با کسی جنگ نداشته است. فدوی - معتمدالدوله»^{۲۰}

در زیر نامه چنین نوشته شده است: «اداره جنوب - از طرف وزارتخانه اقدامات لازم شده و میشود. ضبط شود».

(۱) - اعلیحضرت همایونی - منظور احمد شاه قاجار است.

(۲) - شاهزاده معتمدالدوله حکمران قم و عراق عجم (اراک).

تلگرام کمیته دفاع ملی به علمای مشهد

«وزارت داخله»

سواد استخراج رمز ایالت خراسان

مورخه ۴ صفر ۱۳۳۴

نمره ۸۲۶

وزارت جلیله داخله - چند تلگراف بامضای وکلا و کمیته ملی^۱ از قم تاکنون بعلماء و اعیان و غیره بمشهد مقدس شده است.

خصوصاً امروز سه صفر که از قرار معلوم نیت اعلیحضرت همایونی اولیاء دولت این است (که) طرفیت حاصل نمایند با عقاید مسلمانی، خیلی منافی است. تلگرافی اخیری را درخواست نموده‌ایم، منتظر جواب هستیم. به تمام اهالی اطلاع بدهید که تا جان در بدن است برای دوام و استقلال مذهبی تماماً حاضر هستیم و خواهیم جنگید، حاضر (برای) همه نوع دفاع باشید تا خبر ثانوی برسد.

متحیرم و نمیدانم که اینگونه تلگرافات با اظهار مفسدین است که انتشار این گونه تلگرافات نتیجه چه خواهد بود، مستدعی است که بفوریت تکلیف این را از حیث معلوم نمایند که چنانچه از طرفی اقدام شود تکلیف چه خواهد بود. ۳ صفر نمره ۸۳ - نیرالدوله».

اصل تلگراف بجهت نصح^۲ به تلگرافخانه فرستاده شد.

-
- (۱) - جمعی از رؤسای حزب دموکرات در پی حرکت قشون روسیه به سمت تهران عازم قم شدند و در محرم ۱۳۳۴ ه.ق «کمیته دفاع ملی» را در این شهر تأسیس کردند و سپس هیات‌هایی به ولایات و ایلات فرستادند تا طرفدارانشان را برای نبرد با روس و انگلیس مهیا کنند.
- (۲) - پند و اندرز - محبت خالص (فرهنگ عمید).

اقدامات کمیته دفاع ملی و رفع نگرانی انگلیس

«وزارت داخله

اداره تأمینات

مورخه شهر ربیع الثانی ۱۳۳۴

نمره ۴۲۸۷

وزارت جلیله امور خارجه - مرقومه جوابیه نمره ۳۹۶۲ راجع به یادداشت سفارت انگلیس در خصوص کمپانی حمل و نقل و اقدامات کمیته دفاع ملی زینت وصول بخشید. خاطر اولیای آنوزارت جلیله کاملاً مستحضر است که چون اقدامات کمیته دفاع کسب اهمیت فوق‌العاده نموده بود، هیئت وزراء عظام تمام اوقات خود را مصروف تسویه این امر نموده بودند و از برای وزارت داخله اجرای تقاضای آن وزارت جلیله غیر میسر بود. در هر صورت فقط مبنای صورت ظاهر شرحی بداره ژاندارمری نوشت و از آن اداره هم جواب نوشتند که چون قم و عراق درید کمیته دفاع ملی و آلمانها است اینگونه اقدامات برای ژاندارمری دولتی غیر مقدور است. وزارت داخله هم بر طبق جواب آن اداره شرح مقتضی بآنوزارتخانه جلیله نوشت و در همان ایام هم کمیته و آلمانها از قم و عراق خارج شدند و بکلی اشکالات مرتفع گردید و موضوع یادداشت سفارت انگلیس هم برطرف شد. با این ترتیب تصور نمیرفت که احتیاج بفرستادن مرقومه اخیر داشته باشند و اگر هم جوابی برای سفارت انگلیس لازم بود خود آنوزارت جلیله میتوانند مستقیماً جواب کافی داده باشند. معلوم است قدغن خواهید فرمود خود آنوزارت جلیله با مقام وزارت پست و تلگراف مکاتبه کرده و قرار پرداخت وجه بکمپانی حمل و نقل را بفرمائید».

تأمین نیازهای ارتش روسیه در اراک

«وزارت داخله»

حکومت عراق

نمره ۱۸۷۳

مورخه ۲۴ شهر جمادی‌الثانیه قوی‌ئیل مطابق ۶ برج حمل ۱۳۳۴

مقام منبع وزارت جلیله داخله مدظله - در چند روز قبل تلگرافی از جنابمستطاب آقای ژنرال باراتف^۱ رسید که هر قدر شتر و قاطر ممکن است تهیه نموده بهمدان نزد جناب آقای ژنرال شاه نظر اوف بفرستید و او تکلیف آنها را معین خواهد نمود. فدوی دویست قاطر و شتر حاضر نموده، توسط جناب آقای رئیس قشون اعلیحضرت امپراطوری مقیم عراق تکلیف خواستم. جنابمستطاب آقای ژنرال باراتف در جواب مخابره فرموده بودند که قاطر و شتر موجوده را جو بار کرده، از راه بروجرد با قزاقها خودشان روانه کرمانشاهان نماید و در آنجا کرایه و قیمت جو را دریافت دارند. با همه اینکه صاحبان جو و قاطر و شتر بهیچوجه قبول نمینمودند فدوی از آنجائیکه میدانست اولیای دولت در اینگونه موارد لازمه مساعدت را میل دارند با جناب آقای ژنرال باراتف بشود، لهذا بصاحبان قاطر و شتر و جو اطمینان داده، قدری پیش کرایه قیمت جو قبلاً از خود پرداخته و مابقی را هم اعتبار دادم که بآنها بپردازم. دویست قاطر و شتر را هفتاد و پنج خروار جو بارگیری نموده از راه بروجرد بتوکللاً علی‌الله فرستاده، هنوز هم خبری از آنها نرسیده، برای استحضار خاطر مبارک بطور راپرت تصدیع داد. فدوی - معتمدالسلطنه - حکومت عراق».

در زیر نامه چنین نوشته شده است: «اداره غرب - سواد بوزارت امور خارجه بفرستید».

ضمیمه شدن لیراوی به حکومت بنادر به خواست انگلیس

□ تقاضای سفارت انگلیس در مورد ضمیمه شدن لیراوی

«وزارت امور خارجه

اداره کابینه

مورخه ۷ شهر رجب ۱۳۳۴

نمره ۱۷۰۶

وزارت جلیله - مذاکرات و تصمیمی که در کابینه سابق هیات وزراء عظام و در موضوع محل لیراوی فرموده‌اند، خاطر محترم مستحضر است که به تقاضای سفارت انگلیس مقرر شد ضمیمه حکومت بنادر شود و مخصوصاً همانوقت حضرت والاشاهزاده فرمانفرما اجراء این تصمیم را به ایالت فارس تلگراف فرمودند.

البته تا به حال محل مزبور جزو حکومت بنادر شده است و برای یادآوری زحمت‌افزا می‌شود که هر گاه این رای هیئت وزراء عظام تاکنون بموقع اجرا گذاشته نشده است موکداً در اجراء آن احکام لازمه به ایالت فارس صادر و اطلاعاتی که آن وزارت جلیله در این باب دارند که ضمیمه حکومت بنادر شده است یا نشده، به وزارت خارجه مرقوم فرمایند و به هر صورت لیراوی را در حوزه قلمرو حکومت بنادر محسوب فرمایند و مخصوصاً خواهشمندم به عرض حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزراء راپرت بدهید و از اقداماتی که شده و یا می‌شود، این وزارتخانه را زودتر مطلع فرمایند - اکبر».

در زیر سند نوشته شده است: «اداره جنوب، سابقه را ضمیمه نموده، بیاورید که بدواً به عرض مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته برسد و بعد نتیجه اقدامات تصمیم هیئت دولت سابق و مقررات مطاع حضرت اشرف اعظم به وزارت امور خارجه در ضمن جواب ارسال شود.»

□ نامه وزارت داخله به رئیس‌الوزراء

«وزارت داخله

اداره جنوب

مورخه ۱۱ شهر رجب ۱۳۳۴

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمتہ - در زمان ریاست وزرایی حضرت والا فرمانفرما تلگرافی به حکومت بنادر مخابره شد که لیراوی را جزو حوزه حکومت بنادر دانسته و کارهای حکومتی آنجا را کلیتاً راجع به خود بدانند، دیگر جوابی در این باب از حکومت بنادر نرسید و حالا وزارت خارجه تقاضا کرده است که مسئله تعقیب شود و تلگرافات لازم به ایالت فارس و حکومت بنادر در اجرای این تصمیم مخابره شود، موقوف امر مبارک است».

در زیر سند نوشته شده است: «صحیح است، باید تلگراف بشود».

□ نامه وزارت امور خارجه به وزارت داخله

«وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

مورخه ۲۶ رجب ۴۴

نمره ۱۲۱۹/۴۹۳

وزارت جلیله داخله - مرقومه محترمه نمره ۷۲۶ آن وزارت جلیله در باب تضمین لیراوی به حکومت بنادر شرف وصول بخشید. این مسئله به تفاضی سفارت انگلیس در کابینه سابق مطرح و تصویب شده و از آن وزارتخانه نیز اقداماتی بعمل آورده.

بنابراین سفارت چنین میداند که انجام یافته و حالا خواستند که از وزارت جلیله مالیه تعلیمات لازمه صادر شود. مالیات آنجا را ضمن مالیات بنادر بوشهر منظور نمایند. ولی از مفاد مرقومه محترمه مستفاد میگردد که تکمیل اقدامات از آن وزارت جلیله نشده و هنوز معلوم نیست لیراوی ضمیمه بنادر شده باشد. لهذا متمنی است زودتر توجهی در تکمیل اقدامات در این امر مبذول فرمایند که انجام آن به سفارت انگلیس اطلاع داده شود - اکبر».

در زیر سند می‌خوانیم: «اداره جنوب - اقداماتی که در موضوع لیراوی از وزارت داخله به عمل آمده است، در ضمن جواب به وزارت امور خارجه اطلاع دهید».

□ پاسخ وزارت داخله

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۹۹۳/۷۲۶

کارتن ۸ دوسیه ۶

شعبه تحریرات جنوب ارسال در ساعت ۲۴

تهران - شهری بتاریخ ۲۴ ثور (۱۱ رجب) ۱۳۳۴

- وزارت جلیله امور خارجه - در جواب مرقومه نمره ۱۰۷۶ راجع به تصمیم لیراوی به حکومت بنادر زحمت می‌دهد که در این باب تلگرافی به نمره ۴۹۲۵ مورخه ۱۰ دلو در موقع ریاست وزرایی حضرت فرمانفرما به حکومت بنادر مخابره شد، ولی دیگر جوابی از حکومت آنجا نرسید. حالا هم همین تفصیل بطور راپورت به مقام محترم ریاست وزراء عظام عرض شد.»

□ دستور جدایی لیراوی از امور حکومتی بهبهان

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۸۱۴

کارتن ۹ دوسیه ۶

شعبه تحریرات جنوب

تهران - شهری - بتاریخ ۲۸ ثور (۱۵ رجب) ۱۳۳۴

صادره تلگراف

حکومت جلیله بنادر - چندی قبل در نمره ۴۹۳ تلگراف شد که لیراوی را جزء حکومت بنادر دانسته و امور حکومتی آنجا در جزو بنادر اداره و مرتب دارید تا بحال جوابی در این باب از جنابعالی نرسیده است. مزید است که لیراوی را بکلی از بهبهان مجزی و جزو بنادر دانسته و امور حکومتی آنجا را مرتب داشته و نتیجه را اطلاع دهید و به همین طور به ایالت فارس تلگراف شد.»

□ دستور وزارت داخله به نایب‌الایاله فارس

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۸۰۸۵

کارتن ۹ دوسیه ۶

شعبه تحریرات جنوب

تهران - شیراز بتاريخ ۲۸ ثور (۱۵ رجب) ۱۳۳۴

صادره تلگراف

نایب‌الایاله فارس - سابقا به حکومت بنادر تلگراف شده بود که لیراوی را جزو حکومت بنادر دانسته و کارهای حکومتی آنجا را جزو بنادر اداره و مرتب دارند و حالا هم لزوماً به جنابعالی اظهار می‌دارد که آنجا را جزو بنادر دانسته و امور حکومتی آنجا را جزو بنادر دانسته و امور حکومتی آنجا را به حکومت بنادر رجوع نمایند».

□ تعقیب اقدامات گذشته در مورد ضمیمه شدن لیراوی به حکومت بنادر

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۳۵۱۵/۸۷۶

کارتن ۹ دوسیه ۶

شبه تحریرات جنوب - ضمیمه دو اصل راپورت

طران - شهری بتاريخ ۱ جوزا

(۱۹ رجب) ۱۳۳۴

صادره تلگراف

وزارت جلیله امور خارجه - در تتمیم نمره ۷۳۶ راجع به مساله لیراوی زحمت افزا می‌شود که راپورت سابقه اقدامات در تصمیم آنجا به حکومت بنادر به مقام محترم ریاست وزراء عظام دامت شوکته عرض و مقرر فرموده‌اند اقدامات سابق تعقیب شود. لهذا دو تلگراف به عنوان حکومت بنادر و نایب‌الایاله فارس صادر و به

تلگرافخانه فرستاده شد. تلگراف شیراز را هم مخابره کرده و تلگراف بنادر را به واسطه نبودن سیم اعاده داده و اینک سواد تلگراف به عنوان نایب‌الایاله فارس به انضمام اصل تلگراف به عنوان حکومت بنادر زده که ارسال داشت که به هر وسیله که مقتضی بدانند در مخابره آن اقدام بفرمایند».

تعقیب مأموران آلمانی در شاهرود و خراسان

□ خبر ورود یک آلمان به سمنان^۱

«نمره کتاب ۵۱

از شاهرود به طهران

نمره تلگراف ۱۰۵

عدد کلمات ۲۸۴ - تاریخ اصل ۳۱

دولتی است - ۳۱ جوزا - اسم گیرنده عین‌الله.

مقام مقدس وزارت جلیله‌داخله - تلگراف مبارک نمره ۶۵۴ راجع به علی خان سیاه‌کوهی زیارت شد. علی‌خان سه روز قبل به تلگرافخانه سمنان رفته و رئیس تلگرافخانه سمنان بتوسط تلگرافخانه دامغان به بنده تلگراف کرده‌اند که علی‌خان می‌گوید سی نفر سواریم با یک نفر شخص آلمانی، به سمنان ورود کرده و چون مطلب محرمانه به آنجا داریم و به ملاحظه این که مبادا در شاهرود خبر آمدن ما نشر کند، بتوسط تلگرافخانه دامغان استدعا می‌کنیم که روز ورود به شاهرود در شهر باشید که ملاقات شود و مطالب خود را سرّاً بگویم. با این که علی‌خان این مطلب را طوری برآمده بود که تصور میرفت از طرف دولت به ماموریت آمده و مطلبی خیلی سری دارد، فوری به محتشم‌الدوله که در دامغان است نوشتم پس از ورود علی‌خان به دامغان او را ملاقات کند و بگوید اگر از طرف دولتی مطلبی و ماموریتی دارد حکم خود را ارائه دهد و مطالب خود را به توسط مکتوب یا آدم مخصوص بگوید. والا چون آلمانی همراه او است و موقع شاهزاده خیلی باریک است و شاید حرفی حاصل بشود، بهتر است ساده‌تر ورود نماید یا اصلاً نیاید. از قرار تلگراف نایب‌الحکومه سمنان علی‌خان روز بیست و نهم جوزا از سمنان بطرف دامغان حرکت کرده، ولی تاکنون خبری از

محتشم‌الدوله نرسیده است. اگر علی‌خان بشاهرود آمد و بخواهد تخطی کند البته بر حسب امر مبارک او را دستگیر خواهیم کرد، والا هر طور که مقتضی است با او رفتار خواهد شد و هر خبری هم قبل از ملاقات او برسد بعرض میرسانم. هشتم شعبان نمره ۱۸۴ - امیراعظم»^{۲۰}

□ اتهام برهم زدن اوضاع خراسان

«نمره ۴۱۰»

نمره کتاب ۱۰۴

از شاهرود به طهران

نمره قبض ۱۳۶۶ - نمره تلگراف ۳

عدد کلمات ۴۳۳ تاریخ اصل ۱

دولتی - تاریخ وصول اول سرطان - نام گیرنده غلامحسین.

طهران - مقام رفیع ریاست‌الوزراء عظام مدظله. چون در تلگراف نمره ۱۸۶ که قبلاً به وزارت داخله عرض و کپی آن را گفته بودم تقدیم کنند جواب دستخط تلگرافی نمره ۱۰۶۷ را هم حاوی بود، دیگر علیحده تصدیق نداد، ولی پس از آنکه تا یک در حد اقدامات نتیجه بخش این است که بعضی این تلگرافات جسارت می‌ورزد پس از اینکه تلگراف علی‌خان از سمنان به توسط تلگرافخانه دامغان بفدوی رسید فوری آدم مخصوص به توسط محتشم‌الدوله نزد او فرستادم که موقع شاهرود با سابقای که در خصوص شخص اتریشی پیدا کرده خیلی نازک است، اگر شما دستورالعمل و حکمی از دولت دارید قبل از ورود خودتان ارسال و ارائه بدهید که تهیه آن بشود، و اگر حرکت خودسرانه کرده‌اید بهتر آن است که قبل از آنکه خودتان و دولت را در محذورات دچار کنید یک طریق عقلایی نماید و بهتر این است همراه آن هر کس و بهر خیال هست و در همان جایی که هستید بگذارید و خودتان قبلاً محرمانه بیایید مرا ملاقات نموده، بهرچه صلاح است اقدام کنم، این پیشنهاد اثر قطعی نموده و فوری پیشنهاد و اینطور اظهار میکند مرا مازور ادوال خواست، ضمانت‌نامه و هشت هزار تومان که برای خارج نشدن از طهران داده بودم، بمن رو کرد و گفت حکم دولتی است شما این شخص آلمانی را از هر طریق صلاح میدانید سالماً به خراسان برسانید،

بلیط او را که هر قدر بخواهیم، و توصیه هم به ژاندارم سه فقره داد و درست دارد. من هم آمدم، تا دولت آباد دامغان آمدم. آدم شما رسید. حضرات را گذاشتم، خود آمدم، آلمانی، پاشا و شخص مهدی است، مترجم، میرزا آفاخان، یمین السلطنه، نوکر ایرانی چهار نفر، تفنگ پنج تیر آلمانی دو قبضه، اسباب و بنه و غیره شش بار، نوکرهای علی خان با تفنگ سیزده سوار، پیاده دو نفرند. مقصود بهم زدن خراسان و ایلات آن، اوراق و دستورات العمل برای انتشار بسیار، پس از مذاکره قرار شد بنویسد آدمهای او به اسم اینکه اجماعاً فقط برای نوکری و خدمت فدوی آمده‌اند از پاشا جدا شده، به شاهرود می‌ایند و همه اظهار کنند که فرنگی مجهول الحال، و رفیق هم نبوده، بعد سربسته بنویسم که مقتضای اختلاف مسافرت موجود نیست به طهران مراجعت کند. کاغذ را نوشت، فرستاد. فعلاً علی خان تنها شاهرود نزد فدوی، پاشا و مابقی در دولت آباد نرسیده به دامغان، آدم علی خان در حال رسالت و آوردن بقیه. منتظر امر مبارکم. دهم شعبان نمره ۱۸۸ - امیراعظم».

□ دستور انتقال آلمانی به تهران

«دولت علیه ایران

نمره ۴۱۰

طهران - سمنان بتاريخ ۱۴ رمضان ۱۳۳۳

صادره: تلگراف

رمز

خیلی فوری - حکومت جلیله شاهرود و بسطام و سمنان و دامغان.

حسب الامر ریاست وزراء عظام دامت شوکتة زحمت میدهد لازم است شخص اروپایی را که به دامغان آمده است، با درشکه شخصی خودتان او را عاملان روانه طهران فرمائید - وزیر داخله».

در زیر نامه این عبارت نوشته شده است:

- «فوراً رمز کنند که برای امضای فرستاده شود».

- «ظهر ۱۴ مخابره شده».

□ اظهارات کنسول روس به حاکم سیستان و قائنات

«نمره ۵۷»

نمره کتاب ۲۲۴

از بیرجند به طهران

نمره قبض ۵۳۹ نمره تلگراف ۱۵

عدد کلمات ۳۲۷ تاریخ اصل ۱۱

دولتی - تاریخ وصول ۱۴ سرطان - اسم گیرنده علی اکبر.

مقام منیع بندگان حضرت اقدس آقای رئیس‌الوزراء روحیفدا. بتاريخ ۱۰ شعبان مراسله محرمانه و دوستانه از قونسول روس به چاکر رسیده که یک نفر آلمانی از اصفهان خارج شده به طرف یزد و مشهد مقدس می‌آید. لیکن قویاً احتمال می‌رود که به طرف افغانستان برود. هشت نفر سرباز اتریشی، سی و دو سوار اصفهانی و دوازده قاطر قورخانه همراه دارد. در آن کاغذ اظهار دلسوزی کرده‌اند که چنانچه اشخاص مفصله اینجاها وارد شدند ممکن است اسباب اغتشاش شود. چاکر جواب دادم من یقین و حتم دارم اینجا هیچ کاری نخواهند کرد، چرا که پیشرفتی نمیکنند. دیروز ۱۸ شعبان‌المعظم قونسول به تمهیدات چاکر آمد، معلوم شده در خصوص همان مطلب است.

در این خصوص مذاکرات خیلی مفصلی بین چاکر و قونسول شد که نمیتوان تمام را در این عریضه بعرض رساند. حاصل اینکه خوب است اسبابی فراهم نمایم که این شخص وارد این خاک نشود. چاکر جواب داد تا حکمی از اولیاء دولت علیه به من نرسیده، بهرچه دستورالعمل برسد این جزئیات سهل است، انشاءالله تعالی از پنج‌هزار نفر هم ممانعت خواهم کرد. باز از طرف قونسول اظهار شد که شما از اولیاء دولت علیه کسب تکلیف نمائید. چاکر جواب داد همانطور که شما با من مذاکره می‌کنید، یقین است که از سفارت شما هم این مطلب را بعرض اولیاء دولت علیه رسانیده و مسلم است در صورتیکه هم مسئله اهمیت میداشت، از طرف دولت متبوعه به چاکر احکام لازمه صادر میشد.

بعد از آن گفت در صورتیکه مسئله اهمیت میداشت از طرف دولت پیغام به چاکر و احکام لازم صادر میشد (عبارت اخیر در متن سند خط خورده است). بعد از

آن گفت در صورتیکه اقدامات لازمه را شما نمیکنید ما همان اقداماتی را که در بوشهر نموده‌ایم خواهیم کرد. چاکر جواب داد این قسم مذاکره از دوستانه گذشته و در صورتیکه این مذاکره رسمانه است موضوع را بعرض اولیای دولت علیه رسانیده، کسب تکلیف میکنم. جواب اظهار شد مذاکرات رسمانه است. اینک چاکر حاصل مذاکرات را راپورت داده، چاکرانه مستدعی است بفوریت تکلیف چاکر را از هر جهت معین فرمائید. هم از جهت ورود آلمانی و هم اگر انگلیسی‌ها اقدامی نمایند تکلیف چیست، زیرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. نوزدهم شعبان نمره ۳۰ خانزاد - محمدابراهیم» ۳۰

□ مذاکره با کنسول انگلیس

«نمره ۴۵۶»

نمره کتاب ۲۳۸

از بیرجند به طهران

نمره قضی ۵۴۴ نمره تلگراف ۱۶

عدد کلمات ۱۱۶ تاریخ اصل ۱۲

دولتی تاریخ وصول ۱۳ شعبان - اسم گیرنده رحیم

طهران - مقام منیع بندگان حضرت اقدس آقای رئیس‌الوزراء روحی‌فداء - در تعقیب نمره ۳۰۰ مورخه ۱۹ شعبان جسارت میوزرد ۱۹ شهر شعبان‌المعظم مراسله رسمی از قونسول انگلیس رسید که مذاکرات حضوری را تجدید کرده‌اند. چیزی که هست لهجه مراسله به سختی مذاکرات نیست. ولی خیلی لازم دانسته که آلمانی‌ها توقیف بشوند تا خبر از مرکز برسد. ۲۰ شهر شعبان‌المعظم کاغذ دوستانه از قونسول رسید که هیئت وزراء عظام به ایالت کرمان امر فرموده‌اند آلمانی‌ها را جلوگیری شوند، به توهم حکم خواهد رسید. لیکن از طرف اولیاء دولت علیه تا دستورالعمل نرسد ممکن نیست بهیچ وجه حاکم اقدام نماید. ۲۱ شعبان نمره ۳۱، خانزاد - محمدابراهیم».

□ شناسایی مسافران ایران توسط انگلیس

«نمره ۴۶۸»

نمره کتاب ۲۴۳

از بیرجند به طهران

نمره قبض ۵۷۷ نمره تلگراف ۲۸

عدد کلمات ۸۳ تاریخ اصل ۱۶

دولتی - تاریخ وصول ۱۷ (شعبان) اسم گیرنده ساعد

طهران - مقام منبع بندگان حضرت اقدس آقای رئیس‌الوزراء روحی فداه (کیه وزارت جلیله داخله).

در تعقیب نمره ۳۱ جسارت میوزد قونسول انگلیس چند نفر غلام با لباس مبدل به اطراف فرستاده برای تفتیش حال مسافری ایران. از کارگذاری مشهد مقدس هم از کارگذار خارجه شرح حال همین مسافرین خواسته بودند. دلایل حکم میکند که روسها و انگلیسی‌ها فوق‌العاده بوسایل مختلفه موانع سخت جهت این اشخاص خواهند تراشید. محض استحضار خاطر اقدس جسارت ورزید.
۲۰ شعبان نمره ۳۲ خانزاد - محمدابراهیم».

□ پیوستن افراد نایب‌حسین کاشانی به آلمانی‌ها

«نمره ۴۸۶»

نمره کتاب ۸۵

از بیرجند به طهران

نمره قبض ۶۴۱ نمره تلگراف ۵۲

عدد کلمات ۱۴۵ - دولتی

تاریخ اصل ۲۸

توضیحات: برحسب تقاضای تلگرافی نمره ۵۳ حکومت بیرجند که بوزارت

جلیله داخله ارسال شد - ۲۸ سرطان (کیه وزارت جلیله داخله).

طهران - مقام منبع بندگان حضرت اقدس آقای رئیس‌الوزراء روحی فداه. در

تعقیب نمره ۳۳ خود مورخه ۲۵ شعبان جسارت میوزد بالحال خبر ورود عابرین آلمانی به خاک قائنات به چاکر نرسیده است. لیکن نوشته مورخه پنجم رمضان قونسول انگلیس حکایت میکند که یک قسمت آلمانی‌ها مدتی است به کرمان و قسمت دیگر به طبس رسیده‌اند. دویست نفر هم از همراهشان هستند و هنوز منتظر دستجات دیگری

هستند که به آنها ملحق شوند. چاکر تابحال در این موضوع بکلی بی تکلیف مانده، واقعاً اگر خیر ملحق شدن اتباع نایب حسین به آنها صحیح باشد این چاکر تصور مینمایم ورودشان به خاک قائنات بی شرارت و هرزگی نخواهد بود. چاکرانه مستدعی است بعرایض بنده زودتر جوابی مرحمت شود. نمره ۳۵ - ۶ رمضان - خانزاد - محمدابراهیم».

□ ورود قشون روس و انگلیس به سیستان و قائنات

«نمره ۴۹۸

نمره کتاب ۱۹

از بیرجند به طهران

نمره قبض ۶۶۵ نمره تلگراف ۶۷

عدد کلمات ۱۲۹ تاریخ اصل ۳۱

دولتی - تاریخ وصول اول اسد - اسم گیرنده غلامحسین.

مقام منیع بندگان حضرت اقدس آقای رئیس الوزراء روحیفداه (کپیه وزارت

جليله داخله).

در تعقیب نمره ۳۵ جسارت میورزد بواسطه آمدن آلمانی‌ها از طرف اصفهان، انگلیسی‌ها قشون خود را در سرحد بلوچستان مضاعف نموده‌اند. متجاوز از دوپست قزاق روس با یک عراده توپ به تربت وارد شده‌اند، اگر بنا باشد انگلیس و روس این همه قشون به خاک سیستان و قائنات وارد نمایند، یکدفعه رشته انتظامات گسیخته خواهد شد. چاکر استدعا مینمایم هرچه زودتر تکلیف چاکر را معین فرمائید که در ورود آلمان‌ها یا قشون همسایگان چاکر پیش از این بی تکلیف نباشد. یک قسمت آلمان‌ها به خاک «گن‌آباد» طبس بین مشهد مقدس و قاین وارد شده‌اند، نمره ۳۷ - ۱۰ رمضان، خانزاد - محمدابراهیم».

□ پاسخ وزارت داخله به تلگرام رمز حکومت سیستان

«دولت علیه ایران

نمره ۴۹۸

تاریخ ۱۲ رمضان ۱۳۳۳

جواب - اینکه اطلاع میدید چون آلمان‌ها از طرف اصفهان به آنحدود می‌آیند و انگلیسی‌ها قشون خود را در سرحد بلوچستان مضاعف کرده و روس‌ها دوست نفر قزاق با یک عراده توپ به تربت وارد نموده‌اند، البته میدانید در ایران آلمانها قوای نظامی ندارند که یحتمل حرکت دهند. اگر چند نفر از اتباع آلمان در شهری یا مملکتی باشند یا وارد شوند، جهت و علت ورود قشون دولت انگلیس و روس نمیشود. اتباع تمام دول در ولایت ایران است و تا موقعی که اقدام به امری نکرده‌اند که سلب امنیت نماید، دولت هم با قوای خود حافظ حقوق آنها است و تا کنون از طرف اتباع آلمان در آنحدود اقدامی که مخالف باشد ظاهر نشده است.

شما هم باید در کمال مراقبت و رعایت حفظ بیطرفی را که برحسب امر و ارادهٔ اعلیحضرت همایون شهریاری ارواحنافداه مقرر است بنمائید که هیچ طرفی نگران نباشد، و هر آینه اقدامی که مخالف با بیطرفی می‌باشد از اتباع و مأمورین دول همجوار ظاهر شد فوراً اطلاع بدهید تا با مقامات لازمه گفتگو کرده و دستورالعمل مقتضی صادر شود ۱۲ رمضان مستوفی‌الممالک».

□ احتمال درگیری انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها

«نمره ۵۰۳

نمره کتاب ۱۰

از بیرجند به طهران

نمره قبض ۶۷۹ نمره تلگراف ۳

عدد کلمات ۱۷۸ تاریخ اصل ۳ تاریخ وصول ۳ اسم گیرنده هاشم.

مقام منبع بندگان حضرت اقدس آقای رئیس‌الوزراء روحی‌فداه - کپیه وزارت

جليله داخله.

وزارت جليله داخله

در تعقیب نمره ۳۷ جسارت میوزرد در اینجاها منتشر است آلمان‌ها از هر

نقطه عبور مینمایند و با حقوق زیاد سوار میگيرند.

انگلیسی‌ها هم به خیال سوار و جمازه گرفتن افتاده‌اند. هرچند در اینجا هم

خبری نیست. انشاءالله تعالی کاملاً به خیال خود موفق نخواهند شد. لیکن احتمال می‌رود که انگلیسی‌ها از بلوچ‌هاییکه در سرحد یا سیستان سکونت دارند جماعتی موقتاً نوکر گرفته، با آلمان‌ها زد و خورد نمایند. در این صورت معلوم است حال این ولایت چه خواهد شد - محمد ابراهیم».

□ حرکت سواران به سمت طبس

«نمره ۵۰۲

نمره کتاب ۱۸۸

از شاهرود به طهران

نمره قبض ۱۸۷ نمره تلگراف ۳

عدد کلمات ۵۰ تاریخ اصل ۲

دولتی - ۳ - اسد - اسم گیرنده محمود.

مقام مقدس وزارت جلیله داخله - از قرار راپورت و اصل مقدار زیادی سوار از استرآباد به سرکردگی چند نفر فرنگی به طرف طبس و خراسان رفتند. یازدهم رمضان نمره ۲۱۴ - کپیبه حضرت اقدس شاهزاده عین‌الدوله روحی‌فداه - امیراعظم».

□ دستور خلع سلاح سواران علی‌خان سیاهکوهی

«دولت علیه ایران

نمره ۴۰۱

حکومت جلیله شاهرود و بسطام و سمنان و دامغان.

تلگراف نمره ۱۸۴ ملاحظه شد. بمحض ورود علی‌خان سیاهکوهی بشاهرود فوراً او را دستگیر و سوارهای او را هم خلع اسلحه نموده و حسب‌الامر دولت آن آلمانی که همراه آنها آمده محترماً بطهران روانه نمائید و اسلحه سوارها را هم بطهران بفرستید و طوری ارسال و اظهار نمائید که شکایتی نکنند و با کمال احترام وارد شوند».

- «این تلگراف برحسب تصویب هیئت محترم دولت میشود و البته مواظبت

کنید که کاملاً بموقع احترام بگذارید».

□ جمعیت آلمانی‌ها در گزارش انگلیسی‌ها

«وزارت داخله

سواد تلگراف رمز حکومت سیستان

نمره ۵۱۷

مقام منیع وزارت جلیله داخله روحیفده - دیشب بعد از مذاکرات حضوری تلگرافی از وزارت خارجه بکارگذاری اینجا رسیده است که حکومت دو نفر آلمانی را ... روانه کند طهران و همراهانشان را خلع سلاح نکنند، اگر چه این مسئله مخالف حکم وزارت داخله است ولی محض اینکه گفته نشود چاکر حکم شترمرغ را دارم دویست و پنجاه نفر حاضر است که بمحض رسیدن حکم وزارت داخله عزیمت نمایند. لیکن این مسئله را هم جسارت مینمایم که جمعیت آلمانی‌ها مطابق راپورت انگلیسی‌ها نزدیک است به هفتصد نفر با اتباعشان که متدرجاً خواهند رسید با شش توپ مسلسل، آنوقت خدای نکرده طوری نشده که هم جریمه داده شود، هم پول داده شود. منتظر جواب فوری است. لیلۀ رمضان نمره ۳۰، جان‌نثار - محمدابراهیم شوکت‌الملک».

□ در زیر نامه این توضیحات به چشم می‌خورد:

(آن جایکه نقطه خورده شش حروف که دو کلام است غلط بوده، از قرار قریب نوشته شده و تلگراف را هم ثانیاً بتلگرافخانه برای تصحیح فرستاد.)

□ جلوگیری از عبور اسرای اطریشی

نمره ۵۲۰

نمره کتاب ۱۶۲

از شاهرود به طهران

نمره قبض ۱۹۷۳

نمره تلگراف ۲۸

عدد کلمات ۱۹۷

تاریخ اصل ۹

دولتی - تاریخ وصول ۱۰ اسد - اسم گیرنده غلامحسین.

تهران - مقام مقدس وزارت جلیله داخله. امروز صبح یک شنبه نوزدهم ماه معظمه به تکلیف و تجافی^۱ از پذیرائی رئیس قشون روس و همراهان او به شکار رفته بودم. حضرات به راهنمایی غلامی که همراه داشتند تا نزدیک امپریه آمده و از آنجا به سراغ فدوی به شکارگاه آمدند و ملاقات حاصل شد. خلاصه مذاکرات رئیس قشون و میرزا علی اکبرخان یکی استعلام از حال و افکار و قوا و نیت شخص آلمانی بود که از دامغان مراجعتش داده بودم و فدوی هم جوابی که مقتضی دانستم دادم، و دیگری هم استفسار از اسرای اتریشی که از این راه عبور میکنند بود، و معلوم می‌شد خیالات آنها جلوگیری از آنهاست. جواب دادم اگر در روسیه اسرار را کاملاً حفاظت نمایند بهتر است که اینجا بخواهند دستگیر نمایند، و این مسئله ناقض بی‌طرفی ایران، و دنباله مذاکرات از این مقاطعه شده، آنها به شهر رفتند که در یک کاروانسرا پیاده و سوار منزل کنند که یکجا جمع باشند. فردا شب قرار است به استرآباد بیایند. راپورت مذاکرات با آنها مفصلاً روز بیست و یکم بعرض خواهد رسید. نوزدهم رمضان نمره ۲۱۹ - امیراعظم».

□ دستور دستگیری مبلغ آلمانی

«نمره ۵۲۳

نمره کتاب ۴۸

از شاهرود به تهران

نمره قبض ۱۹۹۸

نمره تلگراف ۳۴

عدد کلمات ۲۳۴ تاریخ اصل ۱۲

دولتی، فوری است - ۱۲ اسد - اسم گیرنده عین‌الله.

مقام مقدس وزارت جلیله داخله. امروز پس از آنکه رئیس قشون را با همراهانش ضیافت و مشایع کردیم و رفتند بلافاصله نیم ساعت برگشتند و حکم جدیدی که بتوسط غلام قونسولگری برایشان رسماً بوده ارائه دادند که شما مامورید یکی از مبلغین آلمانی را که خود را به اسم فیل یوپیجهان موسوم کرده و از شاهرود می‌گذرد دستگیر کنید، و اظهار داشتند که ما حالا باید باز به شاهرود برگردیم. معین است

برای بنده در این موقع چه حالی دست می‌دهد. متجاوز از دو ساعت وسط صحرا مشغول مباحثه و مجادله بودیم و آنها از ترس مافوق، تابع نمی‌شدند. بالاخره با همراهی‌های میرزا علی اکبرخان متقاعد شده سوارشان با رئیس قشون و صاحب منصب‌ها بروند و فقط ده نفر قزاق به اسم مامور خدمت میرزا علی اکبرخان که برای ختم عمل از ملک قونسول با بنده که برحسب الامر دولت باید به قیمت گزاف بخرم در شاهرود می‌ماند، بمانند تا اگر یک همچو امری پیدا شد جلوگیری کنند، آنها از آنطرف با کمک رسیدن از قرق‌شان رفته و یا برگردند. فدوی بوظیفه خود فوری اقدام کردم، ولی مستدعیم از این قبیل مسائل را بفرمایید در طهران جلوگیری کنند. زیرا که این حرکات بالاخره اسباب قطع روابط مرکز با خراسان خواهد شد و هیچ شباهت به سایر مطالب نخواهد داشت. شب بیست و دوم رمضان نمره ۲۲۳ - امیراعظم».

(۱) - تلگرام‌ها به حروف رمز نوشته شده است.

(۲) - شاهزاده نصرت‌الله میرزا فرزند وجیه‌الله میرزا سپهسالار معروف به امیرخان سردار که بعدها به امیراعظم ملقب شد. وی مدتی حکومت کرمان و چندی معاون وزارت جنگ بود و هنگامی که سمت حکمران شاهرود و سمنان و دامغان را برعهده داشت در تاریخ چهارشنبه ۱۹ ذی‌القعدة ۱۳۳۳ مطابق با ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۵ شبانه از پنجره اتاق خوابش واقع در باغ عباس‌آباد دامغان هدف گلوله دو تن از نوکرانش به اسامی اسماعیل و آزادوردی قرار گرفت و به قتل رسید.

(۳) - محمدابراهیم شوکت‌الملک حاکم سیستان و قائنات. زمانی‌یرچند نیز جزء این ایالت بود.

(۴) - خودداری کردن، دوری جستن.

(۵) - جمع طریق، راه‌ها.

تبلیغات بر ضد بیطرفی ایران در جنگ

«ایالت آذربایجان»

بتاریخ ۲۲ شهر ذی‌قعدة ۱۳۳۴

نمره ۹۰۹۵

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته.

برای استحضار خاطر مبارک حضرت اشرف‌عالی جواباً بر قیمه تلگرافی نمره ۳۲۸۶ عرض مینماید که سرتیپ‌زاده بنا به مجالسی که بر ضد بیطرفی میکرد و کاغذ باسم اقتدارالدوله^۱ بطهران نوشته و کاغذ مزبور بدست اقتدارالدوله برادرزاده بصیرالسلطنه^۲ افتاده، مشارالیه هم بسفارت روس داده، از آنجا هم بجنرال قونسولگری فرستاده بودند همان کاغذ را آورده بایالت ارائه و تبعید او را جداً تقاضا نمودند. جناب مستطاب اجل آقای نظام‌الدوله از این تفصیل کاملاً مستحضر هستند اوقاتیکه معزکالیه در تبریز بود این مسئله اتفاق افتاد که مراتب را تحقیق فرمایند کاملاً تفصیل را بعرض میرساند».

(۱) - محسن‌خان اقتدارالدوله علی‌آبادی که پس از فتح تهران در سال ۱۳۲۸ هـ.ق

معاون وزارت داخله شد.

(۲) - از اعضای انجمن ایالتی تبریز.

(۳) - از اعضای انجمن ایالتی تبریز.

شایعه ورود ۴۰ هزار قبضه تفنگ آلمانی به خراسان

□ نامه سفارت روس در مورد ارسال ۴۰ هزار قبضه تفنگ

آلمانی‌ها به خراسان

«سفارت دولت امپراطوری روسیه مقیم دربار ایران

مورخه ۲ ماه اکتبر ۱۹۱۶

فدایت شوم. بطور محرمانه از آژان‌های مخفی اطلاع می‌دهند که کارکنان آلمانی بمساعدت بعضی از اجزاء و صاحب‌منصبان ایرانی بسمت مشهد و سبزوار و قوچان و بجنورد و سایر نقاط سرحدی چهل هزار تفنگ آلمانی فرستاده‌اند برای مسلح کردن تراکمه و ایلات سرحدی که برضد اولیای دولت امپراطوری آنها را حاضر نمایند، یک مقدای از این اسلحه‌ها هم گویا بطرف فیروزه^۱ ایران فرستاده شده، خواهشمندم مقرر دارید در این خصوص تحقیقات لازمه بعمل آورده و اطلاع و معلومات خودتان را بدوستاند مرقوم فرمائید. احترامات فائقه را جدید میکند - سفیر روسیه».

□ نامه وزارت داخله به پیشکار ایالت خراسان

«وزارت داخله

مورخه ۲۱ محرم

نمره ۴۵۸

رمز شود.

پیشکار کل ایالت خراسان - از سفارت دولت بهیه روس مراسله‌ای بوزارت داخله رسیده است که این اوقات کارکنان آلمانی بمساعدت بعضی از اجزاء و صاحب منصبان ایرانی در مشهد و سبزوار و قوچان و بجنورد و سایر نقاط سرحدی خراسان چهل هزار قبضه تفنگ آلمانی فرستاده‌اند که تراکمه و ایلات سرحدی را مسلح نموده برضد اولیای دولت روس بمخاصمه وادارند، و یک مقدار از این اسلحه هم گویا بطرف فیروزکوه ایران فرستاده شده است. لازم است جنابعالی اهمیت این مسئله را در نظر گرفته و سریعاً بدون تأخیر با یک دقت کافی تحقیق و رسیدگی

نموده، خصوصاً در حمل اسلحه از طرف فیروزه ایران منتها درجه اهتمام نمایند که آیا این اخبار صحت دارد یا خیر، و پس از رسیدگی و تحقیقات کامل و در صورت تحصیل اطمینان صحت و سقم راپورت مزبور را اطلاع داده و هرگاه صحیح و مقرون بحصص است بفوریت در جلوگیری آن اقدامات جدی بعمل آورده، نتیجه را خیلی زود اطلاع دهید».

□ تکذیب شایعه ورود اسلحه

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۰

شعبه تحریرات شرق

ارسال در ساعت ۱۷ جدی

تهران - مشهد بتاریخ ۱۲ جمادی‌الاول (ج ۱) ۱۷ جدی ۱۳۳۵

صادره تلگراف رمز.

ایالت جلیله خراسان - در موضوع تلگراف رمز نمره (۴۵۸) راجع بشهرت آوردن مقداری تفنگ بحدود قوچان و بجنورد که در تاریخ بیست و یکم محرم بآن ایالت جلیله تلگراف شده بود، حالا حکومت بجنورد رمزاً میگوید که چون در تلگراف رمز وزارت داخله اسم فیروزه برده شده حکومت قوچان بفرض و برای خوش آمد تحقیق کنندگان این شهرت را راجع بفیروزه نموده و سه روز قبل سی نفر سوار نظام دولت بهیه با یک صاحبمنصب وارد بجنورد شده و بفیروزه رفته پس از تفتیشات مکرر در آنجا و دو سه نفر را هم در بجنورد دستگیر و بعد از استنطاق عدم صحت این مسئله معلوم و بهزار زحمت آنها را مطمئن نموده، عودت داده است. البته حضرت اقدس والا تصدیق می‌فرمائید که اینگونه اخبار مجهول تولید بسی زحمت و اشکالات برای دولت می‌نماید و جاعل این اخبار قابل سیاست و مواخذه است. لازم است حضرت اقدس والا بهر طوری مقتضی میدانید از این مسئله جلوگیری فرمائید که من بعد نظایر آن دیده نشود».

(۱) - دهی است از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان بجنورد، در ۱۵

کیلومتری جنوب غربی بجنورد و در سر راه اسفراین (فرهنگ معین).

تعمیر توپ‌های میدان توپخانه

□ نامه' بلدیہ طهران به وزارت داخله

«وزارت داخله

حکومت و بلدیہ دارالخلافه طهران

شماره کتاب ثبت ۷۳۷۲

کارتن ۲ دوسیه ۱

طهران - به تاریخ ۱۴ ج ۱ (جمادی‌الاول) ۱۳۳۵

صادره از بلدیہ

مقام منیع وزارت جلیله داخله - در تعقیب معروضه نمره ۷۱۸۹ راجع به تعمیر و مرمت چهار عراده توپ بزرگ که در چهار زاویه محوطه وسط میدان توپخانه گذاشته شده است مجدداً معروض می‌دارد که هنوز از طرف وزارت جلیله جنگ برای تعمیر این چهار عراده توپ و توپ مروارید (در میدانگاهی ارک) اقدامی نشده و در محوطه وسط میدان توپخانه جدیداً چهار سکو برای چهار عراده توپ مزبور ساخته و حاضر شده است مستدعی است از طرف وزارت جلیله داخله اقدامات لازم بفرمائید که زودتر وزارت جلیله جنگ توپها را مرمت و به نقاط معینه خود قرار دهند.»

□ تصویب‌نامه' مخارج تعمیر توپ‌ها

«وزارت داخله

اداره مرکزی

نمره ۶۷۸۹

مورخه ۲۳ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۵

حکومت جلیله تهران - در موضوع تعمیر چهار عراده توپ بزرگ وسط میدان توپخانه و یک عراده توپ مروارید از وزارت جنگ اطلاع می‌دهند که تصویب‌نامه مخارج تعمیرات مزبوره از هیئت محترم وزراء عظام صادر و به وزارت مالیه ارسال شده و قریباً در تعمیر آنها اقدام می‌شود - وزارت داخله».

□ تقاضای تعمیر فوری توپ‌ها و اتمام بنای طارمی آن

«وزارت داخله

حکومت و بلدیه دارالخلافه طهران

نمره کتاب ثبت ۲۸۵

کارتن ۲ دوسیه ۱

طهران - به تاریخ ۱۷ ج ۲ سال ۱۳۳۵

وزارت جلیله جنگ - به طوری که از وزارت جلیله داخله در تحت نمره ۶۷۸۹ مورخه ۲۳ شهر جمادی‌الاول بر طبق اظهار وزارت جلیله جنگ به اداره بلدیه مرقوم فرموده‌اند تصویب‌نامه مخارج تعمیر چهار عراده توپ بزرگ وسط میدان توپخانه و یک عراده توپ مروارید از هیئت محترم وزراء عظام صادر و به وزارت جلیله مالیه ارسال شده و قریباً در تعمیر آنها اقدام می‌شود. چون تاکنون از طرف کارگزاران وزارت جلیله جنگ در این باب اقدامی به عمل نیامده، متمنی می‌شود امر فرمایند سریعا توپ‌های مذکور را تعمیر نمایند و راجع به اتهام طارمی جلو گارد توپخانه هم که از طرف توپخانه شفاهاً از اداره بلدیه تقاضا شده بود چند اصله چوب داده شود، به همین نحو معمول گردیده، ولی از قرار مذکور نجار توپخانه هنوز طارمی را تمام نکرده و معوق مانده است.

متمنی است به اداره توپخانه امر فرمایند زودتر کار طارمی مذکور را خاتمه

دهند».

□ تعلل در پرداخت هزینه تعمیر توپ‌ها

«وزارت جنگ

اداره توپخانه

به تاریخ ۲۵ رجب ۱۳۳۵

تصدقت شوم. مرقوم متاع مبارک که به افتخار حضرت آقای سردار اعتماد رئیس اداره قورخانه دامت شوکته صادر فرموده بودید زیارت شد. مراتب به قسمتی است که عرض نموده‌اند. تا این دقیقه وجهی از بابت تعمیر توپ‌ها نرسانده‌اند. به محض اینکه وجهی عاید شود فوری امر مبارک اطاعت می‌شود.

در خصوصی سایه‌بان گارد میدان توپخانه که سابقاً دست خط فرموده بودید، هر موقعی که امر و مقرر فرمایند به زیارت حضور مبارک نایل شده، عرایض خود را تقدیم، بعد هر شکل که مقرر فرمائید مطیع و سعادت شما را خواهانم.»

□ ارسال درخواست تعمیر توپ‌ها به کمیسیون تطبیق حوالجات
«وزارت جنگ

سواد مراسله وزارت مالیه

مورخه ۵ ثور ۱۳۳۵

نمره ۱۳۵۳

وزارت جلیله جنگ - در جواب مرقومه نمره (۱۹۸۵۸/۲۹۴) آن وزارت
جلیله متضمن سواد مشروحه نمره (۳۸۵) حکومت طهران راجع به تعمیر چهار عراده
توپ میدان توپخانه و یک عراده توپ مروارید مصادعت می‌دهد که ورقه درخواست آن
برای تصدیق کمیسیون تطبیق حوالجات ارسال شده و البته همین که از تصدیق
کمیسیون مذکور گذشت، اقدامات لازمه برای پرداخت وجه آن به عمل خواهد آمد.
از طرف وزیر - مصدق».

(۱) - میدان توپخانه از بناهای اوایل حکومت قاجار است.

عمارت‌های تحتانی ساختمان‌های اطراف آن انبارهای توپ و قسمت‌های فوقانی،
محل توپچی‌ها بود. در مرکز میدان نیز باغچه و حوض قرار داشت و اطراف
آن نیز با توپ‌هایی که در زمان صفویه از پرتغالی‌ها به دست آمده بود، تزئین
شده بود.

توقیف پست فومن و شیلات انزلی

□ گزارش رئیس ایالتی پست گیلان

«وزارت پست و تلگراف

سواد مکتوب رئیس کل پست

به تاریخ ۷ برج قوس ۳۵

نمره ۲۲۸۸۷

خاطر مبارک را محترماً قرین استحضار می‌دارم که راپرتی از رئیس ایالتی پست گیلان رسیده، مشعر بر این است پست فومن مدتی است به رشت نرسیده، و از قرار معلوم جنگلی‌ها توقیف نموده‌اند. رئیس پست رشت این مسئله را تحت ۷۴۱۳ به حکومت جلیله اطلاع داده است. - سولیترا»

□ تقاضای رفع توقیف پست فومن

«وزارت پست و تلگراف

اداره تحریرات پست

مورخه ۸ قوس ۳۶

وزارت جلیله داخله - راپرت نمره (۲۲۸۸۷) ریاست کل پست دائره بر توقیف پست فومن به آن وزارت جلیله ایفاد می‌شود. مقتضی است به وسایل ممکنه در رفع توقیف و آزادی پست حکم لازم صادر و ارسال فرمایند».

□ توقیف شیلات بندر انزلی

«اداره تلگراف دولت علیه ایران

سنه ۱۳۳۵ (۹ جمادی‌الاولی)

از انزلی به تهران

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته - جنگلی‌ها کلیه شیلات را توقیف کرده، از برای کسب تکلیف مراتب را قبلاً به حکومت مرکزی گیلان معروض و اینک محض استحضار خاطر مبارک هم به عرض رسانید - عمید همایون».

محل مهر تلگرافخانه مبارکه تهران.

خرید فشنگ و تفنگ برای مبارزان جنگل

□ استنطاق از حسن آقا زرگر

«اداره نظمیۀ رشت

سواد راپورت دائره تأمینات

بتاریخ ۲۱ شهر دلو سیچقان ثیل ۱۳۳۵

مقام محترم ریاست تشکیلات نظمیۀ گیلان دام اقبال‌العالی.

استحضاراً عرض شود در موضوع حسن آقا زرگر که مظنون به خرید و فروش اسلحه و فشنگ برای جنگلی‌ها بود، مشارالیه را تحت استنطاق آورده، بدواً بکلی منکر و بعد از تحقیقات کامله اظهار داشت که چهار فقره تفنگ و فشنگ خریده از عبدالحسین جمال که فعلاً توقیف است، چهارصد عدد فشنگ پنج تیر و همان را به حسن آقای زرگر که فعلاً در جنگل است فروختم. بعداً از عباسعلی که فعلاً محبس است دوست و کسری فشنگ پنج تیر خریده و به شیخ علی شیشه‌بر که در جنگل است فروختم. یک قبضه تفنگ پنج تیر و یک قبضه ماوزر در هفت و یا هشت ماه قبل از حسن خریده و به شیخ علی شیشه‌بر فروختم. یک قبضه ماوزر نیز از یک نفر گاریچی خریده، به عبدالله خان قهوه‌چی که برای حسن جنگلی می‌خواست فروختم. و نیز اظهار داشت که کسی از زرگر که رابطه کلی در رفت و آمد با جنگلی‌ها داشت، یکروز دکان او رفتم و به من اظهار داشت که این مفاخرالملک^۱ را باید از میان برداشت، زیرا او خاری است که از جلوی پای ایران باید مرتفعش ساخت. و بعد از تیر خوردن مفاخرالملک سه روز یحیی در شهر دیده نشده، اما روز سیم به دکانش رفته با یک شخص دیگر.

یحیی اظهار داشت نشد آن کاری که باید بشود، و در موقع تفتیش دکان حسن آقا زرگر مقداری فشنگ و دو جعبه کپسول دینامیت و سه قبضه تفنگ تک تیر که اظهار می‌دارد مال قزاق انزابی است و برای تعمیر آورده‌اند، و نیز پنج قبضه شلول معیوب و صحیح که باز اظهار میدارد مال اشخاص متفرقه است که برای تعمیر آورده‌اند، در دکانش بود توقیف گردید. این است خلاصه استنطاقات مشارالیه که

تاکنون به عمل آمده. اینک دوسیه را ختم و تقدیم داشته که آنچه بفرمائید عمل شود.»

□ توقیف حاجی موسی سراج در نظمیه

«اداره نظمیه رشت

سواد راپورت دایره تأمینات

بتاریخ ۲۳ شهر دلوسیچقان نیل ۱۳۳۵

مقام ریاست کل تشکیلات نظمیه رشت دامت اقباله العالی.

استحضاراً عرض شود که حاجی موسی سراج بجرم اینکه قطار و بند ماوزر برای جنگلی‌ها دوخته است در نظمیه توقیف و در استنطاق خودش اظهار میدارد که بتوسط یحیی زرگر معادل چهار قطار و دو بند ماوزر و پنج بند تنفگ داشته‌ام و قریب چهل و دو تومان و کسری هم طلب‌کار هستم. دو عدد قطار هم برای شخصی محمود نام بعد از اینکه مفاخرالملک او را چوب زد معلوم شد برای جنگلی‌ها میخواهد دیگر به هیچ نوع کمک و همراهی نکرده‌ام. حال منوط به امر و حکم اولیاء امور است.»

(۱) - رئیس نظمیه گیلان. وی هنگامی که برای حمله به جنگلی‌ها وارد «کسما» شده بود، نیمه شب مورد حمله میرزا کوچک خان و یارانش قرار گرفت و به قتل رسید.

سربازگیری و نقل و انتقال قوای روس و انگلیس در ایران

□ نامه وزارت امور خارجه به وزارت داخله

«وزارت داخله

مراسله وزارت امور خارجه

مورخه ۱۳ رمضان ۱۳۳۵

نمره ۳۱۳۶

وزارت جلیله داخله - از ژنرال فنسولگری روس در جواب اشعارات وزارت امور خارجه راجع بسوؤرفتار و حرکات بیرویه اگنت^۱ کرج شرحی بوزارت امور خارجه رسیده و سواد راپرت اگنت کرج را بژنرال فنسولگری ارسال داشته‌اند که سوادى از راپرت مزبور را تلواً برای اطلاع خاطر اولیای آن وزارت جلیله ایفاء میدارد.»

□ رونوشت گزارش معاون کنسولگری روسیه در کرج

«وزارت داخله

سواد راپرت اگنت کرج

مورخه ۱۰ شعبان ۱۳۳۵

نمره ۳۴

حضور مبارک جناب مستطاب اجل اکرم افخم بندگان آقای جنرال فونسول دولت بهیه روس مدظله حکم مطاع محترم در تحت نمره ۳۹۴ راجع به مراسله وزارت امور خارجه شعبه تحریرات روس زیارت گردید. اگرچه در راپرت نمره ۳۴ شرح مختصری عرض کرده‌ام، مجدداً خاطر محترم را مستحضر مینمایم که یک نفر صاحب منصب بزرگ، یک معاون و سی نفر سرباز برای فراهم نمودن سه هزار و سیصد شتر و قاطر و الاغ چارواداری بکرج آمده‌اند، میخواستند مداخله نموده، سرباز بدهات فرستاده حاضر نمایند. چون اسباب زحمت فوق‌العاده میشد چاکر بعهدہ گرفتیم در مدت معین تهیه کرده، بتدریج تحویل بدهم. باین جهت غلامهای خود را برای فراهم نمودن شتر و قاطر و الاغ چارواداری بدهات اطراف فرستادیم، ولی قدغن سخت کرده‌ام که بهیچوجه مزاحم الاغهای رعیتی نشوند و اگر بکرج بفرستند چاکر بعد از

اطلاع فوراً پس میدهم. تاکنون یک رأس الاغ رعیتی به روسها داده نشده و در انجام اوامر موطاعه حاضر - محل امضای اگنت».

□ حرکت به سمت همدان

«نمره کتاب ۲۸

از همدان به طهران - نمره قبض ۹۸؛ نمره تلگراف ۱۹۰ عدد کلمات ۷۶ تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۵ شوال اسم گیرنده علی.

مقام منیع وزارت جلیله مدظله. تلگرافی الساعه از اسدآباد رسیده، عیناً درج و از لحاظ مبارک میگذرد. از برای تحقیق راپورت قبلی خود چاکر به اسدآباد آمده، آنچه تحقیق شد از توپ داشتن آنها چیزی معلوم نشد که توپ همراه داشته باشند. دیروز صبح یک نفر صاحب منصب سه نفر سوار بسمت همدان حرکت کرده، دیگر آن هم معلوم نشده که بهمدان بیاید یا بین راه بماند. چاکر - سیف‌الله عباسی».

□ گزارش نقل و انتقالات انگلیسی‌ها

«وزارت داخله

حکومت همدان و اسدآباد

بتاریخ ۲۶ شهر رمضان ۱۳۳۶

طهران - مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته.

در این ۳ روزه قریب به پانصد اتومبیل وارد و سیصد و پنجاه نفر قشون به طرف قزوین حرکت کرده، اتومبیل‌های مختلف است. بعضی سواری، بعضی زره‌پوش‌اند. وارد شدگان بیشتر آنها هندی است، کمتر انگلیسی داخل آنها می‌باشد. یک توپ بزرگ هم آوردند. این دسته وارد شده نشده، در نیم فرسخی شهر منزل کرده و از خارج شهر به طرف قزوین و یا جای دیگر حرکت مینمایند.

سه آبرویلان^۱ در اینجا بود، دو تای آن طرف قزوین حرکت کرده. نمره ۶۰۲ - حاکم همدان».

□ اخبار واصله به وزارت داخله در مورد اوضاع ملایر و نهاوند

ملایر - ۹ میزان: روز یکشنبه ۲۴ شهر ذی‌قعدة قشون امپراطوری وارد ملایر و

در یارک شاهزاده حاجی سیف‌الله متوقف شدند، و چون حاکمی در ملایر نبود باصرار قاطبه اهالی ریاست قشون معتضدالسلطان که سابقه خوبی باین صفحه دارند بحکومت ملایر معین و باهالی اعلام داشتند. ریاست نظمیه را هم بمنظور دیوان واگذار و سایر ادارات نیز کمافی‌الساق مشغول کار خود هستند، و حکومت لازمه جد و جهد را برای آسایش اهالی و تنظیم شهر و اطراف نموده، دیروز هم پالکونیک رئیس قشون بدین حکومت آمدند و با حضور آقایان و تجار و اعیان شرح مبسوطی دایر باطمینان و آسودگی اهالی اظهار داشتند. سیم خط عراق را چون سابقاً سه فرسخ آن را برچیده بودند این دو روزه با همراهی حکومت مشغول اصلاح هستند - عبدالحسین».

نهایند - ۳ سرطان: از قرار خبریکه عابرین و مکاوی که بطرف کنگاور میرفتند و از بین راه بواسطه پارهای وقایع از ترس مراجعت کرده‌اند و اظهار میدارند عثمانی‌ها، ایل سنجابی و کلهر تا کرمانشاه آمده‌اند و اردوی دولت بهیه بطرف همدان در عبور و مرور هستند. اهالی شهر و ادارات در فرارند - عبدالحسین».

ملایر - ۱۷ سرطان: شهر و اطراف را امنیت حاصل است.

دیشب که عید مولود بود در سر درب دارالحکومه که نظمیه است و بازار و دکاکین چراغانی شده، عموم طبقات مردم بآنجا رفته، بعد از صرف شربت و شیرینی بخانه‌های خود رفتند - علی اکبر.

ملایر - ۱۷ سرطان: شهرت تامی دارد که عثمانی و آلمانی و غیره بکرمانشاه وارد شده و آنجا را بتصرف خود درآورده‌اند. بواسطه این شهرت چابار و مکاری که از ملایر بکرمانشاه میرفتند تماماً از بین راه برگشتند و بملایر آمده‌اند - علی اکبر».

□ شکایت نایب حکومت همدان از خلافتکاری‌های قوای انگلیس

«نمره کتاب ۶۵۷

از تهران به طهران

نمره قبض ۷ نمره تلگراف ۵ عدد کلمات ۱۰۴ تاریخ اصل ۳ دولتی تاریخ

وصول ۴ حمل ۱۳۳۵ - اسم گیرنده علی.

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته. انگلیسی‌ها در اینجا داخل بعضی اقدامات و صاف کردن راه و غیره شده‌اند و بعضی‌ها آلت دست آنها شده‌اند.

بنده با اینکه از طرف آنوزارت جلیله دستوری در این باب ندارم، مستقیم نظر بوظایف اداری که میدانم اکنون خاطر وزارتخانه متبوع من است، تا اندازه‌ای که مقدور بوده جلوگیری کرده و عقاید اشخاصیکه اسباب کار شده‌اند و شروع به جمع کردن آذوقه برای آنها کرده، آورده تحدید نموده و جداً از پیشرفت آنها مانع هست. از طرف حکومت جلیله - علی فہیمی».

□ گزارش حاکم همدان از پرواز هواپیمای انگلیسی

«نمره ۹

از همدان به طهران

نمره قبض ۳۳ نمره تلگراف ۲۴ عدد کلمات ۷۵ تاریخ اصل ۱ حمل - دولتی - فوری تاریخ وصول شب ۸ حمل ۱۳۳۶ - اسم گیرنده علی.

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکتہ. الان یک دستگاه آئروپلان از روی شهر گردش و به طرف قونسولگری انگلیس نزول نمود. حضرات ہم مشغول شوسہ راه و اقدامات دیگری هستند.

عقیدہام این است اگر دولت توقف و اقدامات آنها را مقتضی نمیدانند رسماً مرقوم دارند تا خودم وسیلہ خارج شدن آنها را فراهم و بیش از این از شدت بی‌تکلیفی قبول مظالم آنها را نمیکنم. ۷ جمادی‌الثانی نمره ۳۳۱۲ فوری - نظام‌السلطان».

□ پاسخ وزارت داخله به حاکم همدان

«دولت علیہ ایران

وزارت داخله

شعبہ تحریرات غرب

طهران - بتاریخ ۱۳۳۶/۶/۲۴

صادره تلگراف رمز.

حکومت جلیله همدان - تلگراف رمز نمره ۱۳۱۲ رسید و از نیات صادقانه شما خوشوقت شدم. البتہ یادداشت سفارت انگلیس و جواب دولت ایران را در

روزنامه ملاحظه کرده‌اید. نیت بی‌طرفی و پروتست^۳ دولت در مقابل تجاوزات نظامیان دولت اجنبی مسلم است. البته هر ایرانی حس میکند که نباید عامل پیشرفت مقاصد حق‌شکانه حضرات از هر طرف که باشند، بشود».

□ مجازات متخلفین از اصول بیطرفی

«نمره کتاب ۸۱۰

از همدان به طهران.

نمرهٔ قبض ۱۸ نمره تلگراف ۷۰ عدد کلمات ۳۴۵ تاریخ اصل ۲۰ دولتی -

۲۱ حمل ۱۳۳۶

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته. دوشنبه دیروز ژنرال و رئیس بانک^۴ که راپورتاً بعرض میرساند و در ضمن پروتست کرده‌اند که عدم موافقت شما ما را مجبور میکند که روابط را قطع کنیم، و مشروع تعرض و سخت‌گیری نیست به بطرانچی‌ها، بوده، جواب دادم این قبیل اقدامات بیمورد ممکن است اشکالاتی برای شما تدارک کند و ممکن نیست من متحمل شوم که یک جمعی دزد به لباس بطرانچگری^۵ درآمده وسیلهٔ ناراحتی مردم را فراهم کنند. عاقبت هرچه و به هر زبان گفتند من زیر بار نرفته و نپذیرفتم، و آنها را فوق‌العاده متوجه این نکته کرده‌ام که رفع احتیاجاتشان منوط بحسن روابط با دولت است، و موقتاً قراردادام بطور خصوصی این اعلانات را روی کاغذ آورده برای شما بفرستند آنچه متوجه بارزاق عمومی و احتیاجات مردم نباشد به آنها داده و مضایقه نشود. ولی چنانچه بخواهند با کسی کنتراتی ببندند، بطوریکه اطلاع داده مجازات آن اشخاص را خواهم داد و تا بحال قریب دوازده نفر را گرفته و حبس و تنبیه شده‌اند، و بی‌واسطه از طرف اهالی کسی جرئت باین قبیل اقدام را ندارد. اعلانی هم درج کرده و اظهار کرده‌اند که ما قشون وارد خواهیم کرد، ولی بمردم نخواهیم داد، و چون در آن اطراف مردم را متوجه داشته‌اند، بطوریکه شنیدم در نهاوند تشکیل قوایی شده بالغ بر یک هزار و پانصد نفر در تحت سرکردگی محمدعلی خان سردار امجد جلالو. در کاغذات هم نوشته بود که دلالت بر اطاعت میکند، ولی آنطور که به بنده رسیده مطلب اینطور ساده نیست. خوب است مراجع بکار انگلیسی‌ها توجهی فرموده، چنانچه ورود و توقفشان را

تصویب نکرده، تا اشاعه پیدا نکرده باید از مجاری رسمی و غیررسمی اقدامات مفیده جدی نموده، در هر صورت تابع اوامر هستم. تلگرامی البته لازم است دستور مرحمت شود. نمره ۳۶۷۴ رمز فوری - نظام‌السلطان».

□ تلگراف به معاون حکومت همدان در مورد سربازگیری قوای انگلیس

«دولت علیه ایران

وزارت داخله - شعبه تحریرات غرب طهران - بتاریخ ۹ جوزا ۱۳۳۶ صادره

تلگراف - فوری است.

معاون حکومت همدان - بوزارت داخله اطلاع رسیده است که قونسول انگلیس در همدان مشغول جلب بعضی اشخاص شده و نظامنامه ترتیب داده‌اند که از جمله شرایط آن یک سال خدمت اجباری است و حرکت به هر سمتی که امر شود و داشتن تفنگ است، و مأمورینی برای انجام این مقصود و خرید غله باطراف فرستاده‌اند و گذشته از این جنابعالی و سلطان کاظم خان با این نظریه کامل موافقت را دارید. تفصیل چیست و چرا از اوضاع همدان مرتباً بوزارت داخله راپورت نمی‌دهید؟ تفصیل موقوف و اقدامات قونسول انگلیس را خیلی زود راپورت دهید. در خاتمه نکته مهم را خاطر نشان میکنم که مأمورین دولت باید کاملاً بیطرف مانده و (بهیچ وجه مساعدت را جایز ندانند و بی‌جهت برای خود تدارک مسئولیت ننمایند - این قسمت در متن سند خط خورده است - و بهیچ وجه از حدود بی‌طرفی تجاوز ننمایند. خیلی دقت کنید که در این مواقع مهم بمسئولیت عظیم دوچار نشوید. اطلاعات خودتان را زودتر آگاهی دهید تا دستور کافی بشما داده شود».

□ درخواست صورت مهمات انگلیسی‌ها

«دولت علیه ایران

وزارت داخله - شعبه تحریرات غرب

طهران - بتاریخ ۱۴/۸/۱۳۳۶

معاون حکومت همدان (نمره ۳۸۳) - حکومت جلیله کرمانشاه (نمره

۲۸۲).

صورت کلیه مهمات و توپخانه و اتومبیل‌های سیستم زره‌پوش و غیره و آئروپلان و آذوقه و سایر اجناس و تعداد سوار و پیاده و صاحبمنصب و توپچی و آسمان‌پیمایان انگلیسیها که وارد و خارج میشوند و راپرت اعمال و حرکات نظامیان و مقاصد آنها را تا هر درجه که مطلع شده، مرتباً و به نسبت اهمیت بوسیله پست و تلگراف بوزارت داخله بفرستید و مخصوصاً قدغن نمائید نظیمه مراقبت کند که کلیه راپرتها صحیح و با مأخذ باشد. این نکته را هم مخصوصاً یادآوری میکنم باید صورتهایی که از عده نظامیان و ملزومات و مهمات و کامل باشد که هر وقت از کلیه عده واردین نظامی انگلیس سؤال شود بدون معطلی با قید جزئیات و کلیات آن صحیحاً اطلاع دهید».

(۱) - منظور معاون کنسولگری روسیه در کرج است.

(۲) - هواپیما.

(۳) - اعتراض

(۴) - بانک استقراضی روس.

(۵) - «بظر» کلمه عربی به معنای لال‌بال و اوباش. «بظرانچی» مرکب از

«بظر» عربی و «چی» ترکی به معنای لال‌بالی و اوباش.

(۶) - لال‌بالیگیری - اوباشگری.

قتل و غارت روستائیان ایران توسط پلیس جنوب

□ تظلم از ژاندارم‌های جنوب

«وزارت مالیه

اداره کابینه

نمره ۵/۵۴۲۰

بتاریخ ۳۰ برج سنبله ۱۳۳۵

وزارت جلیله داخله - در باب تظلم رعایای قریه دهج از ژاندارم‌های جنوب^۱ که تلگراف رعایای مزبور مورخه ۱۷ سنبله به تهران مخابره شده و کپی آنها به آن وزارت جلیله رسیده، چون به وزارت مالیه هم یک نسخه رسیده لهذا متمنی است هرگونه اقدامی در این موضوع به عمل آمده نتیجه را به وزارت مالیه مرقوم فرمائید - از طرف وزیر مالیه».

□ تقاضای کسب اطلاعات بیشتر از واقعه دهج

«وزارت مالیه

«اداره تشخیص عایدات

دائرة مالیات مستقیم نمره ۱۹۵۳۰

بتاریخ ۱۰ برج میزان ۱۳۳۵

وزارت جلیله داخله - تلواً سواد راپورت تلگرافی اداره مالیه یزد راجع به واقعه دهج^۲ را به آن وزارت جلیله ارسال، مقتضی است چنانچه اطلاعات جامع‌تری از حکومت یزد در خصوص واقعه مذکور به آن وزارتخانه رسیده است برای اطلاع وزارت مالیه ارسال فرمایند - از طرف وزیر مالیه».

□ تلگرام رعایای دهج به مقامات کشور

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره ۳۳۳ سنه ۱۳۳۵

از یزد به تهران

نمره قبض ۱۰۷۹ نمره تلگراف ۵۷۳ عدد کلمات ۱۱۹

تاریخ اصل ۲۶ تاریخ وصول ۱۷ سنبله

مقام منبع وزارت داخله - دو کپی (برای) وزارت خارجه (و) مالیه.

با کمال امیدواری معروض (می‌دارد) که چندی پیش عده (ای) زاندارم جنوب ایران به فرمان کین^۳ دهج را محاصره، عموماً استقبال نمودیم.

پس از استقبال میرزا احمد کلانتر را با دو نفر سیداسدالله نام دستگیر و محبوس نمودند. دهج را غارت کرده، آتش زدند و مابقی را بضرب گلوله توپ خراب و چهارصد درب خانه (خانوار) را به قرص نان محتاج، عموماً از عدم معیشت متفرق، تقصیر بیچارگان چه بود که به این مصیبت گرفتار (آیند). مستدعی (است) امر شود محبوسین بی‌گناه مرخص و اموال غارت کرده مسترد و مفسدین را به کیفر اعمال (برسانند).

رعایای دهج: رضا سیدخانی، سلطان‌الذاکرین، محمدصادق الحسینی، حیدر حسینی و حسین علوی».

□ نامه وزارت داخله به وزارت امور خارجه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۴۷۸۴

دوسیه ۹ شعبه تحریرات جنوب ضمیمه سواد ارسال در ساعت ۲۲.

تهران - بتاريخ ۲۱ میزان ۱۳۳۵

وزارت جلیله امور خارجه - سواد عرض حال رعایای قریه دهج یزد دایر بر تطاول و اقدامات پلیس جنوب نسبت به آنها لفاً تقدیم گردید. راپرتهای تلگرافی نیز دایر بر وقوع این قضیه رسید و از نایب‌الحکومه یزد علل و موجبات و جزئیات واقعه تلگرافاً استعلام شد. پس از وصول جواب، مراتب را برای اطلاع خاطر محترم عرض خواهم نمود که هر نوع مقتضی است اقدام فرمایند».

□ پاسخ به نامه یکی از روستائیان دهج

«وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۶۸۸۴ کارتن ۶ دوسیه ۹۱

تهران - یزد

بتاریخ ۲۶ جدی ۱۳۳۶

آقای محمدطاهر دهچی - کاغذ شما راجع به خساراتی که از تناول فشون جنوب به شما وارد شده است ملاحظه و در این باب سئوالات جامعی به نایب‌الحکومه می‌شود. قرار شد که با حضور رؤسای دوایر دولتی کمیسیونی تشکیل شود و کلیه خسارات وارده به دولت و اتباع دولت علیه (ایران) را تعیین نمایند تا قرار کلی در این باب دایر شود».

□ ارسال شکایت به وزارت خارجه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۴۹۸۴/۶۸۵۵ کارتن ۶ دوسیه ۹۱

تهران - بتاریخ ۲۶ جدی ۱۳۳۶

وزارت جلیله امورخارجه - عرض حال آقای محمدطاهر دهچی در شکایت از غارت کردن فشون جنوب و خسارتی که به عهده او رسیده است لفاً تقدیم گردید که در نهایت اقدامات لایقه بذل توجه فرمایند».

□ نامه وزارت داخله به نایب‌الحکومه یزد

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۴۳۱۹

کارتن ۶ دوسیه ۹۱ شعبه تحریرات جنوب

تهران - یزد بتاریخ اول میزان ۱۳۳۵

فوری است.

شاهزاده ظل‌السلطان نایب‌الحکومه - تفصیل محاصره قریه دهج و تخریب قریه مزبور توسط صاحب منصبان انگلیسی چیست؟ البته وقایع را از قتل و تخریب و

خرابی خانها (خانه‌ها) و اشخاص که گرفتار شده‌اند، با توضیح علت مشروحاً اطلاع بدهید».

□ مطالبه مالیات از رعایای غارت شده

«وزارت مالیه

اداره تشخیص عایدات

دائرة مالیات مستقیم

نمره ۲۷۰۴۵

بتاریخ ۱۹ برج قوس ۱۳۳۵

وزارت جلیله داخله - در جواب رقیمه شریفه ۵۶۹۶ راجع باینکه با وجود خسارات فوق‌العاده که از طرف پلیس جنوب به قریه دهچ وارد آمده از رعایا مطالبه مالیات نمودند، زحمت می‌دهد که دستورالعمل به اداره مالیه داده شده وضعیت فعلی قریه مزبور را کاملاً رسیدگی نموده، نتیجه را به وزارت مالیه اطلاع بدهند و در صورتیکه خسارت وارده چیز قابل باشد مالیات را موقوف‌المطالبه بگذارند - وزارت مالیه».

□ حرکات سوء و غارتگری پلیس جنوب

«وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

مورخه نمره شهر صفر ۳۹

نمره ۳۳۵/۱۸۳۶

وزارت جلیله داخله - مرقوم جوابیه ۱۴ محرم نمره ۵۰۹۱۶ راجع به حرکات سوء و غارتگری قشون موسوم به پلیس جنوب و اصل و مراتب به سفارت اعلام و قرار شد در این موضوع اقدامات بعمل بیاورند».

□ آزادی دو تن از بازداشت شدگان

«وزارت امور خارجه

اداره تحریرات انگلیس

مورخه ۲ ربیع الثانی ۳۶

نمره ۲۰۵۹/۲۴۲۶

وزارت جلیله داخله - در تعقیب مشروح مورخه غره نمره ۳۵۵/۱۸۳۶ راجع به واقعه دهج خاطر محترم را مطلع می‌دارد که از قرار اظهارات سفارت انگلیس اقدامات این وزارتخانه دو نفر را مستخلص کرده و کلانتر را بواسطه اینکه می‌گویند با دزدها همدست بوده، رها نمودند (و) ضمانت وجه می‌خواهند. وزارت خارجه اقدامات خود را تعقیب خواهد نمود. ولی لازم است از آن وزارت جلیله هم به کرمان تعلیمات داده شود که در این باب بذل مساعدت کرده، با حصول تأمینات لازمه موانع استخلاص مشارالیه را مرتفع سازند».

□ انعکاس وقایع دهج در جراید

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره ثبت ۱۷۰۲۱/۴۷۰۲

کارتن ۶ دوسیه ۹

شعبه تحریرات جنوب

ارسال در ساعت ۲۱

تهران بتاريخ ۲۱ میزان ۱۳۳۵

اداره جریده فروش ایران - کاغذ شما که متضمن عرض حال رعایای دهج بود ملاحظه شد. برای احقاق حق و آسایش و جبران خسارت وارده به رعایا اقداماتی که مقتضی بود بعمل آمد.

اینکه در پایان مراسله تاثرات خودتان را اظهار و وزارت داخله را به ترمیم آن مکلف دانستاید، تصور نمیرود که اندک تأملی در این موارد شده باشد. مدیر محترم آن جریده میتوانند به اداره جنوب وزارت داخله آمده، کوشش و اقدامات سریع و فوری این وزارتخانه را در حدود وسایل ممکنه معاینه نموده، آگاه گردند».

□ شکوائیه رعایای شهر بابک کرمان به فرمانروای یزد

قربان آستان مبارک گردیم - راحت بیچارگان زمانی بود که بندگان حضرت اشرف فرمانروای یزد بودند. بعد از تشریف بردن بندگان حضرت اجل اکرم اشرف دیگر همواره در فشار سارقین فارس و ملخ سالی و خشک سالی بودیم و بدبختانه معاش می‌کردیم.

تا چندی قبل که بشارت تشریف فرمایی موکب مبارک به یزد (را) آوردند تا بی‌اندازه مسرور و متشکر گردیدیم. بعد معلوم شد که عده‌ای از گماشتگان حضرت اشرف وارد یزد شده‌اند و موکب مبارک هنوز حرکت نفرموده‌اند. معلوم شد که هنوز موقع زوال بدبختی بیچارگان نرسیده. در انتظار تشریف‌فرمایی موکب مبارک بودیم که یک دفعه خبر آمد قشون جنوب از کرمان برای سرکوبی اشرار فارس و استرداد اموال منهبه چندین ساله بیچارگان می‌آمد به شهر بابک که برود فارس.

دیگر نمیدانستیم که کار بجایی میرسد که روزی هزار مرتبه باید سارقین فارس را دعای خیر نماییم. بعلمت آنکه سارقین فارس تا بیچارگان گوسفندی، حشمی داشتند می‌آمدند و از مال بیابان می‌بردند. باز اثاثیه داشتیم. حشم که تمام شد هر قریه و محلی را که چپو میکردند، خون و ناموس بیچارگان محفوظ بود. چه عرص نماییم، خدا میداند که این ورقه گنجایش تشریح و توضیح مصائب وارده بی‌جهت را ندارد. اصلاً بدانند که بلوک عمده شهر بابک را میمند و دهج و جوزم و خبر و طایفه شکاری و رابط و دامشتر آن و کنگ را بالمره غارت نمودند. به قسمتی که روانداز اهالی آسمان و فرش زمین است. یک ظرف آبخوری دیگر ندارند. خانه‌های چوبی را آتش زدند، غیر چوبی را هم بضرب گلوله خراب کردند. پنج شش هزار مرد و زن را از کوچک و بزرگ گدا نمودند. کلاتر دهج و چند نفر از سادات و جمعی از اهالی جوزم را دستگیر و اسیر نموده، معلولاً بکرمان بردند. دو هزار و پانصد تومان بعد از اینهمه اقتضاحات از حضرات جوزمی گرفته، آنها را رها نمودند و اهالی ده را بردند به کرمان.

یازده نفر از حضرات جوزمی را که استقبال کرده بودند و قربانی جلوشان برده بودند، دستگیر کرده و حکم به کندن گودی که قبرشان باشد کرده بودند. بعد از کندن گود آنها را دو نفر دو نفر نشان سفید به سینه‌هایشان چسبانیده، در حضور

یکدیگر تیرباران میکردند، و به سایرین حکم میکردند که پای مقتولین را بگیرند و بیندازند در گودی که به دست خودشان کنده‌اند. نمیدانم چه خبر است، دولت کجا است؟ اگر هست چرا بیدار نمیشود و بفریاد مظلومین نمیرسد؟ با غیرتان چرا فکری برنمیدارند. خود حومه شهر بابک را هم قریب سه هزار تومان به عنوان سورات گرفتند. یک قاز وجه سورات ندادند. نمیدانیم چه گناه کرده بودیم که سزاوار این عقوبت بودیم. به هر حال شهر بابک از میان رفت. هرگاه از طرف دولت توجهی نفرمایید امینی بفرستید که رسیدگی فرماید. نه قوه مالیات داریم و نه نان. استحقاق اغانه و تخفیف داریم. منتظر جواب و بذل عنایت فوری هستیم.

بیچارگان - رعایای شهر بابک (آثار مهر ۸۱ تن از اهالی شهر بابک).

□ نامهٔ وزارت داخله به حکمران یزد

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ۴۷۷۲

کارتن ۶ دوسیه ۹ شعبه تحریرات جنوب

ضمیمه سواد راپورت تلگرافی ارسال در ساعت ۲۱

تهران - بتاريخ ۲۱ میزان ۱۳۳۵

خدمت جناب مستطاب اجل امجد اکرم آقای سردار جنگ حکمران یزد دام اقباله - سواد راپورت تلگرافی یزد دایر به اقدامات قشون جنوب نسبت به اهالی قریه جوزم شهر بابک لفاً ارسال گردید. البته در نظر دارید چندی قبل نسبت به قریه دهج هم همین معامله شده بود. هرگاه جناب مستطاب عالی در حوزه حکمرانی خودتان بودید قطعاً این حوادث پیش نمی‌آید. تاخیر حرکت جناب مستطاب عالی به هیچوجه جایز نیست و هر روز یک زحمت و اشکالی پیش خواهد آمد.

بنابراین هیات دولت انتظار دارد که هر چه زودتر به مقر حکومت خودتان

حرکت کنید - وزیر داخله».

□ انتقاد وزیر کشور از نایب‌الحکومه یزد

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۴۷۶۰، کارتن ۹۲ دوسیه ۹

شعبه تحریرات جنوب

طهران - یزد بتاريخ ۹ میزان ۱۳۳۵

صادره تلگراف

نایب‌الحکومه یزد - مطابق راپرت تلگرافی پلیس جوزم را به توپ بسته و بکلی غارت کرده‌اند. خیلی عجیب است شما که نایب‌الحکومه رسمی هستید به هیچوجه این واقعیات را اطلاع نمیدهید (و) وزارت داخله باید از محل‌های دیگر بشنود. البته تفصیل قضیه و شرح واقعیات را فوراً اطلاع بدهید تا اقدام بعمل آید».

□ اعدام ده روستایی توسط پلیس جنوب

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۴۷۶۱، کارتن ۵ دوسیه ۹

شعبه تحریرات جنوب

طهران بتاريخ ۱۹ میزان ۱۳۳۵

وزارت جلیله امور خارجه - سواد یک فقره راپرت تلگرافی دایر به خرابی و غارت قریه جوزم و اعدام ده نفر از اهالی آنجا بدست پلیس لفا ارسال گردید. چون هنوز از مجاری رسمی خبری به وزارت داخله نرسیده، به نایب‌الحکومه یزد تلگراف شد تفصیل قضیه و شرح واقعه را تلگراف بکنند».

□ ارسال عرضحال رعایا به سفارت انگلیس

«وزارت امور خارجه

اداره تحریرات انگلیس

مورخه ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۶

نمره ۲۹۳۱/۲۷۴۴

وزارت جلیله داخله - مرقومه مورخه هفتم جمادی‌الاولی ۱۳۳۶ نمره ۷۵۵۹

حاوی سواد عرض حال اهالی شهر بابک عزوصول داد. سابقاً نیز عرض حالی به این وزارت خانه فرستاده بودند که به سفارت انگلیس نوشته شد. جوابی رسیده است که سواد آن به انضمام عین عرض حال تلوا ارسال میگردد که ملاحظه فرمائید. در باب محبوسین دهج هم سابقاً نتیجه اقدامات به آن وزارت جلیله اعلام گردیده است - اعتلاءالملک»^{۶۰}

□ مذاکره با سفارت انگلیس

«وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

مورخه ۲ محرم ۳۶ نمره ۱۶۹۸/۱۲۵۸۰

وزارت جلیله داخله - مرقومه محترمه برج میزان به نمره ۴۷۶۱ حاوی سواد راپرت تلگرافی به همین منظور از کرمان رسیده و وزارت امور خارجه در شرف ارسال مراسله سفارت انگلیس میباشد. لازم است که آن وزارت جلیله مجدداً تحقیقات عمیقہ در این موضوع بعمل آورده، مرقوم فرمایند که اساس مذاکرات با سفارت انگلیس از روی مدارک صحیحی باشد».

□ وعده سفارت انگلیس برای آزادی روستائیان زندانی

«وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

مورخه غره صفر ۳۶ نمره ۲۹۲/۱۸۰۵ وزارت جلیله داخله - مرقومه مورخه هفتم عقرب (۲۱ محرم ۳۶) نمره ۵۰۲۸ راجع با اقدامات قشون مرسوم به پلیس جنوب در تخریب قریتین دهج و جوزم واصل و با سفارت انگلیس مذاکره و قرار شد که برای استخلاص محبوسین اقدامات بعمل آورند».

□ شکایت اهالی میمند یزد از پلیس جنوب

« ۱۲ ظفرالمظفر

مقام منیع وزارت اداره مالیه طهران ارواحنافداه - عرضداشت چاکران رعایای میمند به آستان مبارک که بیچارگان همه وقت رعیت و خدمتگزار دولت بوده،

مالیات خودمان را همه ساله به مباشر و حکومت خودمان در شهر بابک رسانیده، این اوقات که قشون جنوب از فارس مراجعت کرده بی‌خبر و غفلتاً ریختند به مکان و منزل چاکران. آنچه دارایی داشتیم از نقد و جنس و دولت و اثاث‌البیت تمام را غارت کردند. یک هزار و پانصد خانوار بودیم که فعلاً به نان شب محتاج، به نوعی که فرش زمین و لحاف آسمان، حتی لباس زن و اطفال چاکران را غارت کردند و هرچه جنس داشتیم آتش زدند.

محض رضای خداوند توجهی فرموده که ما از گرسنگی تلف نشویم. استدعا به آستان مبارک، دستخط مبارک و حکم اکید هیئت دولت صادر شود که آنچه دارایی چاکران را قشون جنوب غارت کرده مسترد دارند که به آسودگی به دعای بقای وجود مبارک مشغول باشیم که فعلاً مستحق اعانه هستیم. چاکران - رعایای دربردار شده میمند از توابع دارالعباده یزد»

در زیر شکوائیه، یکی از معتمدین محل مراتب را به این شرح تایید کرده است: «این عریضه را رعایای میمند عرض کرده‌اند و هیچ وقت خلاف قاعده از آنها سر نزده و چنان آنها را غارت کرده‌اند که به نان یومیه محتاج شده‌اند. استدعا اینست که توجهی نسبت به آنها مبذول فرموده، راضی نشوند که ملبوس اهل و عیال مسلمین بدست اجنبی بیفتد و بر اولیای امور دولت و ملت لازم بلکه واجب است که رعایت حال مسلمین و مظلومین را فراهم نموده، احقاق حقشان را بفرمایند. دیگر بسته به توجهات مبذوله اولیای امور است. العبد الاحقر خادم شریعت مطهر - محل مهر».

□ پاسخ وزارت داخله به شکوائیه روستائیان میمند

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۴۹۹۳/۶۸۴۹ کارتن ۶ دوسیه ۹

تهران - بتاريخ ۲۶ جدی ۱۳۳۶

وزارت جلیله مالیه - مرقومه نمره ۳۴۲۱۴ زنت وصول، رعایای میمند یزد مستقیماً بوزارت داخله عرض حال داده بودند. مقصودشان اینست پس از اقدام قشون جنوب در شب و غارت اموال آنها مامورین مالیه نیز بسختی از آنها مطالبه مالیات

میکنند. بنابراین مقتضی است به امین محل مقرر فرمایند رسیدگی نماید هرگاه خسارت و خرابی آنجا از تطاول قشون جنوب بحدی است که قادر به ادای مالیات نیستند البته باید رعایت آنها را مورد توجه قرار داد».

□ نامه وزارت داخله به روستائیان میمند

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۶۸۲۱/۲۴۵۳۹

تهران - پاریز کرمان بتاريخ ۲۵ جدی ۱۳۳۶

رعایای میمند از توابع شهر بابک - کاغذ شما در باب خسارات و خرابی‌هایی که از بی‌اعتدالی قشون جنوب بشما رسیده است ملاحظه شد و اظهار داشته‌اید با تحمل این غارت و خرابی مامورین مالیه محل مطالبه مالیات میکنند، مطلع شده و شرحی که لازم بوزارت جلیله مالیه نوشتیم که با تحقیقات محلی موجبات آسایش شما را فراهم نمایند».

□ آزادی کدخدای روستای دهج

«دولت علیه ایران

وزارت داخله ۶۸۵۰/۲۵۰۴۴

نمره کتاب ثبت

کارتن ۶ دوسیه ۹

شعبه تحریرات جنوب

تهران - بتاريخ ۲۶ جدی ۱۳۳۶

وزارت جلیله امور خارجه - بطوریکه در مرقومه نمره ۲۰۵۹ - ۲۴۲۶ اشعار فرموده‌اند به محال^۶ کرمان تعلیمات داده شد که در استخلاص کلانتر دهج در تایید اقدامات آن وزارت جلیله اقدامات نموده موجبات آزادی مشارالیه را فراهم نمایند».

□ شکوائیه اهالی میمند از پلیس جنوب

«بتاریخ غره ج ۱ (جمادی‌اول) ۱۳۳۶

مقام منبع وزارت جلیله داخله روحنافده - پس از ده سال حبس فارس و ۵ سال خشکسال و ملخ^۸ منتظر بودیم که استفاده اغنام و حشم^۹ بیچارگان و تخفیف در مالیات بشود. زیرا که دو سال است آب خوردنی نداریم، قحطی در شهر بابک افتاده، از بی جنسی کلی رعیت تلف شده، چه خبر داشتیم که قشون جنوب می آید برای قتل و اسیر کردن بیچارگان؟ بامید اینکه از طرف دولت برای استرداد اغنام و حشم بیچارگان می آید، (از آنان) استقبال و قربانی کردیم. سیورسات نداشته، با هزار مشقت دادیم. بعوض وجه سیورسات و رسیدگی بحال بیچارگان، دوازده نفر (را) تیرباران کردند. اموالمان (را) غارت کردند و زنهای را اسیر کردند و کلی زن از خوف، بچه ساقط کردند و کلی زن و اطفال از خوف زهر پاشیده کردند، و کلی از صدمه کعب تفنگ و پشت قداره تلف شدند. نمیدانم از کدام درد شکایت نمائیم؟ ایکاش مابقی را هم کشته بودند که این زمستان مبتلای گرسنگی و بی منزلی نبودیم. استدعا اموال منهوبه و محروقه و بخشش مالیات، یا حکم بقتل. چنانچه باور ندارید امینی بفرستید که تحقیق نمایند. از برای خدا چاره برعایای میمند شهر بابک و توابع اثر انگشت و مهرهای روستائیان مینمده».

□ تخفیف در مالیات روستائیان برای پیشگیری از فرار آنان

«وزارت امور خارجه

۱۳ جمادی الاولی ۱۳۳۶

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته - یک فقره عرض حالی که از رعایای شهر بابک رسیده و شرح بیچارگان و خانه خرابی خود را اظهار داشته اند برای استحضار خاطر آن وزارت جلیله تقدیم و از آن مقام منبع مستدعیم فکر جامع برای آسودگی و رفع فلک زدگی این رعایای خانمان سوخته فرموده، ترتیبی که مستلزم رفاهیتشان باشد مقرر کنند. تاکنون چندین دفعه تظلم نموده و عرایض کتبی و تلگرافی به آن وزارت جلیله تقدیم داشته اند و عمده و اساس عرایض آنها اینست که با اینکه چند نفر از اهالی آنجا را پلیس جنوب تیرباران کرده و چند نفر دیگر را نیز همراه خود برده اند و بکلی آنها را از هستی ساقط کرده اند، معذالک مالیه مطالبه مالیات مینمایند، در صورتیکه قادر به پرداخت دیناری نیستند.

اگر وزارت داخله بخواهد این رعایا بالمره متواری و پراکنده نشوند مقتضی اینست بوزارت جلیله مالیه مرقوم دارند که از مالیه آنجا تحقیقات لازمه از وضع حال و پریشانی و استیصال رعایای مزبور بنمایند و ترتیبی برای مالیات بدهیشان داده، تخفیفی منظور دارند که لامحال مهاجرت را بر اقامت اختیار نموده، بعدها هم بتوانند برعیتی خود مشغول باشند. امر امر مطاع است - نصیر بختیاری».

□ وعده وزارت داخله به روستائیان غارت شده

«وزارت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۵۴۸۵/۷۰۰۵ ارسال در ساعت ۲

طهران - بهرام آباد رفسنجان بتاريخ ۳ دلو ۱۳۳۶ صادره رقمه

رعایای میمند شهر بابک - کاغذ شما در باب خسارت و خرابی‌هایی که از تطاولی قشون جنوب شما وارده شده، تعلیمات لازمه به نایب‌الحکومه یزد صادر شده که خسارات وارده را برآورده نمایند. البته شما در صورت خسارات از تهب و غارت و خرابیهای دیگر بطوریکه نایب‌الحکومه یزد تعلیمات میدهد، بدهید، البته دولت از احقاق حق شما صرف نظر نخواهد کرد. از وزارت جلیله مالیه به پیشکار مالیه یزد دستور داده شده با تحقیقات محلی موجبات آسایش شما را فراهم نمایند».

□ جانبداری وزارت داخله از روستائیان شهر بابک

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۸۱۸۳/۷۷۸۹

کارتن ۹ دوسیه ۹

شعبه تحریرات جنوب ارسال در ساعت ۱۱

طهران بتاريخ ۱۱ حوت ۱۳۳۶ صادره رقمه

خدمت جناب مستطاب اجل امجد اکرم افخم آقای سردار جنگ حکمران یزد دامه جلاله‌العالی - مراسله شریفه متضمن عرض حال رعایای غارت شده شهر بابک زینت

وصول داد. در این باب مکرر به وزارت جلیله مالیه نوشته شد که رعایای تظلم می کنند که تطاول و غارتگری قشون جنوب استطاعت ادای مالیات برای آن باقی نگذاشته و بایستی مالیه محل مقرر فرمایند رسیدگی نمایند هرگاه واقعاً پرداخت مالیات برای آنها غیرمقدور بود، حقاً نباید مطالبه کرد، تا بحال جوابی نرسیده است. مجدداً شرح مؤکدی به وزارت جلیله مالیه نوشته ام هر نوع جوابی که برسد خاطر مستطابعالی را از مفاد آن مستحضر خواهم ساخت - وزیر داخله».

□ نامه وزیر داخله به وزارت مالیه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۷۸۱۵ کارتن ۶ دوسیه ۹

شعبه تحریرات جنوب

ضمیمه سواد مراسله آقای سردار جنگ

تهران - بتاريخ ۱۱ حوت ۱۳۳۶

صادره رقیمه

وزارت جلیله - در باب تطاول و غارتگری قشون جنوب نسبت به بعضی از قراء شهر بابک و تظلمات رعایا که با این غارتزدگی ادای مالیات برای آنها غیرمقدور است، مکرر زحمت داده و عرض حال ارسال شده بود. مجدداً سواد شرحی که آقای سردار جنگ حکمران یزد در همین خصوص نوشته اند لفاً تقدیم می شود که عطف توجهی در این باب مبذول و وزارت داخله را از چگونگی مستحضر فرمایند - وزیر داخله».

□ مخروبه و خالی از سکنه شدن روستاهای مورد هجوم پلیس جنوب

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۷۲۷۹/۷۵۵۹ کارتن ۶ دوسیه ۹ ارسال در ساعت ۳

تهران - بتاريخ ۳۰ دلو ۱۳۳۶

صادره رقیمه

وزارت جلیله امور داخله - اهالی شهر بابک و رعایای آنجا عرض حال رقت آمیزی از غارتگری پلیس جنوب فرستاده‌اند. چون جالب و استحضار آن وزارت جلیله از مفاد آن لازم بود، عیناً ارسال گردید. ملاحظه خواهند فرمود تا حال چندین پارچه آبادی در نتیجه تظاول و تجاوز پلیس جنوب خالی از سکنه و مخروبه شده است. رعایای غارت زده بی‌منزل و ماوا در اطراف شهر گرد آمده و در هر هفته با ارسال این قبیل عرایض استرحام و از دولت کسب تکلیف می‌کنند.

وزارت داخله متحیر است چه جوابی به آنها بدهد و برای معاش یومیه غارت زدگان چه طریقی می‌تواند در نظر بگیرد.

البته آن وزارت جلیله در تعقیب اقدامات سابقه، بذل توجه مؤثری خواهند فرمود که تا یک اندازه وسیله آسایش غارت زدگان فراهم شود. عرض حال موصوف را پس از ملاحظه اعاده فرمائید که جوابی داده شود - وزیر داخله».

□ عرض حال روستائیان غارت شده به وزارت داخله

«مقام منبع وزارت جلیله داخله ارواحنا فدا - چه کنیم که فریاد بیچارگان به اعلیٰ حضرت (اعلیٰ حضرت) شهریاری ارواحنا فدا نمیرسد.

پس از دوازده سال دوره انقلاب که اشرار فارس بیچارگان را از هستی ساقط کرده بودند و هفت سال ملخ خواری که از گندم جز اسمی نمیدانستیم و قوت عمر بیچارگان علف بیابان بود، خشکسالی دو سال علف را هم نابود کرد. ناچار به (در) قصبات قریب به شهر بابک مشغول فعله‌گی و گدایی بودیم با این وضع مالیات خودمان را هم می‌دادیم. گمان می‌کردیم در خودمان دولتی داریم، شاهی داریم، امسال نشد، سال دیگر فکری به حال بیچارگان می‌فرمایند. در همین فکر بودیم که خبر آوردند قشون جنوب برای سرکوبی اشرار فارس و استرداد اموال منهوبه بیچارگان می‌آیند به شهر بابک که بروند فارس. شادی کنان استقبال کردیم. قربانی نمودیم (با) ورود به دهج که اهل خاک شهر بابک است، بنای غارت دهج را گذاردند.

بعد از غارت خانه‌ها را آتش زدند و برخی را به ضرب توپ کوبیدند. اهالی را اسیر و دستگیر نموده، جمعی را معلول، باقی را هم از مرد و زن و بچه به ضرب

شلاق و سرنیزه و پشت‌قذاره از پا در آوردند. اطفال زهره شکاف، آبتن‌ها حمل خود را ساقط نمودند. بعد از قضیه حکم به غارت مسجد جوزم می‌دهند. تصور فرمائید اردوی اجنبی در محلی که بنای غارت را بگذارد چه محشری می‌شود. تمام جوزم، حتی گلیم کهنه را بردند، بعد از غارت، بنای آتش زدن خانه‌ها را می‌گذارند. بعد از خرابی خانه‌ها بنای اسیر گرفتن و دستگیر نمودن را می‌گذارند، به قسمتی که خدا کند کافری نشنود.

همین اندازه بدانید که ۱۱ نفر اهال جوزم را که پدر و پسر و عمو و عموزاده بودند، کسانی هم بودند که سورات میداده‌اند دستگیر کرده‌اند و حکم کرده‌اند گودی برای خودتان بکنید، می‌خواهیم شما را تیرباران نمائیم. بچه‌ها گریه‌کنان، ضجه‌زنان که گناه چه و تقصیر کدام؟ مگر ما دولت نداریم، مگر ما شاه نداریم؟ ابتدا ناله‌های بدبختانه به دل‌های سیه اثر نمی‌کند و به ضرب سر نیزه گود را می‌کنند. بعد آنها را در حضور یک دیگر نشان سفید به سینه‌هایشان می‌جسباند و دو نفر که تیرباران می‌نمایند و به سایرین حکم می‌کنند پاهای آنها را بگیرد و بیندازد در گود. هر یازده نفر را به این ترتیب شهید می‌سازند. دیگر چه عرض نمائیم که در این سه روز در جوزم چه کردند. هرگاه نمی‌ترسیدیم که اماناء با غیرت دولت فجیعه انمایند، اتفاقات ناگوار دیگر را هم عرض میکردیم. اگر آنها رعیت گدای شهر بابک را نمی‌خواهند، ما بیچارگان پدرهای با غیرت خود را دوست میداریم و راضی نمی‌شویم که با عرایض جانسوز بیچارگان فجیعه نمایند.

قریه خبر و طایفه شکاری و قریه سراحسن رباط را هم غارت نمودند. حتی درهای خانه‌ها را هر چه سوزانیدند و هر چه نسوزانیدند حمل کردند. جزیی محصول صیفی هم که در این محال بود چرانیدند. خود بیچارگان هم که ظاهراً غارت نکردند. سه هزار تومان به عنوان سورات، جزیی جنس جو و گندمی که داشتیم با مقدار خطیری علوفه که برای حیوان‌های خود را از هر جا فرض یا گدایی کرده بودیم گرفتند و یکشاهی قیمت آن را هم ندادند.

بعد از حرکت از شهر بابک باز بی‌خبر رفتند به محل میمند که عمده و معظم بلوک شهر بابک است و منابع خطیر از هرچه در آن محل بود بالمره غارت کردند، از قبیل بادام و اجناس دیگر، هرچه بود آتش زدند.

حاصل آنکه کلیه شهر بابکی‌ها به نان شب محتاج و هر کس بتواند اعانتی از بیچارگان بنماید استحقاق داریم. فرشان زمین رواندازمان آسمان. گدا شدیم بی‌جهت. اگر باور ندارند امینی بفرستند که تحقیق فرمایند. بیچارگان نه دست ستیز و نه پای گریز داریم که بتوانیم فرار نمائیم یا شرفیاب شده، حضوراً شرح بدبختی خودمان را بعرض برسانیم. محل کنگ را هم خود سر کرده و با چهار صد سوار هندی بی‌خبر ریخته و غارت کردند. علّاجی بفرمائید، از دست رفتیم. اسیرها را هم که بردند. دو هزار تومان از چهار نفر آنها که هر کس توجیه کرده ترحماً به آنها دادند گرفتند و رها کردند. باقی را هم برده‌اند. از جمله میرزا احمد کلانتر دهج و چهار نفر سید دیگر، و هنوز مرخص نکرده‌اند. منتظر بروز مرحمت هستیم، علاج فوری بفرمایند - بیچارگان رعایای شهر بابک».

□ در زیر نامه این عبارات آمده است:

«از قرار اظهار سفارت (انگلیس) آن چهار نفر را رها کرده‌اند و برای استخلاص کلانتر وجه‌الضمان می‌خواهند. در این باب به وزارت داخله نوشته شده است که به توسط ایالت کرمان تسهیل در انجام این امر بنمایند. اداره جنوب - ۴ جمادی‌الثانی».

□ و در پایان، این عبارت در حاشیه سند دیده می‌شود:

«این عرض حال عیناً به وزارت امور خارجه فرستاده شده بود و این شرح را آقای منصورالملک مدیر اداره انگلیس (وزارت خارجه) نوشته‌اند».

(۱) - تفنگداران جنوب ایران موسوم به پلیس جنوب یا «اسپیار» S.P.R در ۱۶ مارس ۱۹۱۶ مطابق با ۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۵ هـ.ق توسط سرتیپ «سایکس» به منظور تأمین منافع انگلیس و مقابله با قیام‌ها و مبارزات عشایر جنوب ایران تأسیس شد.

مراجعت قشون روس از ایران

«وزارت امور خارجه

اداره روس

سواد ترجمه مراسله ریاست کمیساریای قفقاز

مورخه ۳ ماه نوامر ۱۹۱۷ (۱)

نمره ۱۰۹

در تعقیب مراسله مورخه ۲۴ دکابر^۲ گذشته نمره ۱۳۱۸ با کمال احترام خاطر عالی را قرین استحضار مینماید که در ضمن فصل دهم قرارداد دائر به متارکه^۳ جنگ مندرج است که قشون روس از ایران خارج خواهد شد. در موقع تخلیه ایران کمیساریای قفقازیه لازم میدانند تدابیر جدی اتخاذ شود که دستجات قشون که از نقاط مسکونی عبور مینماید متعرض اهالی نشده، هیچگونه خسارتی وارد نیاورند. نظر باین مقصود متمنی است باولیای دولت متبوع خودتان اطلاع بدهید بعموم اهالی اعلام نمایند که از طرف کمیساریا اقدامات لازمه و ممکنه برای انتظام مراجعت قشون از

(۲) - از روستاهای شهر بابک ایالت یزد.

(۳) - از افسران بلند پایه پلیس جنوب.

(۴) - روزنامه^۴ سروش ایران در سال ۱۳۳۵ هـ. ق به مدیریت رضا امیر رضوانی در

تهران منتشر می‌شد و روزنامه‌های انتشار آن اغلب شنبه‌ها و ۴ بار در هفته و

هر بار در ۸ صفحه بود و بیشتر به مطالب ادبی می‌پرداخت (تاریخ جراید

ایران، محمد صدرهاشمی، جلد سوم، ص ۳۶).

(۵) - غارت شده.

(۶) - نصرالله اعتلاءالملک خلعتبری از رجال وزارت امور خارجه در دوران قاجار.

(۷) - جمع محل - ایالت.

(۸) - خشکسالی و ملخ‌زدگی.

(۹) - گوسفندان و خویشاوندان.

(۱۰) - مصیبت، حادثه دردناک، مفرد فجایع (فرهنگ عمید).

ایران و عدم تعرض آنها نسبت باهالی بعمل آمده است.

سواد مطابق اصل است - مهر وزارت امور خارجه اداره تحریرات روس».

نامهٔ شیخ احمد سیگاری و انتقاد از افراد سست عنصر و متزلزل نهضت جنگل

«کسما

۲۵ ج ۱۳۳۶۱

تصدقت کردم. یوم گذشته تلگراف حضرتعالی به مضمون ذیل وارد:

«چهار سوق بزرگ، آقا شیخ احمد تاجر سیگاری رشتی حرکت موقوف،
تفصیل با پست علی فومنی». بنده هم بعد از آمدن دکتر ابوالقاسم خان و اتصال او به
نقیب‌زاده و کیل و نیرالسلطان^۱ و استفاده‌های فعلی او بکلی از کلیه عملیات خود
پشیمان هستم. چنانچه بحضرت اجل آقای حاجی و آقای میرزا عرض کرده‌ام از قرار
معلوم مبلغی موقع حرکت گرفته و از روز ورود الی اکنون بسختی پانصد تومان از من
مطالبه دارد و اگر چه دادن یکشاهی را بدست این آدم حرام میدانم، معذالک ناچارم
بواسطه احترام خط و امضای آن دو نفر محترم، برخلاف میل و اعتقاد خود عمل نمایم
و امروز پانصد تومان را خواهم داد و آنوقت باید هر آدم عاقلی به من یا امثال من
بگوید دیدی که عاقبت همان شد که بود. کار کردن خر، خوردن یابو. و باید دانست
که ما آخوندها اگر آسمان را بزمین بدوزیم و تمام فداکاری که از قوهٔ بشر خارج
باشد بعمل بیاوریم، بالاخره فعلهٔ مفت بوده و نتیجه و حاصل زحمات ما را بایستی
خواهی نخواهی تسلیم فکلی‌ها و لامذهب‌ها نمائیم.

بنده از قدیم‌الایام میدانستم که تهیهٔ مقدمات از ماست و ربودن نتیجه با
دیگران، و آنها هم همین نکته را حس کرده‌اند. از ابتدا که موقع فداکاری است ما
آخوندها را در جلو خود انداخته، برای تهیهٔ مقدمات همه رقم مشقت را بر ما تحمیل
می‌نمایند. در موقع اخذ نتیجه از سوراخ و بیغوله‌ها خارج میشوند، به یک تردستی و
عیاری و کلمات شیک و قشنگ که مخصوص خود آنها است، قان‌دین و پیشقدمان
ساده‌لوح ما را فریب داده و خود را داخل کرده، آنچه استفاده که منظور آنها است
برای شخص خودشان در همین اقدام اول می‌نمایند و پیشقدم‌های ما با تمام عملیات
خود را تفویض آنها میکنند و کنار می‌روند. با آنکه در نزد مردم لکه‌دار شده پس از
مرور زمانی نتیجه را که همان ندامت است خواهند برد. از این ساعت و دقیقه به

حضرات عرض میکنم بکلی خود را از عملیاتی که مشغول بوده‌ام و شاید به نظر خودم خیلی بزرگ بوده بازداشته و دور کرده‌ام، خیال مبارک در خصوص بنده راحت باشد. من و کنج ویرانه پیرزن^۲. تجارت پاپیروس از هر شغلی برای بنده در دنیا بهتر و بالاتر است. مرحمت زیاد باد - شیخ احمد سیگاری»^{۳۰}

(۱) - از ملیون تهران و نمایندگان مجلس شورای ملی.

(۲) - اگر جستم از دست این تیرزن

من و کنج ویرانه پیرزن

(بوستان سعدی)

(۳) - از یاران میرزا کوچک خان که خدمات زیادی به نهضت جنگل کرد. از

آنجمله در پی تماس با ملیون تهران توانست چند هزار دست لباس متحدالشکل

تهیه و به جنگل حمل کند و در اختیار انقلابیون بگذارد. (ایران در جنگ

بزرگ، مورخ‌الدوله سپهر، ص ۳۸۶).

بازداشت سلیمان میرزا توسط دولت انگلیس

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۳۴

از کرمانشاه به طهران

نمره قبض ۳۹ نمره تلگراف ۳ عدد کلمات ۲۱۹ تاریخ اصل ۲۱

تاریخ وصول ۲۶ حوت ۱۳۳۶

مقام منیع هیئت محترم وزرای عظام دامت عظمه - بر حسب وظیفه خدمتگذاری خود بایستی همیشه رایورت را بعرض اولیای امور برساند من جمله قشون انگلیس صفحه غرب (را) جولانگاه آیروپلانهای هوایی و اتومبیل جنگی خود قرار داده و از هیچ گونه حرکات حق شکنانه فروگذار نمی نمایند. شاهزاده سلیمان میرزا^۱ که از خدمتگزاران صمیمی دولت است توقیف مینمایند. بی طرفی دولت علیه با این حرکات خارج از قانون قشون دولت فخمیه منافات کلی دارد و از این حرکات قشون انگلیس تمام عشایر غیور به هیجان آمده، چنانچه عطف نظری در این موضوع از جلوگیری دولت فخمیه نشود و ضمناً اسباب استخلاص شاهزاده معزالیه فراهم نگردد باعث ناامیدی صفحات غرب و عامه عشایر خواهد شد. یا اینکه هیئت محترم وزرای عظام اولیای امور در مرکز سفارت فخمیه قدغن فرمایند که قشون دولت فوق الذکر بیش از این مداخله در داخله ایران ننمایند یا این که اجازه فرمائید عشایر غرب را هم با قوه ایلیت خودمان برضد حرکات قشون دولت فخمیه اقدام نمائیم. بیش از این نمی توانیم خودمان را اسیر قشون انگلیسی نمائیم. استدعای جواب فوری و دستورالعمل کافی داریم. مستدعی است هرگونه امری باشد مقرر فرمایند که در کمال افتخار در انجام خدمات محوله جان نثاری شود. فدوی - سردار فاتح کاکاوند»^{۲۰}

(۱) - نماینده مجلس و عضو فرقه دموکرات ایران که دستگیری وی توسط نظامیان

انگلیس باعث اعتراض هایی شد و فرقه دموکرات دستگیری او را نقص اصول

بیطرفی ایران از سوی انگلیس اعلام کرد.

(۲) - از رؤسای عشایر کرمانشاه.

تفتیش ورود و خروج کشتی‌ها در دریای خزر

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۷۱۱

از رشت به طهران

نمره قبض ۳۴۳ - نمره تلگراف ۷۹ عدد کلمات ۶۳ تاریخ اصل ۲۷

تاریخ وصول ۲۹ حمل ۱۳۳۶ دولتی

مقام منیع وزارت جلیله داخله - تا یک هفته قبل آنچه کشتی وارد و خارج میشد، نظامیان روس تفتیش می‌کردند. پس از اقدامات لازمه اینکار را موقوف و آنچه کشتی وارد و خارج میشود نظامیان ایران بدون مداخله روسها از واردین و خارجین تفتیش می‌کنند و کمال مراقبت بعمل می‌آید.

۲۷ - حمل - نمره ۲۹۱ - فدوی - مهدی فرخ» ۱۰

اخراج مدیر مخابرات رشت

«وزارت پست و تلگراف

مورخه ۱۵ رجب المرجب ۷ ثور ۱۳۳۶

نمره ۲۵۲

وزارت جلیله داخله - از قرار اطلاع تلگرافی مسیوالبرک مدیر مخابرات خارجه مرکزی رشت از اول برج ثور مشارالیه را بحکم هیات اتحادیه^۱ از کار خود معاف و منفصل داشت، لذا متمنی است در اینمورد و نظایر آن توجهی منظور و نتیجه را مرقوم فرمایند که تکلیف معلوم شود».

در زیر نامه چنین اضافه شده است:

- «در موقع به عرض مقام منیع وزارت پناهی خواهد رسانید. ۱۵ رجب».

سپردن مسئولیت تأمین نان و آذوقه مردم به مسیو میلتر

«وزارت مالیه

نمره ۱۱۴۸۹

بتاریخ ۳ برج جوزا ۱۳۳۶

وزارت جلیله معارف و اوقاف - بطوریکه آنوزارت جلیله اطلاع دارند، عمل اداره خبازخانه و ارزاق عمومی کلیتاً به مسیو میلتر واگذار شده و وزارت مالیه در جزئیات این کار به هیچوجه مداخله نمی‌کند.

در اینصورت راجع به اشخاصی که برای تهیه گندم و آذوقه خودشان به آن وزارت جلیله مراجعه می‌نمایند متمنی است مقرر فرمائید صاحب مطلب مستقیماً به مسیو میلتر مراجعه نماید. یقین است مشارالیه در هر مورد هر طور مقتضی بداند اقدام خواهد کرد - وزارت مالیه».

داستان ساختگی پرداخت غرامت جنگی به ایران

□ تشکیل کمیسیون مرکزی تعیین خسارت

«وزارت داخله

سواد مراسله وزارت خارجه - اداره کمیسیون تعیین خسارات

شماره ثبت ۱۱۲۱۱۰۶ مورخه ۳ ذیقعه ۱۳۳۵

وزارت جلیله داخله - اولیای آن وزارت جلیله استحضار دارند برای تعیین میزان خسارت مادی و معنوی جنایات و کلیه مظالمی که از قشون اجانب به دولت و اهالی و رعایای ایران عموماً، چه از بدو تجاوزات قوای اجانب و چه هنگام محاصره دول متحارب در خاک ایران وارد شده و یا هرچه از این به بعد وارد شود، مقرر گردیده است کمیسویی در وزارت امورخارجه با حضور نماینده‌ای از آن وزارت جلیله و وزارت جلیله مالیه تشکیل شده، طرز و طریقه برای انجام و اجرای این مقصود نسبت به مذاکرات در آن کمیسیون اتخاذ گردد تا به وسایل مقتضی اقداماتی که منظور نظر اولیای دولت است، بعمل آید.

روز دوشنبه ۴ شهر شوال ۱۳۳۵ بطوریکه مقرر بود کمیسیون مزبور با حضور نماینده آن وزارت جلیله در وزارت امور خارجه تشکیل و پس از مذاکرات قرار و عقیده‌ای اتخاذ شده است که در صورت مزبور کیفیت و ترتیب اقدام در این مورد تشریح نموده‌اند، لزوماً سواد آن مجلس را برای اطلاع خاطر اولیای آن وزارت جلیله ارسال و تصدیق می‌دهد که از طرف وزارت امور خارجه موافق قرار متخذه مندرج در آن، بکار گذارهای خارجه ولایت مراتب اظهار و با اولین پست تبلیغ شود و به مدلول آن با حکومت‌های محلی و امنای مالیه هر جا جلسات وقت و کار بیشتر مرتب و اقداماتی را که وظیفه‌دار شده‌اند اجراء دارند.

مقرر خواهند فرمود از وزارت جلیله داخله هم به حکام ولایات امر مؤکد صادر فرمایند که به موافقت کارگذارهای خارجه و امنای مالیه ولایات در هر جا کمیسونی بنام (کمیسیون تعیین خسارات) تشکیل و وظایفی را که در این امر عهده‌دار شده‌اند اجرا دارند. و از هر جا نتیجه را به وسیله وزارت متبوع خود به کمیسیون تعیین خسارات در وزارت امور خارجه اطلاع داده، تعلیمات لازمه در تسهیل جریان امر اتخاذ نمایند. این کمیسیون هفت‌ای دو روز روزهای سه‌شنبه چهار ساعت به غروب مانده در شهر و روزهای یکشنبه سه ساعت به ظهر مانده در عمارت بیلاقی وزارت امور خارجه تشکیل می‌شود.

بدیهی است به نماینده آن وزارت جلیله هم امر می‌دهند روزهای مزبور که ابتدای آن روز یکشنبه ۷ ذیقعه است، در وزارت امور خارجه شهر و بیلاق سر وقت حضور به‌م‌رسانند، صورت احکام صادره متحدالمال را هم لفاً ارسال داشته که بر طرق آن به حکام ولایات و حکومت مرکزی طهران راجع به خسارات وارده به اطراف دارالخلافه احکام صادر فرمایند - وزارت امور خارجه».

□ ابلاغ حکم به ولایات

«برحسب امر و تصویب اولیای دولت علیه مقرر شده است برای تعیین کلیه خسارات و ضررهای مادی و معنوی که در اماکن و شهرها و بلاد و قصبات و قراء خاک ایران از بدو تجاوزات و مخاصمه قوای اجانب وارد شده، هرجا سوخته و غارت گردیده و یا رعایا و اهالی را کشته، هتک نوامیس کرده‌اند و یا به مالیات و منال

دولت سخته^۱ وارد آورده، عایدات دولتی را علناً ضبط یا به مناز^۲ و وجوه دیگر بنزول قیمت مبادله کرده و بعنوان سیورسات^۳ مبلغها نقد و جنس به دولت و مردم تحمیل و از این راه صدمات و خساراتی را متوجه نموده‌اند، و یا املاک و دارایی مردم به عنوان مقصر پلیتکی^۴ توقیف و در آنجا حیف و میل‌هایی شده، کمیسیونی در وزارت امور خارجه تشکیل و قرار شده است با حضور نمایندگان از وزارت داخله و مالیه و سائلی اتخاذ و اوراق و اسنادی ترتیب داده شود که بتوان مسببین آنروز و مرتکبین مظالم فوق جبران خسارات مادی و معنوی را حقا مطالبه نموده، کمیسیون نیز در این مقصود با اولیای دولت مذاکراتی بعمل آورده، نتیجه اینطور اتخاذ شده است که در شهرها و ولایات و هر جا که این فجایع و مظالم روی داده، حکام و کارگزارهای خارجه و امنای مالیه مامور باشند تحقیق و تشخیص آنها را در جلساتی چند که در عرض هفته باید تشکیل آنها را در جلساتی چند که در عرض هفته باید تشکیل دهند، به دو قسمت منقسم کنند: یک قسمت مخصوص نوع ضررهایی باشند که نتیجه اتفاقات اخیر و وقایعی است که از این به بعد روی می‌دهد، آنها را تحت تدقیق^۵ در آورده، خدمت کنند. همان را تا حد امکان بنام و نشان معین، خسارات دیدگان را مشخص، نوع مظالم را صورت برداشته طوری بسرعت اقدام و از اوامر وقت حذر کنند که حقوق احدی بدون مراجعه و تشخیص نماند. قسمت دیگر صدمات عرضی و جانی و ضررهای مالی است که از بدو تجاوزات قوای اجانب و حین مخاصمه دول متحارب در خاک ایران به دولت و اهالی وارد آمده خسارات وارده به اهالی را باید در هر جا خود آنها صورت داده، پس از تدقیق کامل به امضای هیات تحقیقه یعنی همین کمیسیونی که مرکب از حاکم و کارگذار و امین مالیه است (و موسوم به کمیسیون تعیین خسارات می‌باشد) و علمای معروف و قسمتی از اعیان و تجار محترم هر محل برسانند که مستند معتبر در دست باشد. خسارات دولتی را هم جداگانه خود آن هیأت مکلفند ضمن تحقیق بوسیله اهل خبرت و بصیرت مستندانی تحصیل نمایند. آن کارگذاری ماموریت دارند به وصول این حکم به موافقت حکومت و امین مالیات تشکیل کمیسیون داده، در هفته دو جلسه یا به مقتضای کثرت کار بیشتر مرتب و شروع بکار نمایند.

صورت مجالس و تعلیمات کمیسیون مرکزی هم لدی الضروره^۶ فرستاده

می‌شود. از وزارتین داخله و مالیه هم در اجرای این امر و تشکیل کمیسیون به حکام و امنای مالیه احکام صادر، نتیجه اقدامات را در هر جا باید رئیس هیات تحقیقیه دولتی هر که تعیین می‌شود با امضای تمام اعضاء کمیسیون تعیین خسارات مرکزی بفرستد. این نکته را خاطرنشان می‌نماید که تحقیقات باید بحدی جامع‌الاطراف باشد که تعیین کامل را متضمن باشد. اولیای دولت بروز جدیت و دولتخواهی و بیطرفی مامورین خود را فداکارانه در این موقع مترصدند (به تمام کارگذاریهای جزء خود نیز همینطور دستور کافی خواهند داد).

صورت حکم فوق عیناً بکارگذاریهای خراسان و آذربایجان ارسال و به استثنای جمله مندرج در پراوتر، بکارگذاریهای مفصله ذیل ایفاد خواهد شد:

قزوین - رشت و انزلی - بنادر فارس - عراق - اصفهان - کرمان - کرمانشاهان - کردستان - مازندران - استرآباد - همدان - سیستان»

□ ولایت بدون حاکم!

«وزارت امور خارجه

کمیسیون تعیین خسارات

شماره ثبت ۱۱۹۶۴/۳۴ مورخه ۵ ذیحجه ۱۳۳۵

وزارت جلیله داخله - خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله مستحضر است برای تعیین خسارات وارده به دولت علیه و اتباع ایران از تجاوزات اجانب کمیسویی در وزارت امور خارجه تشکیل و نماینده وزارت جلیله هم عضویت دارند، و برای تعیین خسارات وارده در ولایات نیز وارد شده است در هر جا کمیسویی از حکام و کارگذار و رئیس مالیه محل تشکیل گردد که بالاتفاق با اطلاعاتی که هر یک دارند شروع به اقدام نمایند.

اینک مکتوبی از کارگذاری خارجه گیلان به وزارت امور خارجه رسیده که بواسطه نبودن حکومت تاکنون میسر نشده است به تشکیل کمیسیون تعیین خسارات مبادرت شود. بدیهی است اولیای آن وزارت جلیله اهمیت تشکیل کمیسیون مزبور را در نظر گرفته مقرر می‌فرمایند تکلیفی برای حکومت آنجا مقرر و حکمرانی تعیین نمایند که زودتر موجبات تشکیل کمیسیون فراهم و شروع به اقدام شود. اهمیت

تشکیل کمیسیون در گیلان مسلم است و بیش از اغلب ولایات دیگر است و امور این کمیسیون همه باید یکسان پیشرفت نماید. از هر توجهی که در این خصوص می‌فرمایند بدیهی است وزارت امور خارجه را مستحضر خواهند فرمود - وزارت امور خارجه».

□ در زیر این نامه دستور داده شده است: «فوری است
اداره شمال - بمعاون حکومت تلگراف کنید که حکمران در رشت نیست.
خیلی سهل است که شما با الباقی کارگزاران کمیسیون را تشکیل داده و نتیجه
اقدامات را اطلاع دهید. جواب هم فرستاده، به کارگذار تعلیمات دهند».

تشکیل نشدن کمیسیون به دلیل عدم امنیت

«ایالت آذربایجان

شماره ثبت ۸۰۴ مورخه ۸ جمادی‌الاولی ۱۳۳۵

مقام منیع وزارت جلیله داخله - از تفصیل مرقومه محترم نمره ۶۷۴۲ محتوی سواد
عرضحال اهالی میان‌دوآب استحضار حاصل نموده، مسلماً خاطر وزارت جلیله از
اوضاع آن صفحات اطلاعات کافی داشته و با وجودیکه از روز ورود، قسمت عمده
خیال بنده مصروف باعاده ترتیبات نظم آنجا بوده، ولی با وضع حالیکه تصدیق
خواهند فرمود که ایالت وسیله اجرای منویات موجود نیست، که اقدامی بعمل بیاورد و
ترتیب اینکار منوط بوصول امنیت در آن سامان است که نظریات روسای دولت را
کاملاً بموقع اجراء گذاشته و در تحقق امر و اجرای منویات اهالی آنجا اقدامات
کافی بعمل آید - ایالت آذربایجان».

□ دستور تسریع در اجرای دستورالعمل کمیسیون تعیین خسارت

«وزارت داخله

شماره ثبت ۳۱۲۳ مورخه ۲۷ ذی‌عقده ۱۳۳۵

حکومت جلیله طهران - از وزارت امور خارجه اطلاع می‌دهند که کمیسیون
تعیین خسارات در مرکز مجدداً وسایل شروع بکار را فراهم نموده، مطابق اطلاعاتی که

در دست است در تمام نقاط یک اقداماتی را شروع کرده‌اند جز حکومت طهران که قدمی برای اینکار برنداشته و با تأکیدات سابق متأسفانه اینکار مهم هنوز در حوزه حکومتی طهران صورت عملی بخود نگرفته است. لازم است به سابقه امر عطف توجه نموده و بر طبق دستور سابق فوری شروع بکار کرده، نتیجه را علی‌الفور اطلاع دهید».

□ بی‌اعتنایی به دستور مقامات مرکزی

«وزارت امور خارجه

کمیسیون خسارات

شماره ۴۲۸/۴۴۴ ۱۶ مورخه ۱۱ ذیحجه ۱۳۳۶

وزارت داخله - مدتی است که هیچگونه راپورت و صورت خسارات به کمیسیون مرکزی نرسیده و معلوم می‌شود مأمورین در این امر مهم بی‌اعتنایی و مسامحه می‌نمایند. لازم می‌داند مقرر فرمایند اوامر اکید و صریحه بعموم حکام صادر شود که هرچه زودتر باتفاق کارگذار و امنای مالیه کمیسیون محلی را تشکیل و شروع بکار نمایند. ضمناً اگر اوراق لازم داشته باشند تلگراف نمایند که از کمیسیون مرکزی برای آنها فرستاده شود».

□ عدم جدیت مأموران اجرایی

«وزارت امور خارجه

شماره ۲۶۳/۳۶۸۵ مورخه ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶

وزارت داخله - از قرار خبری که از بعضی نقاط مثل عراق می‌رسد، مأمورین آنطوری که شاید و باید جدیت بخرج نمی‌دهند، مقتضی است مجدداً دوایر تلگرافی بحکام عمدتاً و حکومت عراق خصوصاً صادر فرمایند که در پیشرفت اینکار مخصوصاً توجهی نمایند».

□ درخواست حقوق برای نماینده وزارت خارجه

«وزارت امور خارجه

کمیسیون تعیین خسارت

شماره ۱۳۸/۱۳۴۸۵ مورخه ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶

وزارت جلیله داخله - مرقومه نمره ۸۲۰۵ آن وزارت جلیله در خصوص اعزام نماینده وزارت امور خارجه به زنجان به سواد تلگراف آقای اسعدالدوله عز وصول بخشید. جواباً خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله را مستحضر می‌دارد وزارت امور خارجه اساساً برای اعزام همچو ماموری موافق است، ولی می‌داند از طرف آن وزارت جلیله اقداماتی برای تعیین حقوق مأمور مذکور بعمل آمده و بعد از آنکه ترتیب مقرری آن اقلاً از هفتاد یا هشتاد تومان کمتر نباشد از تصویب هیئت محترم وزرای عظام گذشته، به وزارت خارجه اطلاع بدهند تا تعیین و اعزام گردد - اعتلاء الملک» ۱۱.

□ درخواست تعیین فوری خسارات

«وزارت داخله

شماره ۴۲۶۰ مورخه ۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۷

فوری است

حکومت جلیله طهران - با توجه به قریب‌الوقوع بودن تشکیل کنفرانس پاریس لازم است کلیه خسارات مادی و معنوی را به هر نحوی و ترتیبی که سهل‌تر و نزدیکتر است تهیه کرده و برای استفاده هیئت‌هایی که بخارج اعزام خواهند شد حاضر نمائید و نتیجه اطلاع دهید».

□ گزارش خسارات وارده توسط کمیسیون کرمانشاه

«خساراتی که به مالیه دولت وارد شده است:

از طرف روس‌های تزاری یک میلیون و ۷ هزار و ۳۴۳ تومان.

از طرف عثمانی‌ها ۴۹۷ هزار و ۶۹۲ تومان.

- خسارات شعبه تلگرافی دولت:

از طرف روسیه تزاری ۳۶۷ هزار و ۱۴۵ تومان.

از طرف عثمانی‌ها ۱۰۱ هزار و ۶۶۵ تومان.

- خسارات شعبه پستخانه:

از طرف روسیه تزاری ۱۷ هزار و ۹۶۹ تومان.

از طرف عثمانی‌ها ۱۸ هزار و ۱۳۷ تومان.

از طرف آلمانی‌ها ۲۰ هزار و ۴۹۳ تومان.

- خسارات شعبه قشون:

از طرف آلمانی‌ها و روسیه تزاری و عثمانی‌ها (از قبیل توپخانه و چادر و اسباب و قاطر و غیره) ۲۰۰ هزار تومان.

- خسارات شعبه گمرک ۲۶ هزار و ۳۱۹ تومان».

□ خسارات تقریبی ایران از جنگ

مجموع خسارات آذربایجان، خراسان، کرمانشاه، همدان، خمسه^{۱۲}، آستارا، سبزووار، اصفهان، قزوین، مازندران، کاشان، استرآباد، کرمان، اراک، خرقان، لرستان، نیشابور و تون ۴۳۶ میلیون و ۴۵ هزار و ۱۰ تومان.

جمع کل تلفات جانی که بطور مستقیم طرف روسیه تزاری و عثمانی‌ها در سراسر خاک ایران وارد آمده عبارت بود بیش از ۳۰۰ هزار نفر.^{۱۳}

□ ورود هیات ایرانی به پاریس

«وزارت امور خارجه

شماره ۱۶۱۸/۲۲۸ مورخه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۳۷

وزارت جلیله داخله - کمیسیون اعزام دولت علیه ایران اخیراً پاریس رسید^{۱۴} و صورت کلیه خسارات وارده بدولت ایران از قوای متجاوز اجانب بغوریت برای اعلام بکمیسیون لازم است، در صورتیکه بازدید تحقیقی یا تعیین شخص خسارات اغلب نقاط هنوز بمعده تعویق است و زحماتی را که اولیای دولت در ظرف اینمدت متحمل شده ممکن است بالاخره منتهی بحصول نتیجه نگردد. علیهذا لازم است به کلیه حکام ولایات و ایالات اوامر تلگرافی و کتبی فوری و موکد صادر فرمایند و به هر ترتیب ممکن باشد صورت تخمینی خسارات را با کمک و معاضدت کارگذاری‌های مهم خارجه در کمیسیون‌های محلی تعیین و جمع تخمینی آنرا تلگرافاً اعلام نمایند. وزارت

امور خارجه هم در این باب دستورالعمل‌های کافی به کارگذاری‌های مهم خارجه خود داده، مسلم است اوامر سریع‌ه آنوزارت جلیله هم به مأمورین خود موید واقع گردیده و امید است بزودی نتیجه‌ای که مقصود اولیای دولت باشد، باین ترتیب حاصل شود - اعتلا لملک».

□ بخشی از مقدمهٔ بیانیهٔ هیات ایرانی پس از عزیمت

به کنفرانس صلح پاریس

- «در ماه اوت ۱۹۱۴ که جنگ اروپا طالع شد، دولت عثمانی شروع به تجهیزات نظامی نموده بود و وزرای مختار دولتین روس و انگلیس تمایل خود را که دولت ایران اعلان بیطرفی خود را بدهد، به دربار ایران خاطر نشان کردند».

- «ایران علیرغم اعلان بیطرفی در جنگ، تمام نتایج مشنومه جنگی از قبیل مظالم وارده به اهالی، خونریزی، هتک نوامیس، خرابی بلدان، فحط و غلأ^{۱۲} و امراض مسریه را تحمل کرده است، و با تمام این وقایع ایران به قولی که داده بود صادق ماند... و دولت ایران تمام مساعی و ممکنات خود را بکار برد و از توسعه جنبش ترکها (دولت عثمانی) و از اینکه بتوانند ایران را مرکز و محور عملیات جنگی بر علیه ممالک مجاوره بنمایند، ممانعت به عمل آورد».

□ خلاصهٔ بیانیه

۱ - دولت ایران بر طبق تمامیت دولت متفق^{۲۴} سیاست بیطرفی را اتخاذ نموده و تا آخرین قدم با وفا و صمیمیت به آن عمل نمود و تمام مساعی ممکنه خود را برای حفظ و محترم داشتن آن به کار برد، و سیاست بیطرفی آن به منفعت دولت متفق^{۲۴} بود. به علاوه رویه بیطرفی خیرخواهانه را پیوسته نسبت به آنان مجری و ملحوظ داشت و حتی آنکه در اواخر سنه ۱۹۱۵ دولت ایران لایحه یک فقره معاهده اتحاد را نیز به متفقین پیشنهاد و تقدیم نمود.

۲ - بیطرفی ایران از جانب طرفین متحاربین مراعات و محترم نگردید و همواره هر دو طرف آن را نقض کردند.

۳ - در صورت نقض شدن بیطرفی ایران، مملکت میدان یک جنگ شدیدی

گشت و در نتیجه تمام اثرات و نتایج آن را، تمام مظالم و شایع آن و تمام خسارات وارده از آن را تحمل نمود.

۴ - ایران به توسط اظهارات صریحه با پروتست‌های دول متفق بر علیه نقض حقوق بشریت که از طرف آلمان ارتکاب به آن می‌گشت خصوصاً در جنگ تحت‌البحری^{۲۷} موافقت و اشتراک نمود.

□ نتیجه بیانیه ایران

«نتیجه - برای علل و موجباتی که در فوق ذکر شد، ایران حقوقی را تحصیل نموده که نمی‌تواند انکار و تردید کرد، و نایستی ایران را در همان ردیفی که سایر ممالک بی‌طرف را قرار داده‌اند، قرار دارد. به علاوه ایران می‌تواند امیدوار باشد که از پاره‌ای ممالکی که در ردیف محاربین محسوب شده‌اند، در صورتی که صدمه و لطمه از جنگ به آنها وارد نگشته، هیچ نوع تلفاتی نداده، هیچ قسم شدائی تحمل نکرده‌اند، هیچ شکل فداکاری ننموده و معه‌ذا بیشتر طرف مراعات و عنوان از طرف دول متحارب هستند، فقط به همین فقره اعلان جنگ به طرف مقابل داده یا آنکه بطور ساده روابط دیپلماتی خویش را با متحدین اروپای مرکزی قطع نموده‌اند، بیشتر با وی مساعدت و معاضدت نمایند.

- آنچه در این نتیجه‌گیری آمده، واقعیت تلخی است که در سینه تاریخ ثبت است. زیرا همانطور که بالا گفته شده، آنقدر که ایران علیرغم اعلان بیطرفی در جنگ اول جهانی صدمه دید، بسیاری از کشورهای به اصطلاح درگیر در جنگ آسیب ندیدند. معذالک غرامت‌ها و خسارت جنگی نیز نصیب همان‌هایی شد که خود در شمار دولت‌های متجاوز و متخاصم محسوب می‌شدند و با آنها در یک ردیف قرار داشتند.

به علاوه بعضی از دول عظیمه قرار گذارده‌اند که این مطلب به سمع دولت ایران برسد که ایشان با تقاضای دولت ایران که کرسی و مقامی در کنفرانس صلح در کنار دول متفق داشته باشند، همراهی و مساعدت خواهند کرد. ایران انتظار دارد به این وعده عمل شود و امیدوار است که دوره جدیدی از عدالت برای وی شروع شده و به وی اجازت دهد به طوری که مشتاق است، در طریق اصلاحات و ترقی قدم نهاده و

آنچه را از او تقاضا دارد، در صورتی که غیر از عدل چیزی نمی‌خواهد، موفق به آن گردد».

□ خودداری متفقین از پرداخت غرامت جنگی به ایران

متفقین علیرغم وعده‌های بیشماری که برای پرداخت غرامت جنگی به ایران داده بودند، در پی تشکیل کمیسیون صلح پاریس با اجرای نقشه‌ای مکارانه و حساب شده، ایران را از دریافت غرامت و حتی شرکت در کنفرانس محروم کردند. حسین مکی در این باره می‌نویسد: «عملیات هیات اعزامی بایران برای شرکت در کنفرانس صلح با موافقت رو به پیشرفت بود، ولی در این اثنا ناگهان میان دولت ایران و دولت انگلیس قرارداد جداگانه‌ای به نام قرارداد ۱۹۱۹ انعقاد یافت و در کابینه ایران هم تغییراتی حاصل شد. به این معنی که مشاورالممالک انصاری معزول و نصرت‌الدوله به جای مشارالیه انتخاب گردید. لذا کنگره صلح هم به عنوان اینکه ایران با دولت انگلیس کنار آمده است، دیگر نمایندگان ایران را به کنگره نپذیرفتند و هر چه ملیون ایران در این باب اقدام نمودند، بجایی نرسید.»^{۲۷}

(۱) - توقف.

(۲) - واحد پول روسیه معادل یکصد کوپک.

(۳) - علوفه و خواربار که برای لشکر تهیه کنند.

(۴) - متهم سیاسی.

(۵) - دقت کردن، باریک بینی کردن.

- (۶) - هنگام ضرورت، به وقت ضرورت.
- (۷) - عراق عجم - اراک.
- (۸) - نام سابق باختران.
- (۹) - نام سابق گرگان.
- (۱۰) - اراک.
- (۱۱) - میرزا ابوتراب خان اعتلاءالملک وزیر امور خارجه.
- (۱۲) - نام سابق زنجان.
- (۱۳) - زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه، حسین مکی، امیرکبیر، تهران ۳۵۷، ص ۹۰.
- (۱۴) - ترکیب هیات اعزامی ایران به کنفرانس صلح پاریس از این قرار بود: مشاورالملک انصاری وزیر امور خارجه (رئیس هیات)، ذکاءالملک فروغی (رئیس دیوان تمیز)، میرزا حسین خان علاء انتظامالملک (رئیس کابینه وزارت امور خارجه)، مسیوپرنی (مستشار وزارت دادگستری) و عبدالحسین خان انصاری (فرزند مشاورالملک). به محض ورود این هیات به پاریس، مطبوعات اروپا مقاله‌هایی در مورد خسارات وارده به ایران بر اثر جنگ اول جهانی چاپ کردند و لزوم جبران خسارات را یادآور شدند.
- (۱۵) - گرانی غلات و سایر خواربار.
- (۱۶) - جنگ زیربنایی.
- (۱۷) - زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه (ص ۱۰۲). در زمینه قرارداد ننگین ۱۹۱۹ گفته می‌شود که کابینه وثوق‌الدوله برای انعقاد آن یک کرور تومان از دولت انگلیس رشوه گرفته بود که از این مبلغ ۲۰۰ هزار تومان سهم وثوق‌الدوله شد. از جمله مواد قرارداد یاد شده استخدام هر تعداد مستشاران انگلیسی در ادارات ایران و نیز انتخاب صاحبمنصبان و ذخائر و مهمات سیستم جدید به اصطلاح حفظ نظم ایران توسط دولت انگلیس بود. انعقاد این قرارداد استقلال شکنانه و استعماری در ایران مخالفت‌های شدیدی به دنبال آورد و موجب خشم و تفر ملت از بنیان و امضاء کنندگان آن شد.

بخش سوم

اسناد پس از جنگ اول جهانی

(۴۰ - ۱۳۳۶ ه.ق)

مرگ در زیر چرخ گاری قزاق‌ها

□ گزارش ماجرا به وزارت داخله

«وزارت داخله

سواد راپرت واصله از زنجان

نمره ۶۱۶۹ مورخه ۲۶ دلو ۳۷

وزارت جلیله داخله - در موقع حرکت قزاق‌ها به طرف تبریز اسد نامی مطالبه طلب از آنها میکند. گاری حرکت می‌نماید. اسد و یکنفر قزاق زیر گاری می‌روند. هر دو را به مریضخانه می‌برند. اسد به فاصله چند ساعت و قزاق پس از یکروز فوت می‌شوند. قزاق‌ها از زنجان به میانج از اغلب دهات سیورسات گرفته و هنگام عزیمت از کدخدا و ریش سفید محل به ضرب شلاق، رضایت نامه گرفته‌اند.

دیشب پنج نفر تویچی با غلامعلی خان یاور توپخانه به تحریک دو ساعتی شب به در منزل موفق‌الملک معاون مالیه رفته که در چهار برج قبل که علیق توپخانه و سواری... کردید، چهل و دو تومان کم داده‌اید و ضمنا محاسبه هم کرده، خبر به ریاست قشون دادند. آنها را به ضرب شلاق متفرق نمود. از طرف امیرافشار^۲ نیز قدغن شد هر کس ادعایی به کسی دارد، باید به خود من رجوع نماید. احدی حق مزاحمت بکسی ندارد. ۲۶ دلو - غلامعلی».

□ پاسخ وزارت جنگ

«وزارت جنگ

اداره نظام

نمره ۳۵۳۷/۹۲۰

تاریخ اول برج حوت ۱۳۳۷

وزارت جلیله داخله - مرقومه نمره (۶۱۶۹) متضمن سواد راپرت واصله از زنجان زینت وصول داد. شرح موکد به اداره قزاق نوشته شد که از حرکات بیرویه آنها جلوگیری نمایند - فتح‌الله».

سورفتار قزاقان در سلطانیه و زنجان

□ گزارش تلگرافی از اوضاع زنجان

«اخبار تلگرافی داخله (زنجان)»

از قرار خبر واصله چهارصد نفر سوار و عده‌ای پیاده امیر افشار که مامور طارم جنگلند ۲ روزی است به سلطانیه آمده‌اند. شصت نفر سوار سالار مظفر حکمران میانج نیز برحسب حکم سپهسالار اعظم وارد زنجان گردیدند و صاحب میرزا آقای بلوری را تحت‌الحفظ به زنجان وارد و تسلیم حکومت نمودند.

رشید الخاقان شاطرانلو پیشکار امیرعشایر به زنجان آمد و پس از ملاقات امیر افشار به قزوین خواهد رفت.

قزاق‌ها سلوکشان خوب نیست. در کاروانسراهایی که منزل دارند علاوه بر اینکه کرایه نمی‌دهند، در و تخته کاروانسرای حاجی علینقی را هم شکسته سوزانیده‌اند، و در عبور از دهات هم هرچه از هر کسی گرفته، قیمت نداده‌اند.

در سلطانیه تقریباً سیصد تومان جنس گرفته‌اند. به همه جهت بیست و پنج تومان داده‌ام بواسطه مالی بگیری. به هیچوجه گندم و حبوبات وارد نمیشود. در این هفته گندم خرواری ده تومان ترقی کرده است.»

در زیر سند نوشته شده است: «اداره شمال - جمله آخر را به وزارت جنگ بفرستید ۱۶ حمل ۹۸ (۱۲۹۸ شمسی).

□ مکاتبه با وزارت جنگ

«دولت علیه ایران»

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۳۳۰

کارتن ۲ دوسیه ۴

شعبه تحریرات شمال

طهران - بتاریخ ۵ رجب (۱۶ حمل)

وزارت جلیله جنگ - سواد راپرت تلگرافی زنجان را مشعر بر سورفتار و

تعدیات قزاق‌ها لغاً ملاحظه و بذل جهات فوری لازم است.

□ پاسخ وزارت جنگ

«وزارت جنگ

اداره کابینه

نمره ۲۹۰

تاریخ ۲۰ برج حمل ۱۳۳۷

وزارت جلیله داخله مرقومه نمره ۲۳۳ به ضمیمه سواد راپرت تلگرافی
واصله از زنجان راجع به اقدامات سؤرفتار قزاق‌ها زینت وصول داد و به اداره
قزاق‌خانه در جلوگیری و تنبیه آنها دستور لازم داده شد. فتح‌الله - وزارت جنگ».

ورود قشون هندی به باجیگران

□ اردوی یکهزار و دویست نفری در قوچان

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

تاریخ وصول ۱۸ سرطان اسم گیرنده لایق.

راپورت قوچان - تاریخ ۱۶ سرطان سنه ۱۲۹۸ (۱)

این دو روزه تقریباً هزار و دویست نفر قشون هندی نظامیان دولت فخمه^۲ با ۲۰ عراده توپخانه و مهمات جنگی وارد، هزار و دویست نفر از قرار مذکور باجگیران^۳ حرکت کرده، در قوچان اردو زده‌اند. از سابق هم قریب پانصد نفر در قوچان ساخلو داشتند - تقی».

□ نامه وزارت داخله به ایالت خراسان

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

شعبه تحریرات شرق

طهران - هشتد بتاریخ ۲۴ شوال ۱۳۳۸ (۲۰ سرطان ۱۲۹۹)

ایالت جلیله خراسان و سیستان - راپرت تلگرامی قوچان حاکیست که اخیراً هزار و دویست نفر قشون هندی با بیست عراده توپ و مهمات جنگی وارد آنجا شده، دویست نفرشان بطرف باجگیران حرکت و بقیه در همانجا اردو زده‌اند. چنانکه دو روز قبل هم زحمت داده شد قدغن فرمایند وزارت داخله را همواره از جریان واقعات آنجا مستحضر داشته و مخصوصاً راجع به اینگونه قضایا اطلاعات کامل از چگونگی آنها بمرکز بدهند».

(۱) - ۱۲۹۸ شمسی مطابق با شوال ۱۳۳۷ هجری قمری.

(۲) - منظور دولت انگلیس است.

(۳) - قصبه‌ای است در شمال خراسان واقع در کنار خط مرزی ایران و شوروی که جاده شوسه قوچان به عشق آباد شوروی از آن می‌گذرد و از نظر اداری تابع شهرستان قوچان است (فرهنگ معین).

رنجنامه ۳ تن از مبارزان تنگستان در خصوص تجاوز قوای انگلیس به خاک ایران

«نمبر ۸۴۸ - ۲ عقرب ۱۲۹۸

(صفر ۱۳۳۸)

مقام منبع حضرت اشرف ارفع امجد اقدس بندگان تعالی آقای وزارت داخله روحانفاده.

بعرض مبارک عالی میرساند از روزیکه کارگزاران دولت انگلیس برضد استقلال خاک بیطرف و وطن پرست عزیز ایران محض پیشرفت و مقاصد دیرینه خود و اضمحلال خاک مقدس بنای تجاوز و نقض بیطرفی فراهم آوردند و قشون ظالمانه خود را در خاک دسیسه کاری می دادند، در سنه ۱۳۳۳ بخلاف بیطرفی دولت علیه، خانه رئیس علی دلواری بجرم بی گناهی بمبارد^۱ و خانه حاجی علی محمدجعفر تنگستانی بمبارد و ناموس او را بی احترام نمودند قونسول آلمان در بوشهر و حکیم آلمان در خاک حیات داود^۲ اسیر، اداره ژاندارمری در بوشهر خارج^۳، با کمال بی احترامی علم دولت علیه باین و پاره و علم دولت انگلیس بجای او منصوب نمودند.

حکومت بوشهر که بامر و اجازه آنان بود خارج و کپتان پولی رئیس نظامی انگلیس بحکومتی بوشهر منسوب کردند. فدائیان جان نثار به (از) آنان سؤال کردیم که اگر شما بامرو اجازه دولت علیه مرتکب این اعمال میشوید فدائیان ارائه دهید با حکم سر نیزه و توپ فدائیان جواب میدادند.

فدائیان حسین چاکوتاهی و خضر تنگستانی و محمد برازجانی که خیلی قریب به بوشهر بودیم و لازم دانستیم که به وظایف دولت خواهی و وطن پرستی خود رفتار کنیم، چندین فقره التماس و التجاب آنان نمودیم که شما اگر بامر و اجازه دولت علیه ایران مرتکب این اعمال می شوید به فدائیان اطلاع دهید تا فدائیان ساکت باشیم جواب نمی دادند. هرچه عریضه و تلگراف به اولیای دولت عرضه داشتیم بواسطه سانسور پست و ضبط تلگراف، بدستورالعمل و اوامر اولیای دولت مطبوعه^۴ خود نائل نشدیم.

علماء و مجتهدین اسلامی از هر جا حکم بعمل دادند. تمام وطن‌خواهان اجتماع و شورش نمودند. بعلاوه جناب خجسته الاسلام آقای آقا شیخ محمدجعفر شیرازی با عده‌ای مجاهد وطنخواه از شیراز ببرازجان تشریف آوردند و حکم جلوگیری از اقدامات حق‌شکنانه دولت انگلیس دادند، فدائیان هم محض استقلال دولت مطبوعه و وظیفه وطن‌پرستی خود جلوگیری و دفاع نمودیم. چندین تهاجم کردند. جلوگیری کامل شد، و بهترین فرزندان و جوانان خود را فدای استقلال دولت مطبوعه خود نمودیم و شکست بآنها وارد آوردیم و نگذاشتیم یکقدم دیگر از بوشهر تجاوز نمایند.

در سنه ۱۳۳۴ بنای متارکه در میان آمد که دیگر تجاوز و نقض بیطرفی ننماید، و اسرای آنها تسلیم و اسرای ایرانی با اموال توقیفی فدائیان مسترد دارند و قرار بر این شد که دیگر بدون امر و اجازه دولت علیه تجاوز ننمایند.

دیگر کسی را با کسی کاری نباشد و عهدنامه فیما بین گذاشته شد. با وجود اینحال باز هم محرمانه و علنی همان اعمال سو و مقاصد مغرضانه خود را تعقیب می‌نمودند و وطن‌فروشان داخلی (را) که بیاج و رشوه با خودشان همدست و هم عقیده کرده بودند وادار به دشمنی با فدائیان مینمودند.

تا در سنه ۱۳۳۶ که بنای خط آهن در بوشهر فراهم آوردند که از بوشهر به برازجان امتداد دهند. فدائیان حسین چاکوتاهی و خضر تنگستانی و محمد برازجانی بآنها نوشتیم که بدون امر و حکم از طرف دولت علیه فدائیان قبولدار نخواهیم شد که خط آهن به برازجان امتداد دهید، مگر اجازه و حکم از طرف دولت علیه داشته باشید. باز هم جواب ندادند و اقدام بامتداد خط آهن نمودند. فدائیان در چغادک مجتمع شدیم و درخواست کردیم که تا مادامی که حکم به اجازه به جان نثاران ارائه ندهید جلوگیری می‌نمائیم.

یکمرتبه بدون خبر حمله بفدائیان نمودند و فدائیان عقب نشسته و بکوهسار پراکنده و آواره شدیم. تمام اشیاء خانه و اجناس چاکران غارت و خانه و ملکمان به چند نفر وطن فروش بی‌شرف واگذار کرده و بنای ظلم و تعدی نمودند. قونسول انگلیس با عده‌ای بطرف دشتی رفتند و مرحوم جمال خان دشتی که همان وقت حفظ بیطرفی دولت را هدایت می‌نمود در آنجا او را با چاکر آستان حیدر دشتی گرفته و محبوسانه به بوشهر بردند و خانه و اساس (اثاث) و اموال و املاک چندین ساله آنرا

به یکنفر مجهول‌المال نالایق سپردند و آنچه در قلعه خورموج ذخیره چند ساله فدائیان علی دشتی و حیدر دشتی بود به غارت بردند. تا اینکه آقای معاضدالسلطان کارگذاره رسمی دولت علیه که ماموریت کارگذاری بندر بوشهر و خوزستان داشت در ماه شعبان‌المعظم ۱۳۳۷ وارد شد و امر بسکوت فدائیان دادند که دولت علیه استقلال یافته عمل شماها تصفیه میشود که به حقوق خودتان برسید و بنای اصلاح خرابیهای ظالمانه انگلیس نمودند.

چاکران هم با کمال تشکر و امیدواری ساکت شده و منتظر نتیجه بودیم. این بود که انگلیسیان به تحریک و دستیاری دریایی^۶ اسباب بهانه‌جویی پیش نمودند و با نهایت بی‌احترامی آقای کارگذار را از بوشهر تبعید کردند. فدائیان هم از روزی که آقای کارگذار خبر از استقلال دولت علیه داده، منتظر نتیجه هستیم. بدبختانه تا امروز که هفتم شهر ذی‌قعدة الحرام است اثری ظاهر نشده.

آقای آصف‌الملک از شیراز بحکومتی دشتی و دشتستان وارد شده و فدائیان را در قریه محل احضار فرمودند که کار فدائیان را اصلاح و تصفیه نمایند. حال که حاضر شده‌ایم که با حکومت عرض حال خود و تصفیه عمل نماییم، دو نفر صاحب منصب انگلیسی برای مذاکره با چاکران حاضر شده و از دولت انگلیس پیشنهاد می‌نمایند و بغرض و عداوت می‌خواهند فدائیان را مجبور بقبولانیدن شرایط نمایند. از آن جمله می‌گویند که با تقدیم‌های زیاد و به مشورت و اجازه قونسولگری انگلیس کارهای شما تصفیه میکنیم - ای داد وای بیداد. تا کی باید آواره و پریشان و سرگردان در کوه و بیابان و پای برهنه باشیم. گرسنه بسر بریم. پناه بچه کسی بریم و بچه کس عرض حال خود کنیم. انگلیسیان بغرض وطن‌پرستی، چاکران از هستی و مال ساقط کردند. حال هم دست بردار چاکران نمیشوند و نمی‌گذارند که به خانه و ملک موروثی خودمان برسیم، چاکران محض دولت خواهی مخالف میل انگلیسیان رفتار نمودیم. پول و رشوه به چاکران دادند قبولدار نشدیم. حال چند ماه است که میرزا علی کازرانی^۷ و کالتا^۸ بمركز فرستاده‌ایم، نتیجه ظاهر نشده، ای اولیاء دولت و ای زمام‌داران مملکت. بفریاد این بیچارگان برسید که از دست رفتیم. محض رضای خداوند نظر توجهی به حال چاکران بیچاره نفرمایند».

مبارزات دلیران تنگستان علیه انگلیس و دست نشانده گانش

«ایالت فارس و بنادر»

نمره ۴۷۲۸

مورخه ۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۸ مطابق ۲۶ برج جدی قوی ثیل ۱۲۹۸
مقام منیع وزارت جلیله داخله - مرقومه نمره ۱۴۲۷۱/۳۸۸۰ راجع به عرض حال
ضرغام السلطنه و حیدرخان و سالار اسلام و امیرالاسلام عزوصول بخشید. این اشخاص
همان متمردين هستند که مکرراً بوزارت متبوعه اعمال آنها در این سنوات بعرض رسیده
است در ایالت سابق قونسل انگلیس و رئیس بانک انگلیس و تجار تبعه انگلیس را
مدتها حبس کرده بودند و از آن سال الی حال هم ابداً در خط تسلیم و اطاعت دولت
نیوده و نیستند و حالا هم ایجاد جنگ را با آصف الملک حاکم دشتستان کرده اند و
راپورت متوالی آصف الملک عرض شده است. این القاب امیرالاسلام، سالار اسلام و

(۱) - بمباران

(۲) - ناحیه ای از بوشهر. برخی از افراد «حیات داود» که با انگلیسی ها روابط خوبی
داشتند، در زمان اشتغال بوشهر توانستند کالاهایی مانند برنج، قند و چای
خریداری کنند و به برازجانی ها برسانند (پلیس جنوب ایران، فلوریدا سفیری،
نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، ض ۵۳).

(۳) - قوای انگلیس به هنگام اشغال بوشهر در ۱۸ اوت ۱۹۱۵ به ژاندارمری بوشهر
دستور داد مواضع خود را در برج «جلیل» تخلیه کنند و از شهر خارج شوند

(همان منبع).

(۴) - متبوعه.

(۵) - کارگزار.

(۶) - میرزا احمد خان دریاییگی حکمران بنادر جنوب و جزایر.

(۷) - میرزا علی کازرونی که مدتی ریاکارانه خود را جزو یاران دلیران تنگستانی جا
زده ولی بعدها با نظر مساعدت دولت انگلیس و حکومت مرکزی به نمایندگی
بوشهر و بندرعباس در مجلس شورای ملی رسید.

از این مرادف القاب در این صفحات آنچه برای خودشان این اشخاص ایجاد کرده‌اند، یادگار همان دورهٔ انقلاب است. یکی ناصرالملک شده، دیگری امیرالاسلام، دیگری سالار اسلام و الحال با آصف‌الملک مشغول جنگ هستند! دریاییگی - حکمران ایالت فارس و بنادر».

(۱) - آقاخان زیارتی ملقب به ضرغام‌السلطنه، حیدرخان بندر ریگی، شیخ محمد چاهکوتاهی سالار اسلام و زائر خضرخان امیراسلام تنگستانی از رؤسای نهضت دلیران تنگستان.

قتل یک سرباز به دست قزاق آترباد اردبیل

□ احقاق حق اولیای مقتول

«وزارت داخله

سواد مراسله نایب‌الایاله آذربایجان

نمره ۴۳۷ مورخه ۷ شهر ذی‌عقده ۱۳۳۸

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته.

در تعقیب نمرات (۴۰۵۵) و (۴۰۵۸) مالک قریه شیخ حسن سر درودا متظلم بود که دو نفر قزاق مال‌گیری که یکی از آنها قربانعلی نام است، نزدیکی کاروانسرای ارمنی، بالای سردرود با گلوله عباسقلی نام سرباز را از پایش زخم‌دار نموده، مراتب به اداره قزاقخانه اخطار، جواباً شرحی به نمره ۲۲۳ رسید که قربانعلی نام مجازات نظامی شد. ثانیاً مالک قریه مزبوره تصدیق‌نامه دکتر مریشخانه آمریکا را به ایالت ارائه داشته و تظلم نموده که عباسقلی سرباز به صدمه همان گلوله قربانعلی قزاق فوت شده. مراتب مجدداً به اداره قزاقخانه اخطار و احقاق حق اولیای دم مطالبه گردید.

جوابی که داده‌اند عیناً درج می‌شود: (در جواب مرقومه نمره ۴۰۵۰ خاطر محترم را مستحضر می‌داد که مراتب مربوط به عده قزاق اردبیل و آنها هم رفته‌اند - رئیس عده تبریز - پالکونیک مستیج).

این است شمه‌ای از تعدیات واراده افراد و آحاد قزاق‌های آترباد اردبیل که فعلاً اولیای مقتول همه روزه در ایالت متظلم و جداً احقاق حق خودشان را خواستگارند. فدوی با این جواب‌ها که از قزاقخانه رسیده و در ترضیه و اسکات اولیای دم عاجز و جساراً عرض می‌نماید که اجحاف و تعدیات آترباد اردبیل نسبت به اهالی شهر و دهات اطراف خاصه دهات عرض راه لاتعهد و شخصی و مطابق راپرت‌هایی که از بین راه می‌رسد آترباد اردبیل مال‌هایی که از تبریز و اطراف گرفته بودند، در عرض راه به قیمت فروخته، عوض آنها را مجدداً از اموال رعایا گرفته و زیر بنه خودشان کشیده‌اند. با این حال مظلومیت رعیت بیچاره را خاطر مبارک تصدیق و در دادخواهی آنها به هر قسم رأی مبارک اقتضاء می‌فرماید، امر لازم صادر و دستور

مرحمت خواهید فرمود که اولیای مقتول و سایر صاحبان اموال را چه قسم اسکات داده و در جواب تظلمات آنها چه اقدامی بشود».

□ ارسال رونوشت گزارش نایب‌الایاله آذربایجان به وزارت جنگ

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ۷۲۸۷/۲۰۷۵

کارتن ۱ دوسیه ۸۲

شعبه تحریرات شمال

طهران - به تاریخ ۱۴ ۱۳۳۸ (۱۹ ذیقعه عربی)

وزارت جلیله جنگ - راجع به سوء رفتار قزاق‌های آتریاد اردبیل راپورتی کتباً از نایب‌الایاله آذربایجان رسیده است و سوادش را لفاً ملاحظه خواهید فرمود».

□ پاسخ وزیرجنگ به نامه وزارت داخله

«وزارت جنگ

اداره کابینه

نمره ۲۱۸۶

تاریخ ۱۹ برج حوت ۱۲۹۹

وزارت جلیله داخله - در جواب مرقومه نمره (۷۰۵۶/۲۰۰) متضمن سواد مشروحه نایب‌الایاله آذربایجان راجع به شکایت از سوء رفتار قزاق تصدیق افزا می‌شود که این مساله سابقه مفصلی دارد و حضرت آقای وزیر داخله کاملاً از قضیه استحضار دارند و آنچه مشاهده می‌شود ملاحظاتی در کار است و مطلب به این سادگی نیست. چنانچه به حضرت آقای وزیر داخله مراجعه فرمائید، کاملاً مطلب مکشوف خواهد شد - وزیرجنگ».

اختلاف کنسول فرانسه و حکمران بنادر بر سر تقدم ملاقات با یکدیگر

□ نامه‌ی مسیوسیدرو به نایب‌الحکومه سابق بنادر
«حکومت بنادر و جزائر خلیج فارس»

سواد مراسله مسیوسیدرو مورخه ۱۵ نوامبر ۱۹۲۰

نمره ۲۶

با کمال احترام خاطر عالی را مستحضر میدارید اینجانب بسمت ویس قونسولگری فرانسه در بوشهر معین شده‌ام و از پنجم شهر نوامبر مشغول انجام وظایف خود میشوم - در وقت ورود هنوز یقین نداشتم که بعلت ویس قونسولگری در بوشهر بمانم، زیرا که از طرف دولت متبوعه مامور بودم بسمت قونسولگری فرانسه بجده بروم. از اینرو در اخطار بآن دولت محترم قدری تاخیر رخ داد. اکنون نظر باینکه دستوالعمل جدیدی از پاریس نرسیده امیدوارم که در بوشهر توقف نمایم و رابط دوستانه با حکومت داشته باشم - در اینموقع احترامات فائقه را تجدید مینماید. سیدرو - ویس قونسول فرانسه».

□ استعلام حکمران بنادر از کارگزاری

«حکومت بنادر و جزائر خلیج فارس»

سواد مراسله حکومت بکارگزاری بنادر

مورخه ۱۸ قوس ۱۲۹۹

نمره ۱۱۱۹

بعدالعنوان - ترجمه مراسله مورخه ۱۵ نوامبر نمره ۲۶ که مسیوسیدرو بآقای میرزا حسن خان نایب‌الحکومه سابق نوشته لغاً ارسال و چون مسیوسیدرو توسط آقای میرزا حسنخان تقاضا کرده است جوابی بمراسله مشارالیه مبنی بر شناختن مشارالیه بسمت ویس قونسولگری فرانسه از طرف حکومت داده شود که بعد از آن بملاقات رسمی بیایند، لذا تمنا میشود معلوم فرمائید راجع بمعرفی مسیوسیدرو باین سمت از وزارت جلیله امور خارجه بآن اداره محترمه اعلامی فرموده‌اند یا خیر - احمد

□ ملاقات کارگزار بنادر با کنسول فرانسه

«حکومت بنادر و جزائر خلیج فارس

سواد مراسله کارگزاری بحکومت

مورخه ۲۰ قوس ۱۲۹۹

نمره ۵۲۱

بعد از عنوان

مراسله شریفه ۱۱۹ متضمن سواد ترجمه مراسله مسیوسیدرو واصل گردید. مشارالیه بکارگزاری کل مراسله نوشته، خود را معرفی نموده، بدون اینکه منتظر جواب بشود از بنده ملاقات هم نموده است. بنده هم دوستانه بیازدید ایشان رفته، ولی جواب مراسله را ننوشت و بایشان هم اظهار داشتم چون اعتبارنامه همراه نداشته‌اند و مراتب را بعرض وزارت جلیه خارجه رسانده‌ام، تا وصول دستورالعمل از ملاقات رسمی و صدور جواب مراسله معذورم. تا بحال هم از وزارت جلیله جوابی زیارت نشده است، همینکه جواب رسید و معرفی شدند باطلاع حکومت جلیله میرسانم. خود مشارالیه هم از قرار اظهاریه که مینمود بسفارت فرانسه مقیم طهران تلگراف نموده‌اند. کارگذاری کل هم مجدداً استعلام حکومت جلیله را بعرض وزارت متبوعه خود میرساند - اسدیمین‌الملک».

□ رسمیت یافتن انتصاب نایب کنسول فرانسه در بوشهر

«حکومت بنادر و جزائر خلیج فارس

سواد مراسله کارگزاری بحکومت بنادر

مورخه ۲۶ برج قوس ۱۲۹۹

نمره ۵۳۳

بعدالعنوان

در تعقیب ۵۲۱ خاطر محترم حکومت جلیله را مستحضر میدارد که موافق تلگراف واصله از وزارت جلیله متبوعه بکارگزاری کل، مسیوسیدرو بسمت ویس

قونسولی دولت جمهوری فرانسه در بوشهر انتخاب و اینک معرفی مینماید و در صورت اقتضا ممکن است که از طرف حکومت جلیله جواب مراسله ویس قونسول مزبور صادر شود، متمنی است بادارات تابعه حکومت جلیله رسمیت ایشانرا اطلاع دهند - اسدیمین الملک».

□ نامه حکمران بنادر به مسیوسیدرو

«حکومت بنادر و جزائر خلیج فارس

سواد مراسله حکومتی بویس قونسول فرانسه

مورخه ۲۹ قوس ۱۲۹۹

نمره ۱۱۴۸

بعدالعنوان

وصول مراسله نمره ۲۶ مورخه ۱۵ نوامبر راجع بمعرفی خودتان بویس

قونسولگری دولت جمهوری فرانسه اعتراف مینماید. در اینموقع احترامات فائقه را تجدید مینماید - مسعودالسلطان».

□ نامه کارگزار به حکمران بنادر

«حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس

سواد مراسله کارگزاری بحکومت بنادر

مورخه ۲۴ حمل ۱۳۰۰

نمره ۱۴۷

بعدالعنوان

در تعقیب مذاکرات شفاهی که تلگراف رمز وزارت جلیله امور خارجه عیناً ملاحظه فرمودید، تصدیق میدمید نظر باینکه کارگزاری کل از هیچگونه مذاکرات و مراسلات حکومت جلیله با نمایندگان خارجه مطلع نمیشد خواهشمند است مرقوم دارید پس از وصول تلگراف رسمی حکومت جنابمستطاب اجل اکرم آقای مسعودالسلطان حکمران از مقام منیع ریاست وزراء عظام امت عظمه، حکومت معزکالیه رسماً بقونسولگری فرانسه معرفی شده است - اسد یمین الممالک».

□ عدم ملاقات کنسول فرانسه با حکمران بنادر

«حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس

سواد مراسله حکومت بکارگزاری

مورخه ۲۵ حمل ۱۳۰۰

نمره ۱۴۱

در جواب مراسله شریفه نمره ۱۴۷ زحمت اظهار میدهد چون پس از ورود اینجانب بسمت کفالت حکومت بنادر بوشهر شنیدم از وزارت جلیله امور خارجه رسماً ماموریت ویس قونسول حالیه دولت فخمیه جمهوریه فرانسه را اطلاع نداده‌اند و مشارالیه هم ملاقاتی نموده‌اند، با ایشان مکاتباتی نشد. پس از آنهم که از اداره محترم کارگزاری کل رسمیت مأمور مشارالیه را اطلاع دادند، مشارالیه برای ملاقات نیامدند. در موقعی که حکومت بنادر باینجانب محول شد و رسماً بآن اداره محترمه اطلاع دادم، تصور میکردم که حسب معمول بمامورین دول متحابه رسماً مرقوم خواهید داشت و چون شخصاً با مشارالیه آشنائی نداشتم مکاتباتی در اینخصوص ننمودم و ایشان هم تاکنون برخلاف تمام مامورین خارجه از اینجانب ملاقاتی نکرده‌اند - احمد مسعودالسلطان».

□ انتظار کنسول فرانسه از حکمران بنادر

«حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس

سواد مراسله کارگزاری بحکومت بنادر

مورخه ۲۷ حمل ۱۳۰۰

نمره ۱۵۵

مراسله محترمه نمره ۱۴۱ واصل گردید. جواباً تصدیع افزا میشود در خصوص رسمیت مسیو (سیدرو) قونسول فرانسه همینکه تلگراف وزارت جلیله امور خارجه زیارت گردید فوراً در تاریخ ۲۶ قوس در تحت نمره ۵۳۳ بحکومت جلیله ایفاد داشت. پس از وصل مراسله فوق‌الذکر کارگزاری کل مراسله‌ای هم وصل مراسله‌ای هم بامضای جناب مستطابعالی بقونسولگری فرانسه نوشته شده است. علت عدم ملاقات را هم که اخیراً قونسول فرانسه اظهار میدارد این است که مشارالیه پس از

ورود از آقای آقامیرزا حسنخان رئیس تلگرافخانه و کفیل حکومت ملاقات نموده، منتظر بوده است جنابمستطابعالی که ورود فرمودید و عنوان نیابت حکومت را دارا بودید معمولاً از مشارالیه ملاقات فرمائید و اینکه مرقوم داشته‌اند (در موقعیکه حکومت بنادر باینجانب متحول شد و رسماً بآن اداره محترمه اطلاع دادم تصور میکردم که حسبالمعمول بمامورین دول متحابه رسماً مرقوم خواهید داشت)، جواباً عرض میکنم اولاً مرقومه شریفه واصل گردیده، در نظر داشتم که مسرت خود را با تبریکات کتبی در جواب تقدیم دارم. زیرا بهترین شاهد خود جنابمستطابعالی میباشد که راپرت بنده بوزارت جلیله امورخارجه در خصوص حکومت شخص شریف عالی مساعدت عملی اینجانب را ظاهر نمود. ولی متأسفانه بعلت اینکه جواب مراسله متحدالمال نمره ۵۹۷ مورخه ۲۶ ج دی که از تمام مامورین داخله و خارجه جواب رسید حکومت جلیله وصول مراسله را هم مرقوم نداشتند، باینجانب حق داد که اینجانب هم در جواب مراسله نمره ۱۵۱۳ متضمن خبر حکومت جنابمستطابعالی تامل نمایم. ثانیاً قبل از وصول مراسله شریفه نمره ۱۵۱۳ از نایب اول جنرال فونسولگری دولت فخمیه انگلیس شنیدم مطابق مراسله‌ای که مستقیماً جنابمستطابعالی بجنرال فونسولگری انگلیس مرقوم داشته‌اید، رسماً حکومت خود را معرفی فرموده‌اید تصور میکردم تبعیض نفر بوده، بسایر مامورین خارجه هم اطلاع داده‌اند کارگزاری کل مامورین خارجه هم اطلاع داده‌اند کارگزاری کل حتی‌المقدور مراقب است از ترک وظیفه و ترک معمولی که مقرر است احتراز نماید، که امید است حکومت جلیله هم معقول را رعایت فرموده، وظایف مقرر را از نظر محو نمیفرمایند، تا اینکه هر یک از ادارات هم در اجرای تکلیف حیران و در عین تکلیف، بی‌تکلیف نباشند (و حکومت جلیله هم بتصور نگذرانند). در خاتمه در تعقیب مذاکرات شفاهی و ارائه تلگراف نمره ۱۹۹ وزارت جلیله امورخارجه عقیده اینجانب اینست که در مسئله ملاقات با قونسول فرانسه تصمیمی اتخاذ فرمائید که خاتمه داده شود و اجرای آن سهل باشد و تولید مشکلاتی ننماید. اینجانب به شهادت آقای میرزا حسنعلیخان شهروزی مفتش کل پست جنوب که حاضر بودند، مدتی در اینخصوص مذاکرات نموده، خواستم قونسول مشارالیه را متقاعد نموده بملاقات جنابمستطابعالی دعوت نمایم، متقاعد نشده بانتظار ملاقات جنابمستطاب عالی در فونسولگری میباشد. از تصمیمی که اتخاذ میفرمائید کارگزاری

کل را هم در صورتیکه مقتضی بدانید مستحضر فرمائید که مراتب بعرض وزارت جلیله امور خارجه برسد - اسد یمن الممالک».

□ نامه حکمران به کارگذار کل بنادر

«حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس

مورخه ۲۸ حمل ۱۳۰۰

نمره ۱۵۰

اداره محترمه کارگذاری کل بنادر خلیج ایران - در جواب مراسله شریفه ۱۵۵ مورخه ۲۷ حمل خاطر عالی را مستحضر میدارد مراسله نمره ۲۶ مورخه ۱۵ نوامبر گذشته بامضای مسیو سیدرو آقای میرزا حسن خان رئیس تلگرافخانه و کفیل سابق حکومت بنادر رسیده و مشارالیه خود را بسمت ویس قونسولی دولت جمهوری فرانسه معرفی کرده است - جواب این مراسله تا ورود اینجانب بهر ملاحظه بوده، بتأخیر افتاده است. بهمین جهت که جواب مراسله از طرف آقای میرزا حسن خان داده نشده مسیوسیدرو هم از معززالیه ملاقاتی ننموده و اینکه در مراسله ۱۵۵ مرقوم میفرمائید (علت عدم ملاقات را هم که اخیراً قونسول فرانسه اظهار میدارد این است که مشارالیه پس از ورود از آقای میرزا حسن خان رئیس تلگرافخانه و کفیل حکومت ملاقات ننموده منتظر بوده است جناب مستطاب عالی که ورود فرموده‌اید و عنوان نیابت حکومت را دارا بودید معمولاً از مشارالیه ملاقات فرمائید) مخالف اطلاعی است که باین جانب رسید. زیرا پس از ورود اینجانب آقای میرزا حسن خان اطلاع دادند که چنین مراسله از مسیوسیدرو واصل گردیده و هنوز جواب داده نشده و مشارالیه منتظر جواب است که بملاقات کفالت حکومت بیاید، و آقای میرزا حسن خان از طرف سیدرو تقاضای جواب مراسله را کرد که پس از وصول جواب، ملاقات حاصل شود. پس معلوم است که با آقای میرزا حسن خان هم ملاقاتی نکرده‌اند. فرضاً هم که کرده باشند، مربوط بشخص اینجانب نیست. در همان وقت نظر باینکه مأموریت مسیوسیدرو رسماً از مقامات مربوطه به اداره حکومتی اطلاع داده نشده بود، جواب مراسله مشارالیه را مقتضی ندانسته، از کارگذاری کل استعلام نمودم و کارگذاری کل مراسله نمره ۵۳۳ موافق تلگراف واصله از وزارت جلیله امور خارجه مسیوسیدرو را بسمت ویس قونسولی دولت جمهوری فرانسه در بوشهر معرفی فرمودند. اینجانب هم از اینرو وصول مراسله نمره

۲۶ مورخه ۱۵ نوامبر مسیوسیدرو را اعتراف کرده و منتظر بود که مشارالیه بملاقات بیایند، ولی ملاقات نکردند - در مسئله اعلام سمت حکومت این جانب نظر باینکه هنوز با مشارالیه مراودهای دوستانه نشده و توددی^۲ در بین نبود، مثل جنرال قونسولگری انگلیس مستقیماً مأموریت خود را اطلاع نداده، تصور میکردم حسبالمعمول کارگذاری کل اعلام فرموده‌اند. و اما اینکه بویس قونسول مشارالیه سبقت ملاقات را از طرف اینجانب تقاضا کرده‌اند، علت و مناسبت این تقاضا بر اینجانب بکلی مجهول است و از کارگذاری کل تمنا می‌کنم اگر معلوماتی در این باب اظهار فرمایند تا مجهولی معلوم و حل مسئله بشود، و بدیهی است مادام که ندانم کدام قانون و چه فصلی در فصول معاهدات با دول متحابه حق این تقاضا را بایشان می‌دهد، حاضر برای قبول تقاضای ایشان نخواهم بود و سبقت ایشانرا بملاقات لازم دانسته، برای این تصمیمی اتخاذ نخواهم نمود - و برای تذکار و استحضار خاطر شریف اظهار می‌دارم که همان ایام که این جانب به مأموریت کفالت حکومت بنادر به بوشهر وارد گردید و جناب کلنل تریور قونسول جنرال دولت فحیمه^۳ انگلیس در اینجا نبودند و کفالت جنرال قونسولگری بعهدۀ کپتان^۴ فریزر محول بود، معزایالیه با کپتان کلک ویس قونسول و قونسول دولت فحیمه^۵ نروژ به ملاقات آمدند - احمد مسعودالسلطان».

□ صیانت از حقوق مأمورین دولت

«حکومت بنادر و جزائر خلیج فارس

مورخه ۵ ثور تخاقویئیل ۱۳۰۰

نمره ۲۲۷

اداره محترمه کارگذاری کل بنادر خلیج فارس - در جواب مراسله شریفه نمره ۲۹۱ مورخه امروز زحمت تذکار می‌دهد مسئله ملاقات کنسول فرانسه با گذاشتن کارت مسئله شخص نیست که بخواهم موجبات رضاء خاطر کسی را فراهم کنم. این فقره راجع به یک مقام محترم دولتی در این ثغره مهم است. چنانکه در مراسله نمره ۱۴۱ زحمت افزا شدم بعد از ورود اینجانب کفیل جنرال قونسولگری دولت بهیه انگلیس بمعیت ویس قونسول دولت مشارالیها بملاقات آمدند، بازدید کردم. همینطور قونسول نروژ - ولی قونسول دولت جمهوری فرانسه دیدن نکرد. بعد از چندی توسط

آقای میرزا حسن خان رئیس سابق تلگرافخانه تقاضای جواب مراسله خود را که در زمان تصدی ایشان بسمت کفالت حکومت بایشان نوشته و ماموریت خود را اطلاع داده بود نمود که بملاقات بیاید، از کارگذاری کل از رسمیت ماموریت مشارالیه استعلام شد، جواب مثبت رسید. جواب مراسله قونسول مذکور نوشته شد، ولی ملاقات نکرد - متمنی هستم بمراسله نمره ۱۴۱ بدقت مراجعه فرموده و این خواهش قونسول فرانسه را مرقوم فرمائید از روی چه قاعده و موافق قانون کدام مملکت است. بنده نمیتوانم یک حق شرعی را از مامورین دولت علیه برای آتیه سلب کنم که اسباب رضای شخصی که هیچ سابقه با و ندارم فراهم آید. فرضاً هم که سابقه مؤدت شخصی بود، اینجانب موظف بودم که حقوق مأمورین دولت را صیانت کنم - کارگذاری کل هم البته تصدیق خواهند فرمود که برای این جانب مقدور نیست بدون امر اجازه وزارت متبوعه این قبیل اقدامات بیرویه بنمایم - احمد مسعود السلطان».

□ ارسال کارت سالگرد تاجگذاری احمد شاه

«حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس - سواد مراسله کارگزاری بحکومت مورخه ۲۶ شعبان ۱۳۳۹ نمره ۲۹۱

بعدالعنوان

- روز گذشته تلگراف مبارک وزارت جلیله

امور خارجه را راجع بمسئله ملاقات با قونسول فرانسه توسط آقای صدیق الملک معاون اول کارگذاری کل خدمت جناب مستطاب عالی فرستاده در تعقیب مذاکراتیکه در این خصوص با جناب مستطاب عالی شده بود برای رفع این گفتگو پیغاماتی هم عرض کردم. چون خود را ذیحق میدانستید قبول نفرمودید که نه بملاقات او تشریف ببرید و نه کارت بفرستید. از ابتدای این مسئله خاطر مبارک وزارت جلیله را از مذاکرات و مکاتبات با حکومت جلیله و قونسولگری فرانسه مستحضر داشته، برای اینکه شاید بتواند قونسول فرانسه را متقاعد بنماید چه حضوراً و چه پیغاماً توسط مترجم خودشان با حضور آقای شهروزی رئیس ایالتی پست جنوب و آقای سیدحسین رئیس بلدیة آنچه باید برای اثبات حقانیت جناب مستطاب عالی گفته‌ام، از مذاکرات و جوابهای ایشانهم

خاطر شریف را مطلع نموده امروز هم که بالاخره فونسول فرانسه قبول نمود که جنابمستطابعالی برای او کارت بگذارید و او هم همین امروز بیاید کارت بگذارد و فردا هم جهت تبریک عید اعلیحضرت قویشوکت شهرباری ارواحنافداه بدارالحکومه حاضر شود و از این تفصیل هم بواسطه ضیق وقت با تلفون توسط جناب اجل آقای میرزا علمیمحمدخان حکمی نایبالحکومه خاطر محترم را مستحضر داشتم. فرموده بودید که رسماً عرض کنم جواب مرقوم دارید چنانچه مجدداً به آقای نایبالحکومه با تلفون اظهار شد هرگاه تصمیم میفرمودید این گفتگو را رفع بفرائید بعقیده کارگذاری کل، اصلح بود. حال برحسب تقاضای جنابمستطابعالی رسماً عرض نمود و منوط به اراده کل حکومت جلیله است - اسدیمین الممالک».

□ ارسال نامه در روزهای تعطیلی وزارت داخله

«وزارت امور خارجه

اداره سوم سیاسی

مورخه ۲۲ جوزا ۱۳۰۰ - ۵ شوال ۱۳۳۹

نمره ۴۳۱۸ / ۱۲۹۵

ضمیمه سواد.

وزارت جلیله داخله - در ضمن مرقومه جوابیه نمره ۱۲۳۰ راجع به قضیه حکمران بوشهر و فونسول فرانسه مرقوم فرموده بودند که لایحه مورخه ۲۴ ثور نمره ۳۷۸۵/۱۱۷۴ این وزارت خانه بآنوزارت تجلیه نرسیده است، مطلع گردید. گویا ارسال لایحه مزبوره مصادف با چند روز تعطیل آنوزارت جلیله بوده است. اینک مجدداً سوادى از آن لایحه تلواً ایفاد گردید که پس از حصول اطمینان بمقاد آن، اقدامات مقتضیه را مجرا فرمایند.

از طرف وزیر - انتظام الملک».

در زیر نامه، از سوی وزیر داخله نوشته شده است: «اداره ایالات و ولایات ۲۳ جوزا ۹۹ - مراسله اولیه وزارت جلیله امور خارجه را حاضر نمایند تا طبق آن عمل شود».

□ متن نامه وزارت خارجه به وزارت داخله

«وزارت امورخارجه

سواد رقیمه وزارت خارجه بوزارت جلیله داخله

مورخه ۶ رمضان ۱۳۳۹

نمره ۳۳۷ ۸۵/۱۱۷۴

وزارت جلیله داخله - بعد از ورود آقای مسعودالسلطان حکمران بنادر در موضوع ملاقات ابتدایی بین ایشان و قونسول فرانسه اختلافی بهمرسید. کارگذار بوشهر خیلی سعی نمود اختلاف مزبور را رفع و بین آنها را التیام دهد و در این خصوص نیز از وزارت امورخارجه تعلیمات لازمه بکارگذار بوشهر داده شد که قبل از موقع جشن تاجگذاری بآقای حکمران خاطر نشان سازد که از روی تعلیمات این وزارت خانه رفتار نموده، برودت بین خود و قونسول فرانسه را مرتفع سازد تا در موقع جشن محظوری در کار نباشد. ولی متأسفانه آقای حکمران باین راهنمایی وزارت امورخارجه و کارگذار بوشهر متقاعد نشده و همچنان برودت را دوام دادند. لهذا لازم است از طرف آنوزارت جلیله آقای مسعودالسلطان را متذکر فرمایند که در این گونه موارد نمی‌توان نظریات شخصی را تعقیب نمود و باید بک نوع تعلیماتی که از مراجع متخصصه بایشان میرسد رفتار نمایند».

□ پاسخ وزارت داخله به وزارت امورخارجه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۳۹۸۶/۱۵۰۵

شعبه تحریرات جنوب و غرب

تهران - بتاریخ ۲۶ جوزا - ۹ شوال ۱۳۳۹ صادره مکتوب

وزارت جلیله امورخارجه - پس از وصول مرقومه نمره ۴۳۱۸/۱۲۹۵ راجع به قضیه قونسول فرانسه تصادفاً شرح مبسوطی از حکومت بنادر در اینموضوع بوزارت داخله رسیده است که سواد مراسله حکومت لفاً ارسال و توجه آنوزارت جلیله را بتوضیحات حکومت مشارالیها معطوف میسازد. پس از ملاحظه دستور خواهند فرمود

لوايح تلفوفه را بوزارت داخله اعاده نمايند».

□ ملاقات با قائم مقام کنسول انگليس

«وزارت داخله

نمره ۲۶۱

مورخه ۱۷ شهر رمضان ۱۳۳۹ مطابق ۴ برج جوزا تخاقوی ئیل ۱۳۰۰

مقام منيع وزارت جلیله داخله دامت شوکته - در بدو ورود بنده بسمت کفالت حکومت بنادر که کلنل تريور قونسول جنرال دولت بهيه انگليس به هندوستان رفته بودند قائم مقام معزاليه، نايب اول جنرال قونسولگری و ويس قونسول دولت مشارالیه و قونسول نوروژ بملاقات سبقت نمودند، ولی کلنل تريور که از هندوستان مراجعت کردند قبل بنده ایشان را ملاقات کردم و ایشان بازديد نمودند. در هنگامی که دولت علیه بنده را بسمت حکومت بنادر منصوب فرمودند کلنل تريور برای حضور در مجلس مشاور در مصر رفته بود از آنجا تبریک و اظهار مسرت نمود و همينکه ببوشهر وارد شد در ملاقات سبقت کرد - در همان اوایل ورود بنده بسمت کفالت، آقای ميرزا حسن خان رئيس سابق تلگرافخانه که قبل از ورود بنده سمت کفالت حکومت داشتند اظهار کردند که مسيو سيدرو مراسله بخط فرانسه بمن نوشته، خود را بسمت ويس قونسولی دولت جمهوری فرانسه معرفی کرده و هنوز جواب مراسله مشارالیه داده نشده و منتظر است که جواب نوشته شود و بعد از آن بملاقات کفیل حکومت بیاید. بنده چون مسيوسيدرو و سمت او از مقامات مربوطه معرفی نشده بود از کارگذاری کل استعلام کردم. بعد از چندی بموجب تلگرافات وزارت جلیله امور خارجه اولاً او را بسمت ويس قونسولی و ثانياً بسمت قونسولی معرفی کردند. علهذا بنده وصول مراسله را که مسيوسيدرو باقا ميرزا حسن خان نوشته بود اعتراف کردم، ولی مشارالیه ملاقاتی از بنده نمود. در موقع انتصاب بنده هم بحکومت بنادر نیز ملاقاتی نکرد در روز ميلاد و تاجگذاری اعلیحضرت اقدس شهرباری ارواحفاده که مأمورين دولت متحابه بمجلس جشن دعوت شدند، مسيوسيدرو نیز بتوسط کارگذاری کل دعوت شد. ولی مشارالیه حضور در مجلس جشن را مشروط باین نموده بود که بدواً بنده بمنزل او رفته کارت بگذارد. پس از آن مشارالیه نیز بمنزل بنده آمده، کارت

بگذارد و بعد ذالک بمجلس جشن حاضر شود. بنده چون تقاضای او را که نازل منزله سبقت بملاقات از طرف بنده بود مخالف قانون دانسته در حقیقت مستلزم سلب یک حق مشروعی از دولت متبوعه خود دیدم، حاضر برای قبول نشدم. مشارالیه هم در مجلس جشن حاضر نشد. برای مزید استحضار خاطر مبارک سواد دوسیه این مسأله لفاً تقدیم میشود. بر خاطر انوار پوشیده نخواهد بود که مشارالیه در این تقاضا بهیچوجه ذی حق نبوده و امتناع بنده از قبول تقاضای او نه بلحاظ شخص بلکه نظر بمحفظ مقام حکومت و در حقیقت صیانت حیثیت دولت بوده است - احمد مسعود السلطان».

در زیر نامه چنین نوشته شده است: «اداره ایالات و ولایات - نظریات وزارت خارجه را بخواهید ۲۴ جوزا ۹۹».

□ لاینحل ماندن کارها به دلیل سردی روابط کنسول فرانسه و حکمران بنادر

«وزارت امور خارجه

اداره سوم سیاسی

مورخه ۳۰ جوزا ۱۳۰۰ - ۱۳ شوال ۱۳۳۹

نمره ۴۵۹۸/۱۳۳۶

فوری است

وزارت جلیله داخله - قضیه برودت بین حکمران بوشهر و قنصل فرانسه را در آنجا سابقاً باستحضار خاطر اولیای آن وزارت جلیله رسانیده و خواهش شده بود که حکومت مشارالیه را از جدیتی که در تعقیب نظریات خود دارد منع فرمایند. اکنون باز تلگرافی از کارگذار بوشهر رسیده و خبر میدهد که بیشتر از کارهایی که باید بین حکومت و کارگذاری و قونسول حل و تسویه گردد، بواسطه دوام این احوال لاینحل مانده است. لهذا لازم است از طرف اولیای آن وزارت جلیله امر تلگرافی بحکومت بوشهر صادر و برحسب اشعارات به اقل این وزارتخانه تعلیماتی بدهند که زودتر باین قضیه خاتمه داده، محظورات این امر را مرتفع دارند».

□ اعلام وصول نامه وزارت امور خارجه

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ۴۴۷۶/۱۷۰۳

کارتن ۸ دوسیه ۱۹ شعبه تحریرات جنوب

طهران - بتاريخ ۳۱ جوزا ۱۳۰۰ - ۱۴ شوال ۱۳۳۹

وزارت جلیله امور خارجه - رقیمه نمره ۴۵۹۸/۱۳۳۹ راجع به بروود بین حاکم بنادر با قونسول فرانسه زینت وصول داد. در این باب اخیراً راپرت مشروحی از حکومت بنادر رسیده و به آن وزارت جلیله فرستاده شد. پس از مراجعه راپرت مزبور هر طور اعلام فرمایند اقدام خواهد شد».

□ دلایل کنسول فرانسه برای پرهیز از ملاقات با حکمران جدید بنادر

«وزارت امور خارجه

اداره سوم سیاسی

مورخه ۳ ذیقعه ۱۳۳۹ - ۱۸ سرطان ۱۳۰۰

نمره ۹۴۶۴/۱۴۲۰

وزارت جلیله داخله - از مدلول دو طغرا جوابیه نمره ۳۹۷۶/۱۵۰۵ و نمره ۱۷۰۳ آن وزارت جلیله در موضوع بروود بین حکومت بنادر و قونسول فرانسه در آنجا اطلاع حاصل و تلفوفات نمره ۱۳۹۷۶ نیز ملاحظه شد، و اکنون جواباً خاطر محترم را زحمت میدهد بطوریکه از خلاصه این اوراق مفهوم میشود قنسول فرانسه بدو علت نظریه خود را تعقیب میکند. یکی اینکه آقای مسعودالسلطان در ملاقات از قونسولگری انگلیس در بوشهر سبقت نموده‌اند و قونسولگری فرانسه هم در همین توقع را دارد. و دیگر اینکه قونسول فرانسه در بدو ورود به بوشهر از نایب‌الحکومه وقت ملاقات نموده است و بازدید را هم بدون اینکه نظر بشخص داشته باشد از حکومت انتظار دارد. ولی گویا علت عمده همان ملاقات از قونسولگری انگلیس است، و چون شارژدافر فرانسه در اینجا ضمن مذاکرات شفاهی تقاضا نموده‌اند از این بروود محض حسن جریان کار از میانه مرتفع گردد خوب است از طرف آن وزارت جلیله به آقای

مسعودالسلطان تعلیمات موثر صادره فرمایند که این مسئله را این قدرها در نظر اهمیت قرار نداده و بطوریکه در آنجا با سفارت قرار شده بود کارت خود را برای قونسول فرانسه بفرستد تا روابط مجدداً برقرار شود. تلفوفات نمره ۳۹۸۶/۱۵۰۵ را که تقاضا فرموده بودند اعاده گردد، اینک تلواً بآنوزارت جلیله عودت داده میشود.

از طرف وزیر - انتظامالملک».

(۱) - دولتهای دوست.

(۲) - تودد - وداد - دوستی.

(۳) - کاپیتان.

(۴) - مرز و بوم - سرزمین.

(۵) - لفافه شده، سربسته و رمزی.

(۶) - کمترین.

چوب زدن رئیس محمدعلیخان تنگستانی و اخذ یک هزار و دویست تومان مالیات از او

□ نظم محمدعلیخان تنگستانی به رئیس الوزراء

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۴۷۲

از بوشهر به طهران

نمره قبض ۱۲۲۷ نمره تلگراف ۳۷ عدد کلمات ۷۶ تاریخ اصل ۱۳ تاریخ

وصول ۱۶ ثور اسم گیرنده غلامحسین.

حضور مبارک بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته. در

زمان حکومت دربابیگی بدون هیچ تفصیری و گناهی عین الممالک بهمدستی سالار

نصرت فدوی (را) گرفته، در زیر چوب شکنجه و جور یک هزار و دویست تومان از

فدوی مأخوذ داشته، تمام اهالی از داخله و خارجه و اجزای قونسولگری انگلیس مطلع

هستند. اگر منکر شود برای اثبات او حاضریم. محض الله احقاق حق این فدوی را

بفرمائید. فدوی - محمدعلی تنگستانی».

در زیر تلگرام این عبارت نوشته شده است:

- «ورود بکابینه ریاست وزراء بتاريخ ۱۷ ثور ۱۳۰۰ نمره ۲۹۵۶».

۳۹ «.

- «عیناً بادره جنوب وزارت داخله برای اقدام بفرستید ۲۸ شعبان ۱۳۰۰».

□ دستور رئیس الوزراء به حکمران بنادر

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۳۲۵/۷۲۳ شعبه تحریرات جنوب

طهران - بتاريخ ۱۹ ثور غره رمضان ۱۳۳۹ صادره تلگراف.

بوشهر - جواب نمره ۳۷/۱۲۲۷ توسط محمدعلیخان تنگستانی.

حکومت جلیله بنادر - محمدعلیخان تنگستانی متظلم است که آقای

یمین الممالک در زمان حکومت آقای دریابگی بیموجبی^۱ هزار و دویست تومان عنفاً^۲ از او مأخوذ داشته است. لازم است جنابعالی تحقیقات نموده، مراتب را اطلاع بدهید تا اقدام مقتضی بعمل آید».

□ پاسخ حکمران بنادر به رئیس الوزراء

«اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۳۴۳

از بوشهر به طهران

نمره قبض ۱۵۰۴ نمره تلگراف ۶۹ عدد کلمات ۳۳۸ تاریخ اصل ۲۴ تاریخ وصول ۲۶ ثور ۱۳۰۰ اسم گیرنده مهدیقلی

وزارت جلیله امور خارجه - کپیه مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمه - کپیه وزارت جلیله داخله. رئیس محمدعلی تنگستانی چند روز است تلگراف صادره از وزارت جلیله داخله را در دست گرفته در شهر بهر کسی ارائه میدهد. قبلاً از توجهات وزارت جلیله داخله که بعرض هر مسائلی توجه میفرمایند تشکر میکنیم و ضمناً جسارت ورزیده متذکر میشوم قبل از صدور جواب هرگاه بدون توسط^۳ تحقیقاتی فرمایند تصور میکنم حفظ حیثیت مأمورین خود را فرموده‌اند. این شخصی که بوسیله تلگراف وزارت جلیله داخله بعنوان خانی که در این صفحات اهمیت دارد نایل گردید یکی از دزدان و غارتگران است و در هر حکومتی حتی در زمان حکومت مرحوم موقرالذوله هم به مجلس رفته و فرار نموده، در سنه گذشته هم آقای سالار نصرت حکمران سابق دشتی و دشتستان او را دستگیر و بدون حضور بنده شخصاً تنبیه نموده و یکهزار و دویست تومان هم از بابت مالیات دیوانی مطابق قبض محمدخان ضابط تنگستان توسط حاجی محمدحسن رئیس نظمیه فعلی بوشهر از رئیس محمدعلی که از طرف محمدخان مأمور وصول مالیات بوده، دریافت نموده‌اند و خودشان هم در شیراز هستند، ابداً مربوط به بنده نبوده اقدامی که بنده در کار او کردم در سنه گذشته در ضمن تلگراف رمز نمره ۳۹۵ بعرض وزارت متبوعه رسانده که آنهم برحسب تلگراف بوده است. بنده بفضل الهی از آن مأمورین نبوده و نیستم که کسی را شکنجه نمایم. این مسئله ادعا نیست، بلکه در مأموریت‌های عدیده امتحان داده‌ام. این قبیل اشخاص میخواهند راه غریاض

خود را باز کرده بوسیله این تلگرافات حیثیتی را برای خود قایل شده، بجان رعایای بیچاره که عرض‌شان بهیچ کس نمیرسد افتاده، مقاصد خود را انجام دهند. اتهامات دیگر هم نسبت به بنده بعرض رسیده باشد، برای رفع اشتباه حاضرم و برای حفظ حیثیت باید مبالغی قیمت مخابره را پرداخته و با این زندگانی بوشهر و گرانی، اتهامات یک نفر دزد و اشتباه کنندگان را دفاع نمایم.

نمره ۳۱۷ - ۲۴ ثور - اسدالله بن جعفر».

در حاشیه تلگرام که در ۳ نسخه تنظیم شده، این عبارت نوشته شده است:

- اداره ایالات و ولایات ۱۹ ثور ۱۳۰۰

- وزارت داخله ۲۶ ثور ۱۳۰۰

- ورود بکابینه ریاست وزراء ۲۷ ثور ۱۳۰۰ نمره ۳۱۶۷

- ۲۸ ثور ۱۳۰۰ - اداره جنوب (وزارت امور خارجه).

(۱) - بی دلیل - بدون علت.

(۲) - به زور.

(۳) - بدون واسطه - مستقیم.

خبررسانی در جنگ اول جهانی

□ اخبار خارجه^۱

« بتاریخ ۳۰ برج جوزا ۱۳۳۹

از لندن (۸ ژون): امروز اولین جهاز جنگی مسمی^۲ به افیکام که در هنگام جنگ در آوریل ۱۹۱۷ شروع به ساختن آن گردیده، در پرت اسموس به آب انداخته شد.

از لندن: ابلاغیه رسمی که در دوبلین انتشار حاصل نموده شرحی از اقسام قتل عمدی در کوجهها میدهد. چنانچه عده‌ای از این جانیان در یک نقطه که خیال سوئفد داشتند احاطه گردیده و سه نفر آنها که اراده فرار نمودند به ضرب گلوله هلاک شدند.

از لندن: تلگرافی از آتن از راه پاریس میگوید از روز یکشنبه دیگر حملاتی در سینه‌ری از طرف آلمانها بظهور نرسیده، قشون مؤتلفه بدون اشکال سنگرهای جدی خود را اشغال نموده و امید میرود منطقه بیطرفی که باید بین آلمان و لهستان واقع بشود بزودی معین گردد.

از لندن: شش نفر شین فین^۳ مسلح سوار بر اتومبیل شب گذشته در قرا^۴اوکس سرب و هوتسلو واقع در میدل سکس در سی نقطه سیم تلگراف و تلفن را قطع نموده و با شتاب به جانب لندن رفته‌اند. یکنفر را که شین فینی‌ها با طپانچه تهدید نموده بود، پلیس تصادف نموده و کسب اطلاع کرد و اکنون دسته پلیس تامین مشغول تجسس مخبرین میباشند.

در راه آهن‌های غربی و جنوب شرقی و شاتام نیز چندنی رشته سیم را مقطوع ساخته‌اند. نظر به همین وقایع در نیمه شب در لیورپول هم اتفاق افتاده، پلیس قطع کنندگان سیم را در جنگل شاتا کار پیدا کرده، تمام شب آنها را احاطه نموده، ولی صبح فرار کرده‌اند.

از لندن: تلگرافی از پاریس میگوید پروگرام بحری دولت این است که در این مسئله سه چهار زره‌پوش هر یک بظرفیت هفت الی هشت تن به قیمت ۷۰ میلیون

فرانک و شش کشتی فرایکن و دوازده قایق توپدار و دوازده تحت‌البحری^۴ هر یک بظرفیت هزار و صد تن ساخته شود. چهار جنگی ناتمام، چون مبدل به جهاز حامل طیاره خواهد شد.

از لندن: چهار نفر که در قطع کردن سیمها طرف سوئزن واقع شده بودند، بعد از جنگ با پلیس، نزدیک برکهند توقیف شدند.

از لندن (۹ ژون): جریده دلی تلگراف میگوید از نقطه نظر مسئولیت عظیم انگلیس در حراست اسلامبول و حفظ آزادی سکنه‌ها که اکنون بواسطه پیشرفت قوای کمالیسته در شبه جزیره اسمیه تهدید میشود ما مجبور هستیم که در مقابل حوادث ممکنه احتیاطات کامل بعمل آوریم و هیچ عجیب نیست که بدین جهت بعضی قسمتهای بحری را در آبهای عثمانی امر بنمایش دهیم.

از لندن: جریده نیویورک وبکس در مقاله‌اش خطاب به متعلمین درجه گرفته دارالعلوم میگوید اگرچه ما در جنگ متضرر هستیم، ولی در صورتیکه دولی ممکن است با آمریکا بحرب درآیند و هر روز بر تدارکات نظامی می‌افزایند، برای آمریکا اعلی درجه حماقت خواهد بود که خود را اولین مبتکر خلع سلاح نماید. جریده مزبور در خاتمه میگوید جنگ بین آمریکا و انگلیس ناممکن است. زیرا اگر چنین حادثه شومی اتفاق افتد روز آخرین مدنیت و تربیت خواهد بود.

از لندن: از قرار مفهوم عنقریب وترلوس بسمت ریاست دارالانشاء و داسیون مجتمع اتحاد انگوزا منصوب خواهد شد. مشارالیه از گرفتن حقوق امتناع ورزیده است.

اخبار خارجه - به تاریخ پنجم برج سرطان ۱۳۰۰

از لندن (۱۴ ژون): در دوایر مطلع میگویند چون هیئت وزراء می‌خواهند مسایل مربوط به کنفرانس را با عجله تمام نمایند، مشکل است بتوانند در افتتاح پارلمان بلفاست حضور بهم رسانند.

از لندن: هوژ در ضیافت نیوزیلند در طی نطقی اظهار داشت کنفرانس آینده دوره تاریخ جدیدی در مناسبات دولتی بعرضه ظهور خواهد آورد. نه فقط در این کنفرانس مسایل دفاع مملکت و مسلک خارجه مطرح خواهد شد، بلکه راجع به وضعیت داخلی و اقتصادی و حقوق عملجات و ساختن خانه و غیره مذاکره گردید.

از لندن: صدو پنجاه نفر از اعضاء اختلاطی پارلمان که اغلب آنها اونیونیست هستند یادداشت سختی بشامبولین فرستاده، به اخراجاتی که هیئت دولت بدون تصویب پارلمان کرده اعتراض نموده‌اند و در ضمن خبر داده‌اند که در آینده به هیچوجه حق خرجی ندارند، مگر آنکه پارلمان اجازه دهد.

از لندن: امروز بعدازظهر مجدداً انقلاب در ایرلند روی داده و چند تیر رولور به اتومبیل مسلح که ۷۰۰ بود که برای دفن رفقای مقتول خود میرفتند خالی شد. شش نفر مجروح شده که سه نفر آنها نسلوان بودند و اخیراً یکی از آنها مرده است.

از لندن: چرچیل در طی نطق در مجلس مبعوثان اظهار داشت میل و اشتیاق ما این است که روابط مستحکمی بین اعراب و انگلیس و موتلفین او برقرار سازیم، لاکن محقق است تا قرارداد صحیح صلح‌آمیز با اتراک^۸ بمیان نیاید کوشش ما بیهوده خواهد بود، و مادام که انگلیس و فرانسه خود را ضعیف و بی‌قدرت نشان دهند، چنین قراردادی منعقد نخواهد شد.

ما باید وسایل دفاع منافع اساسی خود را داشته و نشان بدهیم که دارای این وسایل هستیم و هر موقع لازم شود و تخطی و خودپسندی دیگران نسبت بموتلفین معلوم شود، آنها را بکار خواهیم برد، اما اگر خود را برای دفاع بی‌قدرت نشان دهیم نمیتوانیم منتظر صلح که نتیجه تمام اقدامات ما است باشیم، بالاخره و بیک کلام (در) اولین وهله صلح حقیقی و بادوام با عثمانی لازم است.

از لندن (۱۵ ژون): هنگامی‌سئوالی در مجلس مبعوثان لئویدزور اظهار داشت که مطابق با قرارداد تجارتی عنقریب نمایندگان رسمی به روسیه فرستاده خواهد شد. از لندن: کارخانه ماشین خیاطی زینگر واقعه (در) کلید دانگ چون دیگر ذغال ندارد بطور قطعی در بیست و چهارم ژون بسته خواهد شد و اقلاده هزار نفر بیکار خواهند ماند.

از لندن (۱۶ ژون): نزدیک است بار دیگر آتش جنگ بین عثمانی و یونان شعله کشد. طرفین مدت خاموشی را غنیمت شمرده، قوای خود را تکمیل نموده‌اند. اتراک که انتظار تهاجم از آنها میرود دعوی مینمایند که در عملیات اخیر قوای خود را مضاعف کرده‌اند. در همان هنگام مسافرت کنستانتین به آسیای صغیر اسباب اطمینان یونان بود.

از لندن: جراید خبر می‌دهند که قشون سوتینی برای کمک وارد آناتولی گردیده و از قرار مذکور بین روس و عثمانی شروع به پیشرفت نموده و مقصد آنها از میر و اسلامبول می‌باشد.

از لندن: تلگرافی از اسلامبول مشعر است که یونانیها در تمام جبهه‌ها دسته اکتشافی و پیش قراول فرستاده‌اند و مخابره از انگوزا از اختلاف شدید بین اعضاء مجمع آگاهی می‌دهد. استیضاح مراجع به تغییر مسالک در انگوزا اسباب مباحث شدید و پرحرارت گردیده است.

(۱) - در سال‌های جنگ اول جهانی خبرهای خارجی به طور کلی در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران ترجمه و به وسیله پست و تلگرام به ایران ارسال می‌شد و موارد مهم آن از طریق اعلامیه‌های دیواری و یا روزنامه‌های آن دوران به اطلاع مردم می‌رسید.

(۲) - نامیده شده.

(۳) - شاخه سیاسی ارتش جمهوریخواه ایرلند.

(۴) - زیردریایی.

(۵) - قوای کمال آتاتورک اولین رئیس جمهوری ترکیه.

(۶) - کشتی.

(۷) - چند کلمه ناخوانا است.

(۸) - ترک‌ها، منظور دولت ترکیه عثمانی است.

مخالفت علمای همدان با تأسیس سینما توسط یک فرد انگلیسی

□ تقاضای دایر کردن سینما توگراف

«وزارت داخله

اداره داخله

نمره ۱۰۲۵۰/۲۰۰۵

مورخه ۲۲ محرم برج میزان ۱۳۰۰

وزارت جلیله معارف و اوقاف - در جواب مرقومه محترمه نمره ۲۹۷ راجع
به مسیو چرچیل تبعه انگلیس که میخواهد سینما توگراف دایر نماید، سواد مراسله
جوایه حکومت همدان لفاً برای مزید استحضار خاطر آن وزارت جلیله ارسال میگردد -
وزارت داخله».

□ مخالف علمای تقاضای فرد انگلیسی

«وزارت داخله

سواد مراسله حکومت همدان

مورخه ۱۵ محرم ۱۳۴۰ نمره ۱۵۶۵

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته - مرقومه نمره ۱۷۳۲ زیارت،
اگرچه خود بنده تصدیق دارم که اینگونه جلوگیریها خیلی خارج از رویه است، لیکن
آقای فاضل و آقای سیدعبدالحسین که از علماء و مجتهدین این شهرند مانع از نمایش
هستند و میگویند که این نمایش حرام و خلاف شرع است و هرچه خواستیم آنها را
حالی کنیم متقاعد نشدند. با این وصف هرطور مقتضی بدانید مرقوم دارید تا از آن
قرار شود - حکومت همدان».

□ تلگراف رئیس معارف همدان

«وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

نمره کتاب ثبت ۲۹۷۴ کارتن ۱۴ دوسیه ۱۱

اداره کل معارف - دایر تعلیمات عالیہ.

خروج ۹ سنبلہ ۱۳۰۰ اسم نویسنده عیسی صدیق.

وزارت جلیله داخلہ - سواد تلگراف رئیس معارف ہمدان را لفاً برای اطلاع آن وزارت جلیله ایفاد داشتیم».

□ دو ہزار تومان ہزینہ برای تأسیس سینما در ہمدان

«ادارۂ تلگرافی دولت علیہ ایران

نمرہ کتاب ۷۱ نمرہ تلگراف ۱۹۵۴

از ہمدان.

مقام منیع وزارت جلیله معارف دامت عظمتہ - مسیوچرچیل تبعۂ دولت انگلیس با اجازہ ادارۂ معارف دستگاه سینموتوگراف دائر، سند سپردہ فیلم‌های عالی استعمال نماید. بعد از دو ہزار تومان مخارج بعضی‌ها اللقاء شبہ نمودہ اند و اسباب تعطیل شدہ اند. متمنی است امر اکید فرمایند حکومت جلیله رفع توهمات و مساعدت نمودہ نگذارند یک نفر رعیت خارجه کہ با نہایت بردباری برای اطاعت قوانین مملکتی حاضر شدہ، دچار خسارت و تولید زحمت نمایند. منتظر اقدامات فوری. نمرہ ۵۱ - مدنی».

همراهی خالوقربان با عوامل دولتی علیه انقلابیون جنگل

«وزارت داخلہ

استخراج تلگراف رشت

مورخہ ۲۱ ربیع الثانی ۴۰

مقام منیع وزارت جلیله داخلہ دامت شوکتہ - رمز مبارک نمرہ (۶۰۹) در باب خالو^۱ با قولنل^۲ مذاکراتی علناً نشدہ است کہ بتوان اطلاع حاصل کرد. ولی تحریکاتی بود و خالو را بطرف خود جلب می‌کرد، منتہا فوری جلوگیری شد. از حق نباید گذشت خالو خیلی این اواخر در اطاعت اوامر دولتی سعی بود و جداً مطیع. اطراف او عقیدتاً با او ہمراہ نبودند و نیستند و بہ او ملامت می‌کنند، ولی خودش در اطاعت دولت محکم بود - ۲۷ قوس - ساعدالملک»^۳.

□ دستگیری دکتر غلامحسین خان در طارم

«وزارت امور خارجه اداره شمال

مورخه ۱۸ ثور ۹۸

«مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته العالی - دکتر غلامحسین خان؛ که از اشرار معروف جنگلی‌ها و در این دو سال باعث خرابی و غارت اهالی طارم شده، این اوقات فراراً از جنگل آمده در طارم، دستگیر مامورین حضرت آقای امیرافشار شده. مستدعی است حکمی به عهده آقای امیرافشار صادر فرمایند اموالی را که از اهالی طارم ربوده و محصولی را که از املاک درو شده برده است، از مشارالیه مسترد نمایند و اسلحه‌های مشارالیه مأخوذ نمایند - امر امر مبارک است».

□ تلگرام اهالی طارم برای آزادی دکتر غلامحسین خان

«مورخه ۱۴ سرطان ۱۳۳۶

مقام منیع محترم وزارت جلیله داخله - غلامحسین دکتر بی‌تقصیر و طیب ماها بوده، مداخله در امورات جنگلی نداشته، جنگل صدمه به او زده، غیر از اطاعت چاره نبود. اغلب اعیان رشت اطاعت می‌کردند، تصدیق فرموده به طبابت این جا معاودت دهند. عموم اهل طارم: مهدی جعفر موسوی، موسی موسوی، هادی موسوی، مناف موسوی، ابوالقاسم حسینی، صالح موسوی و علی موسوی.

(۱) - خالوقربان از عناصر خائن نهضت جنگل که با دولت مرکزی کنار آمد و

درجه نظامی گرفت.

(۲) - کلنل محمدتقی خان پسیان.

(۳) - میرزا حسن خان ساعدالملک کارگذار امور خارجه در رشت. وی مدتی نماینده

مجلس شورای ملی بود.

تقاضای اعزام حاکم نظامی به دشتی و دشتستان

□ درخواست حکومت بنادر از وزارت داخله

«وزارت داخله

حکومت بنادر و جزایر خلیج ایران - بوشهر.

نمره ۵۴۴

مورخه ۱۵ برج اسدایت‌ئیل ۱۳۰۱

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمه - البته موقعیت جغرافیایی بوشهر کاملاً در نظر مبارک هست. در دو سه فرسخی خاک بوشهر و حدود حکومت بنادر، تنگستان، دشتی و دشتستانی واقع است. اهالی تنگستان تمام مردم خونخوار جنگ‌جوی وحشی هستند (!) و تقریباً کلیه تنگستان در تحت امر زائر خضر است که در موقع جنگ بین‌المللی طرفدار واسموس^۱ و آن دسته بوده است، با داشتن دو سه هزار تفنگچی تخطی آنها بخاک بنادر خیلی سهل است. عمارات اتباع خارجه بیرون شهر در وسط صحرا بدون حصار، هر وقت تنگستانیها تصمیم شرارتی بکنند تولید مشکلات عظمیه خواهد شد. چنانکه اینگونه اتفاق سوابق دارد. مثل اخلاص بوشهر در اوایل حرب عمومی^۲ که علت اساسی آن مهاجمه تنگستانیها و قتل صاحب منصبان در دشتی و دشتستان. قوایی موجود نیست و برای اینکه بخودسری‌های خوانین خاتمه داده شود هیچ نصیم قاطعی اتخاذ نشده است. نظر بمصالح خلیج استدعا می‌کنم به ایالت فارس تأکید فرمایند هرچه زودتر یک حاکم کافی نظامی برای دشتی و دشتستان بفرستند.

دشتی و دشتستان حاکم سیاسی نمی‌خواهد، فقط قوه و تدبیر شخصی لازم است که با یک جزئی قوه دولتی از قوای محلی استفاده نموده، امنیت را برقرار نماید. در دشتستان و تنگستان اگر اغتشاشی بشود آنقدرها اهمیت ندارد. ولی اگر شرارت آنها سرایت بخاک بنادر کند خیلی برای فدوی و دولت اسباب زحمت خواهد شد.

- «ورود به کابینه وزراء بتاريخ ۱۳۰۱/۱۶/۱۵ نمره ۶۹۷۹»

- «سواد برای ایالت فارس فرستاده شود.»

□ نامه وزارت داخله به ایالت فارس

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۰۲۸۸/۳۶۵۷

ذکر نمره‌های قبل ۳۵۵۸

شعبه تحریرات جنوب. ضمیمه سواد

تهران - شیراز بتاريخ ۲۵ محرم ۱۳۴۱

صادره رقیمه.

ایالت جلیله فارس. سواد راپرت حکومت بنادر راجع بوضعیت تنگستان و تجاوزاتی که اغلب از اشرار آن جا به بوشهر می‌شود لفاً برای اطلاع خاطر محترم ارسال می‌شود. مقرر فرمائید حکومت دشتی و دشتستان برای جلوگیری از پاره‌ای حوادث متصوره مراقبت کامله داشته باشد».

□ پاسخ وزارت داخله به حکومت بنادر

«دولت علیه ایران

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۰۲۸۸/۳۵۵۸

کارتن ۲۲ دوسیه ۵

شعبه تحریرات جنوب

تهران - بوشهر به تاریخ ۲۵ محرم ۱۳۴۱

حکومت جلیله بنادر - راپرت نمره ۵۴۴ به عرض مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته رسیده، راجع به محل تنگستان و جلوگیری از پاره‌ای حوادث متصوره تعلیمات لازمه به ایالت فارس داده شود».

□ دستگیری غضنفرالسلطنه در شیراز

«وزارت داخله

سواد استخراج تلگراف شیراز

وزارت جلیله داخله - تعقیب تلگراف نمره (۲۵۴) از چندی به این طرف
غضنفرالسلطنه^۱ در برازجان غالباً مشغول فساد و تحریک است.
چند روز قبل او را به شیراز احضار کردم. در مقابل بهانه‌جویی کرد و اخیراً
راپورت رسیده که شبانه به منزل تاجری فرستاده و مقداری اسناد که نزد تاجر بوده
خواسته اخیراً بگیرد. ادامه این ترتیب باعث تجری سایر متنفذین محلی شده رسته انتظام
آن حدود را که به زحمات فراهم کرده‌ام پاره نماید. لهذا به حکومت دستورالعمل
دادم او را توقیف و تحت‌الحفظ به شیراز روانه نماید، تا چندی در شیراز متوقف باشد
و توانایی و قدرت دولت را سایر متنفذین آن صفحه دانسته، از حدود تجاوز نکنند.
استحضاراً به عرض می‌رسید که خاطر مبارک مسبوق باشد».

۱۳ حمل نمره ۹ - اکبر

(۱) - میرزا محمدخان غضنفرالسلطنه برازجانی از رؤسای دلیران تنگستان

نامه وکیل زائر خضر خان تنگستانی به وزیرداخله

«اداره تلگراف دولت علیه ایران

از بوشهر به طهران

نمره ۶۰۵ عدد کلمات ۲۰۸ روز ۱۹ شعبان ۴۱

مقام منیع آقای وزیرداخله - در مسئله بنادر تنگستانی که گمرک شکایت بحضور مبارک نموده و آنوزارتخانه دستخط صادر فرموده زایل خضر باید در عرض پنجروز در انجمن ولایتی حاضر گردد و قرار آسایش اداره جلیله گمرکخانه بهرطور که منظور دارند بدهند، چون جناب آقای دریاییگی بوشهر تشریف نداشتهاند... که مفسدین نتوانند در غیاب حکمران اسبابی جهت زائر خضر فراهم آرند خانزاد را ببوشهر فرستاده که نزد رئیس گمرک رفته، هر طور مایلند جلوگیری در قاچاق فراهم آوریم. خانزاد هرچه نزد رئیس رفتم و استدعا نمودم که هر قسم میل دارید در انجام امر گمرکی اقدام شود، تمام به طفره گذرانده، لابد بحضور مبارک جسارت مینماید اگر مقصود اداره گمرک جلوگیری از قاچاق تنگستان میباشد امر فرمایند درانجمن با حضور نایبالحکومه، رئیس گمرک حاضر شود. آنچه که اسباب آسایش اداره گمرک میل دارند انجام داده شود و اگر رئیس گمرک گوش بحرف ارباب غرض بخواهند بدهند آنهم حکمش با اولیای دولت است. امروزه دیناری مال دولت حیف و میل شدن تمام تنگستان میدانند حرام است. علت چیست که اداره گمرک قاچاقی که دارند از هر کجا پیاده میشود تمام به اسم تنگستان راپورت میدهد. استدعای توجه و بذل جواب دارد. وکیل زایل خضر - عباسعلی تنگستانی».

درخواست حکمران بوشهر برای اعزام قشون نظامی،

سرکوب دلیران تنگستان و دفاع از انگلیسیها

«وزارت امور خارجه

اداره تحریرات انگلیس

راپورت بوشهر - نمره ۳۶۰

مقام منبع وزارت جلیله داخله - مرقومه نمره ۵۸۲/۶۶۶۷ مورخه ۲۲ رجب بکارگزاری راجع به علی تنگلکی و اشرار تنگستان با نهایت حیرت و استعجاب زیارت گردید. مرقوم شده بود که دولت هنوز نفهمیده است که بنده برای استمداد از قوه انگلیس چه محملی قرار میدهد و اصرار دولت در پس کشیدن قوای انگلیس از بوشهر با این استمداد یک حاکم رسمی دولت ایران چه صورتی پیدا نموده، و اظهار تأسف فرموده بودند. تأسف این بنده صد چندان است از اینکه در ظرف چهار سال و چند ماه گذشته که بنده سمت حکومت بنادر را داشته در مقام دولتخواهی و وطنپرستی و ادای وظایف آنچه از روی تجارب و سابقه و لاحقه باحوال و اوضاع این ساحات صلاح داشته و صواب دیدم بعرض اولیای امور رسانیدم و کل معروضاتم کشفاً و رمزاً که اینکه یک کتاب حجیم شده راجع به این سند بود که صیانت نظم و امنیت داخلی سیصد فرسخ بنادر خلیج که مطمع و مطرح انظار خارجه است و سد تجاوزات و دخالات اجانب جز به تهیه قوه و استمداد نظامی ممکن نیست و با عده قلیلی تفنگچی بومی اینکار میسر نخواهد شد، و اگر تجهیز یک قوه نظامی برای بنادر نشود بیم آن است که حوادثی ناگوار رخ داده، حالت بنادر کسب عاقبتی وخیم نماید. ولی هزار افسوس که اینهمه فریاد و فغان بنده اولیای امور را از رقدت غفلت^۱ بیدار نکرد، و اگر بعراض بنده اعتماد نبود لاقلاً اینقدر هم اقدام نکردند که از مجاری دیگر در صدد تحقیق برآمده و معلوم کنند که این مطالبی را که معروض داشتم برای حفظ ثغور مملکت و بر وفق مصالح دولت است یا غرضی دیگر در کار است. الحق هر یک از وزراء عظام و اولیاء دولت بیک دهکده شخصی اینطور سلب توجه و بی‌اعتنایی نمی‌کنند که به این ثغر بزرگ مملکت مینمایند. در رجب ۱۳۳۱ راجع به اقدامات مستقیمه انگلستان در سواحل تنگستان در جواب وزارت جلیله امور خارجه بنمره ۵۶ مورخه ۱۲ رجب رمزاً تلگرافی عرض کرده‌ام، سواد کشف آنرا برای تذکار خاطر محترم لفاً ایفاد می‌نمایم. ۲۵ حمل امسال بنمره ۱۰۴ تلگراف مرمری^۲ بوزارت جلیله داخله عرض کرده‌ام، سواد کشف آنرا نیز لفاً تقدیم می‌کنم. کراراً و مراً اینگونه واقعات را پیش‌بینی و تجهیز قوه و استمداد نظامی را پیشنهاد کرده‌ام، ولی بدبختانه بعضی اوقات جوابهای غیرنافع رسیده و غالباً اهم معروضاتم در سیه چال دوسیه‌های وزارتخانه‌ها کان لم یکن شیئاً مذکوراً مانده و مورد توجه و اعتنا واقع نشده، یا

مصادف با بحرانهای پی در پی کابینه وزراء شده و اینهمه تحقیقات و تدقیقاتی که بعقیده خودم در عالم صلاح اندیشی و خیرخواهی دولت کردهام بهدر رفته است. حالا باید دید که در استعانت از قوه انگلیس در واقعه تنگ گناه از بنده بوده یا مسئولیت راجع بزمامداران امور مملکت، و این کار ناچار نتیجه تغافل و بی‌توجهی اولیاء دولت بوده است. در صورتیکه علی تنگی بتطیع غارت اثاث جنرال فونسولگری و اسلحه و ذخیره صاحبمنصبان انگلیسی و خزانه بانک عده بسیاری از اشرار تنگستان را با خود همدست کرده و بی‌شبهه اگر پیشرفت کرده بودند بجان و مال یکنفر از مأمورین و اتباع انگلیس و روس ایفا نمی‌کردند. با این چند نفر سوار و پلیس در حالیکه عده (ای) ژاندارم هم که بحمايت خواسته بودم فرار کردند و بر جرئت و جسارت اشرار افزودند، اگر استمداد از کار و جنرال فونسولگری نمی‌کردم چه صورت پیدا می‌کرد و اگر مقاصدیکه اشرار داشته انجام میداند سرانجام این مملکت بکجا میکشید، و حالا که بنده را بدون هیچ تقصیر مورد اینگونه حملات انصاف‌شکنانه قرار میدهند، در آن حال چه میکردند؟ مختصر پیشنهادیکه در تلگراف مرموز ۱۰۴ مورخه ۲۵ حمل کردم پذیرفته شده بود، امروز که واسموس خوانین تنگستان و دالکی و چاه کوتاه را به هجوم بر انگلیسیان تحریک کرده، طرق غیرمعتاده تنگستانرا انگلیسیان مستقیماً حفاظت نمی‌کردند و نمی‌گفتند هر وقت دولت ایران وسیله‌ای فراهم کند که بتواند این راهها را مصون و اتباع انگلیسی را از حمله تنگستانیان مأمون دارد ما پستهای خودمانرا برمی‌داریم و مختصراً اگر اولیای امور از این ثغور بیشتر از این غفلت فرموده و مسئولیت را بر این بنده وارد کنند ناچارم برائت‌نامه خود را، کل تلگرافات مکشوفه و مرموزه و مکاتبتی که راجع بلزوم تجهیز قوه در این مدت باولیا دولت عرض نموده و پیشنهادهایی که کردهام برای الاع عموم بطبع رسانیده و منتشر سازم - حکمران بوشهر».

(۱) - خواب غفلت.

(۲) - رمز.

بخش چهارم: ضمیمه کتاب

خبرهای تلگرافی جنگ پروس و
فرانسه

به خط ناصرالدین شاه قاجار*

(۱۸۷۰ میلادی - ۱۲۴۹
شمسی)

* سندهای مربوط به این بخش توسط آقای پرویز بدیعی بازخوانی شده است. تحقیق تاریخی در مورد وقایع جنگ پروس و فرانسه نیز از ایشان است.

به دنبال سرنگونی ملکه ایزابل دوم از سلطنت اسپانیا در سپتامبر ۱۸۶۸ میلادی که به دنبال وقوع انقلاباتی در آن کشور روی داد، در اسپانیا حکومت موقت تشکیل شد و سردمداران آن حکومت و به خصوص مارشال «بریم» رئیس‌الوزرای اسپانیا در صدد انتخاب پادشاهی برای آنجا برآمدند.

یکی از کسانی که برای پادشاهی اسپانیا در نظر گرفته شد، پرنس «لئوپولد هونن‌زولر»^۱ از شاهزادگان پروسی بود، که از سوی پسرعموی پادشاه پروس به شمار می‌رفت و از سوی دیگر از طرف مادری با ناپلئون سوم امپراطوری فرانسه خویشاوندی نزدیک داشت.

با اینحال امپراطور فرانسه با این انتخاب مخالفت کرد و اعلام داشت که انتخاب یکی از شاهزادگان پروسی به سلطنت اسپانیا، برای فرانسویان قابل قبول نیست و این انتخاب خطرات عظیمی برای فرانسه ایجاد خواهد کرد، چرا که در صورت وقوع جنگ بین پروس و فرانسه، اسپانیا به دلیل داشتن پادشاهی پروسی و تحت‌الحمایه دولت پروس، طبعاً به نفع پروس و علیه فرانسه وارد جنگ خواهد شد، و لذا این انتخاب برخلاف مصالح ملی فرانسه خواهد بود.

اعلامیه‌های امپراطوری فرانسه در این خصوص، بیسمارک صدراعظم پروس را متوجه کرد که انتخاب یکی از اعضای خانواده پروسی «هونن‌زولر» به سلطنت اسپانیا، بهترین وسیله برای برانگیختن فرانسوی‌ها به جنگ خواهد بود. به همین دلیل «بیسمارک» قضیه اسپانیا را کاملاً تحت نظر گرفت، تا از سویی حکومت موقت اسپانیا را در انتخاب «لئوپولد» به سلطنت آن کشور ثابت رأی نگه دارد، و از سوی دیگر «لئوپولد» را که از قبول این سلطنت منصرف شده بود، حاضر به قبول سلطنت کند.

تلاش‌های «بیسمارک» صدراعظم پروس سرانجام در اواخر ماه مه ۱۸۶۸ نتیجه داد، و با قبول سلطنت اسپانیا از سوی «لئوپولد»، وی توانست به مقصود نایل آید.

این انتخاب در ماه ژوئن ۱۸۶۸ مخفی نگه داشته شد، اما در دوم ژوئیه همان سال قضیه در مادرید پایتخت اسپانیا فاش شد و روزنامه «گازت دوفرانس» خبر آن را منتشر کرد.

انتشار این خبر فرانسویان را به هیجان آورد، و آنان انتخاب یک شاهزاده پروس به سلطنت اسپانیا را توهین به خود و «دعوت فرانسه به جنگ از طرف دولت پروس» تلقی کردند، و معتقد بودند که انتخاب یاد شده باعث خواهد شد در موقع جنگ، فرانسه بین دو آتش (پروس و اسپانیا) قرار گیرد.

اما از آنجا که هم ناپلئون سوم امپراطور فرانسه (که بیماری توانش را سخت به تحلیل برده بود)، و هم «گیوم» پادشاه پروس مایل به جنگ نبودند، با پادرمیانی دولت انگلیس، روس و اطریش، پرنس «لئوپولد» نامزدی خود برای سلطنت اسپانیا را پس گرفت، که این مساله برای دولت فرانسه موفقیت بزرگی به حساب آمد. با اینهمه آتش خشم افکار عمومی فرانسویان علیه دولت پروس همچنان شعله‌ور بود، و علاوه بر آن بعضی از جراید فرانسوی استرداد قبولی سلطنت اسپانیا از سوی شاهزاده پروس را کافی نمی‌دانستند و حتی آن را برای فرانسه یک شکست می‌نامیدند.

به همین دلیل فرانسویان درصدد برآمدند نتیجه بیشتری از این مساله به دست آورند، و برای آینده تضمین‌هایی بخواهند که این امر تکرار نشود.

به همین دلیل وزیر امور خارجه فرانسه از سفیر پروس خواست به پادشاه پروس تضمینی بخواهد که در آینده نیز اجازه نخواهد داد «لئوپولد» شاهزاده پروس نامزد سلطنت اسپانیا شود.

به این ترتیب وقتی پادشاه پروس با سفیر فرانسه ملاقات کرد و تقاضای دولت او را شنید، متعجب شد و سپس با لحنی جدی، این تقاضا را رد کرد.

پادشاه پروس همچنین وقتی گزارش سفیر خود در پاریس را شنید، از اینکه دولت فرانسه قصد دارد او را در مقابل جهانیان فردی نادم و پشیمان جلوه دهد، سخت خشمگین شد و وقتی استعفانامه پرنس «لئوپولد» نیز به دستش رسید، برخلاف قرار قبلی از سفیر فرانسه برای اطلاع از این قضیه دعوت نکرد، و تنها آجودان خود را نزد وی فرستاد تا او را از قضیه مطلع کند. آجودان پادشاه پروس نیز در ملاقات با سفیر فرانسه، تنها به ذکر این جمله اکتفا کرد که: «اعلیحضرت همایونی دیگر مطلبی برای اطلاع دادن به سفیر ندارند».

با اینحال با توجه به تمایل طرفین به فیصله یافتن قضیه، بین پروس و فرانسه جنگی درنگرفت، و بار دیگر بین آن‌ها صلح برقرار شد.

□ تلگراف ساختگی بیسمارک!

در همین حال، بیسمارک صدراعظم پروس^۱ که به فکر اجرای نقشه‌ای برای جنگ با فرانسه و تقویت امپراطوری پروس بود، با وصول تلگرافی از «گیوم» پادشاه پروس، به مقصود خود رسید.

پادشاه پروس در تلگرام مزبور، جزئیات وقایع ملاقات خود با سفیر فرانسه را شرح داده بود. با این حال بیسمارک قلم به دست گرفت و با حذف بسیاری از جملات تلگرام، آن را کاملاً تحریف کرد، و بجای جملات حذف شده عبارت تند و زنده‌ای و غیرواقعی نوشت. منجمله اینکه پادشاه پروس از پذیرفتن سفیر فرانسه به سختی امتناع کرده است! متن تلگرام پادشاه آلمان پس از تحریف توسط صدراعظم آن کشور، به شرح زیر درآمد:

«سفیر فرانسه از اعلیحضرت خواست طی تلگرامی به پاریس، متعهد شود که چنانچه در آینده نیز یکی از افراد خاندان «هونن زولر» نامزد سلطنت اسپانیا شود، به این امر هرگز رضایت نخواهد داد. به همین دلیل اعلیحضرت از پذیرفتن سفیر فرانسه امتناع ورزیدند و توسط آجودان خود به وی پیغام دادند که اعلیحضرت دیگر مطلبی که به او اطلاع دهند، ندارند».

بیسمارک مطمئن بود با انتشار متن این تلگراف، هم فرانسوی‌ها و هم اهالی پروس به هیجان خواهند آمد.

زیرا، اولاً فرانسوی‌ها این مساله را که سفیر کشورشان توسط پادشاه پذیرفته نشده است، توهینی به خود قلمداد خواهند کرد، و ثانیاً پروس‌ها از اینکه دولت فرانسه خواسته است پادشاه آنان را تحقیر کند، هیجان‌زده خواهند شد.

کما اینکه بیسمارک نیز در این زمینه گفته بود: «این تلگراف مانند بارجه قرمز رنگی در جلوی چشم گاو گلو^۲ جلوه‌گر می‌شود و او را به خشم می‌آورد»، که البته مقصود او از این تعبیر، مردم فرانسه بودند، که چنین هم شد و بالاخره آتش خصومت بین پروس و فرانسه آنچنان بالا گرفت که تنها ۱۵ روز پس از آن، دو کشور علیه یکدیگر وارد جنگ شدند.

این جنگ که در دوم اوت ۱۸۷۰ میلادی (۱۲۴۹ شمسی) آغاز شده بود،

به مدت ۶ ماه (تا اول فوریه ۱۸۷۱) ادامه یافت و در نخستین مرحله آن که دورهای یک ماهه بود، قشون منظم فرانسه از هم پاشید و ناپلئون سوم امپراطور فرانسه نیز از سلطنت خلع شد. در دومین مرحله جنگ که پنج ماه به طول انجامید، حکومت «جمهوری دفاع ملی» در فرانسه تشکیل شد و با استفاده از باقیمانده لشکریانی که به عجله جمع آوری شده بودند، مقاومت‌هایی در مقابل استیلاي دشمن صورت گرفت، ولی این مقاومت‌ها هم نتیجه‌ای نداد و فرانسه تحت سیطره کامل پروس درآمد.^۴

□ ناصرالدین شاه و ثبت وقایع جنگ فرانسه و پروس

یادداشت‌های حاضر متن تلگراف‌هایی است که روزانه برای ناصرالدین شاه قاجار مخابره می‌شد و یا از راه‌های مختلف، به وزارت امور خارجه ایران می‌رسید و سپس برای اطلاع شاه فرستاده می‌شد. ناصرالدین شاه نیز تا مدت‌ها تلگراف‌ها را به طور مرتب و با رعایت تاریخ وصول، به خط خود در یادداشت‌های روزانه‌اش منعکس و ضبط می‌کرد، ولی با گذشت مدت زمانی از جنگ، شخص دیگری را مأمور یادداشت‌برداری از تلگراف‌ها با همان شکل و سیاق مخصوص خود کرد، و به همین دلیل در بازخوانی آن‌ها به دو شیوه خط برمی‌خوریم که با یکدیگر تفاوت دارند.

در بازخوانی این دست‌نویس‌ها، کلمات عیناً به همان شکل که نوشته شده، نقل شده است و اگر چه کلماتی توسط نویسنده غلط نوشته شده باشد، بدون تغییر در آن درج شده و در اینگونه موارد کلمه درست در پرانتز () نوشته شده است. همچنین اگر احتمال داده شده باشد که کلماتی از قلم نویسنده افتاده و یا حذف شده است، آن کلمه نیز در پرانتز آورده شده و نیز بعضی از کلمات خاص، در گیومه قرار شده است.

□ اخبار تلگرافی راجع به جنگ پروس و فرانسه

تلگرافهایی که برای جنگ دولتین پروس و فرانسه می‌رسد، از این قرار است:
از راه اسلامبول و روس و هند و...

فرانسه‌ها (به) شهر «ساربروک» که خاک پروس و در سرحد است حمله برده، گرفته، از فرانسه‌ها کمی کشته شد. امپراطور ناپلئون^۳ (۷) و ولیعهدش در جنگ بودند. پادشاه پروس در «انس» است که یکی از شهرهای پروس و نزدیک سرحد

است.

تلگراف دیگر: پروس‌ها^۸ شهر ساربروک را دوباره از فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) گرفتند. جنرال دوئه فرانسه (فرانسوی) کشته شد. پانصد نفر اسیر از فرانسه‌ها گرفتند. قشون فرانسه متفرق شد. به علاوه شهر «میزان بورق» و «ویسانبورغ» که از شهرهای سرحدی فرانسه است، پروس‌ها گرفتند.

تلگراف دیگر: شاهزاده پروس یعنی ولیعهد قشون، مرشل (مارشال) ماکماهون^۹ فرانسه را شکست داد. فرانسه‌ها فوراً به «تیج» رفتند.

□ تلگراف دیگر از مشیرالدوله (وزیر خارجه ناصرالدین شاه)
در دهم جمادی‌الاول

این دفعه سیم (سوم) است که دولت فرانسه از قشون پروس (که) در تحت حکم جنرال (جنرال) «فوزواژارد» است شکست می‌خورد. از این جهت خوفی برای امپراطوری فرانسه عارض شده (است و) از ملت خود، خواهش امداد می‌نماید. تلگراف دیگر: دولت انگلیس عهدنامه بسته است که خاک بلجیک (بلژیک) را محافظت کند (و) نگذارد هیچ دولتی بآنها متعرض شود.

تلگراف دیگر: چون استریر (اطریش) انفیسیتی^{۱۰} یعنی معصومیت پاپ را قبول نکرده، رد کرده است والا اگر پاپ اصرار کند جنگ خواهد کرد.

تلگراف دیگر: ولیعهد پروس اظهار می‌کند که در جنگ ۹ جمادی‌الاول بقشون ماکماهون سردار کل فرانسه از دسته‌جات قشون مرشل (مارشال) «کارن رویژ» و «جنرال فائی» رسید. با وجود این همه شکست خوردند. دو بیرق، سی عراده توپ، چهار هزار اسیر از فرانسه گرفتند پروس‌ها.

خبر دیگر: در پاریس بشدت غوغا و همهمه است. مردم می‌گویند ناپلئون دروغی اول چرا شهرت داد و فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) فتح کردند. حکما باید بعد از (بعد از) این خبر راست بما بدهند، و می‌گویند در دارالشوری (مجلس) گفته‌اند ناپلئون قابل سرداری قشون فرانسه نیست، او را باید احضار کرد. هر مرد سی ساله باید در فرانسه اسلحه به دست گرفته مشغول جنگ باشد.

خبر دیگر: قشون فرانسه شکست خورده و تازه نفس در شهر متر (۱۰) که از

شهرهای قلعه‌دار فرانسه است، جمع شده باشد.

خبر دیگر: مرشال (مارشال) ماک ماهون با وجود شکست، باز قشون متفرق شده خود را جمع کرده است.

خبر دیگر: قشون پروس الحال قراء و قلعه‌جات (کذا) توریاک، سارکی مین و هاکنو را متصرفند.

□ تلگراف از لندن ۱۱ جمادی‌الاول

نابلئون تلگراف کرد که مارشال ماک ماهون شکست خورد، زیرا که قشون او بمراتب کمتر از قشون پروس بود. لیکن با وجود شکست، جنگ و گریز خوبی کرد (و) خود را از مهلکه نجات داد. دسته دیگر قشون «هاک» در کنار رودخانه «سار» بودند، از قشون پروس که زیاد بودند شکست (خوردند)، با نهایت صعوبت و اشکال گریختند.

خبر دیگر: اهالی پاریس تهیه محاصره شدن را می‌بینند. سفاین جنگی فرانسه‌ها بطرف «بالتق» رفت‌اند.

□ ترجمه تلگراف مشیرالدوله^{۱۱} از اسلامبول - ۱۲ جمادی‌الاول

کار دولت فرانسه بسیار بد است، پاریس خودش را در مقام محصوریت^{۱۲} نشان می‌دهد. دولت پروس از چندین نقطه تجاوز کرده است. اهل فرانسه کلیتاً به جنگ خواسته شده است، حتی اشخاص چهل ساله.

□ ایضاً تلگراف مشیرالدوله - ۱۳ جمادی‌الاول

دعوی تازه وقع شده، امپراطور فرانسه از حکم دادن لشکر خلع شد، واگذار بمرشل (به مارشال) «بازن» و مصلحت خانه^{۱۳} شد. امپراطور را بی‌دخل^{۱۴} خواسته‌اند، سبب شکست را ناقابلی امپراطور دانسته‌اند. صدراعظم را هم اخراج کردند. جنرال (ژنرال) سون توبان (را) که ملقب بدوک دنالیکاهو است، رئیس مجلس تازه قرار دادند.

□ تلگراف دیگر ۱۴ جمادی‌الاول

از لشکر فرانسه بسرمداری ماک ماهون پنج هزار نفر کشته شده است و شش

هزار نفر اسیر شده‌است. از لشکر پروس سه هزار و پانصد نفر کشته شده است. صدراعظم دولت فرانسه «امیل دولیویه» بعد از (بعد از) آنکه وکلای ملت مسئولیت را بعهده خود گرفته‌اند، استعفا کرده است. «دوک دپالیکوهو» وزیر جنگ شده است. «لاطور دووژن» وزیر دول خارجه شده است. پیش قراولان پروس در دومیلی (مایلی) شهر «متر» هستند.

□ از قراری که از لندن تلگراف شده است

شهر «استرازبورغ» را قشون پروس محاصره کرده است. راه‌های آهن را تصرف کرده‌اند. رفت و آمد میانه شهر پاریس و لیون را مسدود کرده‌اند. بیگلریگی^{۱۵} شهر استرازبورغ را هر کار کرده‌اند تسلیم شود، قبول نکرده است.

□ خبر دیگر که در ۱۶ جمادی‌الاول از راه پطر رسید

(بدون تاریخ، بدون موقع جنگ): از فرانسه‌ها که از ده هزار کشته شد، شش هزار نفر اسیر شد. در پاریس شورش عظیمی است و حالت محاصره دارد. (اعضای) سفارت خانه فرانسه را کلاً در پکین (پکن) پای تخت (پایتخت) چین بقتل رسانده‌اند.

شارژ دافره^{۱۶} موسیو «روشوار» بود که مدتی در ایران شارژ دافر بود. بسیار جوان هرزه ناقابلی بود. خوب شد که به قتل رسید. در ایران هم خیلی رذالت^{۱۷} کرد. واجب‌القتل بود حقیقتاً.

□ کاغذی است که مسترالپسون، ایلچی^{۱۸} انگلیسی روز ۱۸ شهر

جمادی‌الاول به یحیی خان^{۱۹} نوشته بود:

خان عزیز من، از قراریکه از طرف هولاند (هلند) بدوستاند خبر رسیده است، لشکر پروس علی‌الاتصال پیش می‌رود. شهر «نانشی» که سواد^{۲۰} اعظم است، تسلیم لشکر پروس شد. مردم همه روزه منتظر جنگ‌های بزرگ دولین هستند.

□ تلگراف دیگر از لندن ۱۷ جمادی‌الاول

از جانب پادشاه پروس اعلام نامه خطاب برعابای ولایات مفتوحه از فرانسه

صادر شده مادامیکه این ولایات در تحت سلطنت و اختیار پروس است، قانون سرباز گرفتن بقرعه و مردم را مجبوراً نوکر نمودن که در دولت فرانسه مجری بود، منسوخ است. کمک متصل بقشون فرانسه، متوقف در شهر «متز» می‌رسد، و داوطلبان^{۲۱} از هر گوشه و کنار بحالت اجتماع خود را به اردوی جنگی رسانده، مستعد جنگ میباشند.

خبر محاصره استرازبورغ بنظر جعلی میاید. شهر «نانسی» بتصرف پروسها درآمده، مقر اردوی سردار کل پروس در «ویونی» است و پیش قراول آنها «الی پل موس» که در نزدیکی «متز» است، رسیده است. دولت فرانسه اعلام کرده است سواحل شمالی و غربی آلمانها در حالت محاصره بحری (دریایی) است. در روزنامه فرانسه نوشته شده است سفاین جنگی فرانسه در مقابل بندر «کیل» لنگر انداخته، مستعد محاربه هستند و از طرف دولت دانمارک^{۲۲} اظهار مودت و محابت^{۲۳} سفاین فرانسه می‌شود.

□ تلگراف دیگر از مشیرالدوله - ۲۰ جمادی‌الاول رسید

امپراطور فرانسه از شهر «متز» برای «وزودن» حرکت کرده، پروس، مشغول بساختن پل موسون - نانسی - سنت میشل هستند. راه آهن نانسی و سنت میشل را خراب کردند، فرانسه‌ها دو پل خود را برداشتند.

□ تلگراف دیگر روز ۲۱ جمادی‌الاول رسید

مجلس سنای فرانسه مجبور کرده است که مبلغ معتنا بهی اسکناس کاغذی رواج بدهند. مملکت جزایر^{۲۴} عرب را بحالت نظامی مقرر داشته‌اند.

قراولان خاصه را که «سان گارد» می‌نامند، مرخص کرده‌اند. لشکر پروس نزدیک به شهر «طول» رسیده‌اند، که از نانسی ده فرسنگ رو بطرف «شالون» است، مجبور به تسلیم کرده‌اند. اهل «طول» قبول نکرده‌اند. لشکر فرانسه سه مرتبه لشکر پروس را بسررداری ولیعهد پروس عقب نشانده‌اند.

«مارشال بازن» سردار فرانسه جنگ بزرگ را نخواهد کرد، مگر وقتیکه لشکر بروس نزدیک «شالون» بیایند.

□ تلگراف روز ۲۱ جمادی الاول، ایضاً

سه روز است که در میان فرانسه و پروس جنگ متصل شده است و هنوز معلوم نیست فتح با کی است.

□ تلگراف مشیرالدوله ۲۲ شهر جمادی الاول

سه روز تمام دولت فرانسه و دولت پروس علی‌ال اتصال در جنگ بودند. نتیجه غیرمعمین این بوده است:

پروس‌ها می‌گویند ما فتح کرده و شکست داده‌ایم. فرانسه‌ها می‌گویند ما مغلوب نشده و شکست نخورده‌ایم. امپراطور فرانسه در «شالون» است. پروس‌ها با این احوال رو به پاریس رفته‌اند.

□ تلگراف مشیرالدوله از راه اسلامبول

۲۵ شهر جمادی‌الاول: بعد از (بعد از) جنگی که نه ساعت طول کشیده است، پادشاه پروس که خودش فرمانده قشون بود در نزدیکی «متز» قشون فرانسه را به کلی متفرق کرد، راه پاریس را به‌رجهت با آنها مسدود کرده است.

□ تلگراف دیگر از لندن ۲۵ جمادی‌الاول بتوسط وزیرمختار انگلیس رسید

پادشاه پروس خودش سردار قشون است و تلگراف می‌کند که یک جنگل ما نه ساعت طول کشید. بفرانسه‌ها شکست داده، متفرق ساخته‌اند و آنها را مجبوراً بطرف «متز» فرستاده است. مراوده فیما بین دو لشکر فرانسه مشکل شده است. هجده ساعت می‌کشد که از ماک ماهون به منز خبر برسد. ماک ماهون در شالون است. امپراطور فرانسه و ولیعهدش هم در شالون هستند. ولیعهد پروس از طرف «ویتری له فرانسا» پیش می‌رود. منتظر یک جنگ بزرگ در هر ساعت هستند. پروس‌ها می‌گویند از ما خیلی کشته شد. فرانسه‌ها هیچ نمی‌گویند.

شهر فالسبورخ که از شهرهای معظم سرحدی فرانسه است، تسلیم لشکر پروس شده است.

□ تلگراف بخط ۲۷ شهر جمادی الاول

ملکه انگلیس در جواب کاغذی که زن امپراطور فرانسه در هفته گذشته نوشته بود، گفته بود افسوس می‌خورم عدم اقتدار وساطیت (وساطت) مابین فرانسه و پروس، زیرا که این وساطیت را پارلمنت خیال می‌کند که هنوز وقت وساطیت نرسیده است. پارلمنت انگلیس بیشتر مایل است که ایالت الزاس و لورن^{۲۶} در جز آلمان باشد. روزنامه‌های (روزنامه‌های) آلمان متفقا ضمیمه کردن این دو ایالت را بخاک پروس مطالبه می‌کنند. در جنگ آخری از قشون پروس چهل نفر کشته شد. سرباز جدید در اردوی «شالون» منتظر جنگ هستند. صد و پنجاه هزار قشون در تحت حکم ولیعهد پروس هستند، خیال دارند که از راه دره‌اب^{۲۷} به پاریس بروند. پیش جنگ اردوی بزرگ پروس نزدیک به «روژدون» رسیدند. شهر مذکور (مزبور) مستحفظ درستی نداشت. موافق اخبار فرانسه‌ها در جنگ ۱۶ (جمادی‌الاول) پانزده هزار نفر از فرانسه‌ها کشته شد (ند).

موافق اخبار صاحب منصبان پروس، حال جنگ روز ۱۶ (جمادی‌الاول) این بوده است: هفت فوج از سپاه پروس همه قشون دشمن را به تنهائی مشغول می‌کند، مگر دو فوج «مالینان» نیز شرکت داشتند. پروس‌ها چند هزار از فرانسه اسیر گرفتند. بجهت اینکه دولت ایتالیا عهدنامه با فرانسه بست، سفیر پروس از شهر روم (رم) به کپرا^{۲۸} که «قری بالدی»^{۲۹} آنجاست، رفته است. ایلچی‌های کبیر دول در پاریس متصل مجلس می‌کنند، به خیال اینکه در فرصت اول وساطیت (کذا) بکنند.

□ تلگراف دیگر روز ۲۸ شهر جمادی‌الاول

از قراری که در روزنامه طمس^{۳۰} انگلیسی بطور حتم نوشته شده است، امپراطریس فرانسه از ملکه انگلیس خواهش کرده است که وساطت بکند. دولت ایتالیا با دولت فرانسه عهده نبسته است، دروغ است. روزنامه پطربورگ می‌نویسد: «اگر چه دولت روس به تجزیه دولت فرانسه راضی نیست، لیکن در این باب دولت انگلیس قرار نداده است که مخالف نماید».

شهر استرازبورگ را خیلی نزدیک محاصره کرده‌اند. الی هزار زرعی (ذرعی) رفت‌ماند. در خارج شهر یک منزل‌گاه (منزل‌گاه) راه آهن را گرفته‌اند. آنچه لازمه

استحکامات و آذوقه شهر پاریس است فراهم آورده‌اند، که اگر محاصره نمایند آسوده باشند. روزنامه بلژیک می‌نویسد که دولتین انگلیس و روس با هم قرار داده‌اند که نگذارند از دولت فرانسه چیزی کم شود. جنرال (ژنرال) شهر پاریس و عمارت سلطنتی پاریس اعلام‌نامه باهالی پاریس نوشته است که نظم را از کلیه مردم می‌خواهند. مردم همه خوب جواب داده‌اند که اطاعت می‌کنیم. پانزده هزار کروور فرانک پول برای دولت فرانسه حاضر شده است.^{۳۱} رئیس جمهوری ینگى دنیا^{۳۲} اعلام نامه نوشته است که بی‌طرفی تمام را در همه جا ملاحظه کنند.

□ تلگراف دیگر ۲۸ شهر جمادی‌الاول

«لاتو دوژن» وزیرخارج فرانسه اعلام کرده است (به) اجزای خود که در خارجه دارند، مادام (که) یکنفر لشکر پروس در خاک فرانسه باشد، توسط^{۳۳} هیچیک از دول را در کار محاربه قبول نخواهد کرد.

□ تلگراف دیگر از مشیرالدوله از اسلامبول، غره شهر^{۳۴} جمادی‌الثانی

یکدسته قشون سواره پروس «دویوان» را متصرف شده‌اند و برای اطلاعات نظامی تا «بیرین» رفته‌اند. یک اردوی پروس بطرف شالون حرکت می‌کند. اهالی شهر «طول» در کمال شجاعت مشغول محافظت شهر و دفاع هستند. یکدسته قشون پروس رو به وارن می‌روند.

اخبار تازه از مرسل (مارشال) بازن فرانسه (فرانسوی) و ماک ماهون نیست. «تروشو» حاکم شهر پاریس حکم داده است هر کس در پاریس معاش ندارد و آنها که قوه خودداری ندارند، از شهر بیرون بروند.

یکی از اهل دارالشوری در مجلس تکلیف کرده است که مقرر دارند جمیع مردمان بیست ساله الی سی و پنج ساله از برای امداد فرانسه حاضر شوند. اردوی بزرگ پادشاه پروس بسمت شمال «بارل دوک» می‌رود.

یکدسته از قشون پروس از برای نگاهداری و مقابله با لشگر مرشل (مارشال) «بازن» مأمور شده‌اند و یکدسته دیگر عازم و مصمم رفتن پاریس هستند. دولت بلژیک نظر به بی‌طرفی، زخم داران لشگر پروس را به خاک خود راه نداده است.

□ تلگراف مشیرالدوله از اسلامبول ۲ جمادی الثانی

پروس‌ها بسمت پاریس پیش می‌روند و شهر «طول» که از قلاع^{۳۵} فرانسه است، با قشون سالخو^{۳۶} و آذوقه و قورخانه تسلیم لشگر پروس شد.

□ تلگراف دیگر از بمبئی بتاریخ ۲ جمادی الثانی

فرانسه در مجلس دارالشورا گفته شد که صد فوج جدید علاوه بر قشون حالیه حاضر رکاب نمایند و یک دسته قشون مرکب از صدو پنجاه هزار نفر از سربازان قدیم که از خدمت مرخص بودند در شهر «لیون» جمع شده‌اند و هشتاد هزار از همان سربازان احضار شده، مسلح شده، مستعد جنگ هستند. از معسکر^{۳۷} پروس خبر رسید که تمام لشگر مرشل (مارشال) «بازن» در قلعه و شهر «متز» محصور هستند و قدرت فرار ندارند و عنقریب شهر «متز» با لشگر «بازن» بجهت نداشتن آذوقه بتصرف پروس‌ها خواهد آمد.

از قشون فرانسه در جنگ بزرگ بیست و سه هزار نفر مقتول و مجروح شدند. «تیون ویل» شهر فرانسه را قشون پروس محاصره کرده است. سمت چپ قشون پروس که به سرداری ولیعهد بود چندان محکم نبود. یک دسته قشون تازه نفس مأمور به محافظت سمت چپ قشون پروس از شر دشمن شد.

اردوی بزرگ «پروس» که محل سردار کل است در شهر «سنت زربیه» است. شهر سالسبورگ محاصره است. اما دو مرتبه قشون پروس حمله برد، نتوانست بگیرد.

قشون پروس در دو فرسنگی شهر «رنسبل» است. شهر پاریس نزدیک است. قلعه «وردون» را یکدسته قشون پروس محاصره کرده است. ولیعهد پروس بسمت پاریس حرکت میکند.

پیش فراول ولیعهد پروس از «شالین» گذشته، نزدیک «ایپرنه» هستند. امپراطور فرانسه و مرشال (مارشال) ماک ماهون بسمت «ووزیه» رفته‌اند. از قشون ماک ماهون خبر صحیحی نرسیده است. ولیعهد «ساکس» یک دسته از قشون حاضر جنگ ساخته و خود سردار آن قشون شده، انتظار حکم دارد. قشون پروس از دره «اوب» بیشتر نرفته، و راه را کج کرده، بسمت «ووزیه» مراجعت نموده‌اند. قشون

پروس بمقابل شهر «رنس» وارد شد.

□ تلگراف دیگر از بمبئی هند ۲ جمادی الثانی

اخبار رسمی که از فرانسه رسید این است که قشون پروس تغییر راه داده، بسمت «ورتل» و «ووزیه» حرکت کرده‌اند. که قشون ماک ماهون و امپراطور در آنجا است. قشون پروس به تسخیر پاریس نخواهد رفت، مگر وقتی که با ماک ماهون جنگ نموده، از طرف او آسودگی حاصل کرده، آن وقت بسمت پاریس خواهد رفت. ژرنال (ژنرال) «استمنس» را پادشاه پروس معزول کرده و قشون جمعی او را به ولیعهد خودش سپرده است. شهر «ویتری» تسلیم پروس‌ها شد. قشون بلژیک نزدیک سرحد فرانسه اردو زده‌اند. «تروشو» سردار متوقف پاریس به تبعه آلمانیا حکم کرده است که از پاریس و شهرهای دیگر فرانسه خارج شده، بروند به اوطان^{۲۸} خود و ووزیه و ورتل. یقیناً این روزها میانه پروس و فرانسه جنگ بزرگی خواهد شد.

□ تلگراف دیگر روز ۶ جمادی الثانی رسید از مشیرالدوله، اسلامبول

جنگ برای فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) همه روزه غیرمساعد است. قشون ماک ماهون شکست خورد. پروس‌ها فتح جدیدی کرده‌اند.

□ تلگراف دیگر بهمین تاریخ از بمبئی و...

سواره پروس با یک دسته قشون فرانسه در «بوسانس» ملاقات کرده، جنگ نمودند. فرانسه‌ها شکست خوردند. کشیش بزرگ شهر «استرازبورغ» خواسته بود نزد سردار پروس که شهر را محاصره کرده است واسطه شود، سردار پروس قبول نکرده است.

بیست و چهار هزار قشون پروس در بلندی‌های کنار رودخانه «رن»... و جاهای محکم می‌ماند که هنگام مدافعه بتوانند دفع شر حمله قشون فرانسه را از کنار رود «رن» بکنند. صد هزار نفر از قشون پروس مابین شهر «رنس» و «اپرمائی» اردو زده، متوقف هستند.

اسلحه زیاد در پاریس بمردم می‌دهند. اردوی «ماک ماهون» الحال در

«سیران» است. امپراطور و ولیعهد هم آنجا هستند. ولیعهد پروس با کمال تعجب بسمت شمال حرکت میکند. می‌گویند در «کارنییان» جنگ بزرگی مابین پروس و فرانسه شده است.^{۳۹}

□ تلگراف دیگر بهمان تاریخ

پادشاه پروس به برلن از شهر «دارانس» تلگراف کرده است که فوج چهل و دوازدهم با یک اردو از قشون «باویر» ماک ماهون را شکست داده‌اند. ماک ماهون از «یومن» رفته است. چند هزار اسیر و دوازده توپ پروس‌ها گرفته‌اند. از فرانسه در این جنگ هیچ خبری نیست. از کشتی‌های جنگی فرانسه هنوز عملی بطور نرسیده است.

□ تلگراف دیگر، لندن ۶ جمادی‌الثانی

قشون مرشل (مارشال) «بازن» در «کمنرس» به اردوی اول و دسته ۴ «لدنرور» دوچار شده، از شب جمعه الی حال که عصر جمعه است مشغول محاربه میباشند. با وجود اینکه قشون فرانسه در این جنگ رشادت زیاد بکار می‌برند، قشون پروس که بسرداری پرنس شارل است، مرشل (مارشال) بازن را در هر نقطه شکست داده، عقب می‌نشانند. قشون پروس و مارشال ماک ماهون در نزدیکی «یوهون» بهم رسیده، شکست فاحش بمرشل (به مارشال) ماک ماهون داد. پروس‌ها نزدیک شب قشون فرانسه را به سمت سرحدات بلژیک عقب نشانند. جنگ پروس‌ها با قشون ماک ماهون از صبح روز ۴ جمادی‌الثانی شروع شده، الی حال مشغول محاربه میباشند و ماک ماهون بطرف «سدان» حرکت کرده، فتح و شکست طرفین هنوز معلوم نیست. اما در این جنگ مغلوبه، از طرفین زیاد مقتول شدند. دولت پروس آشکارا می‌گوید که ایالات «لورن» و «الزاس» باید در تصرف دولت پروس باشد.

چهارشنبه ۴ جمادی‌الثانی: قشون پروس با ماک ماهون در سمت چپ رودخانه «موز» مابین «وزی» و «دوشری» تلافی شده، جنگ نمودند. ماک ماهون قشون پروس را الی خارج شهر سدان راند، و بعد از (بعد از) قتل بسیار، قشون پروس بسمت جنوب طرف «ویل مونت» رفته و کوشش زیاد نمودند که از رودخانه «موز» بگذرند.

اما ماک ماهون مانع از عبور شد و پنجشنبه ۵ (جمادی‌الثانی) ماک ماهون از نزدیکی «موزوو» از رود «موز» عبور نمود، و با قشون پروس در جنگ است.

□ لندن، جمعه ۶ جمادی‌الثانی

پادشاه پروس دیروز ظهري از میدان جنگ «سدان» بملکه پروس زن خود تلگراف کرده است از صبح تا حال در جنگ هستیم، متصل فتح و نصرت طرف ماست. افواج قراول خاصه و پنج اردو مشغول محاربه هستند، دشمن بالتیام ۲۰ از میدان رانده، داخل قلعه «سدان» نمودیم.

□ تلگرافی که از مشیرالدوله عصر روز یکشنبه ۷ جمادی‌الثانی رسیده است صد و پنجاه هزار نفر لشکر ماک ماهون اسیر لشکر پروس و ناپلئون (ناپلئون)، امپراطور فرانسه هم در آن ضمن اسیر پروس شد در جنگ «سدان». پادشاه پروس خیال دارد امپراطور را به برلن پای‌تخت (پایتخت) پروس روانه دارد، تمام دنیا از این فتح تعجب دارند.

□ تلگراف دیگر ۹ جمادی‌الثانی خبر آخر

خیالات عمومی روزنامه‌ها پاریس دولت فرانسه لابد^{۴۱} است قبل از آنکه طالب صلح شود، آنچه زور و قوه دارد در مقابل پروس بکار برد، حاکم شهر «موسنت مری» قبول نکرده است که تسلیم لشکر پروس شود. دوازده هزار نفر از لشکر فرانسه که از سپاه پروس گریخته بودند پناه بخاک بلجیک (بلژیک) برده، اسلحه خودشان را «بدولت بلجیک داده‌اند»^{۴۲}.

ریخته، گریختند بخاک بلجیک. امپراطور فرانسه را با همراهان زیاد از راه بلجیک پروس‌ها به برلن بردند.

□ تلگراف دیگر از مشیرالدوله ۱۰ شهر جمادی‌الثانی

(در) فرانسه اعلام جمهوری شد، و باز جنگ خواهند کرد. پادشاه پروس امپراطور فرانسه را (به) «یکنزرگ» که شهری است در سرحد پروس و روس، دریای

شمال بالتیق^{۴۳} فرستاده است ولیعهد فرانسه را به بلجیک فرستاده‌اند. زن امپراطور فرانسه عازم شده از پاریس بیرون برد.

□ سه‌شنبه ۱۰ جمادی‌الثانی

● پاریس یکشنبه ۸ جمادی‌الثانی: با وجودیکه قشون ماک ماهون مغلوب و امپراطور محبوس دوشمن (دشمن) گردید، ملت فرانسه دست از جنگ نخواهد کشید و تا نفس آخرین خواهند کوشید. قشون جدید علاوه بر قشون حاضر رکاب فرانسه احضار شد. ملت فرانسه بر خود حتم نموده است که لازمه اهتمام را بعمل آورد. مضایقه از صرف جان و مال ننماید و ننگ تسلیم بدشمن را بخود راه ندهند.

پاریس دوشنبه ۹ جمادی‌الثانی: (ژرم داوید) در مجلس سنا اظهار کرده بود که مارشال «بازن» مردانه کوشید، بلکه قشونیکه «متس» را محاصره کرده است متفرق سازد، و لیکن بواسطه کثرت قشون دشمن نتوانست خیال خود را مجری سازد. از آنطرف مارشال ماک ماهون بعد از تلاش‌های زیاد بیهوده که بکمک مارشال بازن بسمت «متس» رود، قشون پروس او را بسمت «سدان» راندند و چند روز متوالیاً بین‌الفریقین^{۴۴} در سمت سدان محاربه واقع شد. گاهی قشون غالب، گاه مغلوب میشدند.

ملت فرانسه هنوز در خود این قدرت را گمان دارد که بدبختی که بآنها رو داده، از خود رفع نمایند.

اهالی پاریس محتم^{۴۵} کرده‌اند که مادام‌الحیات^{۴۶} شهر را بتصرف خصم ندهند، قلعه‌جات اطراف را محکم نموده، حصار را تعمیر کرده‌اند حتا (کذا) کوچه بکوچه، خانه بخانه طوری سنگر بسته‌اند که محال است دشمن بتواند پایتخت فرانسه را تسخیر نماید.

اهالی پای‌تخت (پایتخت) قسم یاد کرده‌اند وقتیکه چاره را منحصر به تسلیم شهر بینند، شهر را آتش زده، خود رادر زیر خاکستر آن آتش مدفون سازند. این نوع استقامت مایه تمجید تمام ملت فرانسه گردیده است و روزنامه‌نویسان نیز در اوراق خود این مطلب را طبع نموده، منتشر ساختند.

از اردوی پروس، خبر رسید که در یکی از جنگها از قشون فرانسه که بکمک

«بازن» بسمت «متس» میرفتند، سی عراده توپ و هفت هزار نفر اسیر و دستگیر قشون پروسی گردید.

از قراریکه از بروکسل تلگراف شده است، در جنگ پنجشنبه ۵ جمادی‌الثانی قشون فرانسه از دشمن سی عراده توپ گرفت و آن روز از طلوع فجر الی غروب آفتاب بین‌الفریقین جنگ بود. تمام ملت آلمانیه که خیرخواه دولت پروس هستند اعلام نموده‌اند که هیچ یک از دول خارجه حق مداخله و گفتگو در مصالحه مابین دولتین فرانسه و پروس (را) نخواهند داشت. هفتصد نفر از قشون پروس و دویست نفر از قشون فرانسه که فراراً^{۴۷} داخل مملکت بلژیک شده بودند، اسلحه خود را تسلیم نموده و در آن مملکت پناه هستند. قشون ساخلو «استرازبورغ» چند مرتبه از شهر خارج شده، با قشون پروس که ایشان را محاصره نموده بود جنگ نموده بود، مغلوباً داخل قلعه شدند.

● پاریس یکشنبه ۸ جمادی‌الثانی: رسماً از جانب رجال دولت فرانسه اعلام شده است که بعد از جنگ سخت و صعب پنجشنبه ۵ جمادی‌الثانی، مابین قشون ماک ماهون و قشون پروس که زیاده از سیصد هزار نفر بودند، چهار هزار نفر از قشون فرانسه اسیر دشمن شدند.

مارشال ماک ماهون زخم منکر^{۴۸} برداشته، جنرال (جنرال) «ومفان» بجای او سردار قشون فرانسه شده، تسلیم قشون پروس گردید. امپراطور روز پنجشنبه در بین جنگ اسیر شد، این شکست‌ها سبب کم جرئتی ملت فرانسه نخواهد شد.

اهالی شهر پاریس مستعد مدافعه هستند. چند روز دیگر دو دسته قشون تازه یکی از اهالی پاریس و دیگر از شهرها و بلوکاتیکه در ساحل رودخانه «لورا» واقعند، گرفته خواهند شد.

● دوشنبه ۹ جمادی‌الثانی: ناپلیان^{۴۹} را بشهر «کاسل» محبوساً فرستادند، و دولت امپراطوری در فرانسه منسوخ گردید. رایت^{۵۰} جمهوری افراشته شد. دولت موقتی (موقت) جمهوری فرانسه وزرای سابق را معزول نموده، از طایفه جمهوری طلبان جمعی را مثل فاور، کام پکا، رشنفر و سایرین را منصوب گردانیدند. قشون پروس سمت پاریس در حرکتند. ملت فرانسه طالب جمهوری شدند. از سپاهی و غیره قسم

عبودیت و صداقت بدولت جمهوری یاد کرده، برادرانه متفق شدند که دفع شر دشمن نمایند.

□ چهارشنبه ۱۱ جمادی الثانی - بمبئی

اخباری که از لندن به تاریخ یکشنبه ۸ جمادی الثانی رسیده از این قرار است: در روزنامه‌های (روزنامه‌های) پاریس مندرج است که ملت فرانسه الی آخرین نفس خواهند کوشید و ننگ به دشمن تسلیم شدن را به خود هموار نخواهند نمود. از قرار که از بلژیک نوشته‌اند، یک هزار و دویست نفر از قشون فرانسه داخل خاک بلژیک شده، در تحت حمایت آن دولت می‌باشند. حاکم قلعه، «مومت میدی» خود را تسلیم قشون پروسه نه‌نمود (ننمود). امپراطور با جمعیت زیادی از عمله‌جات خود به صحبت^{۵۱} یکنفر از جرنالهای (جنرال‌های) پروس و مستحفظ زیاد از راه بلژیک به آلمانیه رفت.

● پاریس - دوشنبه ۹ جمادی الثانی: در روزنامه رسمی فرانسه اعلام جمهوری نوشته شده و از جانب رجال دولت جمهوری بتغییر (به تغییر) اجزای مجلس «کولژیسلاطیف»^{۵۲} و متفرق ساختن اجزای سنا^{۵۳} و منسوخیت این مجلس کلیتاً حکم صادر شده و قلم عفو و اغماض به جرایم اعمال مقصرین پولیتیکه^{۵۴} و روزنامه‌نویسان کشیده شده.

دولت جمهوری جدید در فرانسه تعیین شده. «تروشو» رئیس دوالت مذبور (کذا) گردید و اختیار صدور هرگونه احکام نظامی به او داده شد. وزرای جدید از این قرارند: «ژول فاور» وزیر امور خارجه، «لفو» وزیر جنگ، «ژول سیمون» وزیر علوم، «پیکار» وزیر مالیه، ریاست دارالشوری خاصه و مجلس مذبور (مذبور) موقوف گردید، «اتین آداکو» بیگلریگی^{۵۵} پاریس و «کواتری» رئیس احتساب^{۵۶} یک اعلام‌نامه در پاریس صادر شده (به) مضمون آنکه اهالی فرانسه یقیناً در خاطر دارند و فراموش نه‌نموده‌اند (ننموده‌اند) که جمهوری در سنه ۱۷۹۳ بعد از آنکه دشمن غالب شده بود ملت متفق شده، غلبه بر خصم نمودند. ملت و قشون درصدد انتقام از دشمن می‌باشند و مقصود از این دولت جمهوری بیرون نمودن خصم است از داخله مملکت. اسلحه‌سازخانه‌ها (خانه‌ها) و تجارت اسلحه که سابق مخصوص دولت بود و آزاد

نهبودند (نمودند)، (در) دولت جمهوری جدید قرار داده است که آزاد باشند.
«روشفر» و سایر وکلای پاریس به ریاست «تروشو» مجمعی تشکیل داده‌اند
در خصوص حفظ مملکت از شر حمله دشمن تدابیر لازمه را به کار می‌برند.
شهر پاریس از هر جهت منظم است. در «لیون» و «بردو» و «کرنویل» و
سایر شهرهای معظمه اعلام جمهوری شده است.

□ تلگراف دیگر از مشیرالدوله ۱۳ جمادی‌الثانی

مرشل (مارشال) ماک ماهون که در جنگ «سدان» زخم کاری برداشته بود،
فوت شد. امپراطور فرانسه را به «کینز بری» برده‌اند. ایتالیا مغشوش شده است.
آنجا هم می‌خواهند جمهوری برپا نمایند.

□ تلگراف دیگر از لندن ۱۵ جمادی‌الثانی

پسر و نوه‌های «لوی فلیپ» پادشاه قدیم فرانسه که از فرانسه بیرونش کرده
بودند، و اولادش در انگلیس بودند، به پاریس آمده‌اند خدمتگذاری (خدمتگزاری)
خودشان را با ولیای دولت جمهوری تکلیف نموده‌اند. ولیعهد فرانسه به شهر
«هوسطن» آمده است، گویا در انگلیس باشد. ولیای دولت پروس غذق^{۵۷} کرده‌اند
که هر فرانسه (فرانسوی) که جز یک جرگه نباشد (و) اسلحه داشته باشد، مثال
قطاع الطريق^{۵۸} با او رفتار خواهد شد. سرهنگ معروفی در محاصره «سدان» کشته
شد.

شهر «متز» هنوز (از تسلیم شدن) خودداری می‌کند. لشگر پروس بعدز (بعد
از) آنکه شهر مونت مری (را) گلوله‌باران کردند و یورش بردند، بی‌ثمر شده است،
از محاصره کشیده بعدز (بعد از) خرابی زیاد دست برداشته‌اند).

پادشاه پروس وارد شهر «رمس» شده است، به شهر پاریس نزدیک است.
دولت بلژیک لشگری که در سرحد داشت، برداشت. از قراری که در روزنامه دولتی
برلن می‌نویسند وضع دولتی که در فرانسه روی داده است، حق وساطت را از سایر
دولت سلب کرده است.

□ تلگراف دیگر روز ۱۶ جمادی‌الثانی از پاریس

دستجات قشون پروس در قصبات و دهات نزدیک پاریس دیده شده است. پیش فراوان آندسته‌جات (کذا) خیلی پیش آمده‌اند. اردوی لشگر جنرال «وینوا» بدون ضرر وارد پاریس شده‌اند.

«ژول فاور» وزیر خارجه فرانسه نوشته است تا جان است ایستادگی در مقابل دشمن خواهیم کرد، و یادآور می‌شود که پادشاه پروس می‌گفت که جنگ را با خانمواده (خانواده) ناپلئون دارد. حالا هم در آن خیال است یا خیر. دولت فرانسه طالب صلح است، ولی یک وجب از خاک خود (را) به دیگری نخواهد داد و پاریس را تا ممکن است نگاه خواهد داشت. وکلایی برای دارالشوری در کار احضار شدن هستند. لشگر پروس از سه طرف به پاریس می‌آیند. در صورتی که پاریس گرفته شود وزرای مختار می‌روند به شهر «طور»، آنجا اولیای دولت متوقف خواهند بود. دولت‌ها واسطه هستند، اما بی‌ثمر است. چرا که دولت فرانسه از خاک خود چیزی نخواهد داد. در دریا‌های ماچین^{۵۹} یک کشتی پروس‌ها را فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) اسیر کرده‌اند.

□ تلگراف دیگر هجدهم شهر جمادی‌الثانی رسید

لشگر پروس نزدیک «کرس» و «کومین» رسیده‌اند، و به قلعه «مونت میرای» رسیدند. اهل پاریس برای خودداری و حفظ خود نهایت اهتمام را دارند. در مدت محاصره شهر کارگزاران (کارگزاران) دولتی حکومتی پاریس به شهر «طور» که یکی از شهرهای وسط و طرف جنوب فرانسه است، خواهند رفت. از قراری که از لندن می‌نویسند کشتی بزرگی از انگلیس در «فیطر» غرق شده است (و) با جمع عمله و ناخدا هیچ اثری از آنها نیست. لشگر پروس نزدیک «ویطری» رسیدند. خیلی آذوقه خریدند، قرعه گرفتن سربازان را پروس‌ها در فرانسه موقوف کرده‌اند. پنج اردو به طرف پاریس می‌روند. دو اردوی دیگر را حکم کرده‌اند در ده فرسخی پاریس ملحق شوند. از قراری که خود پروس‌ها می‌گویند در جنگ «سدان» هشتاد و هفت هزار نفر از فرانسه اسیر کرده‌اند، که چهار هزار نفر از آن (ها) صاحب منصب^{۶۰} هستند.

پانصد و پنجاه توپ، ده هزار اسب و هفتاد عراده از توپهای تازه اختراعی

ناپلئون که دقیقه (ای) صد تیر می انداخته است. در مملکت چین امورشان خیلی مغشوش است. خیلی لشگر می آرایند. در بنادر چین دو کشتی آلمان اسیر لشگر فرانسه شده، پادشاه ایتالیا حکم کرده است لشگر به مملکت پاپ بریزند. دولت ینگى دنیا^{۶۱} گفته است اگر دول جنگ جو (کذا) مایل به اصلاح باشند حاضر است واسطه شود. پادشاه پروس به ملکه پروس تلگراف کرده است که بعد از (بعد از) تسخیر شهر «لاون» غم بزرگی روی داد. بعد از آنکه قلعه را گرفته و قشون پروس وارد شده (و) جابجا شدند، زیر قلعه را نقب زده بودند، آتش زدند. پنجاه نفر کشته شد. سیصد نفر بهوا رفته و کشته شدند. بسیاری از لشگر شل و چلاق شدند. شاهزاده «مکبلوغ» زخم دارد. همچنین دیشب لشگر پروس داخل «فلون» و «هو» شده اند. می گویند دولت انگلیس و سایر دول بی طرف کاغذی به پادشاه پروس نوشته اند که متارکه بکند. سفرا از شهر پاریس نمی روند تا جواب پادشاه پروس برسد.

□ تلگراف دیگر ۲۲ شهر جمادی الثانی

اولیای دولت موقتى فرانسه بشهر «طور» رفتند. یک اعلام نامه از دارالشوری صادر شده است که جمیع ملت باید وطن را حفظ نمایند. گفتگوی صلح فیما بین سفرای دول بی طرف در میان است که جنگ را قدری بتاخیر بیاندازند، تا حالا بدون ثمر مانده است. برای حفظ پاریس تدارک زیاد دیده شده. همه جنگل های اطراف شهر را برای اینکه مانع و حایل جنگ و... نباشند، فرانسه ها (فرانسوی ها) خود آتش زده اند، پیش قراولان پروس نزدیک پاریس شدند، ولی آنها را عقب نشاندد.

□ تلگراف دیگر ۲۲ جمادی الثانی از راه هند از زبان انگلیسی ترجمه شده

از قرای که ۱۴ این ماه نوشته اند، لشگر پروس خود را بصحفه^{۶۲} «سین» رسانده، با اقتدار تمام پاریس را محاصره کرده اند. از اهل فرانسه نتوانسته اند در صحرا مقابله و جنگ حسابی با لشگر پروس بکنند در نزدیکی شهر.

چندى قبل بعد از (از) تخلیه شدن شهر روم از لشگر فرانسه، پادشاه ایتالیا قشون مامور کرده شهر روم (رم) (را) بدون غایله به تصرف آورد. خلیفه روم به دول خارجه اظهار تظلم نموده، فایده نبخشید. دولت انگلیس، روس، ینگى دنیا (آمریکا)

تکلیف صلح به دولت پروس و فرانسه کرده‌اند، ولی بیزمرک (بیمسارک) ۶۳ وزیر پروس قبول نکرده است و تکلیف صلح را رد نموده است.

□ تلگراف دیگر

قشون پروس در خیال حمله بردن به ایالت «نروماندی» هستند. محاصره بحری جزیره «الب» و «وزر» باتمام رسیده‌است. یک دولت موقتی جمهوری در شهر «لیون» فرانسه تشکیل یافته است. مرشل (مارشال) «بازن» خبر فرستاده است که مزاج قشونش سالم است و آذوقه هم دارد. هشتاد هزار نفر قشون فرانسه بسرمداری جنرال «دوک رو» در جنگل‌های «سومون» و «مودن» نزدیک پاریس متوقف هستند.

● لندن - سه‌شنبه ۲۵ جمادی‌الثانی: مسیو «تیر» که به استریم ۶۴ و روس رفته بود، معاونت نموده است. «ژول فاور» وزیر امور خارجه حالیه فرانسه را در اردوی پروس خوب پذیرفتند. امید به صلح زیاد است.

● چهارشنبه ۲۶ جمادی‌الثانی: پانزده هزار نفر از قشون پروس که به قصد تسخیر ایالت «اورلان» حرکت نمودند، در دشت «شامپلن» با یک دسته از قشون فرانسه ملاقات کرده، جنگ نمودند. فتح و نصرت طرف فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) بود. پروس (ها) شکست خورده و بسمت ایالت «سن» عقب نشستند. اگرچه گفتگوی صلح در میان است و ملت فرانسه مایل به مصالحه می‌باشند، اما احتیاط را از دست نداده، دقیقه (ای) غفلت از جمع‌آوری قشون ندارند. دولت پروس بهیچوجه قبول متارکه نمی‌نماید.

● «طور» - سه‌شنبه ۲۵ جمادی‌الثانی: بیگلریگی (حاکم) پاریس به اتفاق «روشفور» در تهیه ساختن یکنوع تحصن ۶۵ دور پاریس هستند که در حقیقت بعد از اتمام این تحصن جدید پاریس در حصار خواهد داشت.

ظاهراً قشون پروس از پشت «کلاهار» و «شاواکتون» بقلعه پاریس حمله خواهند آورد. اردوی سردار کل پروس در «ورسال» است. ولیعهد پروس با قشون ابوابجمعی خود از «فونت بلو» رو بیاریس حرکت کرده است. سردار قشون پاریس چنین صلاح دیده که قشون نظامی از شهر خارج شده، در حال با دشمن (کذا) مقابله

نمایند و آنها را لکنته^{۶۶} نمایند. از برای حفظ شهر قشون چریک بومی، کافی است. جرنال (جنرال) «کادورن» اعلام محاصره روم را کرده است. در چنین نسبت به فرنگیها بلوای عام شده است.

● چهارشنبه ۲۶ (جمادی‌الثانی): قشون پروس از هر طرف بسمت پاریس در حرکتند. از قراریکه معروف است دو شهر از ایالت «اورلان» بتصرف پروس‌ها درآمده است. قشون پروس به محصورین قلعه «طول» حمله برده، اما این مرتبه مثل دفعات سابقه کاری از پیش نبردند.

دسته‌جات (کذا) متفرق قشون پروس در «مودن» از فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) شکست خوردند. اغلب از شهرهای فرانسه در تدارک حاضر نبودن قشون می‌باشند. «استمتر» سردار پروس از منصب سرداری خلع شده، به حکومت ایالت «پوزن» منصوب شده است. پاریس از چهار سمت محاصره شده است، جمیع راه‌ها که عبور و مرور پای تخت (پایتخت)، بلکه برج کوچکی به تصرف پروس‌ها درآمده است.

● لندن - ۲۷ جمادی‌الثانی: گفتگوی صلح مابین دولتین پروس و فرانسه هنوز بجایی منتهی نشده است. از «طور» محل دولت موقتی فرانسه می‌نویسد که مسیو «پدفارکر» را خیال این است که دولت فرانسه را که از دول عظیم نمره اول دنیا محسوب می‌شده، چنان پست نماید که به درجه دوم قرار گیرد و ایالات آلساس^{۶۷} و لورن (را) مجاناً دولت فرانسه بیادشاه پروس واگذار نماید. در باب متارکه مابین دولتین که گفتگو شده بود، پادشاه پروس شروطیکه بجهت قبول متارکه قرار داده بود، این است: قلاع طول^{۶۸}، استرازبورگ و «مونترالربین» را فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) تسلیم پروس‌ها نمایند. اهالی پاریس عهد کرده‌اند که تا آخرین نفس کوشش نمایند و بآسانی (به آسانی) پایتخت فرانسه را بدشمن ندهند. تعیین وکلای جدید بجهت دارالشوری جمهوری چندی تعویق افتاد.

● لندن - ۲۸ جمادی‌الثانی: صدای توپ دشمن (کذا) مسموع اهالی شهر پاریس میشود.

امپراطوری سابق فرانسه خیال دارد اعلام نامه خطاب بملت فرانسه از مجلس خود صادر نماید. در مملکت روم ملت خیال^{۶۹} دارند.

● لندن - غره (اول) رجب: مارشال بازن در غره رجب و سوم رجب از قلعه «متز» بیرون آمده، با پروسها جنگ کرده، ایشان را شکست داده، قریب سه فرسخ عقب نشانده است.

«ماک ماهون» که شهرت کرده بودند مرده است، زنده و در شهر «ویس بادن» محبوس است. جهت اینکه پروسها دور پاریس معطل مانده‌اند این است که توپ بجهت خراب کردن قلعه ندارند. «استرازبورگ» را پروسها گرفته‌اند و توپهای آنجا را عنقریب دور پاریس خواهند آورد. پروسها نزدیک پاریس بیکی (به یکی) از قلعه‌جات (کذا) دور پاریس حمله برده، هر قدر خواسته‌اند که اهل آنقلعه تسلیم شوند و قلعه را واگذار نمایند، ایستادگی کردند (و) قلعه را بدشمن واگذار نکردند. از قرار روزنامه که بتوسط چاپار^{۷۰} رسید، سفاین جنگی فرانسه یکی از شهرهای پروس را خراب کرده‌اند و سیزده کشتی جنگی پروس را گرفته‌اند. پادشاه پروس بعد از این خبر از خاک فرانسه معجلاً^{۷۱} بخاک پروس رفته و حالت جنون پیدا کرده است.

□ تلگراف بی‌تاریخ که میرزاهارطون ارمنی از زبان روسی ترجمه کرده است.

«ژول فاور» وزیر امور خارجه فرانسه از پادشاه پروس متارکه خواهش نموده است. پادشاه پروس قبول نکرده، جواب داده بود در پاریس قرار مصالحه و متارکه را خواهیم گذاشت. بقلعه‌جات (کذا)، «استرازبورگ» و «متس» از طرف گلوله توپخانه دشمن (کذا) کمال صدمه رسیده است و بواسطه عدم استعداد با توپ قلعه‌جات مذکوره (را) تصرف نکرده‌اند. انتظار قشون کمک دارند. همینکه رسید یورش بقلعه‌جات برده، یقیناً اینجاها را تسخیر خواهند نمود. «ژول فاور» از تکالیف دولت پروس سه فقره را قبول کرده است: اولاً تخفیف در سفاین جنگی فرانسه. ثانیاً خراب نمودن قلاع استرازبورگ و متس، ثالثاً وا گذاشتن «آلساس» و «لورن» را پروسها.

□ ایضاً ترجمه میرزاهارطون، اخبار (ی) که از راه هندوستان رسیده است گفتگوی مصاحبه و متارکه بواسطه عدم رضایت دولت پروس معوق ماند.

مجدداً جنگ در کمال شدت شروع شد. سکنه پاریس حاضرند که بقدر امکان شهر را بتصرف دشمن ندهد. شهر «طول» تسلیم عسکر ۷۲ پروس شد.

□ اخبار جنگ بدون تعیین تاریخ، ترجمه شده از طهران (که) در ۱۳

رجب بهمدان رسید

امپراطور فرانسه ۷۳ از مجلس اعلام‌نامه خطاب به ملت فرانسه نوشته است «من قبول دارم که ملت فرانسه، من و طایفه مرا از سلطنت خودشان خلع کردند، شاید باین واسطه بتوانند به دشمن فایق آیند. در این جنگ من تقصیر نداشتم، زیرا که به میل ملت شروع باین جنگ نمودم. ملت فرانسه هر قدر در مصالحه نکردن با پروس تامل کنند از برای فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) بهتر است، زیرا که در امتداد جنگ ضرر پروسها زیاده‌تر از فرانسه‌ها است».

قشون پروس بعد از آنکه بیست هزار گلوله توپ بقلعه «هتزر» زد، بنیل مقصود معاودت نمود. جنگ سختی در نهم رجب مابین فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) و پروسها در حوالی «هتس» واقع شد. پروسها می‌گویند فرانسه‌ها شکست خوردند. چند جنگ دیگر مابین «فونتین بلو» و «اورلان» واقع شد فرانسه‌ها از جمیع جنگها شکست خوردند. دولت بلژیک بجهت حفظ سرحدات خود قشون بسرحد فرستاده است.

□ تلگراف ترجمه شده و بی‌تاریخ از طهران رسیده است

روز جمعه گذشته اهل پاریس بیرون آمده، با پروسها جنگ سختی کرده‌اند. از طرفین جمعیت زیادی مقتول شدند. فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) با کمال نظم به شهر مراجعت کردند. مراوده اهالی پاریس با خارج شهر بواسطه بالون است. از ینگ دنیا (آمریکا) اسلحه و تدارک بجهت فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) فرستاده شده. مسوینر^{۷۴} چند شب قبل با امپراطور روس شام صرف کرده و مراجعت بوین (به وین) پای تخت استریه^{۷۵} خواهند نمود.

□ تلگراف ترجمه شد که از وزارت خارجه بحضور مبارک فرستاده شده

است

اخبار جنگ تلگراف از راه هندوستان

● لندن مورخه هشتم رجب: مارشال «بازن» بدفعات از قلعه «مطرز» خارج شده، شبیخون بقشون پروس زده، جنگهای سخت با عساکر^{۷۶} پروس نموده است و آنها را عقب نشانده... «بوریا کین» سردار دیگر فرانسه قشون پروس را عقب نشانده است. «ماک ماهون» سردار فرانسه زخم کاریش بهتر شده، در شهر «ویسادن» محبوس است. جهت از دست نگاهداشتن عساکر محاصره کنندگان پاریس از کارزار آن است که منتظر رسیدن شانزده عراده توپهای مزبور (کذا) بتواتر می‌رسند. عساکر پروس بنای خرابی قلعه شهر پاریس را دارند. سردار مستحفظ شهر پاریس در تسلیم نمودن شهر امتناع دارد. امنای دولت جمهوری «طور» احکام در کل ممالک فرانسه مشتهر^{۷۷} داشته‌اند که قانون کونسیتوسیون^{۷۸} من بعد در فرانسه قرار گیرد و از جمیع بلاد معتبره فرانسه وکلای جدید منتخب شوند. اهالی شهر «لیون» بنای اغتشاش را گذاشته بودند، ولی بزودی آنها را آرام نمودند.

ایضاً از وزارت جلیله امور خارجه ترجمه شده، رسیده است

● یکشنبه ۲۸ جمادی‌الثانی: شهر «استراسبورغ» بعد از محاصره دو ماه تسلیم عساکر پروس شد و هیفده (هفده) هزار اسیر، سیصد عراده توپ و قورخانه و آلات و ادوات عسکریه^{۷۹} فراوان بحیطه تصرف عساکر پروس درآمدند از ضرب توپخانه و خمپاره محترقه پروس صدمات و خرابی کل بکل عمارتها و معابد و کارخانهها (کارخانه‌ها) و کلیساهای عامه رسیده است، و یکصد و شصت هزار نفر از قشون پروس بجهت مسخر نمودن شهر «لیون» حرکت نمودند.

□ ایضاً تلگراف ترجمه شده وزارت خارجه

سیم (سوم) شعبان لشگریان پروس از کارزار دست نگاه داشته‌اند. محصورین شهر پاریس از تامل آنها حیرت داشته، تاب نیاورده، قشون محصور با استعداد کافی بتواتر مهیا داشته‌اند که شبیخون بدهند. روز پنجم ماه رجب با عساکر پروس درآویختند (و) با کمال شدت جنگ نمودند.

● ۲۲ رجب: از قراریکه از لندن نوشته‌اند، بعد از محاصره شدن شهرهای

«سواسون» و «وردون» عساکر پروس علی‌الاصول محاربه‌های (محاربه‌های) سخت با لشکریان فرانسه نموده‌اند و روز دوشنبه گذشته هنگامیکه بسیار شدید بود، و بعد از محاربه و مقاتله بسیار لشکر پروس نصرت یافت و چهار هزار نفر از قشون زبده فرانسه را اسیر نمودند. بعد از جنگ مذکور گفتگوی متارکه و مصالحه در میان است.

● هفتم شعبان: پرنس «آلده» که از شاهزاده‌های ایتالیا است، تاج و تخت اسپانیول (اسپانیا) را که باو عرضه داشته بودند قبول نموده است. قشون پروس در شهر «اورلان» و توابع تحمیلات زیاد از هر قسم برعیت (به رعیت) نموده‌اند و خیال تخلیه شهر مذکور (مزبور) را ندارند. اسامی سرداران جدید فرانسه بعد از دولت جمهوری از این قرار است: سردار قشون شمال جرنال (جنرال) بورباکی، سردار ایالت‌های وسط بارون پولیوس (مقر فرمان فرمایی این سردار در شهر استرازبورگ خواهد بود)، سردار مشرق جرنال (جنرال) کرمویل (که در شهر نرانسون متوقف خواهد بود).

از قراریکه معروف است مابین دولتین عثمانی و یونان عهدنامه (ای) منعقد شده (که) اگر چنانچه از دول دیگر نسبت یکی (به یکی) از ایشان صدمه وارد آید، آن دیگری شریک شده، بالاتفاق دفع هرگونه خصم را نمایند.

دولت انگلیس تلگرافی بشهر «طور» و برلن فرستاده که چند روزی مابین دو لشکر محاصره و مبدل بیمتارکه شود. امید است وساطت انگلیس شمر ثمر شود. بامضای دولت موقت «طور» از میدان جنگ «بزانسون» اخبار فتح رسیده است.

از ایالت «لورمن» (از) توابع فرانسه می‌نویسند که لاینقطع با پروسها (جنگ) در میان است. حتا (حتی) نسوان (زنان) و اطفال اسلحه برداشته، مشغول محاربه و مقاتله می‌باشند. (معادل) ۲۵ کرویر تومان^{۸۰} ایران، دولت موقتی جمهوری فرانسه در صدد استقراض بود. دولت انگلیس اجازه داده است که از تبعه آندولت اگر بخواهند فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) شخصا قرض دهند، آزادند.

● لندن - نهم شعبان: هنوز خبری از مصالحه یا متارکه مابین دولتین فرانسه و پروس نرسیده است. سردار قلعه‌بیگی^{۸۱} «وردون» اعلام‌نامه خطاب به محاصرین نوشته است. که نه تنها بآسانی قلعه را بشما تسلیم نخواهیم کرد، از بذل جان و مال

بجهت حفظ خود مضایقه نخواهیم کرد. اهالی قلعه مذکور محض دولت‌خواهی و ملت‌پرستی از کیسه خود یک فوج از توپچی و مهندس بومی غیرنظامی تشکیل داده‌اند. در یکی از جنگهای دیروز و پریروز لشگر «باویر» که در «براتسون» بودند، با فرانسه‌ها (فرانسوی‌ها) جنگ کرده ۱۸ نفر صاحب منصب^{۸۲} و دوست نفر تابین^{۸۳} اسیر از فرانسه‌ها دستگیر نمودند. مسیو «تیر» از قشون پروس که پاریس را محاصره کرده‌اند، اجازه‌نامه خواسته است که وارد پاریس شود. مارشال «بازن» بقشون پروس که او را محاصره نموده‌اند تکلیف کرده است که بمشارالیه و قشونیکه ابوالجمع او است، اجازه داده شود که شهر را تخلیه کرده، بهر سمت که خواهند بروند، بشرط اینکه از تاریخ بیرون رفتن از شهر الی سه ماه بر ضد پروس برنخیزد و باایشان جنگ ننماید. و در شهر همان قشون که قدیم قبل از جنگ سالخو بوده، با قورخانه و ادوات جنگ و غیره بگذارد. پروس‌ها هنوز قبول از این مطلب (را) نکرده‌اند. امید است فراری گذاشته شود که هر دو طرف آسوده شوند.

مسیو «طیر» از «طور» بورسال «به ورسای» آمده، مشغول گفتگوی مصالحه است. اما از قراریکه معروف است، دولت فرانسه ابدأ تمکین نخواهد نمود که یک وجب از خاک او را پروسها متصرف شوند.

● لندن - یازدهم شعبان: پادشاه پروس تلگراف کرده که شهر «هتس» تسخیر، «بازن» اسیر، یکصد و هفتاد... هزار نفر از سربازان فرانسه دستگیر شدند. دولت چین از قرار معلوم درصدد محاربه است، زیرا که رجال آندولت حکم نموده‌اند که برنج زیاد (به) بندر «تین‌تسین» حمل نمایند و غله حول و حوش را در انبارهای ذخیره (ذخیره) جمع سازند.

● لندن - یازدهم شعبان: امنای دولت موقتی «طور» را عقیده چنان است که تسلیم شدن «بازن» و تخلیه شهر «هتس» و بتصرف پروسها دادن آن شهر محض خیانت بوده که «بازن» نموده، و مشارالیه یکی از خدام و چاکران امپراطور است، و دلیل بر صدق این فقره این است (که) اهالی «هتس» ابدأ راضی نبودند که شهر ایشان بتصرف دشمن درآید. چنانچه سربازان بومی در کمال بی‌میلی اسلحه خود را زمین گذاشته و از آن طرف «بازن» بعد از اسیری ابرام^{۸۴} داشت که او را بالمان (به)

آلمان) ببرند و در مجلس امپراطور او را نگاه دارند. بعد از اظهار این مطلب مردم فرانسه طوری از او بددل شدند و آزرده خاطر بودند که دور کالسکه او را گرفته، نسبت باو (به او) بد میگفتند و تمسخر مینمودند.

● لندن - نهم شعبان: پروسها که وارد «متس» شدند ۸ کروور تومان ایران^{۸۵} وجه نقد مسکوک و دو هزار عراده توپ که در قلعه بودند، بتصرف پروسها درآمدند. شهرت کرده بودند که اهالی شهر پاریس شوریدهاوند - خلاف است، اهالی شهر مذکور در کمال نظر راه میروند. قشون بومی فرانسه با یک فوجی از پروسها که در صدد خرابی و قطع خط راه آهن «آمین» دوچار (دچار) شده، بعد از جنگ بخشی (از) پروسها را شکست داده، عقب نشاندہ بودند.

ولیمهد پروس و «فردریک شارل» بعد از فتوحات نمایان بمنصب مارشالی برقرار شدند، و جرنال (جنرال) مک (کذا) را (که) بارون بود، ملقب بکنت (به کنت) نمودند. دول پروس، روس، استریه (اطریش) سلطنت پرنس «المده» را در اسپانیا قبول نموده اند.

● لندن: گفتگوی صلح که در میان بود، بجای منتهی نشد. رجال دولت موقتی «طور» میگویند که بیزمارک (بیسمارک) خیال دارد فرانسه را از زمره دول درجه دوم فرنگستان قرار دهد. ایالات «الساس»، «لون» و قلاع «متس» و «طول» و «استرازبورگ» را محض حق نصرت دولت پروس تصرف نماید، اما، ما خوش داریم تماما هلاک شویم تا شروط مفصله فوق را قبول نمائیم.

□ اخبار متوالی از ۲۲ الی ۲۵ ژانویه مطابق ۶ ذی قعدة

در بیست و نهم شوال عساکر جمهوری فرانسه متجاوز از دویست هزار و مشتمل بسه (به سه) اردو که عبارت از اردوی «لورا» و اردوی ایالت شمال و اردوی جنرال لوریاکی، همه قشون مسلح با اسلحه جدید انگلیسی و ینگى دنیایی (آمریکایی) بعزم جنگهای قطعی درآمدن، محاربه های سخت و شدید با عساکر پروس نمودند. روز اول و دویم (دوم) قشون فرانسه فتح بزرگ کردند و پنجاه هزار قشون پروس را شکست فاحش دادند، ولی در جنگهای روز ۳ و ۴ و ۵ که جنگ آخر بود و در روز دوم ذیعقده واقع شد، اردوهای سرداران «فردریک شارل» و «پرنس البرو» و ولیعهد

دولت ساکسون و جنرال «فال کشتین» سپهسالار مدبر معروف بمقاتله علی‌التواری با عساکر جمهوری فرانسه بکمال استعداد و توانایی تمام درآمدند.

جمع سه اردوی فرانسه مغلوب و مستأصل شدند، بحدیکه بیرقهای امان از جانب عسکریان فرانسه افراخته بودند، که زخمیهای خود را بردارند و مردها (مردها) را دفن کنند. قشون پروس اعتنا نکرده، نایره جنگ را مستمر داشتند. تا اینکه اردوهای فرانسه که دویست هزار بیشتر بودند در هر جا و هر کارزار میدان جنگ متفرق و منکوب شدند. اسرای بسیار و توپخانه و آذوقه (آذوقه) زیاد که بجهت امداد قشون و اهل پاریس همراه داشتند، با سردارهای معتبر و رجال جمهوری بقید اسیری درآمدند و خود جنرال «تروشو» حاکم پاریس و «کامبتا» صدراعظم جمهوریان زخم کاری برداشته است. چند قلعه از قلاع پاریس در تصرف عساکر پروس (درآمد) و شهر پاریس در گیرودار است.

پنج کشتی انگلیسی که آذوقه (آذوقه) و قورخانه و اسلحه و تهیه و تدارک لشگرآرایی قشون فرانسه (را) حمل و نقل کرده بودند، در «بادکاله» (کذا)، عسکریان پروس گرفته، (آنها را) غرق کرده‌اند.

اعلیحضرت پادشاه پروس که ولیام «ویلیام» نام داشت، بجهت توقیر و عظمت و تصرف مجلس بزرگی در عمارت ورسایل (ورسای) نزدیکی پاریس منعقد نمودند، بقلب امپراطوری اعظم کل ممالک ژرمانی^{۸۶} و ملت نمسه^{۸۷} موسوم گردید. «ژول فاوور» وزیر امور خارجه فرانسه بجهت تسلیم شدن پاریس، بیزمارک (بیزمارک) راملاقات نمود. خواهش فرانسه (فرانسویها) این است که پاریس با احترامی نظامی تسلیم شود (و) اسیر جنگ محسوب نشود. بیزمارک قبول نمی‌کند. «جنرال گاریبالدی» جنگی با پروسها کرده (و) فتحی نموده است. قشون پروس شهر «سنت لوئیس» را با ضرب خمپاره آتش زده است. «تروشو» حکمران پاریس و رئیس جمهوری فرانسه معزول است (و) در جای او جنرال «وینوا» منصوب است. سه شهر از شهرهای فرانسه موسوم به «لیل» و «اراضی» و غیره را سیل برده است.

□ ترجمه تلگراف انگلیسی از راه هندوستان

از جانب عساکر محصوره فرانسه پاریس از طرف «مون ولریان» در زیر باران

محترق توپخانه پروس، چندین هزار کس بیرون آمده و بنای منازعه و مقاتله گذاشته و بعد از جنگ و مقاومت شدید که شش ساعت طول کشید، همه متفرق و مستأصل شده، داخل پاریس شدند.

از جانب عساکر پروس بمباردمان^{۸۸} که عبارت از خمپاره زدن باشد استمرار دارد و غالب از شهر پاریس مخروبه شده است. در «سنت جندن» چند فرسخی پاریس کل قشون شمالی فرانسه بعد از جنگ هفت ساعت بالمره مغلوب و منکوب و مضروب گشته. چهار هزار قشون مزبور با چند عراده توپ بحیطه تصرف عساکر ژرمانی درآمدند، و جنرال «ورور» سردار فرانسه بکمال فتح جنرال «بوریاکی» نیز پیش آمده، بخطر خصم افتاد و «شل ول» جنرال فرانسه از اوضاع خبر شد و (از) شکست و بدبختی رفقای خود مریض شد.

● ایضاً خبر تلگرافی: حکم بیژمارک (بیمبارک) وزیراعظم پروس آن است که جمیع تجار و کسبه فرانسه (که) در میان عساکر گرفتار می‌شوند، بدون مضایقه اسیر نمایند. حرف تلگراف آخری ژرمانی آن است که دیگر هیچ آثاری از استعداد ملت فرانسه باقی نمانده، بلکه همه پریشان و مستأصل شوند. جنرال «بوریاکی» خواست دفعه آخر قشون خود را جمع‌آوری نماید، ممکن نشد.

□ ایضاً تلگراف رسمی بزنان انگلیسی که بههندوستان، مخفی^{۸۹} نوشته‌اند
ملت فرانسه بقوه آخر رسید. عجز دارد. در طلب صلح است. تکالیف تسلیم شدن پاریس را استدعا می‌کند، مشروط (بر آنکه) قشون شهر بقانون نظام و توقیر عکسره^{۹۰} تسلیم شود. «کنت دوبیزمارک» تکلیف اهل پاریس را رد میکند که حکماً قشون پاریس باسم (به اسم) اسیر جنگ محسوب شوند.
جنرال «تروشو» حاکم سابق پاریس مجروح و ناخوش و بستری است.

□ تلگراف مخصوص تجاری از لندن (دو کلمه است):
پاریس تسلیم شد.

- (۲) - بیسمارک: شاهزاده اتوبیسمارک سیاستمدار پروس و صدراعظم سیاس و جنگ‌افروز پادشاه پروس. وی یکی از مؤسسان وحدت آلمان است. بیسمارک با تحمیل سه جنگ به مردم دانمارک، اتریش و فرانسه، کشورهای جزو ژرمنی را متحد کرد و آلمانی متحد و قوی به وجود آورد (۱۸۷۱ میلادی).
- (۳) - گلو: نژاد مردم فرانسه - فرانسوی نژادها. همچنین اشاره به گاوبازی در اسپانیا و نگاهداشتن پارچه قرمز در مقابل گاوها برای حمله آنها.
- (۴) - با اندکی تلخیص و تصرف نقل از تاریخ عمومی، تألیف آلبرماله، ترجمه حسین فرهودی.
- (۵) - فرانسوی‌ها.
- (۶) - مرز.
- (۷) - ناپلئون سوم، امپراطوری فرانسه.
- (۸) - آلمانی‌ها.
- (۹) - مارشال فرانسوی که مدتی هم ریاست جمهوری فرانسه را بر عهده داشت.
- (۱۰) - Metz
- (۱۱) - میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، وزیرامور خارجه ناصرالدین شاه.
- (۱۲) - محاصره.
- (۱۳) - مجلس شورا.
- (۱۴) - بدون مداخله.
- (۱۵) - حاکم.
- (۱۶) - کاردار.
- (۱۷) - رذالت.
- (۱۸) - سفیر.
- (۱۹) - یحیی‌خان برادر میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیرخارجه ناصرالدین شاه.
- (۲۰) - شهر بزرگ.
- (۲۱) - داوطلبان.
- (۲۲) - دانمارک.

- (۲۳) - دوستی.
- (۲۴) - الجزایر.
- (۲۵) - پارلمان، مجلس.
- (۲۶) - ناصرالدین شاه بر حاشیه این دو نام چنین نوشتن است: «این دو ایالت جزء خاک فرانسه است از قدیم».
- (۲۷) - حاشیه‌ای که ناصرالدین شاه برای این نام نوشته چنین است: «اب، اسم رودخانه‌ای است در فرانسه».
- (۲۸) - جزیره‌ای است وحشی و پوشیده از صخره‌های عریان که در شمالی‌ترین قسمت جزیره بزرگ ساردنی قرار داشت. در آن زمان تنها راه رسیدن به آن جزیره قایقی بود که هر ماه یکبار از سرزمین اصلی ساردنی به آنجا می‌رفت. «گاریبالدی» در آن مکان مسکن داشت.
- (۲۹) - گاریبالدی: انقلابی شجاع ایتالیا که زندگیش همزمان با قدرت نوظهور دولت پروس بود. گاریبالدی را می‌توان متحد کننده ایتالیا بشمار آورد.
- (۳۰) - تایمز.
- (۳۱) - حاشیه‌ای که ناصرالدین شاه بر این مبلغ نوشته چنین است: «این عدد فرانک را غلط و زیاد نوشته‌ایم، صد و پنجاه کروور تومان به دولت فرانسه، ملت داده است، کروور ۵۰۰/۰۰۰».
- (۳۲) - دنیای جدید آمریکا.
- (۳۳) - میانجیگری.
- (۳۴) - اول ماه.
- (۳۵) - جمع قلعه.
- (۳۶) - پیاده.
- (۳۷) - لشکرگاه، پادگان.
- (۳۸) - جمع وطن.
- (۳۹) - حاشیه‌ای که ناصرالدین شاه بر این خبر نوشته، چنین است: «همین است که اشتباه نوشتن جنگ شد، فرانسه شکست خوردند».
- (۴۰) - تمامی - کاملاً.

- (۴۱) - ناچار.
- (۴۲) - در اصل یادداشت روی این جمله خط کشیده شده است، که ما آن را داخل گیومه نوشتیم.
- (۴۳) - دریای بالتیک.
- (۴۴) - میان طرفین - میان دو دسته.
- (۴۵) - حتمی - تصمیم قطعی.
- (۴۶) - تا آخر عمر.
- (۴۷) - در حال فرار.
- (۴۸) - زخم عمیق و درشت.
- (۴۹) - منظور ناپلئون سوم امپراتور فرانسه است.
- (۵۰) - پرچم.
- (۵۱) - همراهی.
- (۵۲) - Corps - Legislatif - هیأت سیاسی که در سال ۱۸۵۲ تأسیس و در چهارم سپتامبر ۱۸۷۰ منحل شد.
- (۵۳) - اعضای مجلس سنا.
- (۵۴) - مقصرین و متهمین سیاسی.
- (۵۵) - حاکم.
- (۵۶) - دادگستری.
- (۵۷) - غدقن کردن: معین کردن، مشخص کردن، جلوگیری کردن.
- (۵۸) - راهزن - سارق.
- (۵۹) - هند امروز.
- (۶۰) - افسر.
- (۶۱) - آمریکا.
- (۶۲) - سطح و پهنا - منطقه.
- (۶۳) - بارون اتو دوبیزمارک (بیسمارک): در سال ۱۸۵۸ میلادی از سوی «گیوم» پادشاه آلمان به صدارت انتخاب شد. وی معتقد بود که مسائل بزرگ را تنها با آهن و خون می‌بایست حل کرد. بیسمارک که فردی

توسعه طلب و جنگ افروز بود، طی شش سال سه جنگ به راه انداخت: جنگ با دانمارک، جنگ با اطریش و جنگ با فرانسه، که وقوع دو جنگ اخیر را ییسمارک شخصا خواهان بود و مقدمات آغاز آن‌ها را نیز خود فراهم کرد.

(۶۴) - اطریش.

(۶۵) - دیوار کشیدن، سدبندی محکم.

(۶۶) - زمینگیر - بی فایده.

(۶۷) - الزاس.

(۶۸) - قلعه‌های شهر طول.

(۶۹) - یک کلمه خوانده نشد.

(۷۰) - پستی.

(۷۱) - با عجله - با شتاب.

(۷۲) - لشگر - قشون.

(۷۳) - ناپلئون سوم.

(۷۴) - Tiyes: از رجال فرانسه که در سال ۱۸۷۱ میلادی به ریاست جمهوری

فرانسه رسید و قبل از آن نیز سال‌ها عنوان‌های وکالت، وزارت و

نخست‌وزیری را داشت.

(۷۵) - پایتخت اطریش.

(۷۶) - لشگریان.

(۷۷) - شهرت یافته، شهرت داده شده، مشهور و معروف (فرهنگ عمید).

(۷۸) - حکومت شورایی، مشورتی، مشروطه.

(۷۹) - وسایل جنگی.

(۸۰) - معادل ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان.

(۸۱) - دژبان.

(۸۲) - افسر.

(۸۳) - سرباز معمولی، نظامی بدون درجه.

(۸۴) - اصرار - تاکید.

(۸۵) - معادل ۴ میلیون تومان.

- (۸۶) - آلمان.
- (۸۷) - اطریش.
- (۸۸) - بمباران.
- (۸۹) - مخفیانه، محرمانه.
- (۹۰) - تشریفات نظامی.

فهرست اعلام

آ

- آتاتورک - کمال ۳۲۱
آصف‌الملک ۲۹۶، ۲۹۷
آصف‌الدوله ۱۸، ۵۰
آقابزرگ (نایب‌الحکومه) ۱۱۳
آقایوف - مشهدی حسین آقا ۱۹۹، ۲۰۰
آلمارسون - کلنل ۱۶۷، ۱۶۸

ا

- ابوالقاسم خان - دکتر ۲۷۱
اتر - مسیو ۱۷۸
احسان‌الله خان ۱۷۶
احمدشاه ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۲۸۷
احمدخان - میرزا ۱۷۰
ادوال - کلنل ۱۰۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸
۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۹
ارتگرن - کلنل ۱۶۳

- اریک - کاپیتان ۹
استپلا - مسیو ۱۶۹
استرامبولی - برادران ۲۰۱
استولبرک - ماژور ۲۰۴، ۲۰۹
اعتلاءالملک - میرزا ابوتراب خان ۲۶۵، ۲۸۲،
۲۸۴
اعتلاءالملک خلعتبری - نصرالله ۲۶۹
اعتمادی - آقاعلی ۳۶
افخمالدوله ۱۱۴
افسینکو - مسیو ۲۰۰
افشار - امیر ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۲۴
اقتدارالدوله علی آباد - محسن خان ۲۳۶
البرک - مسیو ۲۷۵
الحسینی - محمد صادق ۲۵۳
امام رضا (ع) ۱۰
امیراعظم - شاهزاده نصرت‌الله میرزا ۲۴، ۲۲۵،
۲۳۵
امیرالاسلام ۲۹۷
انتظامالملک ۳۰۹، ۳۱۴
انتظامالملک - میرزا حسین خان علاء ۲۸۷
انصاری - عبدالحسین خان ۲۸۷
انصاری - مشاورالممالک ۱۳، ۲۸۶، ۲۸۷
امیر رضوانی - رضا ۲۶۹
امیر فتحعلی ۳۹

ب

- باراتف - ژنرال ۱۲، ۲۱۹

باستانی پاریزی - محمد ابراهیم ۳

بختیاری - خسرو ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴

بختیاری - نصیر ۲۶۴

بختیاری - نجفقلی ۵۰

بختیاری - عجم خان ۳۹

برازجانی - محمد ۲۹۴، ۲۹۵

برناروی ۱۱۵

برهان المتکلمین - رضا خان ۱۷۶

بصیر السلطنه ۲۳۶

بلوری - میرزا آقا ۲۹۱

بندرریگی - حیدر خان ۱۳۳

بن جعفر - اسدالله ۳۱۷

بوغاوینسکی ۷۸

پ

پاکه - مسیو ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۵

پراوتیز - ماژور ۹۳

پرنی - مسیو ادلف ۹، ۲۸۷

پسیان - کلنل محمد تقی خان ۳۲۴

پناه باشی - عبدالله ۴۸

پوست - کلنل ۱۵۹

پولی - کاپیتان ۲۹۴

ت

تریور - کلنل ۳۱۱

تنگستانی - زائر خضر خان (امیر اسلام) ۲۰،

۲۱، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۶، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۲۵،

۳۲۸

تنگستانی - حاجی علیمحمد جعفر ۲۹۴

تنگستانی - رئیس محمد علیخان ۳۱۵، ۳۱۶

تنگلکی - علی ۱۲۷، ۱۲۹، ۳۲۹، ۳۳۰

توسجانشکی ۲۱۴

تویسرکانی - زمان خان ۴۲

ج

جلالالدوله - شاهزاده ۴۹

جلالالملک - ظهیر دفتر ۱۷۶

جمال - عبدالحسین ۲۴۳

چ

چاه کوتاهی - شیخ حسین ۲۰، ۲۱، ۱۳۱،

۱۳۲، ۱۳۳، ۲۹۴، ۲۹۵

چرچیل - مسیو ۳۲۲

چرکاسف - مسیو بارن ۱۷۶

چلستر - ماژور ۱۶۹، ۱۷۰

چیلندر - کلنل ۱۶۷

ح

حائری شیرازی - آیت الله المعظمی محمد تقی ۹۴

حاجی سیف‌اله - شاهزاده ۲۴۷

حسام‌الدوله ۹۶

حسینی - حیدر ۲۵۳

حکمی - میرزا علیمحمدخان ۳۰۹

حیدرخان ۲۹۷

خ

خالو قربان ۳۲۳

د

دالکی - نور محمدخان ۱۳۳، ۱۵۹

دریابیگی - میرزا احمدخان ۱۸، ۲۹۷

دشتی - حیدر ۲۹۶

دشتی - جمال خان ۲۹۵

دشتی - علی ۲۹۶

دلواری - رئیسعلی ۲۹۴

دن کاور ۱۵۰

دهچی - محمدطاهر ۲۵۴

ر

رضا قلیخان ۲۰۵

رشیدالسلطان ۳۵

رکن‌الاسلام - خلیل ۹۹

رکن‌الدوله ۸۹

رکن الوزراء - ابراهيم ۶۹، ۷۱

رئوف بيگ - ۱۴۴، ۱۴۶

ز

زائر عبدالله خان ۲۰

زايلر - مسيو ۱۹۶

زرگر - حسن آقا ۲۴۳

زرگر - يحيى ۲۴۴

س

ساعدا الملك - ميرزا حسن خان ۳۲۳، ۳۲۴

سالار اسلام ۲۹۷

سالارالدوله - ابوالفتح ميرزا ۵۰

سالار لشكر - عباس ۱۷۲

سالار مظفر ۲۹۱

سالار نصرت ۳۱۵، ۳۱۶

سايكس - سرتيپ ۱۲، ۲۶۸

سباينهار - اسمعيل خان ۱۶۱

سپهدار اعظم - محمد وليخان ۱۲، ۵۱

سپهر - مورخ الدوله ۴

سرتيپ زاده ۲۳۶

سراج - حاج موسى ۲۴۴

سردار اجال ۱۷۲

سردار اشجع ۷۰

سردار اعتماد ۲۴۰

- سردار افخم ۹۰
سردار امجد جلالو - محمدعلیخان ۲۴۹
سردار بهادر ۴۵
سردار جلال ۱۴۴
سردار جنگ ۲۶۴
سردار ظفر ۷۰
سردار معزز ۱۰۹
سعیدالسلطان ۱۱۳
سلطان - محمدخان ۱۹۶، ۱۹۷
سلطان‌الذاکرین ۲۵۳
سلیمان میرزا-شاهزاده ۲۷۳
سونسون - کلنل ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۵
سوگمایر - مسیو ۱۹۲، ۱۹۵
سولیترا ۲۴۲
سیاه کوهی - علیخان ۱۴۰، ۲۲۴، ۲۳۲
سیدخانی - رضا ۲۵۳
سیدرو - مسیو ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶
سید مصطفی خان ۱۹۶
سیگاری (رشتی) - شیخ احمد (تاجر) ۲۷۱

ش

- شاطرانلو - رشیدالخان ۲۹۱
شامیه - مسیو ۲۰۹
شاهانهار - آقاخان ۱۶۱
شاه نظراوف - ژنرال ۲۱۹
شبانکاره - اسماعیل خان ۱۲۶، ۱۳۳

شبانکاره - آقاجان ۱۳۳

شعاع السلطنه - شاهزاده ملک منصور میرزا ۵۰

شفیع - محمد ۱۲۷

شوستر - مورگان ۹

شوکت الممالک - محمد ابراهیم ۲۴، ۲۲۸،

۲۲۹

شونمان - مسیو ۱۸۳

شهرورزی - میرزا حسنعلی خان ۳۰۵، ۳۰۶

شیشهبر - شیخ علی ۲۴۳

شیرازی - حجت الاسلام آقای آفاشیخ محمد جعفر ۲۹۵

ص

صدرالعلماء - مجتهد ۱۷۸

صدر هاشمی - محمد ۱۰۱، ۲۶۹

صدیق الملک ۳۰۸

صراف - سید مرتضی ۳۹

صمصام الممالک ۱۴۴

صمصام السلطنه - ابراهیم رکن الوزرا * ۷۰

صولت الدوله ۱۵۹

صولت لشکر ۳۴

ض

ضرغام السلطنه ۲۹۷

ظ

ظفر نظام ۹۳

ع

- عباسقلی خان (سرهنک قزاق) ۲۶
عبدالله خان - ستوان (لیوتنانت) سیف ۲۰۴،
۲۱۲، ۲۰۷
عباسی - سیف‌الله ۲۴۶
عزازالسلطنه - کامران ۱۸۴ - ۱۸۵
علاءالسلطنه ۱۳
علوی - حسین ۲۵۳
علی اکبر بیگ (قزاق) ۲۴
علاءالدوله ۴۸
عین‌الدوله - شاهزاده ۵۰، ۲۳۲
علی قلیخان - سردار حاج اسعد ۳۵
عین‌الممالک ۳۱۵

غ

- غضنفرالسلطنه (برازجانی) - میرزا محمد خان
۱۶۱، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۳۲۶، ۳۲۷
غفاری - آقاخان ۴۷
غلامحسین خان - دکتر ۳۲۴

ف

- فرایکف ۱۰۵
فرانسیس فردینالد - آرشیدوک ۶
فروغی - ذکاءالملک ۲۸۷

فرخ - مهدی ۲۷۴

فریزر - کاپتان ۳۰۷

فرمانفرما - شاهزاده عبدالحسین میرزا ۱۱، ۲۲۰

فن ۱ تر ۱۱

فن رویس - هاینریس ۱۱

فن کاور ۱۱

فولک - سرهنگ ۱۰۳

فومنی - علی ۲۷۱

فهمی - علی ۲۴۸

فہم السلطان ۱۳۵

فیل یویجہان ۲۳۴

ق

قاجار - مجید عبداللہ ۸۳

قرہ بگف ۱۰۴

قطب - سید حسین ۳۹

قوام السلطنہ ۳۰

قوام الملک ۵۴، ۵۵

ک

کازرونی - میرزا علی ۲۹۶، ۲۹۷

کالدول ۱۹۹، ۲۰۰

کاظم خان - سلطان ۲۵۰

کا کاوند - سردار فاتح ۲۷۳

کامران میرزا ۱۸۷

کانتر - کنت ۱۴۴

کاوریس - دن ۱۴۸

کاوینتر ۱۴۷

کردستانی - میرزا اسدالله خان ۱۹۴

کلانتر - میرزا احمد ۲۵۳

کارجی - معز دیوان ۱۵۹

کمال السلطنه ۴۰، ۴۷

کنار تخته - حسین بیگ ۱۵۹

کنارسکی - پالکونیک ۳۰

کنین - مارشال ۲۵۳

گ

گراهام ۱۱

گلروپ - کلنل ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱

۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۵

ل

لگونتی - کنت ۱۱

لوندنبرگ - میو ۱۶۹

م

مارلینگ ۱۱

مافی - نظام السلطنه ۱۱

مبشر السلطان - اسدالله ۵۳

- مبین‌الملک ۲۳
محتشم‌الدوله ۱۱۴، ۱۸۶، ۲۲۴، ۲۲۵
محتشم‌السلطنه - حاج حسن اسفندیاری ۷۲، ۷۷
محمدعلی شاه (محمد علی میرزا) ۵۰
محیط قزوینی - میرزا هاشم خان ۱۰۱
مجتهد - ملا محمد مهدی ۹۵
مدیرالملک ۴۹
مریل - کلنل ۸۲
فریدالدوله ۱۷۶
مستوفی‌الممالک ۱۰، ۱۱، ۸۷، ۲۳۱
مستیج - پالکونیک ۲۹۹
مسعودالسلطان - احمد ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۷
۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳
مسعودالامالک ۱۸۷
مشیرالدوله - میرزا نصرالله خان ۷۷
مصدق ۲۴۱
معاذالسلطان ۲۹۶
معاذالسلطنه - میرزا ابوالحسن خان ۷۰
معمدالدوله - شاهزاده ۲۱۷
معمدالسلطنه ۸۹
معتصم‌السلطنه - فرخ ۲۱۳
معتضدالسلطان ۲۴۷
معمدخاقان ۸۰
مفاخرالملک ۲۴۳
مفاخرالدوله ۸۸
مکی - حسین ۲۸۶
ملک‌التجار - حاج محمد کاظم تبریزی ۲۲، ۲۳

ملاخورشید ۱۹

منصورالممالک ۱۸۷، ۲۶۸

موقرالذوله ۱۳۷، ۱۳۸، ۳۱۶

موسوی - صالح ۳۲۴

موسوی - مناف ۳۲۴

موسوی - موسی ۳۲۴

موسوی - مهدی جعفر ۳۲۴

موسوی - هادی ۳۲۴

مهامالملک ۱۹۱، ۱۹۲

میدورایف ۷۸

میرزا علی اصغرخان ۴۹

میلتر - مسیو ۲۷۶

ن

ناصرالملک ۲۹۸

نردینی - منصورالممالک ۱۸۷

نصرالدوله - سپهدار ۲۱۱، ۲۱۲

نصرالملک ۸۲

نصرتالدوله ۱۱۴، ۲۸۶

نظامالدوله ۲۳۶

نظامالسلطان ۲۴۸، ۲۵۰

نظامالسلطنه ۲۰

نقیبزاده (وکیل) ۲۷۱

نواب - غلامعلی خان ۱۶۰، ۱۶۳

نورن براندل - ماژور ۹

نیسترم - کاپیتان ۹، ۱۹۷

نیرالدوله ۹۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۱۷

نیرالسلطان ۲۷۱

نیکلای دوم - تزار ۱۳

و

واسموس ۱۱، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲،

۱۳۷، ۱۳۸، ۳۲۵، ۳۳۰

وثوقالدوله ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۸۷

وستاهل - کلنل ۱۵۶

ولادید داروکولار - ایوان ۱۲۴

هاشم خان - میرزا ۹۸

همایون - عمید ۲۴۲

هندل بورن - ماژور ۹

هیرتا - کاپیتان ۹۳

هیل - ماژور کنراد ۹

هیلد برانت ۱۰۴

ی

یالمارسن - ژنرال ۹

یمین السلطنه ۲۲۶

یمین الممالک ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۶

فهرست اعلام ضمیمه کتاب

(واژه‌ها عیناً به همان شکلی که ناصرالدین شاه نوشته بود
نقل و فهرست شده است.)

الف

الپسون - مستر ۳۳۸

استمنس - ژنرال ۳۴۴

ایزابیل دوم - ملکه ۳۳۲

ب

بارن - ژنرال ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۵۳

۳۵۵، ۳۵۷

بریم - مارشال ۳۳۲

بوریاکی - ژنرال ۳۵۸، ۳۶۲

بیسمارک ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۵۳، ۳۶۰، ۳۶۲

پ

پاپ ۳۳۶

پدفارکر - مسیو ۳۵۴

پوليوس - بارون ۳۵۸

ت

تروشو - ژنرال ۳۴۹، ۳۶۱

د

دپاليكوهو - دوک ۳۳۸

دوليويه - اميل ۳۳۸

دوئه - ژنرال ۳۳۶

ر

رشوار - مسيو ۳۳۸

روشفر ۳۵۰

ژ

ژول فاور ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۶۱

س

سون توبان - ژنرال ۳۳۷

ش

شارل - پرنس فردريک ۳۴۵، ۰

ف

فال کشتين ۳۶۱

فوژوا زارد - ژنرال ۳۳۶

ق

قاجار - ناصرالدین شاه ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۳۶
قره‌بالدی (گاریبالدی) ۳۴۱

ک

کارل روبثر - مارشال ۳۳۶
کامبنا ۳۶۱
کرمویل - ژنرال ۳۵۸
کواتری ۳۴۹

گ

گیوم - پادشاه ۳۳۳

ل

لوی فیلیپ ۳۵۰

م

ماکماهون - مارشال ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۴
۳۴۸، ۳۵۵
مشیرالدوله ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۶
میرزا هارطون ۳۵۵

ن

ناپلئون ۳۳۷
نیر - مسیو ۳۵۶

و

وردون ۳۵۸

ورور - ژنرال ۳۴۸

وم فان - ژنرال ۳۴۸

وینوا - ژنرال ۳۵۲، ۳۶۱

ه

هونز، زولر - لئوپولد ۳۳۲، ۳۳۴

ل

لاطور دووژن ۳۳۸، ۳۴۲

ی

یحیی خان ۳۳۸

در روز یکشنبه ۲۴ مهر در قون امپراطور دارد ملایک و در بارگاه منجمه حاجی سفیر الدوله
مستوفی شدند و چون ملایک بنحو با مرام را طبعه انکلا است قون مقصد سلطان
با بقعه خوبی باین صفحه دارند بگورست ملایک برین و با آله اعظم دانند ریاست نظیر
بمنصور دیوان و انذار و سایر ادرات نیز که موقوف بر تبرک منتهی است و حکومت
جد و جهاد و برای سایر انکلا و تنظیم امور و اطراف منظم درین هم میران با ملکیست
بدین حکومت آمدند و با حضور آیان و بکار و این شرح مبسوط دایره با طبعه
انکلا اظهار دانند سیم خط عروق را چنین سابقه فرسخ آن سو بر جبهه بغیر از این قون
هر ازم حکومت منتهی صلح شد عزمین —

ارسال و ریاضت ۷



حکومت بنادر و جزائر حاج دولت

شماره ۲۵ مورخه ۱۳۰۰
۱۳۰۰

در جواب رساله تفرقه نامه از دست اندازیدم چنانچه در مورد انچه است کلمات بنابر اینست
از وزارت عید امیر و در رساله است و در توضیح آنست که در این مورد از وزارت عید امیر
ماده آنرا و لذا با این کلمات باشد پس از اینهمه در این احوال که در این رساله است و در این
طهران
اسم نویسنده
صادق محمدی



وزارت داخله

نوع کتب است	کتاب
دوره	۷
شماره های دیل	
شماره ثبت مال ضمیمه	

ار سال در سال

ایالت عید امیر و در این رساله است و در این
از وزارت عید امیر و در این رساله است و در این
در این رساله است و در این
از وزارت عید امیر و در این رساله است و در این
از وزارت عید امیر و در این رساله است و در این

le Ministere de l'Interieur

Ministère de l'Intérieur.

Bureau Central de l'Organisation de la Gendarmerie de Persie

وزارت داخله
اداره مرکزی تشکیلات و سازمانری دولتی ایران

de vous envoyer ci-
ue je viens de recevoir

er, Excellence, les assu-
considération:

NOTEUR

MENTALE.

